



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت اسناد و کتابخانه ملی

# اورشلیم جدید

## قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا

مایکل کالینز پایپر

ترجمه اسماعیل اسفندیار



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

# اور شلیم جدید

## «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

مایکل کالینز پایپر

مترجم: اسماعیل اسفندیار



پسرشناسه	عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نظر	اورشلیم جدید: قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا
مشخصات ظاهری	مولف: مایکل کالینز
شابک	ترجمه: اسماعیل اسفندیار
وضعیت ثروت نویسی	ویراستار علمی: علی مرشدی زاد
پابداشت	ویراستار ادبی: حورا ناصری مرتضوی
پابداشت	تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات ۱۳۸۷
موضوع	: ۹۶۴ - ۷۷۱۸ - ۹۷۸ - ۸ - ۱۵ -
موضوع	: فیبا
موضوع	: عنوان اصلی: The new jerusalem :Zionist power in America.
موضوع	: نمایه.
شناخته لازمه	: صهیونیسم - ایالات متحده.
شناخته لازمه	: یهودیان - ایالات متحده.
ردیبندی کنگره	: یهودیت و سیاست ایالات متحده.
ردیبندی لیبری	: اسنادیار، اسماعیل، ۱۳۶۲ . مترجم
شماره کتابشناسی مل	: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات..
شماره کتابشناسی مل	: DS ۱۲۹/۵/الف۹
شماره کتابشناسی مل	: ۱۲۸۷ - ۲ - ۱۲۹/۵
شماره کتابشناسی مل	: ۳۲۰.۵۴۰.۹۵۶۹۴.۹۷۳
شماره کتابشناسی مل	: ۱۲۸۸۶۱



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

### پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مؤلف: مایکل کالینز ناشر

مترجم: اسماعیل اسفندیار

ویراستار علمی: دکتر علی مرشدی زاد

ویراستار ادبی: حورا ناصری مرتضوی

تیرماه ۱۰۰۰ نسخه

سال جای: ۱۳۸۷

نوبت جای: اول

نیمة: ۶۴/۰۰۰

شابک: ۸ - ۱۵ - ۷۷۱۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

## فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	درباره روی جلد
۱۹	درباره نویسنده
۲۱	یادداشت مترجم
۲۳	مقدمه
۲۳	يهود و ضديهود - قرنها کشمکش
۳۳	«نخبگان جدید» آمریکا
۵۱	فساد به سبک آمریکایی
۵۹	قضیه اینسلاو
۶۹	دار و دسته بروتفلمن

### فصل اول - دو غول بزرگ رسانه‌ای: امپراطوری‌های میر - گراهام و نیوهاوس

۸۳	دو غول بزرگ رسانه‌ای: امپراطوری‌های میر - گراهام و نیوهاوس
۸۵	امپراطوری میر / گراهام
۹۱	امپراطوری نیوهاوس...
۹۵	روزنامه‌های نیوهاوس
۹۵	آلاباما
۹۶	لونیزیانا
۹۶	میشیگان
۹۶	می‌سی‌سی‌بی

۹۶	نیوجرسی
۹۶	نیویورک
۹۷	اوهاپو
۹۷	اورگون
۹۷	پنسیلوانیا
۹۹	ثروتمندترین و قدرتمندترین خانواده‌های آمریکا: آنان که حکومت می‌کنند.
۱۳۳	چه کسی پشت سر ترامپ است؟

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز

### قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز:

۱۴۱	آمار و اطلاعاتِ محکم و موثق براساس منابع یهودی
۱۴۲	سرمایه‌گذاران یهودی از دولت ریگان سود می‌برند.
۱۴۳	«ازدواج مصلحتی»
۱۴۴	سرمایه‌گذاران یهودی و اوراق قرضه پر ریسک
۱۴۴	«قریباً تمام متخصصان تصاحب سهام و حامیان آنها، یهودی بودند.»
۱۴۵	«بدوی‌هایی سوار بر جت»
۱۴۵	حرکت به سوی کالیفرنیا
۱۴۵	رسانه‌ها: «تفوڑی نامتناسب»
۱۴۶	«قدرت واقعی هالیوود»
۱۴۶	هجوم تازه مهاجران یهودی
۱۴۷	اسرائیلی‌ها «سرزمین شیر و عسل» جدیدی یافته‌اند.
۱۴۸	درة سیلیکون: ارض موعود جدید
۱۴۸	سرمایه‌گذاری یهودیان: «یک طعم بین‌المللی»
۱۴۸	هنر: «طعمی به شدت یهودی»
۱۴۹	«پسرم...»
۱۵۰	شهرنشینان...

۱۵۱	«تحصیلکرده‌ترین‌ها»
۱۵۱	استادان یهودی از استادان غیریهودی «بسیار جلوترند»
۱۵۲	یک چهارم ثروتمندترین آمریکایی‌ها و ۳۰٪ تمام میلیاردرها، یهودی‌اند.
۱۵۳	معامله املاک، منبع اصلی ثروت یهودیان
۱۵۴	میلیاردرهای معامله‌های املاک
۱۵۵	بیش از ۱۱٪ «نخبگان آمریکا» یهودی‌اند
۱۵۵	یهودیان مافیا را «خلق کردند»
۱۵۶	«خشونت و سکس» تلویزیونی «با حمایت یهودیان»
۱۵۶	«نقش غالب» یهودیان در «فرهنگ چپ جدید»
۱۵۷	جنبیش فمینیسم
۱۵۷	یهودیان وال استریت «از حدود قانون تخطی می‌کنند»
۱۵۷	تجارت ورزش حرفه‌ای
۱۵۸	قدرت مطبوعات
۱۵۸	قدرت کلام
۱۵۹	قدرت رسانه‌ای یعنی نفوذ سیاسی
۱۶۰	«مرفه‌تر» از بیشتر گروه‌های دیگر
۱۶۱	نخبگان آمریکا چه کسانی هستند؟
۱۶۲	نخبگان دانشگاهی آمریکا
۱۶۳	«استادان دانشگاه‌های تراز اول»
۱۶۳	استادان یهودی دستمزد بهتری دارند.
۱۶۳	تصمیم‌گیری کلیدی در اخبار تلویزیون؛ نزدیک به یک سوم «نخبگان رسانه‌ای»
۱۶۴	پرنفوذ در مدیریت اخبار تلویزیون
۱۶۴	کتاب‌های نوشته شده توسط یهودیان یا درباره آنها
۱۶۵	مقاله‌نویسان و مفسران طرفدار اسرائیل
۱۷۱	تأثیر جو لیبرمن (در انتخابات سال ۲۰۰۰)، پول یهودیان در انتخابات، «پنهان از مردم»

۱۷۲	مخفي نگه داشتن ثروت يهوديان
۱۷۲	ثروتمندترین گروه قومي
۱۷۳	فهرستي از نخبگان مشهور يهودي ...
۱۹۲	اعتقادات رهبران يهودي ...
۱۹۳	نفوذ سياسي يهوديان فراتر از تعداد آنهاست
۱۹۳	يهوديان در سنای ایالات متحده
۱۹۳	يهوديان در مجلس نمایندگان ایالات متحده
۱۹۵	آرایي به میزان تقریبی دو برابر جمعیت
۱۹۵	يهوديان بر قدرت رأى دهی خود می افزایند
۱۹۶	کمیته های سیاسی فعال يهوديان (PACs)
۲۰۱	مهاجران اسرائیلی و جرایم سازمان یافته
۲۰۲	يهوديان و حزب کمونیست ایالات متحده
۲۰۲	زنان يهودي، پشاپيش زنان غيريهودي
۲۰۳	باشگاه مخفی میلیاردرهای يهودي
۲۰۳	«نرخ خود اشتغالی دو برابر»
۲۰۴	يهوديانِ وال استريت
۲۰۵	«اربابان» اينترنت؟
۲۰۵	خواهران پرمهر يهودي
۲۰۵	تأثیری وسیع و دائمدار
۲۰۶	يهوديان و اخبار: «جامعه‌اي يکپارچه»
۲۰۷	دو خانه، مسافت زیاد، شام در رستوران
۲۰۷	کسانی که می توانند کتاب بخزنند
۲۰۸	يهوديان در فوربز ۴۰۰
۲۰۹	يهوديان در فهرست فوربز ۴۰۰ (سال ۲۰۰۴)
۲۲۲	آمریکا: بزرگترین موفقیت...

۲۳۲	يهودیت فرهنگ غرب را فرا گرفته است
۲۳۳	قضايا نهایی
۲۳۴	فیلسوفان صهیونیست امروز: «آمریکا اورشلیم جدید است.»
۲۴۷	چند نکته پایانی ...
۲۴۷	موج آینده



## سخن ناشر

«بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، پوج و میانتهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد» (امام خمینی(ره)، صحیفه نور، ج ۱۵: ص ۱۶).

رشد و توسعه اقتصادی و یا سیاسی بدون توجه به ارزش‌های والای فرهنگی می‌تواند موجب سنتی و اعوجاج در اصول اعتقادی و ملی جامعه شود. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انجام تحقیقات و طرح‌های پژوهشی و نیز برگزاری نشست‌های علمی با اصحاب علم و فرهنگ و ترجمه متون پژوهشی و ارائه نتایج حاصل در قالب «گزارش پژوهش» و یا «کتاب»، تلاش خود را مصروف گسترش ارزش‌های اصیل فرهنگی می‌کند.

امید است با بهره‌گیری از توان علمی پژوهشگران بتوان گام مؤثری در برنامه‌ریزی جامع توسعه کشور برداشت.

اثر حاضر ترجمه کتاب «The New Jerusalem»، تأثیف مایکل کالینز پایپر به ترجمه اسماعیل اسفندیار است که در قالب کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود، مطالب مندرج در کتاب حاضر لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات



## پیش‌گفتار

پروفسور شالوم گلدممن، دانشیار مطالعات عبرانی و خاورمیانه دانشگاه ایمری، سال ۱۹۸۸ کشف جالبی کرد. او دریافت جد ناشناس خانواده رئیس جمهور بوش، کسی نیست جز پروفسور جورج بوش که در ۱۸۳۰ کتاب زندگی محمد را نوشت. این کتاب، بسیار اتفاقی، اولین نوشته تنفرآمیز ضدمسلمانان بود که تا آن زمان در خاک آمریکا چاپ شده بود.

پروفسور گلدممن در کتاب زیان مقدس خداوند: عبرانی و تخیل آمریکایی (۲۰۰۴، انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی) درباره بوش (۱۷۹۶ – ۱۸۵۹) می‌نویسد: زندگی و آثار بوش به دلیل ردیابی ریشه‌های «صهیونیسم مسیحی» در آمریکا اهمیت دارد. بوش در زمان خود بسیار مشهور و پرکار بود و حامی جدی بازگشت یهودیان به سرزمین مقدس به شمار می‌آمد. به گفته گلدممن، «اظهارات وی در این زمینه تأثیر قابل توجهی داشت».

عجب آنکه بوش، با وجود حمایت از صهیونیسم، دوستدار یهودیان نبود بلکه بر عکس، دشمن جدی یهودیان و همچنین مسلمانان به شمار می‌آمد. او فلسفه یهود را تهدیدی برای مسیحیت و غرب می‌دانست و معتقد بود تأسیس دولتی یهودی تنها در صورتی ممکن است که از «اصول مادی گرایانه و خودخواهانه ذهن یهودیان» استفاده شود.

## ۱۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بی‌تر دید امروز دولتی یهودی به نام اسرائیل وجود دارد، و نوادگان بوش ثابت کرده‌اند که حامیان ارزشمندی برای آن کشور هستند؛ هر دو بوشِ رئیس‌جمهور، جنگ‌های ویرانگری به نفع اسرائیل به راه انداختند. رئیس‌جمهور دوم، به ظاهر و دست کم در عشق - نفرت خاص نسبت به یهودیان، با جد خود اشتراک دارد. زیرا خود را طرفدار تقدیرگرایی مسیحی می‌داند. براساس تقدیرگرایی مسیحی، اسرائیل را در رأس قرار می‌دهند و همچنان مستظر به اصطلاح «آخرالزمان» هستند تا (بر اساس تعالیم دینی) در آن زمان تنها محدودی یهودی زنده بمانند و پیرو مسیح شوند.

با این حال، پروفسور بوش تنها نظریه پردازی نبود که به فکر بازگشت یهودیان به صهیون بود. افراد دیگری نیز بودند که درواقع ایالات متحده آمریکا را - دست کم به‌طور موقت - اورشلیم جدید می‌دانستند و خاک آمریکا را محل اجتماع یهودیان، به منظور آماده شدن برای بازگشت نهایی به فلسطین (به اصطلاح سرزمین آبا و اجدادی یهودیان) به شمار می‌آوردند. هر چند امروز مردم‌شناسان و باستان‌شناسان بر جسته، همچنین دانشگاهیان و محققان یهودی و مسیحی (متخصص متون مقدس) متعددی هستند که درباره به اصطلاح حق «تاریخی» یهودیان به فلسطین تردیدهای جدی دارند، اما افسانه بازگشت به سرزمین مقدس در اوایل شکل‌گیری امریکا و حتی تا به امروز، شیوع وسیعی داشته است.

(برای کسانی که جسارت بررسی بحث‌های مربوط به افسانه ادعای تاریخی یهود به فلسطین را دارند، کتاب گذشته اسطوره‌ای: باستان‌شناسی توراتی و افسانه اسرائیل (۱۹۹۹) از پروفسور توماس ال. تامپسون شروع مناسبی است. همچنین مقاله «عهد غلط»<sup>۱</sup> در شماره مارس ۲۰۰۲ نشریه هارپرز از دانیل لازار، نویسنده یهودی، نیز مورد مناسبی است که در سایت [findarticles.com](http://findarticles.com) قابل دسترس است.

با توجه به اینکه به سوی قرن بیست و یکم پیش می‌رویم و مدت مديدة از مرگ پروفسور بوش می‌گذرد، درمی‌یابیم که دولت اسرائیل بی‌تر دید وجود دارد، ولی فقط با

---

1. False Testament

اختلاف‌های مهمی که آن را از درون پاره‌پاره کرده است! موقعیت جامعه صهیونیست در خاک آمریکا، در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی بی‌نظیر است؛ حتی نسبت به خاندان‌های انگلوساکسون سفیدپوست پروتستان ریشه‌دار که بسیار مشهور و قدرتمند هستند.

با اینکه صهیونیست‌های آمریکا اصرار دارند ایالات متحده با میلیاردها دلار کمک رفاهی – افزون بر کمک‌های نظامی و دیگر حمایت‌ها – دولت اسرائیل را سرپا نگه دارد، همین صهیونیست‌ها به ظاهر قصد اقامت در آنجا را ندارند؛ بلکه در آمریکا خوشحال هستند و بسیار لذت می‌برند.

همان‌طور که خواهیم دید، نخبگان صهیونیست در آمریکا موقفيت‌های زیادی داشته‌اند. هرچند بسیاری می‌دانند که «لابی اسرائیل» در واشنگتن قدرتمند است، اما بیشتر مردم درک نمی‌کنند که به واقع چرا این لابی چنین قدرتمند است؟ پاسخ بسیار ساده است: با وجود تمام جاروجنجال‌ها و حرافی‌ها درباره «اسرائیل کوچولو» و جایگاه مقدس آن در قلب یهودیان، واقعیت این است که ایالات متحده به کانون قدرت صهیونیست‌ها در جهان امروز تبدیل شده است.

کسانی که با نفوذ مالی همراه با قبضه انحصار رسانه‌ای حکومت می‌کنند، از ایالات متحده به عنوان وسیله‌ای برای تأسیس یک امپراتوری جهانی، یعنی همان رؤیای نظم نوین جهانی استفاده می‌کنند.

در تصویری کلی، دولت اسرائیل چیزی بیش از نماد یک رؤیای باستانی نیست که در واقع همین جا در آمریکا – اورشلیم جدید – تحقق یافته است.

مایکل کالینز پایبر



## درباره روی جلد

تصویر روی جلد، نقاشی (۱۸۵۱) رابرت فلیکس با نام «حمله به محله یهودی‌نشین ونیز» است که در موزه اگوستین تولوز نگهداری می‌شود. این نقاشی، شورش (قرن ۱۵) شهر وندان ونیزی علیه تاجران و صرافان یهودی را نشان می‌دهد که بر امور دولتی و تجاری این دولت شهر ایتالیایی مسلط شده بودند. در سراسر اروپا وقتی مردم متوجه می‌شدند که اقتصادشان - محلی، ایالتی و ملی - به دست یک عده محدود افتاده است، حوادث مشابهی رخ می‌داد. شورش‌ها تا قرن بیستم در اروپا ادامه یافت. برخی معتقدند این سابقه تلغی، نقش مهمی در عطف توجه یهودیان به قاره آمریکا بازی کرد؛ قاره‌ای که به محل توسعه منافع ژنوپلیتیک بریتانیا، در ترکیب عمیق با شرکت‌های جهانی خانواده یهودی روچیلد، تبدیل شده بود.

در نهایت، پس از سال‌ها آشوب، جنگ و ناآرامی اجتماعی (که بیشتر به توطئه‌های سطح بالای روچیلدها و عوامل آنها در خاک آمریکا بازمی‌گشت) ایالات متحده چهره‌ای بسیار متفاوت به خود گرفت و "نخبگان جدید" بر آن حاکم شدند؛ کشوری که در غیر این صورت از درون تجزیه شده بود.

پامدهای این پارادایم جدید - و چگونگی تأثیر احتمالی آن بر آینده ایالات متحده و جهان - موضوع «اورسلیم جدید» را تشکیل می‌دهد.



## درباره نویسنده

مایکل کالینز پایپر متقد رسانه‌ای و خبرنگار هفته‌نامه مستقل آمریکن فری پرس (ای‌اف‌پی) واشنگتن است. او متقد جدی تمرکز و انباشت قدرت و ثروت در دست محدودی در طبقه حاکم و تسلط آنان بر سرنوشت مردم آمریکا (و جهان) است. او در شهرهای مختلفی چون: ابوظبی، مسکو، کوالالامپور، توکیو و تورنتو سخنرانی داشته است. پایپر متقد است برچسب‌هایی چون «لیبرال» و «محافظه‌کار» اصطلاحاتی تصنیعی و کهنه است که برای سرکوب نارضایتی عمومی به کار می‌رود.

افرون بر این کتاب - که درباره ثروت و نفوذ انباشته یهودیان آمریکاست - پایپر تألف‌های دیگری نیز داشته است. کتاب‌های دیگر وی عبارت است از: کشیشان اعظم جنگ (درباره نو محافظه‌کاران جنگ طلب آمریکا) و قضاوت نهایی (درباره نقش اسرائیل در توطنه ترور جان اف. کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا).



## یادداشت مترجم

هرچند نویسنده کتاب، زبانی به نسبت ساده و روان دارد، ذکر چند نکته خالی از فایده نخواهد بود:

این کتاب برای خوانندگانی نوشته شده است که به موضوع‌های سیاسی - اجتماعی آمریکا علاقه‌مند هستند و این موضوع‌ها را از نزدیک پیگیری می‌کنند. در واقع، نویسنده کسانی را مخاطب خود فرض کرده است که حداقلی از دانش و اطلاعات درباره این موضوع‌ها دارند. بنابراین مخاطب ایرانی (به استثنای متخصصان و فعالان این حوزه) به احتمال، بسیاری از اشخاص و گروه‌های مشهور مورد بحث در این کتاب را ناآشنا خواهد یافت. با این حال، کوشیده‌ایم با ترجمه روان و روشن توضیحات نویسنده (که گاهی در متن انگلیسی به صورت فشرده و مبهم آمده است) امکان استفاده عموم خوانندگان از کتاب فراهم شود.

مسئله دوم، معرفی تعداد بسیار زیادی از افراد، خانواده‌ها، شرکت‌ها، گروه‌ها، انجمن‌ها و... یهودی در این کتاب است. در واقع شاید بتوان این کتاب را نوعی دایرةالمعارف اولیة یهودیان آمریکا دانست. هرچند این موضوع، عامل غنای اطلاعاتی کتاب شده، اما مشکلاتی را به دنبال آورده است. مهم‌ترین مشکل در این زمینه، ترجمة اسامی و نام‌های انگلیسی به

## ۲۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

فارسی است. در مواردی که امکان‌پذیر بود، اسمی رایج را به فارسی برگردانده و در غیر این صورت اسم انگلیسی را با الفبای فارسی درج کرده‌ایم. خواننده محترم می‌تواند برای مشاهده اصل اسمی لاتین، به فهرست آعلام انتهای کتاب مراجعه کند. این فهرست شامل مجموعه اسمی افراد، خانواده‌ها، نهادها، شرکت‌ها و... ذکر شده در کتاب است.

در نهایت به منظور آماده‌سازی و چاپ سریع کتاب، این ترجمه در مدت زمان کوتاهی انجام شده است. با این حال، نهایت تلاش صورت گرفته است تا ترجمه و چاپ کتاب با کمترین اشکال انجام شود.

با توجه به مشکلات فوق، امکان بروز اشتباه‌های سهوی در مراحل مختلف ترجمه، تایپ، تصحیح و ... وجود داشته است. با این اوصاف، پیشنهادها و انتقادهای راهگشای صاحب‌نظران، بی‌تردید موجب اصلاح، تکمیل کار و در نهایت امتنان مترجم خواهد بود.

اسماعیل اسفندیار

## مقدمه:

### يهود و ضديهود - قرن‌ها کشمکش

با اينکه بيشتر اطلاعات اين كتاب از منابع يهودي گرفته شده است که از ثروت و قدرت يهود سخن گفته‌اند - و به آن افتخار کرده‌اند - بدون شک انجمن ضدافتراضی (ADL) سازمان يهودي بي‌نای بي‌رث<sup>۱</sup> اين اثر را «ضديهود» خواهد خواند؛ البته اگر جرأت ذكر نام آن را داشته باشد!

در ابتدا باید بگوییم مظور ما این نیست که يهودیان آمریکا لائق ثروت عظیم و بسیار سبقه‌ای که انباسته‌اند و قدرت حاصل از آن (که در این كتاب ثبت شده) نیستند. موضوع، ثروت و قدرت عظیم يهود نیست. موضوع این است که جامعه يهود، چگونه هماهنگ با متحدان مسیحی سرسخت و بنیادگرا، ثروت و قدرت خود را بویژه برای تأثیرگذاری بر سیاست آمریکا، نسبت به اسرائیل و جهان عرب، به کار گرفته است؟

حقیقت آن است که دو تراژدی بزرگ قرن جدید - جنایت تروریستی ۱۱ سپتامبر که منجر به مرگ ۳۰۰۰ آمریکایی شد و تهاجم غیرضروری و فجیع آمریکا به عراق که باعث

---

1. B'nai B'rith

## ۲۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

مرگ انسان‌های بی‌شمار شد و ده برابر کشتگان مجروح و معلول به همراه داشت - هر دو نتیجه مستقیم سیاست آمریکا در خاورمیانه است. سیاستی که از سوی «ابی یهود» در واشنگتن دیکته می‌شد و فعالانه توسط انحصار رسانه‌ای آمریکا (که در عمل در اختیار ذی‌نفعان و خانواده‌های یهودی حامی اسرائیل است) تقویت می‌شد.

چندبار دیگر چنین تراژدی‌هایی باید رخ بدهد؟ تنها به دلیل قدرت انباشته یهودیان آمریکا و استفاده کوتاه‌بینانه از آن، برای اینکه سیاست‌هایی به مقام‌های انتخابی و انتصابی آمریکا تحملی کنند که بیشترین تضاد با منافع آمریکا دارد. چقدر مردم بی‌گناه باید کشته شوند؟ تا کی یک گروه ذی‌نفع خاص بر سیاست خارجی آمریکا مسلط خواهد بود؟ این سوال‌های بسیار جدی به تنهایی نشانگر آن است که بررسی دقیق ثروت و قدرت انباشته نخبگان یهودی آمریکا در محدوده یک بحث عمومی بسیار منطقی و پذیرفتنی است؛ هر چند افراد ثروتمند و اغلب عصبی ای‌دی‌ال که دیگران را شیطان جلوه می‌دهند، متفاوت بیندیشند.

نفوذ یهود، تنها در سیاست خارجی احساس نمی‌شود. تأثیر سازمان‌های یهود بر شکل‌گیری سیاست کنونی (و فجیع) مهاجرت آمریکا چشمگیر بود. همچنین تأثیر یهود در موضوع‌های بی‌شماری چون جدایی کلیسا و دولت و شکل‌گیری روش‌های «کترل افکار» (که آزادی‌های الحاقیه اول قانون اساسی را نقض می‌کند) دیده می‌شود. با این حال کسانی که درباره نفوذ یهود سؤال طرح می‌کنند، با اتهام «ضدیهود» مواجه می‌شوند. دست کم کسانی که در گذشته چنین برچسب زشتی خورده‌اند، با فاحش‌ترین آشکال تحقیر و سرزنش عمومی مواجه شده‌اند. افزون بر این، تحریم اقتصادی و حتی ترور شده‌اند.

با این حال در سال‌های اخیر، از نظر گروه‌هایی چون ای‌دی‌ال، اظهارهای ضدیهودی، رشد فزاینده‌ای یافته است. در سال‌های گذشته ده‌ها کتاب و هزاران مقاله شبیخ «ضدیهودی گری نو» را چاپ کرده‌اند. حتی فرهنگ معتبر و بستر، تعریف ضدیهودی‌گری را گسترش داده و «مخالفت با صهیونیسم» و «هم‌فکری با مخالفان اسرائیل» را نیز در این تعریف

وارد کرده است؛ تعریفی که به احتمال شامل چند میلیارد نفر در سراسر کره زمین می‌شود. در این خصوص عجیب نیست که چند سال قبل، حتی پیش از «شیوع» به اصطلاح «ضدیهودی‌گری نو»، محبوب‌ترین ترانه اسرائیل «همه دنیا علیه ماست» بود که (دست کم) نشان‌دهنده ذهنیتی آشکار است.

واقعیت آن است که لولوی «ضدیهودی‌گری» که ای‌دی‌ال از آن بهره فراوانی برده است، چنان کهنه و فرسوده شده است که امروز - بر اساس ادعاهای ای‌دی‌ال - هر کسی (دست کم به شکل بالقوه) ضدیهود است!

تاریخ نشان می‌دهد افراد گوناگونی توسط ای‌دی‌ال - یا دیگر «شکارگرانِ متغران» مثل مرکز سیمون وایزنر - به «ضدیهود» بودن و یا حمایت ناکافی از خواسته‌های یهودیان، و به تازگی دولت اسرائیل، متهم شده‌اند. اینجا سخن از آدولف هیتلر نیست! ولی فهرست متهمان «ضدیهودی‌گری» واقعاً تکان‌دهنده است و در واقع فهرستی از محترم‌ترین شخصیت‌های هر دوره را شامل می‌شود. این فهرست به هیچ وجه کامل نیست، ولی گویاست.

فهرستی طولانی از مقام‌های رسمی سال‌های اخیر - لیبرال و محافظه‌کار، جمهوری‌خواه و دموکرات - وجود دارد که به صراحة «ضدیهود» خوانده شده یا به بیان سخنان «ضدیهودی» یا دشمنی با «اسرائیل کوچولو» متهم شده‌اند. شخصیت‌های برجسته زیر از جمله این متهمان هستند:

- رئیس جمهور ریچارد نیکسون
- رئیس جمهور جیمز کارتر
- رئیس جمهور جرالد فورد
- سناتور رابرت اف. کندی (دموکرات - نیویورک)
- سناتور چارلز پرسی (جمهوری‌خواه - ایلینویز)
- سناتور آدلای استیونسون (دموکرات - ایلینویز)

## ۲۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- نماینده پال فیندلی (جمهوری خواه - ایلینویز)
- نماینده اد زاشاو (جمهوری خواه - کالیفرنیا)
- نماینده مروین دیمالی (دموکرات - کالیفرنیا)
- نماینده جان آر. راریک (دموکرات - لوئیزیانا)
- نماینده جیم ترافیکنت (دموکرات - اوهایو)
  - سفیر سازمان ملل بیل اسکرانتون
- فرماندار جان بی. کانلی (دموکرات - تگزاس)
  - وزیر دفاع کاسپر واینبرگر
  - رئیس جمهور جان اف. کندی
- رئیس جمهور جورج اچ. دابلیو. بوش
  - رئیس جمهور هاری اس تروممن
- سناتور جی. ویلیام فولبرايت (دموکرات - آرکانزاس)
- سناتور جیم ابورزق (دموکرات - داکوتای جنوبی)
- سناتور ارنست اف. هالینگر (دموکرات - کارولینای جنوبی)
- نماینده پیت مک کلاسکی (جمهوری خواه - کالیفرنیا)
- نماینده ماری رز اوکار (دموکرات - اوهایو)
- نماینده گاس ساواج (دموکرات - ایلینویز)
- نماینده استیو استاکمن (جمهوری خواه - تگزاس)
- نماینده ارل هیلیارد (دموکرات - آلاباما)
  - سفیر سازمان ملل اندره یانگ
- وزیر دفاع جیمز فارستال
- وزیر امور خارجه جیمز بیکر

دست کم سه عضو کنونی کنگره (از انتخابات ۲۰۰۴) با اتهام «ضدیهودی گری» مواجه شده‌اند:

- نماینده فورتنی «پت» استارک (دموکرات - کالیفرنیا)

- نماینده سیتیا مک کینی (دموکرات - جورجیا)

- سناتور هیلاری ردام کلیتون (دموکرات - نیویورک)

بله، حتی هیلاری! و به یاد داشته باشید در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴ حتی هووارد دین، فرماندار سابق ورمونت - که همسرش یهودی است - به بی توجهی به منافع اسرائیل متهم شد.

در نتیجه، مبارزه‌های انتخاباتی قوی دین در انجمن‌های حزبی آیووا - به گفته روزنامه یهودی فوروارد - به دلیل حضور مؤثر رأی دهنده‌گان یهودی به نفع سناتور جان کری (دموکرات - ماساچوست) تخریب شد؛ در حالی که برنامه‌های کری نیز تا آن زمان ضعیف بود.

نخبگان یهود نتوانستند بپذیرند که سیاستمدار مستقلی چون دین - که بر خلاف بیشتر سازمان‌های یهودی آمریکا (و اسرائیل) مخالف جنگ عراق بود - نامزد ریاست جمهوری حزب دموکرات شود. بنابراین کری یهودی تبار برگزیده شد!

در گذشته، افزون بر سیاستمداران، برخی شخصیت‌های نظامی به نسبت مشهور آمریکا به «ضدیهود» بودن یا به نوعی دشمنی با دولت اسرائیل متهم شده‌اند. از جمله:

ارتشد جورج پتن (فرمانده مشهور ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم)

ارتشد جورج سی. مارشال (رئیس ستاد ارتش آمریکا در جنگ جهانی دوم)

ارتشد جورج استریت میر (فرمانده کل نیروی هوایی در جنگ جهانی دوم)

ارتشد آبرت ودمیر (رئیس طرح و عملیات ارتش آمریکا)

ارتشد جورج وی. استرانگ (رئیس اطلاعات ارتش آمریکا ۴۴ - ۱۹۴۲)

سرلشکر جورج ماسلی (فرمانده ارتش سوم ۳۸ - ۱۹۳۶)

سپهبد شرمن مايلز (فرمانده اول منطقه دریایی ۴۵ - ۱۹۴۲)

ارتشد جورج براون (رئیس ستاد مشترک ۷۸ - ۱۹۷۴)

## ۲۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

دریاسالار توماس مورر (رئیس ستاد مشترک ۷۴ - ۱۹۷۰)

ارتشد پدرو دل واله (فرمانده نیروی دریایی آمریکا در اکیناوا در جنگ جهانی دوم) در سال‌های اخیر چندین مجری، شخصیت ادبی، مفسر و ... - از جمله یک خاخام و یک خبرنگار یهودی - نیز به «ضدیهودی‌گری» یا شکلی از دشمنی با اسرائیل متهم شده‌اند.

از جمله:

- مل گیسون

- مایکل جکسون

- گور ویدال

- مارک لین

- خاخام المر برگر

- مایک والاس (برنامه «شصت دقیقه»)

- مارلون براندو

- استیو کارلتون

- رابرت میچام

- آفرد لیلیتال

- دکتر بیلی گراهام

- پیتر جینینگز (برنامه «خبر ای‌بی‌سی»)

چندین رهبر سیاهپوست نیز به «ضدیهود» بودن متهم شده‌اند. از جمله:

- کشیش مارتین لوتر کینگ

- کشیش لویس فراخان

- کشیش جسی جکسون

- مالکوم ایکس

ملاحظه کنید در ۲۸ آوریل ۱۹۹۳ هفته نامه سان فرانسیسکو گزارش داد هنری شوارزشیلد

(مقام سابق ای دی ال) فاش کرد که کینگ از افراد تحت تجسس دائمی آی دی ال بوده است و نتایج این تجسس بعدها به افبی آی داده شد.

در واقع وقتی افبی آی در گیر جاسوسی درباره کشیش کینگ بود، ای دی ال نیز (که به گفته شوارزشیلد او را یک «افسار گسیخته» می‌دانست) مشغول اقدام‌های مشابهی بود. این نشان می‌دهد که حتی یک رهبر حقوق مدنی افریقایی - آمریکایی محترم نیز از اتهام‌های ای دی ال در امان نبود!

اگر هر کس دیدگاه مهمی در هر موضوعی داشته باشد و بخواهد آن را به شکل عمومی بیان کند، تحت مراقبت و تجسس ای دی ال قرار می‌گیرد و این کار از سوی «پلیس افکار» غیر رسمی نخبگان صهیونیست آمریکا انجام خواهد شد.

حتی شروع فهرست‌نویسی مجموعه رهبران غیر آمریکایی کنونی جهان که متهم به ضدیهودی گری (بر اساس تعریف وبستر) شده‌اند، بسیار طولانی خواهد شد. برای مثال ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق و مشهور مالزی، از معروف‌ترین کسانی است که با این اتهام مواجه شده است. او نیز تنها یکی از افراد محترمی است که به تازگی متهم شده است. فهرست اسامی شخصیت‌های مهم گذشته که به «ضدیهودی گری» متهم شده‌اند، جالب توجه خواهد بود. این فهرست، شامل نویسنده‌گان، فیلسوفان، هنرمندان، آهنگسازان و مختار عان زیر است:

- والت دیسنی

- چارلز ای. لیندبرگ

- اچ. ال. منکن

- ناتانیل هاوثورن

- لرد بایرون

- هنری جیمز

- تی. اس. الیوت

■ ۳۰ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- واشنگتن اروینگ

- کارل یونگ

- جک کروک

- رودیارد کیپلینگ

- دی. اج. لاورنس

- جیمز راسل لوول

- هنری میلر

- سی. نورثکوت پارکینسون

- ازرا پوند

- جورج برنارد شاو

- ریشارد واگنر

- رابرت لوثیس استیونسون

- توماس ادیسون

- هنری فورد

- تھودور درایزر

- ارنست همینگوی

- توماس کارلایل

- هنری آدامز

- جورج الیوت

- تروممن کاپوت

- اف. اسکات فیتزجرالد

- پرسی شلی

- اج. جی. ولز

- فرانس لیست
- سامرست موام
- یوجین اونیل
- سر والتر اسکات
- جورج سند
- یوهان برامس
- ویلیام فاکنر
- جورج آرول

بله، این فهرست همچنان ادامه دارد...

بنابراین بار دیگر که کسی به «ضدیهود» بودن (یا چیزی مشابه) متهم شد، بدانید فرد متهم، شخصی برجسته است. تنها «تونازی»‌های دیوانه با آن لباس‌های مسخره نیستند که به بی علاقگی به صهیونیست‌ها متهم می‌شوند؛ بلکه والت دیسنی هم متهم است! نخبگان یهودی آمریکا درباره تعصب لوئیس لوین (اولین یهودی کنگره آمریکا) چیزی نمی‌گویند. لوین با اقدام‌هایی که برای جلوگیری از ورود کاتولیک‌های ایرلندی به آمریکا صورت داد، پیشگام تعصب واقعی در آمریکا بود. وقتی همسایه یهودی‌تان از «ضدیهودی‌گری» نالید، می‌توانید داستان لوین را تعریف کنید.

با اینکه بیشتر رسانه‌ها زجر و عذاب یهودیان را بسی نظیر می‌شمنند، تنها «یهودیان ستمدیده بیچاره» نیستند که آزار دیده‌اند. در واقع نخبگان یهود باعث زجر کشیدن دیگران شده‌اند. اعمال قدرت و نفوذ آنان همیشه خیرخواهانه نبوده است. با تمام این اوصاف، باید نظری بیفکنیم به اطلاعات موثق و محکم درباره کسانی که امروز در آمریکا حاکمند. بدون شک «یهودیان ستمدیده بیچاره» در آمریکا بسیار موفق بوده‌اند و به همین دلیل هم غیرواقعی نیست که آمریکا را اورشلیم جدید بنامیم.



## «نخبگان جدید» آمریکا

مرور منصفانه و بی طرفانه این موضوع دشوار

۲۹ اکوست ۱۸۹۷ در اولین جلسه کنگره صهیونیسم در بازل سوئیس قطعنامه‌ای تصویب شد که اعلام می‌کرد:

«هدف صهیونیسم تأسیس وطنی برای یهودیان در فلسطین است...»

بیشتر جهانیان به نظریه اساسی این قطعنامه با تأیید می‌نگریستند، حتی عناصر ضدیهود اروپا و مناطق دیگر که خروج یهودیان از محدوده مرزهای ملی خود را راه حل مسئله‌ای کهنه می‌دانستند که در ادبیات به شکل مؤدبانه «معماهی یهود» خوانده می‌شد. مدت‌هاست این موضوع فراموش - و حتی پنهان - شده است که پرسروصداترین حامیان تأسیس دولت یهود، کسانی بودند که به «ضدیهود» بودن شهرت داشتند.

در پایان سال ۱۹۴۸ دولت صهیونیستی جدیدی با نام «اسرائیل» در فلسطین تأسیس شد. ولی - همان‌طور که همه ما امروز خوب می‌دانیم - شرایط تولد این ملت، نسل‌های متمامدی تراژدی و تضاد را در منطقه ایجاد کرد؛ مسائلی که امروز بدون اغراق تمام جهان را در آستانه جنگ اتمی قرار داده است.

### ۳۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ولی با وجود شکل‌گیری دولت صهیونیستی، صهیونیست‌های آمریکا محکم به آمریکا چسیده‌اند و به کشور اسرائیل نقل مکان نمی‌کنند تا رؤیای صهیونیسم را تحقق بخشنند. همان‌طور که سوابق نشان می‌دهد و موضوع این کتاب نیز همین است، آمریکا کاملاً به اورشلیم جدید و مرکز ثروت و قدرت صهیونیسم تبدیل شده است. کشور اسرائیل نیز موضوعی حاشیه‌ای و موجود جغرافیایی کوچکی است که شاید بقا یابد و شاید هم نه. به این ترتیب امروز تمرکز جدیدی در چشم انداز صهیونیسم می‌بینیم. در مجموع، صهیونیسم بر آمریکا فرمان می‌راند و آمریکایی کنترل شده از سوی صهیونیسم (به طوری که امروز دیده می‌شود) به دنبال حکومت بر جهان است.

در مورد چنین موضوع «بحث برانگیزی» بهتر است بگوییم که منظور از منبع «محترم» و «معتبر» چیست؟ در مواجهه با موضوع بسیار دشوار قدرت صهیونیسم در آمریکا و پیامدهای آن، بهتر است که مستقیم سراغ منبع اصلی برویم: یکی از معتبرترین روزنامه‌های اسرائیل، بیستم اگوست ۲۰۰۴، روزنامه اسرائیلی هآرتس تفسیر مهمی با عنوان «دوران طلایی یهودیت در آمریکا» به قلم اوی بکر به چاپ رساند. بکر به جشن مهم سیصد و پنجاه‌مین سالگرد تأسیس جامعه یهودیان آمریکا پرداخته بود. این روزنامه اسرائیلی، به گفته پل جانسون مورخ، «که به حمایت از اسرائیل شهرت دارد»، اشاره داشت که «دانستان توسعه و تحکیم یهودیت آمریکا در قرن بیستم، از تأسیس دولت اسرائیل کم اهمیت تر نیست، و چه بسا پراهمیت تر باشد».

هرچند تأسیس اسرائیل به یهودیان وطن و حکومت داد، هآرتس می‌گوید جانسون آمریکا را دارای جایگاهی ویژه در فرهنگ و تاریخ یهود می‌داند. به گفته این روزنامه اسرائیلی، «يهودیت آمریکا در توانایی تعیین سیاست‌های قدرت شماره یک جهان به جایگاه بی‌سابقه‌ای رسیده است».

هآرتس می‌نویسد: «چنین ادغام عمیقی در همه حوزه‌های زندگی و کسب این نفوذ سیاسی در حد یهودیان آمریکا بی‌سابقه است... اکنون روشن است که تبعید ۳۵۰ ساله یهودیان

در آمریکا به عصری طلایی رسیده است که هرگز پیش از این در تاریخ یهود تجربه نشده بود».

این مطالب در صفحه‌ای یکی از پرنفوذترین روزنامه‌های اسرائیلی آمده است و «یاده سرایی» یک «دیوانه ضدیهود» نیست. بلکه روزنامه یهودی چاپ اسرائیل است که اقتدار جامعه یهودیان آمریکا را اعلام می‌کند.

به درستی این نفوذ فوق العاده یهودیان چه پیامدی دارد؟ جامعه یهودیان چقدر بر زندگی آمریکاییان تأثیر دارند؟ آیا - این گونه که برخی می‌گویند - «آمریکا در کنترل یهودیان است»؟ در این کتاب اطلاعات وسیعی که بیشتر از منابع یهودی است، بیان می‌کنیم تا خواننده خود قضاوت کند.

در ۱۹۳۷ یک افشاگر به نام فردیناند لاندبرگ با انتشار کتابی با عنوان شصت خانواده آمریکا آشوب به راه انداخت. کتاب او اولین بررسی جامع درباره موضوع انباشت فزاینده ثروت و نفوذ در دست گروه کوچکی از آمریکاییان بود. بیشتر آنان نیز خانواده‌هایی با ازدواج درون گروهی بودند یا با هم روابط تجاری داشتند و به تدریج بر جمهوری آمریکا مسلط می‌شدند.

لاندبرگ کابش را با ادعایی - که کاملاً حقیقت داشت - آغاز کرد که چشم عموم خوانندگان آمریکایی را بر واقعیتی نو گشود:

«امروز ایالات متحده تحت مالکیت و سلطه مجموعه‌ای از شصت خانواده ثروتمند است که توسط نواد خانواده (کمتر ثروتمند) پشتیبانی می‌شوند. غیر از این حلقه اشراف، به احتمال سیصد و پنجاه خانواده دیگر، با ثروت و نفوذ کمتر، هستند که عمدۀ درآمدهای ۱۰۰,۰۰۰ دلار به بالا (که از آن اعضای حلقه قبلی نیست) به آنان تعلق دارد. این خانواده‌ها کانون حیات الیگارشی صنعتی مدرنی هستند که بر ایالات متحده سلطه دارد. آنان با زیرکی تحت حکومت قانونی دموکراتیک عمل می‌کنند، که پس از جنگ‌های داخلی، حکومتی در عمل مستبد و اشراف‌سالار در پس آن شکل گرفته است. این حکومت غیررسمی، حکومت

## ۳۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

اصلی ایالات متحده است: غیررسمی، نامرئی، در سایه. حکومت پول در دموکراسی دلار. این شخصت خانواده، ثروتمندترین کشوری که در کارگاه تاریخ شکل گرفته است، زیر سلطه و مالکیت خویش دارند...

ملاکان برجسته آمریکای امروز نسبت به اشرافِ مغورو اطرافِ لویی چهاردهم (سزار نیکلاس، کیسر ویلهلم و امپراطور فرانسیس جوزف) برتری تاریخی دارند و قدرتی به مراتب بیشتر دارند.

در زمان لاندبرگ، هسته محکمی از ثروتمندان یهود در فهرست «شخصت خانواده» بودند. در سلسله مراتب ۶۰ خانواده ثروتمند، خانواده گوگنهایم که در ذوب مس شهرت داشتند ۱۱۳ام بودند و با فاصله کمی خانواده‌های بانکدار قرار داشتند: لمن‌ها ۱۸ام، واربرگ‌ها ۲۶ام، مورتیمر شیف ۴۴ام و جورج بلومتال از لازارد فرز ۴۸ام بودند. مایکل فرایدسم (غول فروشگاه‌های بزرگ) ۵۰ام و جولیوس روزنوالد (سیرزاند رویاک) ۵۸ام بود. برنارد ام. باروک بانکدار و سودجوی جنگی و «دلال» سیاسی پشت پرده در جایگاه ۵۹ام بود تا در فهرست «شخصت خانواده آمریکای لاندبرگ» حضور داشته باشد.

با این حال شرایط تغییر کرد و ثروت و نفوذ یهود توسعه یافت: اما، مثل امروز، همچنان موضوعی ناگفته ماند.

کتاب لاندبرگ همچنان اثر تحقیقی ارزشمندی برای دانشجویان تاریخ آمریکاست. ولی توجه کنید: لاندبرگ طبیعتاً و به دلایلی روشن، مایل به کم‌اهمیت جلوه دادن نقشِ منافع یهود در اشراف‌سالاری آمریکا و تسلط آن بر امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایالات متحده بود. اما کتاب وی با وجود ضعف‌ها، اثربخشی تعیین‌کننده بود.

در ۱۹۶۸، لاندبرگ دنباله شخصت خانواده آمریکا را متشر کرد. کتاب جدید ثروتمندان و آبرثروتمندان، مرور شرایط کنونی دنیای سری ابرثروتمندان بود. لاندبرگ در کتاب ثروتمندان و ابرثروتمندان ارزیابی جالبی از شرایط داشت:

«بیشتر آمریکاییان - شهر وندان ثروتمندترین، قدرتمندترین و خوش‌جاترین کشور جهان

- عمدتاً غیر از وسایل خانه خود چیزی ندارند! وسایل پر زرق و برقی مثل اتومبیل و تلویزیون (که به طور معمول قسطی خریداری می‌شود، و گاهی دست دوم) و لباس‌هایی که پوشیده‌اند. بسیاری از آمریکاییان (اگر نه بیشتر آنها) در کلبه‌ها، اتاقک‌ها، خیمه‌ها، آلونک‌ها، کلبه‌های کلیف و زشت دوره ویکتوریا، آپارتمان‌های فرسوده و خانه‌های حلبی زندگی می‌کنند.... ولی اندکی از آمریکاییان، همچون شاهزاده‌های افسانه‌های شباهی عربی، بی‌نهایت ثروتمندند.»

با اینکه ارزیابی کلی لاتبرگ بسیار درست بود، در نکته‌ای کلیدی ضعف داشت: نخبگان امروز، شاهزاده هستند، اما عرب نیستند.

رسانه‌های آمریکا درباره ثروت شیوخ عرب و ثروتمندان نقی خاورمیانه سخن می‌گویند. اما ثروت انباسته جامعه یهود آمریکا و نفوذ سیاسی‌ای که در شهرهای بزرگ (و همچنین در شهرها و شهرک‌های کوچک سراسر آمریکا) دارند، ثروت شاهزادگان عرب را ناچیز جلوه می‌دهد.

«نخبگان جدید» آمریکا بدون شک خانواده‌های یهودی ثروتمند و قدرتمندی هستند که برخلاف راکفلرها، مورگان‌ها، روزولت‌ها، کندی‌ها، وندربیلت‌ها و دیگر «شاهزادگان» ادوار گذشته - بسیار ناشناس‌تر از نخبگان غیر یهودی گذشته‌اند.

هر چند گفته‌اند «لابی اسرائیلی» قدرتمندی در مجتمع رسمی واشنگتن وجود دارد و حتی افراد بی احتیاط آن را «لابی یهود» می‌نامند، اما تصویر عمومی این لابی تنها بیانگر تعهد آن به منافع دولت اسرائیل است.

روزنامه‌های یهودی، آزادانه درباره موضوع نفوذ جامعه یهود و تأثیر آن بر سیاست خارجی آمریکا سخن می‌گویند؛ ولی حتی روزنامه‌ها و مجله‌های به اصطلاح «جريان اصلی» نیز گاهی در این باره با تأمل سخن می‌گویند.

آنها می‌گویند: «بله، لابی اسرائیل قدرتمند است، اما مثل لابی اسلحه یا انجمان بازنیستگان آمریکا تنها یک لابی است. یهودیان آمریکا حق دارند برای اسرائیل لابی کنند، همان‌طور که

## ۳۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

یونانی تبارها و اعراب نیز می‌توانند برای منافع جامعه خود لابی کنند.» کتاب‌های متعددی درباره قدرت لابی اسرائیل نوشته شده و انکار نفوذ این لابی، نشان‌دهنده جنون سیاسی است.

با این حال، آنچه بیشتر آمریکاییان نمی‌دانند – و جامعه یهودی دوست دارد مخفی بماند – نفوذ فزاینده مالی، فرهنگی و اجتماعی جامعه یهود آمریکاست. با اینکه قطعاً یهودیان زیادی فقیر هستند، حقیقت آن است که یهودیان آمریکا به تدریج به صاحبان لقب «خبگان آمریکا» تبدیل می‌شوند، اگر تاکنون نشده باشند! آنان «خبگان جدید آمریکا» هستند.

يهودیان آمریکا در واقع نوع مدرن شاهزادگان افسانه‌های هزار و یک شب هستند. البته شاید «شاهزاده‌ها» و «شاهزاده خانم‌های» یهودی اکثریت میلیاردرها یا ابرثروتمندان فهرست معروف «فوربز ۴۰۰» را تشکیل ندهند، مجموع ثروت آنان، بی‌تردید هم اندازه (یا شاید بیش از) خبگان غیریهودی است. همان‌طور که بیشتر منابع این کتاب نشان می‌دهد، خبگان یهود تنها به منافع یهود تعهد دارند. سنجش میزان ثروت یا «نفوذ» و آثار هر دو، مشکل است، اما اطلاعاتی که در این کتاب گردآوری شده است، نشان می‌دهد بدون تردید خبگان یهودی آمریکا – خبگان جدید آمریکا – از جهت‌های گوناگون، ثروت و نفوذی بسیار فراتر از اندازه خود دارند.

درک قدرت یهود، یا به عبارتی «نفوذ» قدرت یهود، در هر دو حزب آمریکا بوده است. تعدادی از مقام‌های منتخب و سیاستگذاران مشهور آمریکا درباره قدرت یهود نظرهای صریحی داشته‌اند:

«...جیمز بیکر «وزیر امور خارجه دولت بوش» در یک صحبت خصوصی به همکارش گفته بود لعنت بر یهودیان. آنها به هر حال به نفع ما رأی نمی‌دهند. جمله او عنوان یک روزنامه اسرائیلی شد، و طبیعی است که او را ضدیهود جلوه داد. ولی دیگران نیز چنین اظهارهایی داشته‌اند. در مسئله آواکس، دولت ریگان از جرالد فورد کمک خواست. فورد در مکالمه‌ای تلفنی با یک سناتور جمهوری‌خواه (که با رهبران یهودی شام می‌خورد، در حالی

که فورد این را نمی‌دانست) از او پرسید: می‌خواهید سیاست خارجی آمریکا را دست یهودیان لعنتی بدهید؟ فورد نیز سخن کارتر را - که در بهار ۱۹۸۰ به یکی از صمیمی‌ترین دوستانش گفته بود - بر زبان آورد: اگر دوباره رأی بیاورم پدر یهودیان را در می‌آورم. با توجه به حرف کارتر، عجیب نیست که ویلیام روینشتاین، جامعه‌شناس دست راستی حامی صهیونیسم، گفته بود: «به گفته منبعی موثق، ۷۵ درصد رهبران سازمان‌های صهیونیستی آمریکا ... از ریگان (در مقابل کارتر) حمایت می‌کردند.»

در این شرایط که هم دموکرات‌های لیبرال و هم جمهوری‌خواهان محافظه‌کار، گاهی سؤال‌های مشابهی درباره قدرت یهود طرح کرده‌اند، حرف اچ. جی. ولز (نویسنده مشهور) به ذهن خطور می‌کند که گفت: «برای پاسخ به این سؤال باید تحقیقی جدی انجام شود که چرا در هر کشوری که یهودیان اقامت می‌کنند، ضدیهودی‌گری ظهور می‌یابد؟»

خواهیم دید که در این میان، رسانه‌های اصلی آمریکا - به گفته منابع یهودی - بیشتر زیر نفوذ یهودیان هستند و بر نقش «پول آسیا» در انتخابات آمریکا تمرکز کرده‌اند. این مسئله به «رسوانی» حقیقی و خوراک ماشین رسانه‌ها تبدیل شده است. دوباره کلیشه‌های کهنه ضدآسیایی که در زمان جنگ آمریکا علیه ژاپن شایع بود، بازگشته‌اند.

با این حال، گروه‌های به اصطلاح «ضدترنفر» چون انجمن ضدافترا (ای‌دی‌آل) کمتر در این باره سخن گفته‌اند. دقیقاً به این دلیل که ای‌دی‌آل تمرکز بر «پول آسیا» را دوست دارد. این مسئله نیز دلیل دارد: آمریکایی‌های آسیایی‌تبار (متولدین آمریکا و مهاجران) آهسته می‌گویند (البته رسانه‌ها منعکس نمی‌کنند) که رسوایی اصلی «پول بیگانگان» مربوط به آسیا نیست؛ بلکه مربوط به نفوذ آشکار پول‌های جامعه یهودیان آمریکا (که متعهد به اسرائیل هستند) و یهودیان آمریکایی ساکن اسرائیل (در کنار خود اسرائیلی‌ها) است که به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا در قبال اسرائیل هستند.

فیلیپ ویس «نویسنده» - که با صراحة و غرور، یهودی بودن خویش را اظهار می‌کند - در شماره ۲۹ ژانویه ۱۹۹۶ مجله نیوزویک، نوشت بحث از نقش پول یهودیان در سیاست

#### ۴۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

از نظر سیاسی، درست نیست. ویس به صراحت نوشت: «اعمال قدرت سیاسی ان‌آرای (آژانس نظارتی آمریکا) موضوعی حساس است. حتی اگر پول یهود نقشی ایفا کند، بحث درباره آن ضدیهودی‌گری است.»

در این‌باره تردیدی نیست که این نفوذ سیاسی، واقعیت دارد. پول یهود و قدرت یهود تأثیری جدی بر حیات آمریکا دارد.

در مورد بحث تأثیر پول و لابی یهود بر سیاست خارجی آمریکا، همان‌طور که خواهیم دید نفوذ یهود در آمریکا بسیار فراتر از آن چیزی است که مردم، «لابی اسرائیل» یا «لابی یهود» می‌نامند. نفوذ یهود بسیار عمیق‌تر است و حساس‌ترین «راز» (یا موضوع صحبت پنهانی) در عرصه کنونی سیاست و فرهنگ آمریکاست. پامدهای احتمالی قدرت عظیم یهود در آمریکا، از سوی بنیامین گینزبرگ و مورخ یهودی، در کتاب جالب «آغوش مهلك: یهودیان و دولت» طرح شد. گینزبرگ به صراحت می‌پرسد:

«چرا در زمان‌های مختلف و مکان‌های بسیار متفاوت، یهودیان به موقعیت، ثروت و قدرت بی‌نظیری دست یافته‌اند که در نهایت به بدبوختی و طرد آنان - یا بدتر - انجامیده است؟»

براساس تحقیقات گینزبرگ، سخن‌های آرنست «نویسنده و فیلسوف مشهور یهودی» درست است که ظهور و افول تاریخی و مکرر یهودیان، به رابطه ستی یهودیان با دولت - ملت محل زندگی آنان مربوط است. گینزبرگ می‌گوید:

«یهودیان همواره به دنبال حمایت دولت‌ها بوده‌اند. حاکمان نیز مایل به اسکان دادن یهودیان، در مقابل خدمات آنان، بوده‌اند. رابطه یهودیان با دولت‌ها نتایج زیادی داشت. برای نمونه، برخی از مهم‌ترین دولت‌های جهان مدرن ایجاد یا مستحکم شد. همچنین یهودیان به دلیل این رابطه، گاهی بسیار قدرتمند می‌شدند. با این حال رابطه یهودیان با دولت آنان را در معرض تنفر و دشمنی‌های جدید قرار می‌داد. در برخی شرایط، آغوش دولت برای یهودیان، مهلك بود. این ملاحظات تنها جنبه تاریخی ندارد، بلکه برای درک گذشته - و

آینده احتمالی - یهودیان آمریکا نیز ضروری است.»

بنابراین عنوان کتاب گینزبرگ و معنای آن، مشخص می‌شود: «آغوش مهلک» دولت - سازوکارهای قدرت سیاسی کشور - در مسیر ثروت اندوزی بی‌حدود حصر یهودیان، گشوده می‌شود.

گینزبرگ، حیرت آمریکاییان یهودی و غیریهودی از نفوذ فزاینده قدرت یهود در آمریکا را به شکلی عمیق بیان می‌کند. او می‌نویسد:

«با اینکه یهودیان آموخته‌اند در نگاه، صحبت و لباس، شبیه دیگر آمریکاییان باشند، در واقع نه در ذهن خود و نه از دید همسایگان خود کاملاً شبیه نیستند.... بدتر اینکه یهودیان، بیشتر مخفیانه یا نه چندان مخفیانه، خود را به لحاظ اخلاقی و فکری، برتر از همسایگان خود می‌شمنند. ... در واقع، یهودیان غریبه‌هایی بی‌نهایت موفق هستند که گاهی جرأت سرکوفت زدن نیز دارند.»

بنابراین بهتر است سخنان گینزبرگ، درباره ابعاد وسیع قدرت یهود در آمریکا را مرور کنیم. دیدگاه او نقطه آغازی برای مطالعة دقیق ماهیت ویژه قدرت یهود در آمریکا است. گینزبرگ می‌نویسد:

«یهودیان از دهه ۱۹۶۰ نفوذ زیادی در حیات اقتصادی، فرهنگی، فکری و سیاسی آمریکا اعمال کرده‌اند. آنان در دهه ۱۹۸۰ نقش مهمی در بازار مالی آمریکا ایفا کردند و از بُرندگان اصلی تجدید سازمان و ادغام شرکت‌ها در این دهه بودند. هرچند تنها ۲٪ جمعیت فعلی کشور یهودی‌اند، اما حدود نیمی از میلیاردرها یهودی‌اند. مدیر عامل سه شبکه تلویزیونی اصلی و چهار استودیوی فیلمسازی اصلی یهودی‌اند، همان‌طور که مالک بزرگ‌ترین زنجیره مطبوعات کشور و پرنفوذترین روزنامه (نیویورک تایمز) نیز یهودی‌اند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، ۲۰٪ اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تراز اول و ۴۰٪ استادان دانشکده‌های تراز اول حقوق، یهودی بودند؛ اکنون این نسبت‌ها بدون شک بالاتر است. نقش و تأثیر یهودیان در عرصه سیاسی آمریکا نیز قابل توجه است. یهودیان به تعداد

## ۴۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

نامتناسبی به مناصب حکومتی گمارده می‌شوند. در سال ۱۹۹۳ ده عضو سنای سی و دو عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده یهودی بودند، یعنی سه، تا چهار برابر نسبت آنها از جمعیت کشور!

يهودیان در سازمان‌های سیاسی و امور مالی تأثیر بیشتری دارند. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد در بیست و هفت مورد از سی و شش مبارزه انتخاباتی سنای ایالات متحده، یک نامزد یا هر دو نامزد، مدیر برنامه یا مدیر مالی یهودی داشتند.

در حوزه لابی و دعاوی قضایی، یهودیان یکی از موفق‌ترین سازمان‌های فعال سیاسی واشنگتن یعنی کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل (آپک) را تشکیل دادند و در گروه‌های ذی نفع عمومی مهم، مانند اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا (ای‌سی‌الیو) و جنبش عام، نقش‌های کلیدی ایفا کردند. یهودیان زیادی نیز در مبارزه‌های ریاست جمهوری حزب دموکرات در سال ۱۹۹۲ نقش‌های بسیار مهمی بر عهده داشتند.

پس از پیروزی دموکرات‌ها، رئیس جمهور کلیتون تعدادی از یهودیان را به مناصب مهم دولتی گمارد. نقش یهودیان در نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آمریکا آنان را به اعمال نفوذ فراوان در حیات عمومی کشور قادر ساخته است. آشکارترین نشانه این نفوذ، کمک مستقیم نظامی و اقتصادی ۳ میلیارد دلاری است که آمریکا هر سال به اسرائیل می‌دهد و همین طور مبلغ مشابهی که مصر از زمان آغاز روابط مسالمت‌آمیز با اسرائیل دریافت می‌کند.

اختصاص سه‌چهارم بودجه کمک‌های خارجی آمریکا به مسائل امنیتی اسرائیل، هدیه بزرگی است به قدرت لابی آپک و اهمیت جامعه یهودی در عرصه سیاسی آمریکا... امکان بیان مسائل در عرصه عمومی، نشان‌دهنده توزیع قدرت سیاسی در جامعه است. به دلیل اینکه یهودیان قدرت سیاسی کسب کرده‌اند، سیاستمدارانی که به روش‌های ضدیهودی روی آورند، تندر و خوانده شده و به حواسی عرصه سیاسی آمریکا تبعید می‌شوند. همچنین شیوه‌های بیان و نمادهای دینی که از دید یهودیان تهدید‌آمیز است، در مدارس و دیگر

نهادهای عمومی تاحدودی به طور کامل حذف شده است.

دادخواست‌های ای‌سی‌ال‌بیو (سازمانی که مدیران و اعضای آن اغلب یهودی هستند) این تصمیم دادگاه فدرال را به دنبال داشت که عبادت‌های مجاز رسمی در مدارس دولتی و تصاویر عیسی مسیح و دیگر تصاویر مذهبی در پارک‌ها و ساختمان‌های دولتی ممنوع شود. با توجه به آنچه دریافته‌ایم، اکنون طرح این سؤال دشوار، مناسب به نظر می‌رسد: «چه اهمیتی دارد که یهودیان آمریکا چقدر قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارند؟» در واقع کسانی از «باشگاه جمهوری خواهان» که میز قدرت را می‌پرستند یا به اصطلاح «لیبرال‌ها»، «پیشرفت اقلیت‌ها» را تحسین می‌کنند، پس از خواندن این کتاب، خواهند گفت: «خوب، آمریکا کشوری آزاد است. این هدیه‌ای است که یهودیان با سخت کوشی و استعداد خویش به آن دست یافته‌اند.»

پاسخ به این سؤال، از بعضی جهت‌ها دشوار است. با این حال باید بگوییم که انباشت ثروت و قدرت سیاسی به معنای آن نیست که یک گروه قومی، حق تسلط بر نظام سیاسی کشور را دارد، فقط به دلیل اینکه ابزار آن را در اختیار دارد. واقعیت این است که نخبگان یهودی آمریکا اکنون چنین ابزاری در اختیار دارند و در استفاده از آن تردید نمی‌کنند. نمونه اولیه و آشکار این اعمال قدرت در افضاح تلغی کنونی آمریکا در عراق دیده می‌شود. منظور این نیست که «همه یهودیان آمریکا» می‌خواستند ایالات متحده در بهار ۲۰۰۲ به عراق حمله کند. بر عکس، برخی از صریح‌ترین و جدی‌ترین متقدان مداخله آمریکا در عراق، یهودیان آمریکا بودند. ولی به طور کلی این حقیقت باقی است که متندترین و مهم‌ترین سازمان‌ها و افرادی که از طریق روابط عمومی، تحریف رسانه‌ای و فشار شدید سیاسی، جنگ عراق را تبلیغ کردند، یهودیان و سازمان‌های یهودی آمریکا بودند که برای منافع اسرائیل کار می‌کنند.

این موضوع فراتر از حیطه کتاب است، ولی به شکلی دقیق در اثر قبلی مؤلف، کشیشان بزرگ جنگ، بررسی شده است. همچنین سخن صریح جیم موران نماینده مجلس آمریکا

## ۴۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

(دموکرات - ویرجینیا) بسیار درست بود که جامعه یهود آمریکا قدرت پیشگیری از جنگ را دارد. هر چند این اظهارها موجب آشفتگی شدید رسانه‌ها شد.

بی‌تردید موضوع قدرت اقتصادی یهود، در حوزه مطالعات «ضدیهودی» قرار نمی‌گیرد. حقیقت این است که حتی سطحی ترین مطالعه تاریخ یهود نیز تمرکز وسیعی بر ثروت و تفوذ یهود خواهد داشت. برای مثال انتشارات شوکن بوکز نیویورک که کتاب‌های مورد علاقه یهودیان را منتشر می‌کند، در سال ۱۹۷۵ تاریخ اقتصادی یهودیان را چاپ کرد.

ناهوم گراس، ویراستار این کتاب حجیم، به صراحت اشاره می‌کند که برای مثال «تجارت استعماری در اوایل دوران مدرن و دلالی و بانکداری، به خصوص بانک سرمایه‌گذاری، در دوران اخیر به شدت انحصاری است و تاریخچه آن در واقع تاریخچه چند شرکت اصلی است. بنابراین شرح ائتلافها و روابط خانوادگی آنها نیز کاملاً به جاست؛ و دست کم، مورخ یهودی دوست دارد بداند کدام یک از این تاجران اصلی، یهودی بوده‌اند.»

بنابراین علی‌رغم اتهام‌های «ضدیهودی گری»، مطالعه اینکه کدام یهودیان، منافع مالی و خانواده‌های یهودی در یک عرصه غالب بودند (یا هستند) هرگز نابهجه نیست.

در مورد اتهام «ضدیهودی گری» که بیشتر به بررسی ثروت یهود مربوط است، بهتر است مطالعه کلاسیک برنارد لازار (مورخ یهودی)، بویژه بررسی او درباره «ضدیهودی گری» ناشی از «دلایل اقتصادی» را ملاحظه کنیم. لازار به درستی می‌گوید به دلیل مجموعه‌ای از عوامل که قرنها بر ضد یهودی گری تأثیر داشته است، یهودیان، دقیقاً به دلیل ضدیهودی گری، مجبور بودند با هم متحد باشند:

«یهودی ... از راه اتحاد با هم کیشان خود که ارزش‌های مشابهی دارند سودش را افزایش می‌دهد؛ بنابراین قدرت خود را از راه اقدام هماهنگ با برادران خویش می‌افزاید؛ نتیجه اجتناب ناپذیر این است که در پیگیری اهداف مشترک، از رقبای خود بسیار جلوترند ... یهودیان همچون یک کل واحد، متحدونند.

راز موفقیت آنان همین است. اتحاد آنان از این جهت قوی است که به گذشته بسیار

دور باز می‌گردد. با اینکه وجود آن نقی می‌شود، انکار ناپذیر است. اتصال‌های این زنجیره در طول اعصار شکل گرفته است به طوری که گذرِ قرون، انسان را از وجود آنها غافل ساخته است.»

بنابراین به درک بهتر و منصفانه تری از علت خانواده‌گرایی یا «اتحاد» یهود دست می‌یابیم. در واقع گروه به نسبت کوچکی را در در درون خود قرار داده‌اند تا از طریق کارِ جمعی، طبقه اقتصادی قدرتمندی تشکیل دهند که متوجه به میراث دینی و فرهنگی خویش باشد. شاید ضدیهودی‌گری نیروی محرکه ظهور چنین گروه مت念佛 منحصر به فردی در ایالات متحده، و سراسر جهان بوده است.

بدون شک بررسی آنچه ادبیات «ضدیهود» خوانده می‌شود بر قدرت اقتصادی یهود تمرکز خواهد داشت. بی‌درنگ مجموعه آثار هنری فورد (صنعتگر آمریکایی) به نام یهود بین‌الملل (که اکنون بدنام شده است) به ذهن خطور می‌کند. کار فورد متمرکز بر شاخه‌های قدرت یهود در مجموعه‌ای از حوزه‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی بود و موجب بُهت و حیرت جامعه یهودیان شد. اما با اینکه فورد محکوم شد، تلاش چندانی برای رد اطلاعات مشخصی که در کتاب طرح شده بود، صورت نگرفت.

آثار به اصطلاح «ضدیهودی» اخیر، از جمله تفوق‌گرایی یهود از دیوید دوک (چهره سیاسی جنجالی لوییزیانا) چندان بر قدرت یهود تمرکز ندارد و بیشتر به تعالیم دینی و ایدئولوژی یهود توجه کرده است. کتاب دوک، تاحدودی فقط از منابع یهودی استفاده کرده است تا نقش منافع یهود در شکل‌دهی به وضعیت جهان امروز را از دیدگاه استراتژیک جغرافیای سیاسی شرح دهد. او نقش تعیین‌کننده یهود در جنبش بلشویک روسیه و نیز تفوّذ مستقیم یهود در انقلاب اجتماعی و فرهنگی ایالات متحده و غرب (بیشتر با هدف تخریب ارزش‌ها و مفاهیم سنتی) را مشخص کرده است.

افزون براین دوک جلوتر می‌رود و به بررسی دقیق تعالیم دینی یهود می‌پردازد؛ به‌طوری که باعث اتحاد نیرومند یهودیان و همچنین فاصله آنها با دیگران شده است. در نهایت دوک

## ۴۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

يهودیان را در بی «تفوق گرایی یهود» می‌داند. او می‌گوید یهودیان دولت خود را در اسرائیل تأسیس کرده‌اند و به ظاهر مصمم‌اند نفوذ خود را در سراسر جهان حفظ کنند و خود را - به طوری که در نوشته‌های خود مرتب می‌گویند - برتر می‌دانند.

نمی‌توان بدون این نتیجه‌گیری که دوک در حقیقت ایدئولوژی رهبری جامعه یهودیان آمریکا (و جهان) امروز را تعریف کرده است، کتاب کاملاً مستند دوک را خواند.

ضدیهودی‌گری (به هر دلیلی که باشد) نقش مهمی در شکل‌گیری ذهنیت یهودیان ایفا کرده است. موقعیت «بیگانه» به آنان تحمیل شده است (یا خودشان این موقعیت را برگزیده‌اند) و با وجود موقعیت ممتاز خود در جامعه آمریکا همچنان خواسته‌اند بیگانه بمانند. یهودیان به عنوان «بیگانه» به جامعه «غريبه» ای که در آن سکونت دارند، می‌نگرند و با این مزیت توانسته‌اند فرصت‌هایی را بیینند که دیگران نمی‌بینند، همان‌طور که مردم به دلیل وجود درختان، جنگل را نمی‌بینند.

تمام این عوامل در طول قرنها، یهودیان - که درون شبکه یهود فعالیت می‌کنند - را پیش‌اپیش انقلاب اقتصادی و سیاسی قرار داده است و در نتیجه، آنان توانسته‌اند در تأثیرگذاری بر مسیر جامعه، نقشی مهم ایفا کنند.

موضوع دیگری که باید به آن توجه کرد این است که در اصل، یهودیان (با استثنای‌های محدود) مردمی شهرنشین بوده و مدت‌هاست از زمین و کشاورزی فاصله گرفته‌اند. بر عکس، جوامع و مردمان اروپا به ندرت بیش از یک، دو یا سه نسل است که از مزرعه و اخلاق روستایی خلق و ایجاد و ساخت تمدن، از توحش جدا شده‌اند.

این تعارض میراث، ناگزیر سبب تضاد میان یهودیان و دیگران شده است، درست به دلیل اینکه یهودیان با تمایل‌های شهری خود در عرصه مالی مستقر شده‌اند - وام دادن، ربا خواری، بانکداری، هر چه می‌خواهید بنامید - و در نتیجه سرنوشت روستا در اختیار آنان قرار گرفته است.

تعارض تاریخی میان کشاورزی و امور مالی، همواره محرك اساسی ضدیهودی‌گری در

کشورهای مختلف بوده است؛ در آلمان و ایالات متحده، در جنبش مردمی اواخر قرن ۱۹، سخنان ضدیهودی کاملاً رواج داشت. بنابراین، باز هم ضدیهودی‌گری را نتیجه مستقیم مقابله غیریهودیان با نفوذ یهودیان می‌بینیم. این نفوذ دقیقاً به دلیل پویایی گروهی ویژه یهودیان (که به ندرت به چنین شکل موفقی در دیگر قومیت‌های کره زمین دیده می‌شود) به اوج رسیده است. بنابراین، ضدیهودی‌گری باعث موفقیت و قدرت یهود شده است، که این امر نیز ضدیهودی‌گری را تشدید کرده است؛ زیرا یهودیان به عنوان یک گروه، خود را در موقعیت شکل‌دهی و حتی تخریب زندگی غیریهودیانی ثبت کرده‌اند که آینده‌شان کاملاً در دست دلالان قدرت یهودی است.

در این زمینه باید به موضوع «هولوکاست» و حواشی آن در جنگ جهانی دوم پردازیم که پوسته و بدون وقه در هزاران کتاب، فیلم، آهنگ، شعر، نمایش تلویزیونی، مقاله، مجله و روزنامه در نیم قرنِ پس از پایان جنگ حفظ و یادآوری شده است. جنگی که عامل مرگ میلیون‌ها انسان (بسیار بیشتر از شش میلیون یهودی که گفته می‌شود در نسل کشی رژیم نازی از بین رفتند) شد.

جنبش اختصاصی و فزاینده «تجدیدنظر طلبان هولوکاست» با طرح پرسش‌های جدی پرامون جزئیات وقایع دوره مشهور به «هولوکاست» سبب تهاجم شدیدی شده است؛ این امر بیشتر مدیون تلاش‌های ویلیس ای. کارتو و مؤسسه سابقًا فعال تجدیدنظر تاریخی است و بعدها توسط عوامل داخلی خدمت‌گزار منافع یهود نابود شد. اما بیشتر مردم تصور می‌کنند که یهودیان تنها قربانیان به اصطلاح «بزرگ‌ترین تراژدی تاریخ» هستند، زیرا این تراژدی «برگزیدگان خداوند» را نشانه رفته بود. بنابراین همدردی عمیقی با یهودیان وجود دارد؛ البته این همدردی در حال افول است. زیرا مردم بیش از پیش از «شنیدن درباره هولوکاست» خسته می‌شوند و از تلاش‌های جاری نشريه‌های تاریخی تجدیدنظر طلب (از جمله بارنز ریویو) مطلع می‌شوند. نشريه‌هایی که از بحث درباره این موضوع، ترسی ندارند. تکرار مستمر و شبه فرقه‌ای داستان هولوکاست (همان‌طور که برخی از رهبران یهود

## ۴۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

گفته‌اند) در حال تبدیل به جزء ضروری «تفکر گروهی» یهود و در نتیجه ترکیب با خود دین یهود است. این نیز بعد دیگری از ذهنیت یهود است که یهودیان را افراد خاصی جلوه می‌دهد. ده‌ها و شاید صدها جمعیت، فرقه و گروه قومی دیگر در طول تاریخ قربانی «هولوکاست» خاص خود بوده‌اند، ولی تنها یهودیان اند که به یادآوری مصائب خود چنین تعهدی دارند. افزون براین، یهودیان به شکل سازمان یافته، از «هولوکاست» (و دیگر تراژدی‌های واقعی و تخیلی) استفاده کرده‌اند تا خواسته‌های خود را به همه جهانیان تحمیل کنند. از این گذشته، آیا این امر علت تأسیس کشور اسرائیل به عنوان وسیله‌ای برای جبران تلفات یهودیان در جنگ جهانی دوم نبود؟

در نهایت بحث علت و معلولی درباره مسئله ضدیهودی‌گری، ابعاد زیادی دارد که در چارچوب این کتاب نمی‌گنجد. شاید برخی ضدیهودیان واقعی – که معتقدند سؤال اساسی نه «معماًی یهود»، بلکه «مشکل یهود» است – بگویند بیش از حد طرف یهودیان را گرفته‌اید و به دیدگاه‌ها و فعالیت‌های یهودیان که باعث پدیده ضدیهودی‌گری شده است، توجه نکرده‌اید. ولی این بحث زمان و مکان دیگری می‌طلبد.

اکنون همین واقعیت را قبول داریم که تفوق یهود (دست‌کم در حوزه‌های نفوذ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آمریکا) هر ریشه‌ای که داشته باشد، حقیقتی انکارناپذیر است. حقیقت تفوق یهود در آمریکا، در آثار و کتابهای بی‌شماری از نویسنده‌گان یهودی دیده می‌شود که مشکل بتوان آنها را «ضدیهود» نامید.

اکنون اظهارهای دانشگاهیان و نویسنده‌گان یهودی درباره قدرت یهودیان آمریکا را بررسی می‌کنیم. قبل از آن، مطالب زیر که به موضوع کتاب مربوط است، به عنوان مقدمه ذکر می‌کنیم:

– مرور اجمالی رسوایی «انرون». هر چند رسانه‌ها هیاهوی فراوانی درباره این رسوایی به راه‌انداختند؛ حتی بررسی کاملاً سطحی مسئله انرون نیز ابعاد پنهان قدرت صهیونیسم در آمریکا را نشان می‌دهد، شاید تنها به این دلیل که «ارتباط یهودیان» با انرون یکی از بزرگ‌ترین

اسرار روزگار ما خواهد ماند؛

- بررسی قضیه مهم اینسلاو. این رسوانی، نفوذ عمیق لایی صهیونیسم در وزارت دادگستری و نظام دادگاه فدرال آمریکا را نشان می‌دهد.
  - معرفی اجمالی «خانواده سلطنتی» آمریکا. خانواده بروتفمن، بدون شک از قدرتمندترین و متمکن‌ترین خانواده‌های ممتاز یهودی هستند که بر آمریکایی امروز حاکمیت دارند. بروتفمن‌ها به عنوان اولین افمار «استعماری» امپراتوری قدیمی روچیلد اروپا، چهره کریه قدرت صهیونیسم در آمریکا را نشان می‌دهند.
  - پس از آن، مسائل زشت مربوط به دو امپراتوری رسانه‌ای اصلی آمریکا را بررسی می‌کنیم که نفوذ گسترده‌شان نشان‌دهنده دسترسی وسیع نخبگان صهیونیستی مالک انحصار رسانه‌هast.
  - به عنوان میان پرده‌ای جالب، به داستان دانلند ترامپ (غول پر زرق و برق معامله‌های املاک و کازینو) نظری می‌افکنیم. هرچند خود ترامپ، یهودی نیست، شواهد نشان می‌دهد او شهرت و ثروت خود را مدیون حمایت برخی صهیونیست‌های قدرتمند است.
  - پس از آن، مرور مفصلی خواهیم داشت بر اسامی، چهره‌ها و منافع مالی خانواده‌های یهودی مشهور (و نه چندان مشهور) که ثروت و قدرت انباشته آنها شکفت انگیز است. این اولین باری است که غیر از مجله کوچکی که فقط در محافل سطح بالا خوانده می‌شود، تمام این اسامی یکجا منتشر می‌شود که بی‌تر دید قابل توجه است.
- در پایان به کانون و بنیان اساسی کتاب می‌رسیم که همان آمار و اطلاعات محکم و موثق درباره واقعیتِ قدرت صهیونیسم در آمریکا است. جزئیات، گویا خواهد بود. ارائه این اطلاعات، «یهودستیزی» یا «ضدیهودی گری» نیست. بیشتر به دلیل آنکه منابع آن (به احتمال با یک استثنای همه یهودی است). شاید به استثنای لنی برنر، هیچ کدام از این منابع محترم شامل یهودیان «از خود متفرق» (به تعبیر متقدان صهیونیست) هم نیستند. (این تعبیر زشت در مورد آمریکاییان یهودی به کار می‌رود که به خود جرأت می‌دهند درباره اشتباهات

## ۵۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

اسرائیل صهیونیست سؤال طرح کنند).

البته افراد بسیاری از خواندن این کتاب، به شدت ناراحت خواهند شد؛ علت آن فقط این است که قربانی چیزی شده‌اند که «حقانیت سیاسی» خوانده می‌شود. واقعیت این است که روزنامه‌ها و مجله‌های یهود، آشکارا و آزادانه در مورد قدرت یهود در آمریکا بحث - و حتی به آن افتخار - می‌کنند. اکنون این فرصت برای غیریهودیان هست تا بینند این منابع یهودی دقیقاً به چه چیز افتخار می‌کنند.

- آیا به اعتقاد فیلسوفان یهودی تمام این ثروت مادی نشان‌دهنده عنایت خداوند به یهودیان است؟

- آیا نخبگان صهیونیست - چنانکه شواهد گرد آمده در این کتاب نشان می‌دهد - به «حاکمان» تبدیل شده‌اند؟ آیا به واقع آمریکا را به اورشلیم جدید تبدیل کرده‌اند؟ - این برای آمریکا خوب است؟ برای جهان خوب است؟ غیریهودیان می‌توانند در این ثروت سهمی شوند؟ آیا جایگزینی وجود دارد؟ در نهایت، خواننده قضاوت خواهد کرد.

## فساد به سبک آمریکایی

### انرون - رابطه کمتر شناخته شده ولی پسیار گستردگی صهیونیست‌ها

با توجه به فروپاشی غول نفتی انرون که اولین رسوایی بزرگ مالی و سیاسی قرن ۲۱ را به بار آورد و ارتباط‌های متعددی با هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه داشت، از نقش محوری و اساسی یهود در قضیه انرون تا حد زیادی غفلت شده است. چنان که خواهیم دید، ابعاد مهمی از این رسوایی از دید عموم پنهان شده است. به همین دلیل، رسوایی انرون آغاز مناسبی برای بررسی کلی قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا خواهد بود.

با آنکه یهودی بودن اندر و فاستو مدیر اجرایی انرون - که همراه با همسرش به دلیل اعمال خلاف محکوم شد - در برخی رسانه‌ها ذکر گردید (و خاخام وی به دفاع از او پرداخت) اما ارتباط‌های مهم‌تر و حساس‌تر انرون با یهودیان به کلی پنهان شد.

بی‌تردید نقش یهودیان در انرون نشان‌دهنده این است که چگونه رسانه‌های مهم "ارتباط با یهودیان" را در چنین قضایای مهمی مخفی می‌کنند. بنابراین بازنگری آن به منظور درک قدرت یهودیان آمریکا ارزشمند خواهد بود.

## ۵۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

در این میان، این حقیقت فراموش شد که برخی نهادهای برجسته یهود (افزون بر سیاستمداران سرشناس هر دو حزب) دریافت‌کننده «پول کیف» انرون بودند. این مطلب افشاگرانه را هیچ جای دیگر نخواهد خواند. با آنکه «همه می‌دانند» شرکت بدنام انرون، خزانه‌های تبلیغاتی سیاستمداران دموکرات و جمهوری خواه را پر می‌کرد، آنچه در رسانه‌های مهم گزارش نشد این بود که این شرکت فاسد و کسانی که در پس آن بودند، حامیان مالی اصلی صنعت شکوفای هولوکاست (ولابی اسرائیل) در ایالات متحده و اسرائیل نیز بوده‌اند.

در حالی که رئیس غیریهودی شرکت انرون، کنت لی، در تلاش بود کارمندان و سرمایه‌گذاران از شرایط ناگوار این بنگاه عظیم مطلع نشوند، او و همسرش لیندا (همراه با انرون) به تأمین مالی به اصطلاح «موزه هولوکاست» در هیوستون تگزاس مشغول بودند.

در واقع بر اساس نوشتة شماره ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲ روزنامه فوروارد – که یکی از معتبرترین و سرشناس‌ترین روزنامه‌های یهودی آمریکاست – انرون و خانواده لی «صدها هزار دلار به موزه هولوکاست هیوستون اهدا کردند، که تقریباً ۱۰٪ بودجه ۳ میلیون دلاری این مؤسسه بود.»

کنت و لیندا لی چنان با این موزه صمیمی بودند که قرار بود در میهمانی شام سالانه موزه در مارس ۲۰۰۲ به عنوان رؤسای افتخاری انتخاب شوند. خانم لی در واقع عضو هیئت امنای موزه بود.

اعضای موزه به نوبه خود اعتراض کردند و گفتند چیزی درباره معامله‌های تجاری انرون نمی‌دانستند – به احتمال واقعیت دارد – ولی این مسئله باقی می‌ماند که آیا سرمایه‌گذاران و کارمندان خشمگین انرون، بازگشت «پول کیفی» که توسط انرون اعطای شده بود را درخواست خواهند کرد؟ اما ارتباط انرون با صنعت هولوکاست حتی از این نیز بیشتر و اساسی‌تر است.

رسانه‌ها هنوز هم انرون را همچون نوعی «کابوی تگزاسی» به تصویر می‌کشند؛ واقعیت این است که خانواده میلیاردر یهودی به نسبت ناشناخته ولی فوق العاده ثروتمندی که در

نیویورک ساکن‌اند، چهره‌های اصلی پشت انرون و نیز پشتیبانان مالی اصلی فعالیت‌های موزه یادبود هولوکاست واشنگتن هستند.

با اینکه کنت لی (رئیس انرون) مرکز توجه رسانه‌ها بوده است، شواهد نشان می‌دهد که انرون عمدتاً از اموال ورثه آرتور بلفر است. او مهاجری لهستانی بود که بیشتر "بازمانده هولوکاست" خوانده می‌شد؛ در حالی که سال ۱۹۳۹ لهستان را ترک کرد. بلفر ابتدا در کار واردات بالش بود، سپس به معاملاتی پرسود برای تأمین کیف خواب نیروهای مسلح آمریکا دست زد. او سپس به بازار نفت وارد شد و بلکو پترولیوم را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های صنعتی کشور تأسیس کرد.

متقدان پوشش رسانه‌ای انرون می‌گویند مقاله‌های بخشن تجارت دو روزنامه وال استریت ژورنال و نیویورک تایمز روز ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ارتباط بلفر با انرون را ذکر کردند؛ به دنبال آن نام بلفر به پس‌زمینه رفت و کنت لی - که در اصل «سلاح کرایه‌ای» خانواده بلفر بود - به قربانی فاجعه انرون تبدیل شد. درحالی که نام بلفر حتی یک بار هم در مطالب اصلی نیوزویک ذکر نشد، تا کل داستان انرون بیان شده باشد، واقعیت این است که ورثه بلفر (در زمان رسایی) سهامداران عمدۀ انرون بودند و مالکیت‌شان به زمان فروش شرکت بلکو پترولیوم توسط آرتور بلفر به انرون (سابق) در ۱۹۸۳ باز می‌گشت.

با اینکه بلفر در ۱۹۹۳ درگذشت، بنیاد خانوادگی او (که با دارایی‌های شرکت انرون ثروتمند شده بود) به تأمین مالی «همایش ملی آرتور و راشل بلفر برای مریان» می‌پرداخت. این همایش مرتب و با هیاهوی فراوان در موزه یادبود هولوکاست در واشنگتن‌دی‌سی تشکیل می‌شد.

دو مورد از این همایش‌ها برای سال ۲۰۰۲ برنامه‌ریزی شده بود. معلمان راهنمایی و دیرستان که در "آموزش هولوکاست" تخصص داشتند، با کمک بلفر از سراسر کشور به این موزه در واشنگتن آورده شدند تا برای تعلیم افسانه و فرهنگ هولوکاست به دانش آموزان، آموزش بیینند.

## ۵۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

با وجود تصمیم رسانه‌ها مبنی بر پنهان کردن نام بلفر، آنچه انکار ناپذیر است، این است که نام‌های «ازرون» و «بلفر» در عمل جداسدنی نیستند.

رابرت بلفر پسر آرتور بلفر که به هیچ وجه بی‌طرف نبود، در هیئت مدیره ازرون و نیز مهم‌تر از آن همراه بالی در کمیته اجرایی سه نفره ازرون فعالیت داشت. رسانه‌ها نیز نام رابرت بلفر را در حاشیه قرار دادند، ولی غیرمنطقی است که تصور کنیم او از شرایط ناگوار شرکت بی‌اطلاع بوده است.

اسناد عمومی نشان می‌دهد پول بلفر در سطح وسیعی میان عوامل یهودی ایالات متحده و اسرائیل توزیع شده است. به تازگی رابرت بلفر به عنوان رئیس هیئت مدیره دانشکده پزشکی آبرت اینشتین در دانشگاه یشیوا نیویورک (که سالها دریافت کننده کمک‌های مالی او همسرش رنی بود) انتخاب شده است. بلفر همچنین در هیئت مدیره مؤسسه علوم وایزمن اسرائیل (نیروی محركة برنامه مخفیانه توسعه سلاح‌های اتمی اسرائیل) و کمیته یهود آمریکا حضور دارد، که یکی از متفاوت‌ترین بلوک‌های قدرت لابی اسرائیل در آمریکاست.

خانم بلفر نیز یکی از متولیان موزه دوستان آمریکایی اسرائیل است. پول بلفر بُرد وسیع و عمیقی دارد؛ زیرا آنها به گروه اسکاندیناوی مشکریم نیز کمک می‌کنند. این گروه به اسکاندیناوی‌هایی کمک می‌کند که در طول جنگ جهانی دوم علیه دول متحد جنگیدند. برخی می‌گویند به دلیل روابط نزدیک امپراتوری بلفر ازرون با صنعت هولوکاست و لابی اسرائیل، رسانه‌های مهم، به عمد نام بلفر را از رسوایی ازرون حذف کردند تا احترام و آبروی صنعت هولوکاست و لابی اسرائیل را به خوبی حفظ کنند.

به ظاهر بلفر و خانواده‌اش در افضاح ازرون، ضرر هنگفتی متحمل شدند؛ وال استریت ژورنال نیز به خوانندگانش اطمینان داد که این خانواده «به لحاظ مالی نابود نشده‌اند». سلماً روین (خواهر بلفر) همسر لاورنس روین، مالک بسیار ثروتمند املاک و مستغلات نیویورک است. خواهر دیگری آنیتا، به تازگی درگذشت. ورثه او در ظاهر پول بسیار بزرگی را در قضیه ازرون از دست دادند.

در حالی که رسانه‌های مهم، این سؤال بسیار نامربروط را بر جسته می‌کنند که: آیا سیاستمداران جمهوری خواه یا سیاستمداران دموکرات (یا هر دو) به شکلی منسول نابودی انرون هستند؟ خانواده بلفر (و بخش‌هایی از صنعت هولوکاست و عوامل مربوط به اسرائیل که از سخاوتمندی انرون بهره برده‌اند) از توجه عموم می‌گریزند.

با توجه به ارتباط‌های انرون، شاید تصادفی نباشد که دو شخصیت اصلی کنگره، هنری واکسمن (از کالیفرنیا) و سناتور جوزف لیبرمن (از کانکتیکات) که رسانه‌ها این دو را به عنوان «بازپرسان» افرون تبلیغ می‌کنند، قانونگذارانی هستند که پشتیبان قوی اسرائیل محسوب می‌شوند.

بنابراین با مرور سریع رسوایی انرون (که پوشش رسانه‌ای وسیعی داشته است) متوجه می‌شویم درواقع یک ارتباط مخفیانه با یهودیان وجود داشت که در رسانه‌های مهم دیداری، شنیداری و نوشتاری کشور نادیده گرفته شده است.

البته باید متظر بمانیم تا نتایج نهایی قضیه انرون روشن شود. همین واقعیت که این ارتباط به نسبت ناشناخته با یهودیان وجود داشته و نادیده گرفته شده یا به عمد پنهان شده است، شاخصی گویاست که نشان می‌دهد صهیونیست‌ها در آمریکا آنقدر قدرت دارند که چنین ارتباطی را مخفی کنند.

بنیامن گیتزبرگ پروفسور یهودی - آمریکایی در کتاب خود، «آغوش مهلك»، صریح و بی‌پرده درباره موارد متعدد «ارتباط یهودیان» با رسوایی‌های سیاسی مهم آمریکا، از جمله: قضیه افسانه‌ای کردیت موییلیر در قرن نوزدهم تا توطئه‌های ژنوپلیتیک و مالی مربوط به احداث کanal پاناما - افزون بر دیگر وقایع مشابه، که به بخشی از تاریخ آمریکا تبدیل شده است - می‌نویسد.

در کنار تمام موارد، نقش تعیین‌کننده خانواده‌های یهودی ایالات متحده و سراسر جهان، در تجارت عظیم برده‌گان افریقایی به آن سوی اقیانوس اطلس قابل توجه است؛ این امر نکته‌ای است که از سوی سازمان‌های یهودی و رسانه‌های جمعی به شکل وسیعی انکار

## ۵۵ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

شده است. اما کاملاً مستند و بی‌چون و چرا در اثر بر جسته رابطه پنهان میان سیاهان و یهودیان، توسط «امت اسلام» لویس فراخان بیان شده است.

در حالی که به شکل عمومی از واژه «رسوایی» در این مورد استفاده نمی‌شود (هرچند باید استفاده شود) شکی نیست که نفوذ صهیونیست‌ها نقشی اساسی در ترویج دروغ‌های مفتضحانه دولت بوش برای تبلیغ حمله آمریکا به عراق در بهار ۲۰۰۳ ایفا کرد. این امر در آستانه عید پیوریم<sup>۱</sup> یهودیان اتفاق افتاد. در این عید نابودی دشمنانشان را جشن می‌گیرند، جشنی که از هر نظر بسیار ناخوشایند است.

با این حال دروغ‌های آشکار بوش جوان و مشاوران یهودی وی، از جمله: پل ولفوویتز، داگلاس فیت و ریچارد پرل، درباره سلاح‌های کشتار جمعی که اصلاً وجود نداشت – و تبلیغ آن در رسانه‌ها توسط صهیونیست‌های تندرو مثل ویلیام کریستول – فربیی آشکار در حق مردم آمریکا و جهان بود.

با وجود این بسیار بعید می‌نماید که این مجرمان – همه صهیونیست‌ها، چه یهودی و چه غیر یهودی – به دادگاه کشانده شده و به دلیل این جرایم جنگی واقعاً محکمه شوند. این واقعیت تلغیخ ناشی از قدرت گسترده صهیونیست‌هاست که منافع جنبش صهیونیستی، به طور کامل با امور یک ملت آمیخته شده است و باعث فساد سازمان‌یافته، متکبرانه و بسیار آشکار همراه با فقدان اصول اخلاقی شده است که امروز در مناصب مهم غلبه دارد. به واقع قدرت صهیونیستی در آمریکا محدودیت‌های اندک یا ناچیزی دارد. هرچند قانونی نداریم تا به محکمه و تنبیه مقام‌های رسمی، در صورت دروغ‌گویی، بپردازد؛ مگر اینکه سوگند خورده باشند (که متأسفانه بیشتر وقتها این گونه نیست) شاید چنین قانونی ضروری باشد.

نتیجه اینکه صهیونیست‌ها در برخی از مفتضحانه‌ترین و پرمنفعت‌ترین فسادهای دوران ما نقشی اساسی داشته‌اند.

رسوایی دیگری در تاریخ معاصر آمریکا دیده می‌شود که بی‌تردید، ارزش بررسی دارد.

---

1. Purim

## فُساد به سبک آمریکایی ■ ۵۷

این رساله به صورت دقیق و آشکار نشان می‌دهد که چگونه قدرت صهیونیستی در بالاترین مراتب دستگاه اعمال قانون کشورمان نفوذ و دخالت داشته است: وزارت دادگستری و نظام دادگاه فدرال آمریکا.

قضیه اینسلاو موضوع بعدی ما در مطالعه قدرت صهیونیست‌های آمریکا خواهد بود.



## قضیه اینسلاو

### کنترل صهیونیست‌ها بر دادگاه‌ها و وزارت دادگستری آمریکا

قدرت و نفوذ ظریف دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در بالاترین سطوح وزارت دادگستری، تاروپود متعارف شیکه توطنه در قضیه اینسلاو است. قضیه اینسلاو به تدریج فراموش شده است، اما مرور این رسوایی مفتخانه برای درک قدرت صهیونیست‌های آمریکا کاملاً به جاست. داستان به قرار زیر است:

در مارس ۱۹۸۲ شرکت اینسلاو (که در واشنگتن دی.سی. مستقر و متعلق به بیل و نانسی همیلتون بود) موفق به دریافت قراردادی سه ساله به ارزش ۱۰ میلیون دلار از وزارت دادگستری شد. این قرارداد شامل نصب نرم‌افزار مهم پرومیس (طراحی شده توسط بیل همیلتون) در ۲۲ دفتر اصلی دادستانی آمریکا و یک نسخه واژه‌پرداز در ۷۲ دفتر دیگر بود. پرومیس یک نرم‌افزار ردیابی بسیار پیشرفته بود که برای استفاده آژانس‌های اطلاعاتی کاملاً مناسب و مخصوصِ ردیابی افراد مورد نظر بود.

در این بین، دکتر ارل برایان، رفیق قدیمی ادوین میز (دادستان کل وقت) نفوذ سیاسی

## ٦٠ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

خود را به کار گرفت تا با مداخله در قرارداد همیلتون آن را به شرکت خود اختصاص دهد. این امر پس از آن اتفاق افتاد که همیلتون پیشنهاد برایان برای خرید اینسلاو را رد کرد. تصور رایج بر این بود که برایان - که ارتباطات گسترده بین‌المللی داشت - مأمور قدیمی سازمان سیا است.

در اوایل سال ۱۹۸۳ وزارت دادگستری ترتیبی داد تا همیلتون، پرومیس را به یک اسرائیلی نشان دهد که خود را "ذکر بن اور" می‌خواند و در ظاهر نماینده وزارت دادگستری اسرائیل بود. "بن اور" گفت به شدت تحت تأثیر پرومیس قرار گرفته است، ولی با نخریدن ایسن محصول، همیلتون را غافلگیر کرد.

همیلتون بعدها علت را دریافت که اول برایان با استفاده از ارتباطاتش با درون وزارت دادگستری، توانست نرم‌افزار را بدزد و سپس آن را به لکم - واحد اطلاعاتی علامت‌های کاملاً سری نیروی دفاعی اسرائیل - داد. مدیر لکم، رافائل ایتان، مأمور قدیمی موساد و معروف به "رافی کیف" بود. در حقیقت ایتان "ذکر بن اور" بود که با همیلتون ملاقات کرده بود!

تا آن زمان فاش شده بود که ایتان مأمور موساد است و عملیات‌های جاسوسی جاناتان پولارد، جاسوس اسرائیلی در آمریکا را هدایت می‌کند. عملیات‌های ایتان در لکم را مجموعه‌ای از شرکت‌های ساحلی باهاما به شکل مخفیانه تأمین مالی می‌کردند. این شرکت‌ها چند سال قبل توسط مؤسسه حقوقی برنز و سامیت تأسیس شده بود. از قضا ایسن مؤسسه متعلق به آرنولد برنز معاون دادستان کل بود که در مبارزه‌های وزارت دادگستری، برای نابود کردن اینسلاو، نقشی کلیدی داشت.

اری بن - مناشه، مأمور اطلاعاتی سابق اسرائیل گفت: پرومیس نرم‌افزاری عالی برای استفاده دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، به منظور ردیابی فلسطینیان و ناراضیان سیاسی متقد اسرائیل بود. او گفت: «بچه‌ها پرومیس برای ما بسیار مهم بود، بسیار بسیار مهم. شاید مهم‌ترین موضوع دهه ۱۹۸۰ بوده باشد؛ زیرا چشم‌انداز کار اطلاعاتی و شکل جمع‌آوری

اطلاعات را به کلی تغییر داد». بنابراین برایان کمک بزرگی به دوستان اسرائیلی خود کرده بود.

برایان، پرومیس را به پلیس سوار سلطنتی کانادا، سرویس امنیت و اطلاعات کانادا، اطلاعات ارتش اردن و بسیاری دیگر فروخته بود. در واقع هنوز تمام جوانب توطنه برایان در معامله بین‌المللی پرومیس گفته نشده است.

البته آن زمان تمام این مسائل در پشت پرده اتفاق می‌افتد و همیلتون از آن مطلع نبود. با این حال، تا ۱۹۸۵ - که نرم‌افزار آنها به شکل کامل در سطح بین‌المللی دزدیده و توزیع شده بود - همیلتون دریافت که وزارت دادگستری بیش از ۷ میلیون دلار از بدھی قرارداد خود را نپرداخته و اینسلاو را به ورشکستگی کشانده است. سپس در ۱۹۸۴ دادگستری ناگهان قرارداد را لغو کرد. صاحبان اینسلاو در حالی که با ورشکستگی و انحلال، دست و پنجه نرم می‌کردند، مشغول دفع تلاش‌های خصم‌نامه‌ای بودند که به منظور تصرف شرکت (با پول ارل برایان، مأمور سیا و رفقای متعددش) صورت می‌گرفت (از جمله مؤسسه وال استریت چارلز آلن و اطرافیان).

در فوریه ۱۹۸۵ همیلتون با توسل به فصل ۱۱ قانون حمایت ورشکستگی، به دادگاه فدرال واشنگتن شکایت کرد و وزارت دادگستری را به دلیل خسارتها و زیان‌های وارد، تعقیب قانونی کرد. آنها لی راتینر (وکیل مؤسسه دیکشتاین، شاپیرو و مورین) را به نمایندگی خود برگزیدند.

در این میان، لتونارد گارمنت (وکیل واشنگتن) در قضیه اینسلاو ظاهر شد. نماینده طرف مقابل او نیز "رافی ایتان کیف" و منافع اسرائیل در رسوایی جاسوسی پولارد بود. گارمنت دوست حامی مالی پنهانی ایتان، یعنی برنز معاون دادستان کل بود و شریک مهم دیکشتاین، شاپیرو و مورین هم بهشمار می‌آمد که ناگهان راتینر وکیل مدافع همیلتون را اخراج کرد.

همیلتون بعدها مطمئن شد که به احتمال زیاد ایتان (مأمور موساد) ۶۰۰ هزار دلار از

## ۶۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

یک صندوق اسرائیلی به مؤسسه حقوقی گارمنت منتقل کرده تا باعث جدایی راتینر (وکیل همیلتون) از مؤسسه شود. (در همین مدت، به ظاهر خود گارمنت نقشی "ثبت‌کننده" در یک دعوى علیه لیرتی لابی ناشر اسپت لایت ایفا کرد؛ درست پس از آنکه این مؤسسه محبوب از وال استریت ژورنال، به دلیل توهین به لیرتی لابی - در مقاله‌ای به قلم همسر گارمنت - شکایت کرده بود. تصادفی نبود که اسپت لایت مشغول ارائه گزارش از رسوایی اینلاو بود. درباره آن بیشتر توضیح خواهیم داد.

همیلتون با وجود مشکلات به پیروزی شایسته‌ای رسید. توطنه وزارت دادگستری علیه اینلاو چنان آشکار و مفتضحانه بود که در ژانویه ۱۹۸۸ جورج بیسن (قاضی دادگاه فدرال ورشکستگی) به نفع همیلتون و علیه وزارت دادگستری حکمی صادر کرد. بیسن اعلام کرد وزارت دادگستری به عمد کوشید تا اینلاو را ورشکسته کند، کترل نرم‌افزار را به دست گیرد و پول همیلتون را نپردازد.

پس از آن، تصمیم بیسن تأیید شد، ولی آن زمان قرارداد وی دیگر تمدید نشد و جایگاه وی به اس. مارتین تیل داده شد؛ همان وکیل سابق وزارت دادگستری که از دادگستری (علیه همیلتون) دفاع می‌کرد.

پس از صدور حکم بیسن علیه وزارت دادگستری (به نفع همیلتون) مبنی بر اینکه مشتریان / همکاران تیل نرم‌افزار پرومیس را با "تدلیس، تقلب و نیرنگ" دزدیده‌اند، قرارداد بیسن تمدید نشد و تیل به جای وی منصوب گردید. بیسن بعدها در برابر کنگره شهادت داد؛ وزارت دادگستری به تلافی حکمی که علیه آنها صادر شد، به منظور اخراج وی توطنه کرده است.

یکی از بازیگران کلیدی اخراج بیسن به نفع تیل، آرنولد برنز معاون وقت دادستان کل (وکیلی قدرتمند با روابطی قدیمی با انجمن ضد افترای سازمان یهودی بی‌نای بی‌رث) بود. برنز همچنین از بنیانگذاران "تیر" است؛ گروهی بسیار متغذ متشکل از ۳۰۰ تن از بوروکرات‌ها و مقام‌های بلند پایه فدرال که با دغدغه مشترک پیشبرد منافع صهیونیسم، جلسه‌هایی

غیررسمی داشتند.

گفتیم اتفاقی نبود که برنز از مقام‌های وزارت دادگستری بود و از ابتدا بسیار تلاش می‌کرد که اینسلاو را نابود کند. بیسن همچنین درباره صلاحیت ارتقای حرفه‌ای تیل (با توجه به تجربه بسیار محدود او در زمینه دعاوی مربوط به ورشکستگی) سوال‌هایی طرح کرد.

به هر حال، مستند قضاوت بیسن، به تیل داده شد؛ جایزه‌ای که در مقابل کمک به پوشاندن فساد مشترک عوامل سیا و موساد اسرائیل دریافت کرد!

به گفته مارک فریکر و استی芬 پیزو (گزارشگران تحقیقی) "موضوع اینسلاو به بوسه مرگ دستگاه قضایی واشنگتن تبدیل شده است و هیچ یک از قصاصات به آن نزدیک نمی‌شوند. دعاوی اینسلاو سوال‌های جدی‌ای پرامون فساد و بی‌قانونی درون وزارت دادگستری مطرح کرده است و برکناری بیسن، قاضی دعاوی ورشکستگی، پیامی ناامیدکننده به دستگاه قضایی است." آبری رابینسون قاضی بزرگ منطقه واشنگتن‌دی‌سی. درباره دیگر قصاصات مرتبط با قضیه اینسلاو گفت: "از فاصله ۳ متری آن فرار می‌کنند."

تا این زمان، همیلتون توجه رسانه‌ها را تا حدی به خود جلب کرده بود؛ و بخشی از آن به دلیل تلاش‌های پیشگامانه روزنامه‌نگاران مستقلی چون هری مارتین در ناپا سنتینل (کالیفرنیا) اسپت لایت و برنامه گفت‌وگوی رادیو‌آمریکای آزاد (آر. اف. ای)، با میزانی تام ولتین بود. بیل و نانسی همیلتون از اینسلاو، بیسن، قاضی سابق و مایکل ریکونوسیوتو (که در توطئه علیه اینسلاو با ارل برایان مرتبط بود) به عنوان میهمان به آر. اف. ای آمدند تا درباره این رسایی گفت‌وگو کنند. همیلتون اکنون نماینده قدرتمندی چون الیوت ریچاردسون (دادستان کل سابق، که در گذشته است) داشت. او از فعالیت‌های مقام‌های این وزارتخانه (که خودش، مدت کوتاهی در زمان نیکسون، سرپرستی آن را بر عهده داشت) به شدت متنفر بود.

با توجه به آگاهی عمومی فزاینده از این موضوع، جک (بروکس نماینده دموکرات و

## ۶۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ریس کمیته قضایی مجلس) گروه ویژه‌ای به منظور تحقیق درباره موضوع اینسلاو تشکیل داد. بروکس دریافت که وزارت دادگستری به ریاست دیک ثورنبر (دادستان کل جدید) مرتب مانع تراشی می‌کند تا موضوع مخفی بماند.

در این میان، وزارت دادگستری تقاضای تجدیدنظر در حکم بیسن (قاضی سابق که به نفع اینسلاو صادر شده بود) را به دادگاه تجدیدنظر آمریکا تسلیم کرد. در ماه می ۱۹۹۰ امور به نفع این وزارتخانه تغییر کرد. بنا به حکم دادگاه تجدیدنظر، شکایت همیلتون از ابتدا نمی‌بایست در دادگاه ورشکستگی طرح می‌شد و با اعلام اینکه: «اگر همیلتون می‌خواهد وزارت دادگستری را تعقیب قانونی کند، باید دوباره از ابتدا شروع کند». شکایت او را رد کرد. دادگاه به اصل شکایت نپرداخت و فقط اعلام کرد این موضوع در حوزه صلاحیت دادگاه ورشکستگی نبوده است.

در سال ۱۹۹۱، براثر فشار روزافزون کنگره، ویلیام بار (جانشین ثورنبر به عنوان دادستان کل و مقام سابق سیا)، نیکلاس باو (قاضی فدرال بازنیسته شیکاگویی) را به عنوان مشاور حقوقی ویژه و درونی وزارت دادگستری منصوب کرد تا قضیه اینسلاو را بررسی کند. اما کسی باور نداشت وزارت دادگستری در هیچ موضوعی خود را مقصراً بیابد.

پس از تسلیم درخواست تجدیدنظر همیلتون به دادگاه عالی در ۱۹۹۲ (همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد) حکم دادگاه تالی به نفع وزارت دادگستری تأیید شد. در مارس ۱۹۹۳ زمانی که نیکلاس باو (قاضی فدرال سابق) در مورد تبرنه کامل وزارت دادگستری، گزارشی ویژه تنظیم کرد، هیچ کس تعجب نکرد. سرانجام در اگوست ۱۹۹۷ دادگاه دعاوی فدرال واشنگتن‌دی‌سی. علیه همیلتون حکم داد و با وجود تمام شواهد، وزارت دادگستری را در قضیه اینسلاو کاملاً بی‌تقصیر اعلام کرد.

قابل توجه است که در زمان افشاء موضوع اینسلاو، جسد بی‌جان تعدادی از افرادی که با ماجراه اینسلاو و بررسی آن مرتبط بودند، کشف شد.

- در اگوست ۱۹۹۱ جسد مشهورترین قربانی اینسلاو، دنسی کاسولارو، روزنامه‌نگار

مستقل - که با بیل و نانسی همیلتون در اینسلاو کار می‌کرد و با مایکل ریکونوسیوتو مأمور سیا و افشاگر توطنه اینسلاو همکاری نزدیکی داشت - در اتاق مسافرخانه‌ای در مارتینزبرگ، در غرب ویرجینیا پیدا شد. با اینکه علت مرگ وی "خودکشی" اعلام شد، شواهدِ مهم چیز دیگری را نشان می‌دهد.

- در ۱۹۹۲، همسر و سه فرزند یان استوارت اسپیرو تاجر و مأمور اطلاعاتی مستقل سن‌دیه‌گویی به قتل رسیدند. بعدها جسد خود وی در مکانی دیگر کشف شد. مقام‌ها نیز اعلام کردند سپیرو (که برای دستگاه اطلاعاتی انگلیس و اسرائیل کار می‌کرد) ابتدا خانواده‌اش و سپس خودش را کشته است؛ البته عده محدودی این گفته‌ها را باور می‌کنند. یک باغان مکزیکی که شاهد قتل خانواده اسپیرو بود نیز بعدها به قتل رسید.

با توجه به روابط متعدد اسرائیل با قضیه اینسلاو، نکته جالب این است که تیم کارول معاون کلاتر ناحیه سن‌دیه‌گو - که در رسیدگی به موضوع اسپیرو به عنوان «بازپرس» ویژه کار می‌کرد - رابط قدیمی دفتر کلاتر با انجمن ضد افترا (ای‌دی‌آل) سازمان بی‌نای بی‌رث (کانال موساد) بود.

تصادفی نبود که کارول، عاملِ هماهنگی و شریک هجوم ناگهانی پلیس در سال ۱۹۹۵ به منزل ویلیس ای. کارتون، ناشرِ اسپت لایت بود؛ که البته این کار قابل توجیه نبود. این هجوم بخشی از دسیسه‌ای سطح بالا (با روابط متعدد با موساد) بود که در نهایت سبب نابودی هفته‌نامه‌ای شد که در آن زمان مهم‌ترین نشریه مستقل و سراسری افشاکننده قضیه اینسلاو به شمار می‌آمد.

- انسون نگ (گزارشگر تایمز مالی لندن) با کاسولارو همکاری می‌کرد تا روابط بین اینسلاو و پولشویی مرتبط با قضیه ایران - کترا (که به تحریک اسرائیل رخ داد) را بررسی کنند. جسد وی که در ژوئیه ۱۹۹۱ در گواتمالا یافته شد، تنها یک گلوله در سینه داشت. مقام‌ها، این حادثه را خودکشی خواندند، اما دیگران آن را قتل دانستند.

- جسد دنیس آیزمن وکیل مایکل ریکونوسیوتو (افشاگر قضیه اینسلاو) نیز با اثر شلیک

## ۶۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

گلوله در سینه‌اش پیدا شد. این نیز خودکشی خوانده شد، یک مرگ ساده دیگر.

- در مارس ۱۹۹۰ جاناتان مویل (روزنامه‌نگار انگلیسی) که در مورد یکی از کارکنان اینسلاو در شیلی تحقیق می‌کرد) در کمد لباس هتل خود در سانتیاگو به شکل به دار آویخته پیدا شد. این امر باز هم «خودکشی» خوانده شد.

- جسد آلن دی. استندورف (تحلیلگر امور دفاعی) پدر فرودگاه ملی واشنگتن، کف یک اتومبیل زیر تعدادی چمدان پیدا شد. او در یک قرارگاه مخفیانه شنود ارتش، در اطراف ویرجینیا کار می‌کرد.

- مایکل آلن می، دستیار سابق نیکسون چهار روز پس از آن مرد که نشریه ناپا سنتینل درباره ارتباطات او با رسوایی به اصطلاح «شگفتی اکبر» گزارش داد: که او با ارل برایان دسیسه چین اینسلاو نیز مرتبط بود. کالبدشکافی، آثار دارو در بدن وی را نشان داد.

- مهندس باری کومنیک پس از اختراع برنامه‌ای رایانه‌ای ناپدید شد. این برنامه افکار و ویژگی‌های اشخاص نظامی یا مجرم را نشان می‌داد و رفتار یا تحرک را پیش‌بینی می‌کرد. سیستم کومنیک برای کار با نرم‌افزار پرومیس (محصول اینسلاو) طراحی شده بود. باز هم مرگی ساده از زنجیره‌ای طولانی.

مدارک افشا شده توسط ریچاردسون و کیل اینسلاو، عامل احتمالی این مجموعه قتل‌ها را معرفی می‌کند و این راز، عوامل صهیونیستی مرتبط با قضیه اینسلاو را روشن می‌سازد.

ریچاردسون و همیلتون کشف کردند که در وزارت دادگستری (او اس آی) دفتر بازرگانی ویژه «جستجوگر نازی‌ها» به عنوان واحد کاملاً سری عملیات‌های مخفیانه وزارت دادگستری به کار می‌رفت و در واقع (او اس آی) عامل دزدی نرم‌افزار پرومیس اینسلاو بود. ریچاردسون (وکیل اینسلاو و دادستان کل سابق آمریکا) در صحبتی تکان‌دهنده در ۱۴ فوریه ۱۹۹۴ اظهار داشت:

«با توجه به اطلاعاتی که به تازگی توسط چندین مقام عالی رتبه وزارت دادگستری به

اینسلاو داده شد، برنامه جنایتکار جنگی نازی... پوششی برای سرویس اطلاعاتی مخفی وزارت دادگستری است.

بر اساس اطلاعات منابع موثق مرتبط با دستگاه اطلاعاتی آمریکا، یکی از مأموریت‌های اعلام نشده این سرویس اطلاعاتی مخفی، انتشار غیرقانونی نسخه اختصاصی پرمویس بوده است. افزون بر این، اینسلاو یک نسخه چاپی رایانه‌ای ۲۷ صفحه‌ای با عنوان "فهرست فروشنده‌گان بخش جنایی" به دست آورده است. این فهرست در واقع از اشخاص و سازمان‌های تجاری است که به عنوان "دلال" برای این آژانس اطلاعاتی مخفی وزارت دادگستری کار می‌کنند...

بر اساس اطلاعات منابع گوناگون، آژانس اطلاعاتی مخفی وزارت دادگستری، شرکی "اختصاصی" دارد که مأموران متعددی از ملیت‌های مختلف استخدام می‌کند. همچنین افرادی را به کار می‌گیرد که به ظاهر کارمندان معمولی آژانس‌ها و وزارت‌خانه‌های مختلف دولت آمریکا یا اعضای نیروهای مسلح آمریکا هستند.

براساس گفته‌ای ریچاردسون دنی کاسولارو (محقق اینسلاو) بنابر شواهد توسط همین واحد سری اواس‌آی وزارت دادگستری به قتل رسیده است.

چون اواس‌آی سال‌ها با سرویس اطلاعاتی اسرائیل همکاری نزدیک داشته است، نتیجه منطقی این است که اواس‌آی و واحد سری درون خود اواس‌آی عوامل مؤثر موساد می‌باشد. نتایج این موضوع بسیار اهمیت دارد، بویژه به دلیل آنکه خود وزارت دادگستری و مأموران کلیدی این وزارت‌خانه - از جمله کسی که بعدها به رتبه قاضی فدرال دعاوی ورشکستگی ارتقا یافت - اجرای این توطئه صهیونیستی (که هیچ نام دیگری نمی‌توان بر آن نهاد) را میسر کردند.

در واقع اس. مارتین تیل، قاضی دعاوی ورشکستگی - که در ظاهر یهودی نیست - به تنهایی مسئول بسته شدن اسپت لایت (تنها هفته‌نامه مستقل سراسری که قضیه اینسلاو را از ابتدا پوشش می‌داد) بود.

## ۶۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ تیل که به یک شکایتِ ورشکستگی از سوی لیرتی لابی، ناشر اسپت لایت، رسیدگی می‌کرد، از قدرت خودسرانه‌اش استفاده کرد و با دستور توافق انتشار این هفته‌نامه محبوب و پویا، آن را نابود ساخت.

هرچند تیل، تنها قاضی دادگاه ورشکستگی در حوزه قضایی واشنگتن‌دی‌سی بود، از ابتدا نباید اجازه رسیدگی به ورشکستگی «فلدال لیرتی لابی» به او داده می‌شد. او تعارض منافع واضح، و تَبَری فوی برای خُرد کردن این مؤسسه محبوب و هفته‌نامه آن داشت. پس افزون بر شرکت اینسلاو، اسپت لایت هم به زانو درآمد و همچون اینسلاو قربانی توطنه‌های مخربِ موساد اسرائیل و متحдан آن در واشنگتن شد. البته این مطالب به معنای آن نیست که تمام فسادها فقط به منابع یهودی باز می‌گردد، به هیچ وجه! واقعیت این است که فساد یهودیان (در مناصب بالا، که در فرایند سیاسی آمریکا تأثیر گذار است) در طول تاریخ وجود داشته، ولی رسانه‌ها و کتاب‌های تاریخ، نقش مهمی در جلوگیری از ایجاد آگاهی عمومی درباره آن داشته‌اند.

ریشه‌های قضیه اینسلاو، نشان‌دهنده قدرت عظیم جنبش صهیونیستی است و گویای آن است که حتی دادگاه‌ها و نظام به اصطلاح «دادگستری ایالات متحده»، کاملاً در دست کسانی است که بر آمریکا، «اورشلیم جدید»، حکومت می‌کنند.

بنابراین خالی از فایده نیست که به برخی خانواده‌های یهودی قدرتمند و برجسته آمریکا نظری بیفکنیم؛ بویژه آنان که نفوذی شدید در رسانه‌های آمریکا دارند. این خانواده‌ها قدرت شکل‌دهی به درک عمومی تاریخ و واقعیت جاری و در نتیجه هدایت فرایند سیاسی آمریکا را دارند.

## دار و دسته برونقمن

### خانواده سلطنتی / یهودی آمریکایی

سام و ادگار برونقمن: «پدرخوانده‌های» ال کاپون و جان مک کین خانواده برونقمن که زمانی «روچیلد های دنیای جدید» خوانده می‌شدند، با اینکه به طور رسمی در کانادا مستقر هستند، بدون تردید «خانواده سلطنتی» یهودیان آمریکا محسوب می‌شوند، زیرا نفوذ این خاندان در سراسر ایالات متحده، از نیویورک تا هالیوود و بین آن دو، به خوبی ثبت شده است. نوچه‌های خانواده برونقمن شخصیت‌های مختلف قدرتمند و مشهوری چون ال کاپون تا سناتور جان مک کین (آریزونا) هستند.

شهرت این خانواده بیشتر ناشی از امپراتوری مشروب سیگارام آنهاست، اما قدرت آنها خیلی بیشتر است و در بعضی موارد نمونه «وج موقیت یک یهودی» هستند. به واقع آنان نمایانگر تمام چیزهایی هستند که – به معنای کلاسیک – قدرت و نفوذ منفی یهودیان در آمریکا را نشان می‌دهد. با اینکه ثروتمندترین خانواده یهودی آمریکا نیستند، اما خانواده‌هایی بسیار بسیار ثروتمندتر به شمار می‌آیند که نفوذ و شهرتشان کمتر رقیب دارد. همچنین ادگار

## ۷۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

برونفمن - بزرگ خاندان - رئیس قدیمی کنگره جهانی یهود است و این عنوان قدرت زیادی در پی دارد.

پیتر نیومن (زندگی نامه نویس خانواده برونفمن) سال ۱۹۷۸ در کتاب خاندان برونفمن، مجموع دارایی‌های شاخه‌های مختلف خاندان را حدود ۷ میلیارد دلار تخمین زد. او به مجله فورچون ارجاع داد که در آن زمان نوشت: «دارایی‌های برونفمن تنها از تعداد محدودی خانواده آمریکای شمالی کمتر است (از جمله کسانی که در قرن نوزدهم ثروتمند شدند)، یعنی زمانی که تأثیر مالیات بر ثروت، از تأثیر پولی که در صندوق اعانت ریخته می‌شد [که از ثروت کسر می‌شد] بیشتر نبود». البته از آن زمان تا امروز برونفمن‌ها ثروت خود را افزایش داده‌اند و به همین ترتیب نفوذ بیشتری هم یافته‌اند.

می‌گویند خانواده برونفمن، مهاجرانی بودند که - همچون بسیاری دیگر - با حمایت سازمان‌های خیریه یهودی وابسته به خانواده اروپایی روچیلد ( مؤسسه مالی عظیمی که صحنه‌گردان مخفی نسل‌های متعدد بوده است) به کانادا آمدند.

با این حال امپراتوری برونفمن که امروز می‌شناسیم، توسط سام برونفمن، تاجر جسور، سختکوش و باهوشی تأسیس شد که به همراه برادرانش با تولید مشروب، میلیون‌ها دلار سود برد و با حمل آن به داخل ایالات متحده - که آن زمان ممنوع بود - خیلی بیشتر سود برد. این خانواده اولین روابط خود را با اتحادیه تبهکار آمریکایی برقرار کرد که ریاست مشترک آن را میر لانسکی (یهودی متولد روسیه و مستقر در نیویورک) و شرکای ایتالیایی آنها چارلز لوچیانو «خوش شانس» و فرانک کاستلو برعهده داشتند.

شاید بهتر بود این راز کوچک کیف گفته نمی‌شد، به ندرت شهری حاشیه‌ای در نواحی شمالی ایالات متحده - از مین تا ایالت واشنگتن - وجود داشت که دارایی‌های خانواده‌های کوچک محلی آن بخشی از شبکه قاچاق مشروب برونفمن / لانسکی نبود.

در شهرهای بزرگ، کسانی که می‌خواستند موفق شوند «باید» با شبکه برونفمن لانسکی «رابطه» برقرار می‌کردند. حقیقت این است که حتی ال کاپون، شاهزاده تبهکار ایتالیایی

آمریکایی شیکاگو، نیز قدرتش مدیون ارتباط با برونقمن بود! این امر حقیقت به نسبت ناشناخته‌ای است که تا حد زیادی پنهان شده است.

برخلاف تصورات رایج درباره «حاکمیت» کاپون در شیکاگو، هرگز بیش از یک چهارم برنامه‌های ویندی سیتی در کنترل او نبود. همان‌طور که هنک مسیک (نویسنده مشهور و مستقل در حوزه تبهکاری) در مطالعه کلاسیک خود پرونده مخفی (پسران جی. پی. پوتنام، ۱۹۶۹) اشاره می‌کند: با اینکه کاپون قدرتمند و ثروتمند بود، ولی هرگز لقبی بالاتر از «کاپو» یا «کاپیتان» – سردسته گروهی ده نفره – در مراتب سازماندهی رسمی «مافیا» (شبکه تبهکاری ایتالیایی / آمریکایی) نداشت.

نکته دیگری که بیشتر در افسانه «مافیا» فراموش می‌شود، این است که کاپون درواقع تنها زمانی اجازه یافت عضو رسمی مافیا شود که رؤسای ایتالیایی / آمریکایی باند تبهکاری شیکاگو، قواعد عضوگیری مافیا را آسان کردند تا به تعداد مشخصی غیر سیسیلی، از جمله کاپون (که در ناپل ایتالیا متولد شده بود) اجازه عضویت دهند.

کاپون در نهایت پاسخگوی رؤسای بزرگ‌تر و مخفی‌تر پشت صحنه بود که در «بک ایست» مستقر بودند؛ بخشی از گروهی «زبده» که اطراف میرلانسکی (متولد روسیه) رئیس یهودی باندی تبهکار، مستقر در نیویورک، جمع شده بودند که عملیات‌های خود را به میامی و – سالها بعد – برای مدت کوتاهی به اسرائیل منتقل کردند.

گروه لانسکی، شامل بنیامین «باگزی» سیگل شریک یهودی لانسکی و شرکای ایتالیایی وی کوستلو و لوچیانوی افسانه‌ای بودند که از ابتدا کاپون (پسر عمومی دور لوچیانو) را به شیکاگو فرستادند.

دنیس ایزنبُرگ، اوری دن و ای لاندو، نویسنده‌گان اسرائیلی زندگی‌نامه مهم لانسکی «میر لانسکی: غول باند» (انتشارات پدینگتون، ۱۹۷۹) که با همکاری لانسکی نوشته شد، مسائلی را طرح کردند که زندگی نامه‌نویسان کاپون نگفته بودند.

لانسکی به زندگی نامه‌نویسان اسرائیلی، می‌گوید: «باگزی سیگل، کاپون را زمان زندگی

## ۷۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

و کارش در بخش پایین دست شرقی می‌شناخت... او به قدری به کاپون نزدیک شد تا او را [زمانی که به اتهام قتل به دردسر افتاد] با یکی از عمه‌هایش مخفی کند».

لانسکی و اطرافیانش برای اینکه کاپون جوان را از خطر اعمال قانون برهانند، او را به شیکاگو فرستادند تا به عنوان یک گردن کلفت در دسته جانی توریو برود؛ توریو نیویورکی سابق دیگری است که «به غرب رفته» و می‌خواست به جای کلوسیمو عمومی خود «جیم بزرگ» (که گانگستری کهنه کار بود) رهبر مافیای ایتالیایی / آمریکایی شیکاگو شود.

توریو در اصل معتمد لanskی در منطقه شیکاگو بود و کاپون به سرعت مدارج ترقی را گذراند و مرد اول توریو شد.

هنک مسیک می‌نویسد، موقعیت کاپون گروه لanskی را غرق شادی کرد: «زیرا کاپون در واقع آدم آنها بود. کاپون با اینکه در نهایت خودش در شیکاگو رئیس شد و باندها و عملیات‌های تبهکارانه گوناگونی را رهبری کرد، وفاداریش به دوستان نیویورکی چنان محکم بود که لanskی و [لوچیانو] می‌دانستند که همیشه می‌توانند به او اعتماد کنند.»

قابل توجه است که مقام بالاتر کاپون در شیکاگو، یعنی توریو، عامل شیکاگویی حفظ منافع امپراتوری مشروب برونقمن، مستقر در کانادا بود که مشروبات قانونی کانادا را برای مصرف غیرقانونی آمریکاییان (در دوره منوعیت) از مرز عبور می‌داد. سام برونقمن و خانواده‌اش از ابتدا همکاری نزدیکی با اتحادیه لanskی داشتند. بنابراین، رابطه توریو کاپون این حلقه ارتباطی را تکمیل کرد. در این میان کلوسیمو (رهبر مسلط شیکاگو) برای نزدیک کردن خود به برونقمن یا لanskی و سیگل (که آنها را «یهودی کیف» می‌خواند) هیچ تلاشی نمی‌کرد.

کلوسیمو می‌گفت: نمی‌فهمم چرا لوچیانو این قدر با لanskی و سیگل صمیمی شده و «گاهی شک می‌کنم که شاید خون یهودی در رگهای او جاری باشد»؛ شکی که خواهیم دید با توجه به سرنوشت لوچیانو، بسیار بعید می‌نماید.

ازرون براین کلوسیمو می‌گفت: «فاجح مشروب آینده ندارد» و علاقه زیادی به مشروبات

برونقمن نشان نمی‌داد. او به دنبال تمرکز بر مواد مخدر، فحشا و رباخواری بود. تحریم برونقمن از سوی او، منافع اتحادیه لانسکی را کاهش می‌داد.

نیاز به گفتن نیست که در زمان مناسب، لانسکی (با استفاده از توریو و کاپون) علیه کلوسیمو دست به کار شد و او توسط گانگستر یهودی نیویورکی که برای این کار فرستاده شده بود، به قتل رسید. روی بزرگ‌ترین تاج گل در مراسم خاکسپاری پر زرق و برق کلوسیمو، نوشته شده بود: «از طرف بچه یهودی‌های سوگوار نیویورک». به زودی مشروبات برونقمن به سمت شیکاگو جریان یافت و توریو نوچه لانسکی و مرد دست راستش کاپون، به چهره‌های «مافیایی» محبوب رسانه‌ها تبدیل شدند.

وقتی به نیروهای پشت سرِ بدنام‌ترین گانگستر ایتالیایی آمریکایی قرن بیستم می‌نگریم، ریشه‌های او را در پیوند عمیق با اردوگاه برونقمن (و صهیونیسم) می‌یابیم که این امر به خودی خود اهمیت دارد.

رئيس کنونی خانواده برونقمن، ادگار برونقمن است که غیر از معامله‌های تجاری گسترده بین‌المللی، رئيس پرسابقه کنگره جهانی یهود نیز به‌شمار می‌آید و دارای تفویض سیاسی قابل توجهی است.

البته برونقمن در تلاش‌های اخیر، به منظور دریافت میلیاردها دلار از بانک‌های سوئیس نیز بازیگری کلیدی بوده است که با بهانه دخالت بانک‌ها در تصرف «طلای‌های یهودیان» صورت می‌گیرد. به گفته‌آنان توسط نازی‌ها دزدیده شده و نیز ضبط اموال تعدادی از یهودیان که ثروت بسیار خود را پیش از جنگ جهانی دوم در بانک‌های سوئیس پنهان کرده بودند، صورت گرفت. رسانه‌ها هرگز پاسخ این سؤال را نداده‌اند که چگونه این ثروت گسترده جمع آوری شده است؟ هرچند حضور خانواده برونقمن در این مجادله تا حدی کلید این معماست.

روشن است که برونقمن‌ها عمدۀ ثروت اولیه خود پیش از جنگ جهانی دوم را از راه تجارت غیرقانونی مشروب، با همکاری میرلانسکی (چهره مشهور اتحادیه تبهکاران آمریکا) به دست آوردند؛ گستره عملیات‌های وی تا آن سوی سواحل آمریکا بود. همچنین لانسکی

## ۷۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

یکی از اولین عوامل اتحادیه تبهکاری در استفاده از حساب‌های بانکی سوئیس برای ذخیره و پاک‌سازی پول‌های کلیف بود. به احتمال زیاد بسیاری از کسانی که توقيف شدند و حساب‌های بانکی آنها مصادره شد، در واقع عوامل اتحادیه لاتسکی برونقمن بوده‌اند و بنابراین در فعالیت‌های مجرمانه دست داشته‌اند؟!

ادگار جوان (پسر برونقمن) به اندازه پدرش اما در حوزه‌ای متفاوت، قدرتمند است.

کترل یونیورسال استودیوز و تمام شرکت‌های سرگرمی تابعه - که اکنون در کترل امپراتوری برونقمن است - در دست برونقمن جوان می‌باشد. ادگار که بازیگری مهم در هالیوود و عرصه تولید موسیقی و فیلم است، در زمان آغاز شراکت با شرکت ویوندی فرانسه در یک سرمایه‌گذاری مهم خانوادگی شکست خورد؛ ولی تاکنون هیچ یک از اعضای خانواده برونقمن در خیابان‌های نیویورک، بورلی هیلز یا مونترال در حال گذاشتن دیده نشده‌اند.

شرکت سیگرامز مرتب به هر دو حزب اصلی آمریکا، کمک‌های هنگفتی می‌کند. باعث تعجب است! زیرا در مبارزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری ۱۹۹۶ که بیل کلیتون به دلیل پذیرش کمک‌های صنعت تنبکو به باب دال، رقیب جمهوری خواه خود حمله می‌کرد، از این واقعیت تقریباً بی‌هیچ توضیحی غفلت شد که هر دو حزب اصلی کمک‌های قابل ملاحظه‌ای از صنعت الكل - به طور مشخص امپراتوری برونقمن - دریافت می‌کردند!

برای مثال مؤسسه «آمریکایی» مشهوری چون دوپونت، در کترل برونقمن قرار گرفت. سال ۱۹۸۱ دوپونت که هفت‌مین شرکت بزرگ ایالات متحده بود، از سوی خانواده برونقمن هدف قرار گرفت. در واقع برونقمن‌ها همان زمان نیز مالک ۲۰ درصد دوپونت - که سهمی عمدۀ بود - بودند. زیرا در دنیای شرکت‌ها حتی مالکیت ۳ درصد سهام یک شرکت، کترل مؤثر شرکت را برای مالک میسر می‌کند. با آنکه نام سنتی / آمریکایی «دوپونت» همچنان بر روی اوراق شرکت و محصولاتی که به آمریکاییان فروخته می‌شد وجود داشت، قدرت واقعی پشت پرده از آن امپراتوری برونقمن بود.

با اینکه خانواده دوپونت، بسیار ثروتمند هستند و در طول چندین نسل بر منابع مالی

خود افزوده‌اند، در شرکتی که به نامشان بود نفوذ کمی داشتند. در نهایت برونقمن‌ها سرمایه خود را از دوپونت بیرون کشیدند؛ ولی منابع خود را برای توسعه ثروت و نفوذ خود در نقاط دیگر به کار گرفتند. امروزه برونقمن‌ها عضوی شناخته شده از طبقه اشراف مسلط ایالات متحده و کل جهان هستند.

از دیگر دارایی‌های قدیمی برونقمن، شرکت‌های آمریکایی ستی دیگری است از جمله: کمپل سوب، اشلیتزر برونزینگ، کلگیت - پالمولیو، کلوگ، نیسکو، نورتون سیمون، کواکر اوتز، پارامونت پیکچرز و وارینگتن پروداکتز (که چکمه کودایاک و کفش پایی تولید می‌کرد).

آنان همچنین در شرکت ارنست هان (این شرکت ۲۷ مرکز خرید منطقه‌ای در کالیفرنیا داشت و برنامه تأسیس ۲۹ مرکز دیگر را هم دنبال می‌کرد) و همچنین در شرکت ترزک (یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های توسعه دارایی در آمریکای شمالی) نیز سهم داشتند. آنان دارایی‌های قابل ملاحظه‌ای در برخی مناطق «عجبی» و «دورافتاده» دارند. برای مثال شرکت کادیلاک فیرویو برونقمن - که در کار دارایی‌های اجاره‌ای است - مرکز خریدی در هیکوری کارولینای شمالی تأسیس کرد و (۱۹۷۸) در حال ایجاد دو مرکز دیگر بود. شرکت‌های دیگر برونقمن، بازار شانون در آتلانتا و گالریا در وستچستر نیویورک است. همچنین یکی از شرکت‌های تابعه برونقمن به دنبال ایجاد مرکز خرید در می‌سی‌سی‌بی و کانکتیکات بود. به علاوه شرکت‌های برونقمن مالک پارک‌های صنعتی اطراف و داخل لوس آنجلس، برج‌های اداری دنور و سانفرانسیسکو، و آژانس‌های توسعه املاک نوادا، کالیفرنیا و فلوریدا است. برونقمن‌ها تمام سهام شرکت جنرال هومز کانسالیدیتد کوز واقع در هیوستون را خریداری کردند. کار این شرکت، ساختمان سازی و توسعه اراضی بود و فعالیت‌های آن تا می‌سی‌سی‌بی و آلاما امتداد داشت.

این خانواده، سالها مالک قطعه‌های وسیع زمین در نواحی حاشیه‌ای ویرجینیا در اطراف واشنگتن دی.سی. بودند؛ که البته این موضوع چندان شناخته شده نبود. این زمین‌های پر منفعت

## ۷۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

به تازگی با کسب سود بسیار، واگذار شده است.

و باید یادآوری کرد که دارایی‌های گوناگون خانواده برونفمن در ایالات متحده، به هیچ وجه تمام دارایی‌های آنها نیست! هیچ یک از اینها حتی کسری ناچیز از اموال برونفمن در کانادا هم نیست! این نفوذ مالی در مناطق و ایالت‌های زیر نفوذ برونفمن، قدرت سیاسی عمدۀ‌ای به آنان بخشیده است.

در این زمینه، نفوذ پنهان خانواده برونفمن در ایالت آریزونا قابل توجه است. آریزونا — منطقه دورافتاده‌ای است که از نظر بسیاری از آمریکاییان بهشت کابوی‌ها، کاکتوس‌ها و فضاهای وسیع است، قلعه مستحکم و مستقلی که از فساد و توطنه‌های شهرهای بزرگ مثل نیویورک، میامی، شیکاگو و لوس‌انجلس مبراست. در واقع، آریزونا از لحاظ میزان جرایم در کنار پایتخت‌های بزرگ مجرمان قرار دارد و این موقعیت ناگوار به نفوذ خانواده برونفمن در آریزونا باز می‌گردد. این نفوذ چنان شدید است که می‌توان گفت آنها «پدرخوانده» سیاسی مشهورترین اصلاح طلب آمریکا — جان مک‌کین (سناتور آریزونا) هستند. داستان به این قرار است:

در ۱۹۷۶ دن بلز (خبرنگار شجاع فونیکس) پس از آنکه درباره ارتباط‌های شمار زیادی از شخصیت‌های معروف آریزونا — از جمله جیم هنسلی — با جرایم سازمان یافته، مطالبی منتشر کرد، به وسیله بمبی که در اتومبیل جا سازی شده بود به قتل رسید. پنج سال بعد، جان مک‌کین «راستگو<sup>۱</sup>» به عنوان شوهر جدید سیندی (دختر هنسلی) به آریزونا آمد. به گفته چارلز لوین (از مرکز انسجام عمومی): «از زمان ورود مک‌کین به فونیکس، خانواده هنسلی حامیان کلیدی زندگی سیاسی وی بودند». اما واقعیت این است افرادی که در پس دارایی‌های هنسلی قرار داشتند، مهم‌تر و بحث‌برانگیζتر بودند.

با وجود شهرت پدرزن مک‌کین، به عنوان مالک بزرگ‌ترین توزیع کننده آبجو آنهسر / بوش در آریزونا (یکی از بزرگ‌ترین توزیع کنندگان آبجو در کشور) رسانه‌های اصلی، درباره

۱. افراد مشهور، عنوانی پس از اسمشان ذکر می‌شود. و این فرد به کنایه به عنوان سیاستمدار راستگو معروف است.

ریشه‌های ثروت هنسلی که پشتوانه به قدرت رسیدن مک کین بود، چیزی نگفته‌اند. دارایی‌های هنسلی چیزی جز شعبه‌ای منطقه‌ای از امپراتوری بزرگ باندهای قاچاق مشروب (متعلق به خاندان برونقمن) نیست.

پدرزن مک کین، کارش را به عنوان نوچه اصلی کمپر مارلی آغاز کرد؛ او بسی تردید به مدت چهل سال (تا ۱۹۹۰ یعنی زمان مرگش، در سن ۸۴ سالگی) ارباب سیاسی پشت پرده آریزونا بود. البته مارلی تنها یک سیاستمدار ماشینی نبود، او در واقع مرد شماره یک باند تبهکاری لانسکی آریزونا بود و نوچه گاس گرینباوم (قائم مقام لانسکی و قumar باز فونیکسی) به شمار می‌آمد.

در ۱۹۴۱ گرینباوم، سرویس خبری و انتشاراتی ترانس آمریکا را تأسیس کرده بود و به عنوان یک سرویس اطلاع‌رسانی ملی برای ناشر آن عمل می‌کرد. در ۱۹۴۶ گرینباوم عملیات‌های روزمره‌اش را به مارلی محول کرد و خود به ساخت کازینوهای لانسکی، در لاس و گاس مشغول شد. گرینباوم که هر روز از خانه خود در فونیکس به آنجا می‌رفت، آنقدر با امپراتوری لانسکی نزدیک بود که در ۱۹۴۷ اختیار دارایی‌های لانسکی در لاس و گاس را بر عهده گرفت. پس از آن، لانسکی دستور اعدام دوست قدیمی خود بنیامین «باگزی» سیگل را به دلیل استفاده شخصی از منافع کازینوی نیوفلامینگو، صادر کرد.

تبهکاران در «حمله‌ای» در ۱۹۴۸ گرینباوم و همسرش را به قتل رساندند و گلوی آنها را بریدند. این قتل مجموعه‌ای از جنگ‌های تبهکاران در فونیکس را به دنبال آورد، اما مارلی نجات یافت و موفق شد.

مارلی در این مدت مشغول تأسیس توزیع کننده‌انحصاری مشروب در آریزونا بود. به گفته ال لیزانتیز (مسئول قدیمی روابط عمومی مارلی)، خانواده برونقمن مارلی را به تجارت مشروب وارد کردند. در ۱۹۴۸، ۵۲ تن از کارمندان مارلی (از جمله جیم هنسلی) به دلیل نقض قوانین فدرال در مورد مشروب به زندان رفتند ولی مارلی نرفت.

داستان این بود که هنسلی مارلی را نجات داد و مارلی پس از خلاصی از زندان، پاداش

وفادرای هنسلی را با وارد کردن او به بازار توزیع آبجو داد. این شرکت آبجو که به ظاهر ۲۰۰ میلیون دلار ارزش دارد، پشتوانه مالی اصلی زندگی سیاسی مک کین است. حمایت شبکه برونقمن / مارلی / هنسلی برای به قدرت رسیدن مک کین ضروری بود.

افزون بر این، پدرزن مک کین به کسب‌وکار سگ‌دوانی<sup>۱</sup> نیز سرگرم بود؛ و دارایی خانواده خود را با فروش پیست سگ‌دوانی خود به فردی مرتبط با شرکت ایمپرايز (که در اختیار خانواده جاکوبز مستقر در بوفالو بود) گسترش داد. خانواده جاکوبز توزیع کننده اصلی مشروب قاچاقی برونقمن در ایالات متحده (در دوران ممنوعیت آن) بودند و کنترل «جريان» مشروب برونقمن به تبعه‌کاران محلی – که بخشی از باند لانسکی بودند – در دست آنها بود. با گسترش تدریجی و خرید پیست‌های سگ‌دوانی، اسب‌دوانی، امتیاز انحصاری فروش غذا و مشروب در ورزشگاه‌ها، شرکت‌های خانواده جاکوبز «به احتمال بزرگ‌ترین پوشش شبه قانونی برای پولشویی جرایم سازمان یافته در ایالات متحده» توصیف می‌شد.

به هر حال جان مک کین مسئول گناهان پدرزن خود نیست، واقعیت این است که این «اصلاح طلب» دارایی‌های سیاسی و مالی خود را مدیون لطف فراوان مشهورترین چهره‌های جرایم سازمان یافته، است. شاید عجیب نباشد که امروز صنعت قماربازی لاس وگاس، از اولین حامیان مالی مک کین است. این مختصر تنها مشتی از خروار است! اما مسائل زیادی درباره مک کین و محیط پرورش سیاسی او – به خصوص در پرتو موقعیت پیشگامانه مک کین به عنوان یکی از حامیان اصلی اسرائیل در کنگره – بیان می‌کند.

در اثر به نسبت پرفروش نگارنده درباره ترور جان اف. کندی یعنی کتاب قضاوت نهایی آمده است: (سرwis اطلاعاتی اسرائیل) همراه با سیا نقشی مهمی در ترور رئیس جمهور کندی ایفا کرد؛ و این امر دقیقاً به دلیل مخالفت سرخختانه کندی با حرکت اسرائیل به سوی تولید سلاح‌های هسته‌ای کشتار جمعی است. بر این اساس باید توجه کرد که ردپای سام برونقمن (یکی از چهره‌های اتحادیه لانسکی و حامی ثروتمند اسرائیل) در دسیسه ترور

1. dog racing

کندی نیز دیده می‌شود.

نه تنها لوئیسی بلومفیلد، (نوجه قدیمی برونقمن)، رئیس شرکت پرمیندکس (تحت حمایت موساد) بود (که در میان مدیران آن کلی شاو تاجر نیاورلثانی دیده می‌شود و توسط جیم گریسون دادستان سابق منطقه نیاورلثان به دخالت در ترور کندی متهم شده بود)، شواهد جدید نشان می‌دهد جک رابی تبهکار دالاسی در واقع حقوق‌بگیر برونقمن بود! این امر مسئله کوچکی است که به خودی خود قابل توجه خواهد بود!

در حالی که یکی از مأموران نفتی برونقمن در دالاس (یعنی جک کریکتون) پس از ترور کندی اطراف بیوه لی هاروی اوسوالد پرسه می‌زد، عامل دیگر برونقمن - جان کن لویی «آبروکیل» - در کمیسیون وارن کار می‌کرد. مک لویی مدیر - و کریکتون معاون - امپایر تراست بود، مجموعه‌ای مالی که بخشی از آن در کترل خانواده برونقمن بود.

سام برونقمن با امپراتوری مشروب سیگرام شناخته شده است، اما بیشتر محققان ترور کندی، که «آشراف نفتی تگزاس» را بررسی کرده‌اند، توجه نکرده‌اند که سام برونقمن، خودش یک غول نفتی تگزاس بود که تگزاس پاسیفیک اویل را در ۱۹۶۳ خریده بود. در ۱۹۴۹ آلن دولز که بعدها رئیس سیا شد و کندی او را اخراج کرد و همچنین عضو کمیسیون وارن شد، وکیلی بود که در سرمایه‌گذاری‌های تجاری فیلیس (دختر برونقمن) دخالت داشت. کسانی که می‌خواهند داستان را بدانند، باید به کتاب قضاوت نهایی رجوع کنند که ویرایش ششم ۷۶۸ صفحه‌ای آن اکنون موجود و کاملاً مستند است. نتیجه نهایی آن است که بی‌شک ترور کندی اتفاقی مهم بود که به افزایش بی‌حد و حصر قدرت صهیونیسم در تاریخ آمریکا (چنان که امروز می‌بینیم) یاری رساند.

خلاصه آنکه نه تنها برونقمن‌ها می‌توانند رئیس جمهور آمریکا را تعین کنند، بلکه قدرت نابودی وی را هم دارند و این قدرت واقعی است! خانواده برونقمن از هر نظر «خانواده نخست» و به عبارتی «خانواده سلطنتی» طبقه مسلط صهیونیست و یهود آمریکاست.

مجموعه‌ای متنوع از دیگر خانواده‌های قدرتمند صهیونیست، همچون اقماری حول

## ۸۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

خاندان برونقمن می‌چرخند و منافع مالی و خانواده‌هایی اقماری دارند.

یکی از نمونه‌های خوب آن مورتیمر زوکرمن است که در عرصه معامله‌های امالی بروستون فعالیت دارد. موقیت اولیه زوکرمن ناشی از معامله‌های تجاری وی با خانواده برونقمن بود و باعث شد به قدرتی مهم، در جامعه صهیونیست تبدیل شود. زوکرمن سپس مالک ماهنامه مشهور آتلانتیک (که در ۱۹۹۹ فروخت) و یو. اس. نیوزاند ورد ریپورت شد، هر دو ماهنامه مهم بود. همچنین مالکیت نشریه‌های کوچک‌تر ولی با نفوذی چون نیویورک دیلی نیوز را از آن خود کرد. او سرانجام به سمت بسیار مؤثر ریاست کنفرانس سران سازمان‌های یهودی اصلی آمریکا برگزیده شد.

با این حال، زوکرمن در سال‌های بعد جامعه صهیونیست را با درآمدهای خود تغذیه کرد و به دانیال اسنیدر (که تاجر و تبلیغاتچی جوان و مستعدی در واشنگتن بود) یاری و کمک رسانید. او در طول چند سال چنان سرمایه‌ای اندوخت که توانست کترل تیم فوتبال مشهور رد اسکینز واشنگتن را حتی از دست مالک قدیمی و افسانه‌ای اش، جک کنت کوک، خارج کرده و به چنگ آورد.

در پایان می‌توان گفت اسنیدر از اقمار زوکرمن بود و از اقمار خانواده برونقمن به حساب می‌آمد. آنها نیز از ابتدا مدیون حمایت خیریه‌های مشهور روچیلد اروپا بودند. همه آنان بخشی از طبقه نخبه بسیار ویژه و برگزیده هستند.

حقیقت این است که قدرتمندترین خانواده‌های صهیونیست آمریکا، به اشکال گوناگون همکاری نزدیک بلند مدتی با یکدیگر داشته‌اند. در فصل بعدی تعدادی از قدرتمندترین خانواده‌ها و منافع مالی آنها را بررسی می‌کنیم.

## فصل اول

دو غول بزرگ رسانه‌ای: امپراطوری‌های میر -  
گraham و نیوهاوس



## دو غول بزرگ رسانه‌ای: امپراتوری‌های میر - گراهام و نیوهاوس<sup>۱</sup>

اگر خانواده برونقمن «خانواده سلطنتی» جامعه صهیونیست آمریکا است، بی‌تردید خانواده‌های دیگری نیز از نظر ثروت و قدرت، در مرتبه مشابه قرار دارند. با توجه به نقش حیاتی کنترل رسانه‌ها در افزایش قدرت نخبگان صهیونیست، بهتر است بررسی درباره دیگر خانواده‌های برجسته صهیونیست آمریکا را با تمرکز بر دو خانواده برجسته تر آغاز کنیم که قدرت ویژه آنان از نفوذ شدیدشان در مجموعه وسیعی از رسانه‌های (چاپی و رادیو - تلویزیونی) سراسر ایالات متحده سرچشمه می‌گیرد.

در اینجا به خاندان مشهور سولزبرگر - که امپراتوری رسانه‌ای مشهور (و به گفته برخی «بدنام») نیویورک تایمز را در کنترل دارند - نمی‌پردازیم. بلکه خانواده میر - گراهام را بررسی می‌کنیم که با واشنگتن پست معروف شده‌اند. سپس خانواده نیوهاوس را بررسی خواهیم کرد. این خانواده براساس طبقه‌بندی فوربز از ۴۰۰ ثروتمند اول آمریکا در ۲۰۰۴، ۲۵ مین خانواده ثروتمند ایالات متحده هستند و بر امپراتوری رسانه‌ای عظیمی مسلط هستند که به شهرها و اجتماع‌های کوچک و بزرگ کشیده شده است.

---

1 Meyer-Graham and Newhouse

## ۸۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

نکته اصلی آن است که آیا سولزبرگرها از طریق امپراتوری نیویورک تایمز خود دقیقاً چه رسانه‌هایی را کنترل می‌کنند؟ تایمز صدرصد یکی از دو روزنامه قدرتمند آمریکا – یا شاید جهان – است. امپراتوری رسانه‌ای تایمز بسیار بزرگ‌تر از این روزنامه مشهور است. در ادامه امپراتوری رسانه‌ای سولزبرگر را به اختصار مرور می‌کنیم. البته همچون بقیه آمار و ارقامی که ذکر می‌کنیم، جزئیات مرتب تغییر می‌کند. زیرا امپراطوری‌های رسانه‌ای روبه گسترش است:

– نیویورک تایمز

– لگزینگتون (کارولینای شمالی) دیپاچ

– لیکلند (فلوریدا) لجر

– اسپارتان برگ هرالد – جورنال

– توسکالوسا (آلاباما) نیوز

– بوستون گلوب

– گنتزولیل (فلوریدا) سان

– سانتا باربارا نیوز پرس

– اوکالا (فلوریدا) استار – بنر

خانواده سولزبرگر، افزون بر سهمی ۵۰ درصدی در ایترنشنال هرالد تریبیون، سرویس خبری نیویورک تایمز را هم در کنترل دارند که اخبار و اطلاعات ۶۵۰ روزنامه، مجله و همچنین مجموعه‌ای از ایستگاه‌های رادیو – تلویزیونی را تأمین می‌کند. این ایستگاه‌ها شامل موارد زیر است:

– تلویزیون KFSM فورت اسمیت، کانزاس

– تلویزیون WHNT، هانتزویل ، آلاباما

– تلویزیون WNEP، اسکارانتون، پنسیلوانیا

– تلویزیون WREG، ممفیس، تنسی

- شبکه WQEW (AM)، نیویورک
- شبکه WQXR (FM)، نیویورک
- تلویزیون WQAD، مولین، ایلینوی
- تلویزیون WTKR، نورفولک، ویرجینیا

البته این فهرست، شامل تمام مجله‌ها و مؤسسه‌های انتشاراتی متعددی نیست که در دست این امپراتوری رسانه‌ای بسیار ثروتمند است. با آنکه سولزبرگرها معروف‌ترین نخبگان رسانه‌ای صهیونیست هستند، عظمت خانواده‌های میر – گراهام و نیوهاوس نیز بسیار قابل ملاحظه است و بررسی دقیق آنها ارزشمند خواهد بود. زیرا نمونه کسانی هستند که بر آمریکا – اورشلیم جدید – تسلط دارند!

### امپراتوری میر / گراهام

یکی از شخصیت‌های افسانه‌ای انحصار رسانه‌ای جهانی، در ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۱ در گذشت. کاترین میر گراهام ناشر قدیمی واشنگتن پست، مجله نیوزویک و بانوی بزرگ یک امپراتوری رسانه‌ای مهم و چند میلیارد دلاری، به دلیل جراحت‌های ناشی از سقوط در سان ولی در آیدaho کشته شد. در زمان این حادثه، خانم گراهام – چهره‌ای قدیمی در گروه قدرتمند بیلدربُرگ – و تعدادی از مشهورترین نخبگان و اشراف رسانه‌ای در جلسه‌ای سطح بالا شرکت داشتند که هر سال در سان ولی تشکیل می‌شد. ولی دست کم تا زمان این حادثه هیچ تبلیغاتی درباره این جلسه در رسانه‌های جریان اصلی دیده نشد! زیرا در کترل همان نخبگان رسانه‌ای قدرتمندی بودند که در آن گردنهای شرکت داشتند.

هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد مرگ خانم گراهام ۸۳ ساله چیزی جز یک اتفاق بوده است. حقیقت این است که هنوز سؤال‌هایی درباره «خودکشی» فیلیپ گراهام، همسر او – که پیش از او مدیر امپراتوری پُست بود – باقی مانده است. در واقع مرگ گراهام برای بسیاری از افراد، از جمله خانم گراهام، بسیار ساده بود و افراد زیادی را از ناراحتی رهانید.

## ۸۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

انحصار رسانه‌ای، ستون‌های مطبوعاتی زیادی را به مدح خانم گراهام اختصاص داد، اما شرح کامل مرگ شوهر او گفته نشد. او فقط به عنوان زنی خانه‌دار و ساده به تصویر کشیده شد که به دلیل یک تراژدی به جایگاهی قدرتمند دست یافت. اندک اطلاعاتی از سوابق تاریخی نشان می‌دهد که چرا یک نفر «خودکشی» ساختگی فیلیپ گراهام را ترتیب داده است؟

کاترین میر، دختر دلال وال استریت و سرمایه‌دار برجسته صهیونیست یوجین میر که واشنگتن‌پست را در ۱۹۳۳ خرید، کمی پس از استعفا از مدیریت فدرال رزرو سیستم، در سال ۱۹۴۰ با فیلیپ گراهام وکیل تهییدست فارغ‌التحصیل هاروارد ازدواج کرد.

تنها پس از شش سال که میر از سوی رئیس جمهور «هری تروم» به عنوان اولین رئیس بانک جهانی منصوب شد، داماد خود را به عنوان ناشر و سردبیر واشنگتن‌پست انتخاب کرد. در ۱۹۴۸ او اختیار واقعی سهام واشنگتن‌پست را به دختر و دامادش واگذار کرد. با این حال کاترین تنها ۲۰٪ از سهام را دریافت کرد و شوهرش با حمایت مالی پدر او ۷۰٪ از سهام را گرفت. زیرا به گراهام اعتماد داشت و معتقد بود هیچ مردی نباید بار کار کردن برای زنش را بر عهده داشته باشد.

واشنگتن‌پست با مدیریت فیلیپ گراهام شکوفا شد و امپراتوری آن از جمله با خرید مجله نیوزویک (که در آن زمان ویران بود) و دیگر مؤسسه‌های رسانه‌ای، گسترش یافت. با تأسیس سازمان سیا در ۱۹۴۷، گراهام روابط نزدیکی با سیا برقرار کرد؛ تا جایی که دبورا دیویس این‌گونه او را توصیف کرد: «یکی از بنیان‌گذاران شیوه‌ای که رواج یافت، استفاده و دخالت در کار روزنامه‌نگاران توسط سیا - در پروژه‌ای که عملیات ماکین‌گردد سیا خوانده شد - بود. به گفته دیویس، ارتباط با سیا برای به قدرت رسیدن واشنگتن‌پست، ضروری بود: «در مجموع واشنگتن‌پست با داد و ستد اطلاعات با آژانس‌های اطلاعاتی رشد کرد.» خلاصه اینکه گراهام واشنگتن‌پست را به کanal تبلیغاتی مؤثر و با نفوذ سیا تبدیل کرد. تا زمان مرگ یوجین میر در ۱۹۵۹، شکافی فزاینده میان گراهام و همسرش و نیز پدر

زنش ایجاد شد. پدر زن او در حال تجدید نظر درباره واگذاری امپراطوری اش به گراهام بود. ناشر واشنگتن پست یک معشوقه داشت به نام رابین وب، که در خانه‌ای بزرگ در واشنگتن و مزرعه‌ای خارج از شهر مستقر بود.

گراهام که به شدت الكلی بود و در ظاهر حالت شیدایی - افسردگی داشت، در واقع بدترین دشمن خود بود و چه در حوزه خصوصی و چه عمومی به شدت به همسرش هتاکی می‌کرد.

او ان توماس (نویسنده نیوزویک) بعدها یکی از شواهد مشکلات عاطفی گراهام (که یهودی بود) را چنین ذکر کرد: «براساس اظهارات ضدیهودی او درباره پدر و مادر زن، همسر و حتی فرزندانش» این واقعیت که گراهام سال‌ها دوست بسیار صمیمی رئیس جمهور جان اف. کنی بود، چیزی نبود که از آن غفلت شود؛ در حالی که کنی در همان دوره، در گیر منازعه‌ای تلخ با رهبران جامعه یهودی آمریکا بود. به اعتقاد این رهبران، رئیس جمهور به اندازه کافی از منافع اسرائیل در خاورمیانه پشتیبانی نمی‌کند.

دبورا دیویس، زندگی‌نامه‌نویس کاترین گراهام، در کتاب خود «کاترین بزرگ» اشاره می‌کند که فیلیپ گراهام سیا را آزار می‌داد: «او پس از ایجاد دومین مشکل روانی، افشاگری درباره دخالت سیا در کار روزنامه‌نگاران را آغاز کرده بود. می‌گفت این مسئله او را آزار می‌دهد. اینها را به سیا می‌گفت... او در مقابل مردان اطلاعاتی و سیاستمدارانی قرار گرفت که قانون آنها اعتماد متقابل و سکوت کامل بود. مسئله این بود که نمی‌توان به فیل گراهام اعتماد کرد.»

در واقع گراهام تحت مراقبت یک نفر بود: دیویس می‌گوید یکی از دستیاران گراهام «حروفهای او را روی تکه‌های کاغذ ثبت می‌کرد». با این حال، برخی معتقدند افسانه «مشکلات ذهنی» گراهام که در چندین سال بعد گسترش یافت، بیشتر نتیجه درمان‌های روانپزشکی او بود تا یک بیماری. یک نویسنده احتمال می‌دهد که شاید گراهام، قربانی استفاده آزمایشی سیا از داروهای روان‌گردن بوده است؟

با توجه به قدرت زیاد واشنگن‌پست و روابط نزدیک آن با سیا، بسی تردید جدایی گراهام، تحول سیاسی و اجتماعی مهمی در واشنگن بود. او ان توماس در زندگی نامه ادوارد بنت ویلیامز، دوست گراهام و وکیل واشنگن‌پست، می‌نویسد: «جامعه جورج تاون خیلی سریع به دو بخش طرفداران فیل و طرفداران کی (کاترین) تقسیم شد» و هرچند «ویلیامز در ظاهر طرفدار فیل بود... همان‌طور که بعدها کی دریافت، دلیلی برای نگرانی وجود نداشت.»

گراهام، ویلیامز را شکفت زده کرد و گفت می‌خواهد کاترین را طلاق دهد؛ همچنین وصیت‌نامه ۱۹۵۷ خود را نیز تغییر دهد و هر آنچه قرار بود به «کی» بددهد را به معشوقه‌اش رایین وب بددهد و کاترین را از تمام چیزهایی که تصور می‌شد، حق بدیهی اوست (و به دلیل اعتماد پدرش به گراهام داده شده بود) محروم کند.

هرچند ویلیامز درخواست طلاق گراهام را قبول نمی‌کرد و همان‌طور که توماس می‌گوید، وصیت‌نامه «مسئله پر در درسی» بود. در بهار ۱۹۶۳ گراهام وصیت‌نامه اصلی ۱۹۵۷ خود را سه بار تغییر داد. در هر سه تجدیدنظر، سهم همسرش را کاهش و سهم معشوقه‌اش را افزایش داد. در نهایت، سهم کاترین گراهام را به کلی حذف کرد.

در گیری بزرگ و زننده‌ای در حال شکل‌گیری بود. کاترین به خوبی می‌دانست که چه اتفاقی می‌افتد. زیرا همان‌طور که دبورا دیویس می‌گوید، خانم گراهام «به کلارک کلیفورد [وکیل خود] گفته بود باید توافقنامه طلاق کتل شود و واشنگن‌پست و تمام شرکت‌های آن را انحصاراً در اختیار وی قرار دهد.»

سرانجام مسائل زمانی حاد شد که فیلیپ در گردهمایی ناشران روزنامه‌ها در آریزونا شرکت کرد. او در سخنرانی داغ خود به سیا حمله برد و رازهای «محرمانه» مقامهای رسمی واشنگن را افشا کرد؛ تا جایی که حتی رابطه جان اف. کندی دوست خود با ماری میر، همسر یکی از مقامهای ارشد سیا یعنی کرد میر که البته با کاترین گراهام نسبتی نداشت افشا کرد. در این زمان کاترین به فونیکس پرواز کرد و شوهر خود را - که پس از یک دعوا

## ۸۹ ■ فصل اول - دو غول بزرگ رسانه‌ای

بازداشت شده و پس از تزریق آرامبخش تحت کترل بود - تحويل گرفت. سپس او را به یک کلینیک ویژه درمان مغزی در حومه واشنگتن راکویل در مریلند برداشت.

صبحگاه سوم اوت ۱۹۶۳ کاترین گراهام به دوستانش گفت فیلیپ «بهتر» شده و به خانه می‌آید. او به کلینیک رفت و شوهر خود را تحويل گرفت و سپس به منزل خود در حومه ویرجینیا بازگشتند. آن روز در حالی که «کی» در اتاق خود در طبقه همکف چرت می‌زد، شوهرش بر اثر شلیک گلوله در حمام طبقه اول کشته شد. گزارش پلیس از این حادثه هرگز افشا نشد و مرگ وی خودکشی خوانده شد. دبورا دیویس، اتفاق‌های بعدی را چنین توصیف کرد:

در جلسه بررسی وصیت‌نامه، وکیل کاترین صحت آخرین وصیت‌نامه را زیر سؤال برد و ادوارد بنت‌ویلیامز - که می‌خواست حساب بانکی واشنگتن‌پست خود را حفظ کند - شهادت داد زمانی که آخرین وصیت‌نامه فیل را تنظیم می‌کرد، وی وضعیت روانی سالمی نداشته است. در نتیجه قاضی حکم داد که فیل بدون وصیت مرده است. ویلیامز به کاترین کمک کرد تا کترل واشنگتن‌پست را بدون هیچ مشکل حقوقی مهمی به دست گیرد و اطمینان حاصل کرد که وصیت‌نامه نهایی - که واشنگتن‌پست را به زن دیگری می‌داد - هرگز وارد نشریه‌های عمومی نشود.

دیویس در زندگی نامه‌انتقادی خانم گراهام، نگفت که فیلیپ را به قتل رسانده‌اند؛ ولی در مصاحبه‌ها گفته است: «براساس چند گمانه زنی، یا [کاترین] ترتیب کشته شدن او را داد یا کسی به او گفته است نگران نباش، ما درستش می‌کنیم» و اینکه «برخی حدس می‌زنند شاید او ادوارد بنت ویلیامز بوده باشد.»

واشنگتن‌پست با سرپرستی کاترین گراهام، قدرتمندتر از همیشه شد و در ۱۹۷۴ نقشی اساسی در نابودی ریچارد نیکسون ایفا کرد که براساس مدارک، برای سیا و اشراف مسلط یک خطر محسوب می‌شد.

دبورا دیویس، در کتاب «کاترین کبیر» که خانم گراهام برای تخریب آن تلاش فراوان

## ۹۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

کرد، شاید کلید اصلی واترگیت را گفته باشد: که منبع معروف واشنگتن‌پست در قضیه واترگیت، یعنی «ته‌حلقی» به احتمال زیاد ریچارد اویر، مردِ دست راست جیمز انگلتون (رئيس ضداطلاعات سیا و رابط قدیمی موسادِ اسرائیل) بوده است.

خانم دیویس آشکار کرد که اویر، مسئول میز مشترک ضداطلاعات سیا / اسرائیل بود و توسط انگلتون داخل کاخ سفید تأسیس شد. اویر از این جایگاه شنود (با هدایت انگلتون) اطلاعات محروم‌مانه واترگیت را به واشنگتن‌پست می‌داد و سبب نگرانی سرنگونی دولتِ نیکسون شد.

با توجه به سوابق کاترین گراهام و امپراتوری واشنگتن‌پست او، شاید گفته آرت بوچوالد طنزپرداز در میان نخبگان واشنگتن که برای جشن تولد ۷۰ سالگی خانم گراهام گرد آمده بودند، چندان نا به جا نباشد «تنها یک کلمه است که امشب ما را در اینجا گرد آورده است و آن کلمه، ترس است.»

در ادامه، دارایی‌های گسترده امپراتوری میر / گراهام را مرور می‌کنیم که نشان می‌دهد چگونه این خانواده ثروتمند انحصار بزرگ رسانه‌های کشور را در دست دارد؟  
- واشنگتن‌پست

- نیوزویک

- ۵۰٪ سهام ایترنشنال هرالد تریبیون

- ۵۰٪ سهام سرویس خبری لوس‌آنجلس تایمز - واشنگتن‌پست (که اخبار روزنامه‌های سراسر کشور را تأمین می‌کند).

- ۲۸٪ سهم: شرکت رسانه‌ای کولز، ناشر مینیاپولین - سنت پاول استار - تریبیون

- روزنامه‌های گازت (یک روزنامه و ۱۵ هفته‌نامه محلی در مریلند)

- هفته‌نامه سراسری واشنگتن‌پست

- شرکت لگی - اسلیت (پایگاه داده آنلاین و ناشر حقوقی)

- پست - نیوزویک کابلی (در ۱۵ ایالت)

- افزون بر این امپراتوری، میرگراهام مالک دست‌کم شش شرکت رادیو - تلویزیونی در شهرهای مهم آمریکا بود:
- تلویزیون KPRC، هیوستون
  - تلویزیون WDIV، دیترویت
  - تلویزیون WJXT، جکسونویل، فلوریدا
  - تلویزیون KSAT، سن آنتونیو
  - تلویزیون WFSB، هاتفورد، کانکتیکات
  - تلویزیون WPLG، میامی

امپراتوری رسانه‌ای بزرگ دیگری متعلق به خانواده نیوهاوس نیز هست که ارزش بررسی دقیق دارد. زیرا به احتمال این امپراتوری بیشتر از امپراتوری خانواده میر / گراهام و امپراتوری بزرگ‌تر سولز برگرهای - که مالک نیویورک تایمز هستند - به شهرهای کوچک‌تر سراسر ایالات متحده کشیده شده است.

### امپراتوری نیوهاوس...

نمونه ابتدایی چگونگی تحکیم قدرت خانواده نیوهاوس، در پنسیلوانیای مرکزی دیده می‌شود، و امروز در عمل «ملک خبری» انحصار رسانه‌ای نیوهاوس مستقر در نیویورک - یعنی ادونس پابلیکیشنز - است. این ملک توسط «سی» نیوهاوس و خانواده منسجم وی اداره می‌شود که از اشراف رسانه‌ای حقیقی آمریکا هستند.

سام نیوهاوس، مؤسس این امپراتوری، در زمان خرید روزنامه با نفوذ شهر نیاورلثان یعنی تایمز - پیکایون، افتخار می‌کرد که بسیار بیشتر پیش می‌روند.

خانواده نیوهاوس در کتاب «تفصیله ما: رشد یهودیان اروپایی شرقی در آمریکا»، نوشته استیفن بیرمنگام در ۱۹۸۴، «دومین خانواده ثروتمند یهودی آمریکا» خوانده شده‌اند، آنان به تازگی چهار هفته‌نامه در دو منطقه حومه‌ای پنسیلوانیا را بلعیدند و بدین ترتیب انحصار

## ۹۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

روزنامه‌های ناحیه جنوبی مرکز پنسیلوانیا در مجاورت هاریسبورگ، پایتخت ایالت را به دست آورده‌اند.

خانواده نیوهاوس که به داشتن پاتریوت نیوز - تنها روزنامه هاریسبورگ که بر پوشش خبری پنسیلوانیای مرکزی حاکمیت دارد - قائم نبودند، اکنون شرکت محلی سوانک / فولر، ناشران پری کاؤنٹی تایمز، دانکنون رکورد و نیوزسان در منطقه پری، و جونیاتا سنتینل (در مجاورت منطقه جونیاتا) را هم خریداری کرده‌اند.

رابرت فولر، رئیس سوانک / فولر، با اعلام فروش شرکت، گفت علت موافقت وی با فروش به نیوهاوس این بود که «تصمیم است تنها با کسانی معامله کند که سابقه روشنی از روزنامه‌نگاری شرافتمدانه با حاکمیت محلی دارند». این قضاوت برای افراد بسیاری پذیرفتنی نیست.

باید اشاره کنیم که منطقه کوچک جونیاتا، بی‌تردید یک ملک صهیونیستی است. غیر از سیطره نیوهاوس بر مطبوعات محلی، بزرگ‌ترین کارفرمای این منطقه روستایی و کوچک، امپراتوری طیورکاشر، بزرگ‌ترین شرکت تولیدی کاشر در کره زمین است. سال‌ها قبل یک رسوایی کوچک ایجاد گردید و معلوم شد این امپراتوری - که در طول سال‌ها تعداد زیادی کارمند خارجی برای کار در کارخانه استخدام می‌کرد - در حقیقت تعداد فراوانی مهاجر غیرقانونی استخدام کرده است. جالب اینکه این منطقه کوچک از گذشته دور، نرخ بیکاری به نسبت بالایی نیز داشته است. ولی هیچ کس در آنجا جرأت مقابله با حاکمیت نخبگان صهیونیست را نداشت.

با تأسف، تاریخ براساس شواهد قوی نشان می‌دهد که امپراتوری نیوهاوس - مالک ۲۶ روزنامه در ۲۲ شهر و همچنین پرده، ضمیمه هفتگی ساندی که در بسیاری از نشریه‌های سراسری حضور دارد - برای پیشبرد منافع شخصی خاص استفاده شده است.

در ۱۹۸۸ نیکلاس ون هافمن کتاب «همشهری کوهن» را نگاشت، زندگی نامه روی - کوهن «وکیل تبهکار» و «کارچاق کن سیاسی» مشهوری که بیش از هر چیز - دست‌کم تا

## ۹۳ ■ فصل اول - دو غول بزرگ رسانه‌ای

زمان مرگش که معروف بود به دلیل ایدز است - به عنوان مشاور بدنام سناتور جوزف آر. مک کارتی (از ویسکانسین) مشهور شده است.

با این حال، سال‌ها این گمان وجود داشت که کohen در حلقه درونی مک کارتی قرار گرفته است تا این سناتور پرهیجان را «کترل کند» و از «گسترش بیش از حد» بررسی‌های مک کارتی و افشاء متابع واقعی و پشمیان جنبش کمونیستی جلوگیری کند. در واقع، کohen در کترل (یا گمراه کردن) مک کارتی، بیش از آنچه تصور می‌شود، موفق بود.

در هر صورت، ون هافمن در زندگی‌نامه افشاگرانه کohen، آشکار کرد که کohen - دوست همیشگی «سی» نیوهاوس - بیشتر از رابطه خود برای تأثیرگذاشتن بر گزارش‌های مطبوعات نیوهاوس استفاده می‌کرد. یکی از دوستان کohen می‌گوید:

«ارتباط [کohen] با سی نیوهاوس ارتباط بسیار مهمی بود... روی یک بار به من گفت... در شهرهایی که نیوهاوس یک روزنامه داشت، آن روزنامه تنها روزنامه شهر بود. بنابراین سردبیر آن بسیار مت念佛 بود؛ و هر وقت کسی در شهری که نیوهاوس روزنامه داشت به دردسر می‌افتد، روی می‌توانست نزد سی برود و سی نیز نزد سردبیر می‌رفت و آنجا دوست مهمی داشتند که می‌توانست به او کمک کند.»

به گفته ون هافمن نتیجه دخالت‌های کohen این بود که: «به دلیل ارتباط طولانی و آشکار روی با نیوهاوس، روی به قدرتی سیاسی رسیده بود و نتیجه این ثروت و مالکیت، چنین رسانه‌هایی است.»

همچنین ون هافمن فاش کرد: «زمانی که جسی هلمز، سناتور جمهوری خواه محافظه کار از کارولینای شمالی، خود را در انتخابات مجدد سخت و پرهزینه‌ای یافت، نزد روی آمد و درخواست کرد جریان کمک‌های مالی انتخاباتی یهودیان به جای رقیش به او متقل شود. روی گفت با سی نیوهاوس، جلسه‌ای تشکیل خواهد داد.»

این موضوع نشان می‌دهد که نیوهاوس بازیگری کلیدی در لایی قدرتمند اسرائیل است و همواره می‌کوشد نفوذ خود را در عرصه سیاسی آمریکا اعمال کند. این مسئله اغلب به

بهای منافع آمریکا تمام می‌شود.

بسیاری از ناظران سیاسی، به یاد خواهند داشت که چگونه هلمز خطمشی قدیمی خود یعنی «ابتدا آمریکا» را معکوس کرد و به یک فدایی دو آتشه اسرائیل تبدیل شد. ون هافمن داستان پشت صحنه کسی را فاش کرد که معامله با لابی اسرائیل را «جوش داد». نام کوهن نیز ناگهان در مسئله‌ای دیگر در رابطه با لابی اسرائیل و رسانه‌های آمریکا، مطرح شد.

زمانی که ویلیام اف باکلی جوان، دوست صمیمی کوهن و مأمور سابق سیا از هفت‌نامه محبوب و سراسری اسپت لایت به اتهام افtra شکایت کرد؛ این شکایت به شکست سنگین باکلی در دادگاه فدرال واشنگتن دی سی انجامید. در طول محاکمه نیز آشکار شد که کوهن از سوی باکلی، معامله‌ای مخفیانه با انجمن ضدافترا، ای‌دی‌آل، (که نیرویی کلیدی در لابی اسرائیل است) داشته است. این امر فروش خوب نشان ریویو، مجله جدید باکلی را تضمین می‌کرد.

افزون براین، جان کلوتز (دادستان نیویورک) مطلبی جالب درباره خانواده نیوهاوس برای شماره مارس / اوریل ۱۹۹۵ مجله اسپای (که اکنون تعطیل شده است) نگاشت.

نویسنده، مقاله خود را با طرح این سؤال حساس آغاز کرد که دیگران نیز پس از وی تکرار کرده‌اند: «آیا سی نیوهاوس، نقش یا اطلاعات خاصی درباره ترور کندي دارد؟ بیش از ۳۰ سال است که نیوهاوس و امپراتوری رسانه‌ای او نقشی ویژه در مشاجره‌های پیرامون وقایع دیلی پلازا، ایفا کرده‌اند.» این مقاله در بردارنده موارد فراوانی است. از جمله اینکه نشریه‌های نیوهاوس و شرکت‌های تابعه آن، مثل انتشارات رندوم هاؤس (که بعدها فروخته شد) برای سرکوب نظر مخالفان درباره احتمال توطئه در ترور جان اف کندي تلاش کرده‌اند. کلوتز به طور خاص به کتاب معروف جرالد پوسنر، دادرسی پایان یافت، ارجاع می‌دهد که به ادعای کمیسیون وارن تردید دارد. براساس این ادعا تنها یک قاتل جان اف کندي را کشته است. مقاله با طرح این سؤال جمع‌بندی می‌شود: «چه چیز باعث شده نیوهاوس این قدر به پوشاندن موضوع کندي اهمیت دهد؟ باید پرسید: سی نیوهاوس چه می‌داند و چه زمانی

از آن مطلع شده است؟» این اتهام مبنی بر نقش نیوهاوس در پوشاندن حقیقت ترور کندی دست‌کم به دو دلیل جالب است:

- رندوم هاوس چندین کتاب از سوی سیا منتشر کرده است و سیا به دلایل روشنی، در ترور کندی دخالت داشته است. در چندین کتاب «جريان مسلط» آمده است که چگونه سیا با روزنامه‌نگاران و شرکت‌های انتشاراتی، همکاری مخفیانه داشته است.

- کوهن، همکار امپراتوری نیوهاوس و سرمایه‌گذار در شرکت سایه‌ای پرمیندکس (عامل موSad آژانس اطلاعاتی اسرائیل) بود. جیم گریسون دادستان منطقه نیواورلئان کلی شاو (یکی از اعضای هیئت مدیره پرمیندکس) را به اتهام دخالت در ترور کندی بازجویی کرد. در طول بازجویی، گریسون در تهاجم روزنامه نیواورلئانز تایمز پکایون قرار داشت؛ این روزنامه نیز توسط امپراتوری نیوهاوس منتشر می‌شد.

توطنهایی که در رابطه با خانواده نیوهاوس وجود دارد در حقیقت از جهات گوناگون، انعکاس واقعیت‌های پنهان و تیره سیاست در آمریکاست. با این حال «ارتباط با موضوع کندی» به واقع شگفت‌انگیز است.

تمام اینها بخشی از تاریخ است. آنچه امروز به شکل مستقیم در آمریکا تأثیر می‌گذارد، حوزه وسیع امپراتوری انتشاراتی نیوهاوس است. این امپراتوری به احتمال بیش از هر امپراتوری رسانه‌ای دیگری در قلب سرزمین آمریکا گسترش یافته است. دارایی‌های نیوهاوس در سال‌های اخیر شامل نشریه‌های زیر بوده است:

### روزنامه‌های نیوهاوس: آلاباما

- بیرونگام نیوز
- موبایل پرس
- موبایل پرس رجیستر

## ۹۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- موبایل رجیستر

### لوئیزیانا

- نیوارلئان تایمز - پیکایون

### میشیگان

- ان آربور نیوز

- فینت تایمز

- گراند راپیدز پرس

- کلامازو گزت

- سیگناو نیوز

- تایمز (بی سیتی)

### می سی سی پی

- می سی سی بی پرس (پاسکاگولا)

- می سی سی بی پرس رجیستر (پاسکاگولا)

### نیوجرسی

- جرسی جورنال (جرسی سیتی)

- استار - لجر (نیوارک)

- تایمز (ترنتون)

### نیویورک

- هرالد - امریکن (سیارکیوز)

اوهايو

- پلين - ديلر (كليولند)

اورگون

- اورگونيان

پنسيلوانيا

- پاتريوت نيوز (هاريسبورگ)

- جونياتا ستينيل

- پري کاونتي تايمز

- دانکتون رکورد

- نيوزسان (پري کاونتي)

**مجله‌های نیوهاوس:**

- ژورنال‌های امریکن سیتی بیزینس (۲۸ هفته‌نامه تجاری محلی)

- مجله پرد (ضمیمه مشهور یکشن‌ها)

- الور

- آرکیتکچرال دایجست

- بن اپتیت

- برايدز

- کنده نست تراولر

- دیتیلز

- گلمور

- گورمت

## ۹۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در امریکا»

GQ -

- مادموازل

- ونیتی فر

- وگ

- نیویورکر

روشن است که بایدنفوذ خانواده نیوهاوس جدی گرفته شود. آنان صد درصد از ثروتمندترین و قدرتمندترین خانواده‌های صهیونیست آمریکا و شاید مشهورترین‌ها هستند. با این حال، همان‌طور که خواهیم دید، خانواده‌های ثروتمند زیادی نیز وجود دارد که نام آنها خارج از جامعه یهودی چندان مشهور نیست؛ ولی نقش مهمی، خوب یا بد، در شکل‌دهی به حیات آمریکا بازی می‌کنند. در بخش بعد، با این خانواده مهم آشنا می‌شویم. شاید بسیاری از آنها برای اولین بار در صفحه‌های چنین کتابی ظاهر شده است.

## ثروتمندترین و قدرتمندترین خانواده‌های آمریکا: آنان که حکومت می‌کنند.

این اطلاعات بیشتر بر سرگذشت حدود ۱۸۰ خانواده یهودی مشخص که بسیاری از آنها به هم مرتبط هستند، تأکید دارد. در «شماره ویژه قدردانی» مجله آونیو<sup>۱</sup> (تاریخ ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷، دوره ۲۱، شماره ۱۰) که مستقر در نیویورک است، عنوان «تصویر موقیت‌های خانوادگی جامعه یهودی آمریکا» آمده است. در این شماره اسامی و فعالیت‌های خانواده‌های یهودی آمریکا ذکر شد و بر کسانی متمرکز بود که در جامعه یهودی و مؤسسه‌های گوناگون سیاسی و انسان‌دوستانه آن فعال بوده‌اند.

خواهشمندم توجه کنید که هم‌اکنون بدون اغراق صدھا - اگر نگوییم هزارها - جماعت، سازمان، بنیاد و دیگر نهادهای یهودی با گستره فعالیت محلی و ملی، وجود دارد. با اینکه تعدادی از گروه‌های یهودی، مثل کمیته امور عمومی آمریکا / اسرائیل (آپک) و انجمن ضدافترا، وابسته به سازمان بی‌نای بی‌رث، مرتب در رسانه‌های جریان اصلی و به شکل گسترده در بافت اخبار «سیاسی» دیده می‌شوند، نهادهای یهودی زیادی وجود دارد که به ندرت از آنها سخن به میان می‌آید. به جز روزنامه‌های متعلق به جماعت‌های یهودی که

---

۱. Avenue زورنال «اجتماعی» که بیشتر کسانی آن را می‌خوانند که دوست دارند عادتها و علائق نخبگان قدرت را بدانند

## ۱۰۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

عموم مردم روزانه به آن مراجعه نمی‌کنند. واژه «انسان‌دوستانه» را در اینجا کاملاً با اغماس به کار می‌بریم؛ زیرا بسیاری از خانواده‌های یهودی، تنها به خیریه‌های مشخص یهودی، تمایل‌های انسان‌دوستانه دارند، البته استثنایی هم وجود دارد. فهرست اوپریو که در اینجا ذکر شد، به بسیاری از خیریه‌های چندگانه ایالات متحده (با جهت‌گیری یهودی و غیریهودی) و اسرائیل، که با تحسین فراوان توسط خانواده‌های مذکور تأمین شده، توجه ندارد. تنها در مواردی که یک خانواده مشخص با یک «فعالیت» مشخص ارتباط نزدیک دارد، اطلاعات مربوط را ارائه کرده‌ایم.

با توجه به گزارش اوپریو، در ظاهر بسیاری از این خانواده‌ها، یک یا چند بنیاد خانوادگی تأسیس کرده‌اند و با استفاده از آنها فعالیت‌های مختلفی را پشتیبانی می‌کنند. بیشتر این فعالیت‌ها ماهیت یهودی دارد و بیشتر با دولت اسرائیل، آژانس‌ها و نهادهای گوناگون این کشور ارتباط دارند.

شاید با چند استثنا، این فهرست، «ثروتمندترین ثروتمندان» و در نتیجه قدرتمندترین نخبگان یهودی آمریکا را تشکیل می‌دهد، ولی این به هیچ وجه بدان معنا نیست که این اسامی به درستی فهرست رسمی «ثروتمندترین یهودیان آمریکا» است.

ثروتمندان بسیاری نیز با ریشه یهودی هستند، ولی در فهرست خبرها دیده نمی‌شوند. برای مثال یهودیان تبهکار و ثروتمند زیادی هستند که گمنام بودن را ترجیح می‌دهند و به دنبال تبلیغ برای خود یا کمک‌های انسان‌دوستانه خود نیستند. به نظر نمی‌رسد مجله اوپریو در این زمینه آمادگی تحسین «موفقیت‌های» یک شخصیت تبهکار یهودی را داشته باشد. بنابراین فهرست اوپریو صد درصد در این زمینه ناقص است.

البته باید نسبت به آن میلیون‌ها و یا شاید میلیارد رهای یهودی آمریکا منصف باشیم که در فهرست «موفقیت‌های خانوادگی» اوپریو ذکر نشده‌اند و لزوماً درگیر اعمال مجرمانه نیستند. و همچنین توجه کنیم که بسیاری از آنان ثروت زیادی اثیاشته‌اند، ولی به دنبال تحسین مردم، شهرت در مجله‌های اجتماعی یا افتخار در جامعه یهودی خود نیز نبوده‌اند.

بی‌تر دید ثروتمندان یهودی بسیار بیشتری در آمریکا هستند که در فهرست اونیو ذکر نشده‌اند. ولی فهرست اونیو گسترده است و از آنجا که بیانگر بازیگران اصلی - مالی - «جامعه سطح بالا» یهود است، مجموعه‌ای ارزشمند خواهد بود. (البته نگارنده هرگز چنین فهرست کاملی ندیده است).

يهودیان بخش قابل ملاحظه‌ای از فهرست سالانه فوربز ۴۰۰ (از ثروتمندترین خانواده‌های آمریکا) را تشکیل می‌دهند، ولی شاید بتوان گفت فهرست فوربز ۸۰۰ - شامل دومین گروه از ۴۰۰ خانواده ثروتمند پس از ۴۰۰ خانواده اول - تقریباً شامل تمامی اسامی فهرست اونیو که در اینجا خلاصه شده است، خواهد شد.

يهودیان که ثروت ابانته زیادی در رأس هرم جامعه دارند، در قسمت میانی و وسیع‌تر هرم ثروتمندان آمریکایی، ثروت بیشتری به آنان اختصاص دارد.

برای مثال هنری کیسینجر را در آن نمی‌باید. کیسینجر که صد درصد یهودی و صد درصد قدرتمند است، ثروت و قدرت خود را مدیون حضور و حرکت در قلمرو افراد ثروتمند است. کیسینجر یک شخصیت سیاسی است و بنابراین چیزی نیست جز حقوق‌بگیر نخبگان یهودی آمریکا و نخبگان دیگری که برای منافع مشترک با آنها تعامل دارند.

شهرت و «موقعیت‌های» کیسینجر از جهت‌های مختلف توسط رسانه‌های یهودیان خلق شده است؛ ولی او بر خلاف کسانی که در فهرست اونیو دیده می‌شوند، خود مالک رسانه‌ها نیست. و این کافی است که نام او ذکر نشود. هرچند کیسینجر در هیئت مدیره بسیاری از شرکت‌ها - از جمله نهادهای رسانه‌ای - فعالیت دارد، بیشتر چهره‌ای عمومی است (تصادفاً یهودی) و دنباله‌رو و عامل قدرت‌های واقعی پشت صحنه است تا اینکه خود تعین کننده باشد. کیسینجر بدون پشتیبانی حامیان قدرتمندش، تنها یکی از هزاران دانشگاهی یهودی جالب و رنگارنگ خواهد بود. همچنین باید به عامل دیگری نیز توجه کرد: مشهور شدن هنری کیسینجر در پرتو خانواده راکفلر صورت گرفت که (اگر چه شاید ریشه یهودی داشته باشند) در عرصه‌های گوناگون الوبت‌های خاص خود را داشته‌اند و لزوماً با منافع یهودیان

## ۱۰۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

هماهنگ نبوده‌اند.

در مورد خانواده راکفلر باید دانست که در عرصه عمومی، اطلاعات محکمی دال بر ریشه یهودی آنها وجود ندارد، هرچند در این مورد (بیش از یک قرن) گمانهزنی و شایعه‌های زیادی وجود داشته است. برخلاف تصور رایج، «مدرکی» که اغلب بر اساس آن تبلیغ می‌شود که «راکفلرها یهودی هستند» اصلاً «مدرک» نیست! شایعه یهودی بودن راکفلرها از حقیقتی نشأت می‌گیرد که استی芬 بیرهنجام، در کتاب بزرگان (هارپر و رو، ۱۹۷۱) مطرح کرد که درباره تاریخچه نخبگان یهودی سفاردي آمریکا (از ریشه خانواده‌های یهودی پرتغالی و اسپانیایی) است. او می‌گوید نام «راکفلر» در مطالعه خانوادگی نادری (۱۹۶۰) به نام «آمریکاییان یهودی تبار» از مالکوم اچ. استرن دیده می‌شود. با اینکه برخی منابع این اطلاعات را گرفتند و گفتند این «مدرک» نشان می‌دهد راکفلرها یهودی تبار هستند، مطالعه دقیق و کامل کتاب نشان می‌دهد راکفلرهایی که خون یهودی در رگ‌هایشان جاری است، از نسل گادفری راکفلر هستند که با هلن گرتز یهودی ازدواج کرد. وارثان و اعضای خانواده آنها در کلیساي استفان گلیکن پوشش یافته‌اند و با یهود و اسرائیل ارتباط بی‌اهمیت داشتند. در واقع گادفری راکفلر از شاخه دیگری از خانواده راکفلر بود که از نسل یکی از برادران جاندی. راکفلر بزرگ به شمار می‌آمد و پسرعموی دیگر برادران راکفلر معروف - نلسون، دیوید، لارنس و جاندی سوم - بود. بنابراین آثار خون یهودی در فرزندان گادفری را نمی‌توان به شاخه مشهورتر خانواده راکفلر نسبت داد.

نگارنده چندان علاقه‌ای ندارد به این افسانه رایج پردازد که «راکفلرها یهودی هستند» که به عمد توسط عده‌ای پخش شده است، ولی ریشه این شایعه قابل توجه است. منظور ما این نیست که هیچ خون یهودی در رگ‌های برادران راکفلر «مشهور» وجود ندارد، بلکه هر ادعایی با این هدف باید مبنی بر حقایق، و نه تفسیری نادرست از نکته‌ای گذرا در یک کتاب، باشد.

درباره خانواده روزولت اطلاعاتی گسترده منتشر شده است که می‌گوید خانواده روزولت

اجداد یهودی داشته‌اند و نام خانوادگی اصلی آنان «روزوکامپو» بوده است و از اسمی یهودیان سفاردي است که در ۱۶۲۰ از اسپانیا اخراج شدند. گفته‌اند این نام در نهایت با سکونت شاخه‌های مختلف خانواده در مناطق دیگر اروپا تغییر کرد. فرزندان اعضای هلندی خانواده – که به ظاهر روزنولت نام داشته‌اند – به ایالات متحده مهاجرت کردند و نام آنها به «روزولت» تبدیل شد که امروز می‌شناسیم. در این میان، در طول چندین نسل ازدواج با غیر یهودیان صورت گرفت و زمانی که ایلینور و فرانکلین روزولت – دختر عمومی و پسر عمومی که بعدها زن و شوهر شدند – جوانانی ثروتمند در طبقه نخبگان آمریکا محسوب می‌شدند، این خانواده آداب و رسوم مذهبی یهودی را ترک کرده بودند.

در دوره روزولت، شجره‌نامه‌ای از خانواده روزولت در اروپا و ایالات متحده به شکل گستردگی انتشار یافت که ادعا می‌کرد نام خانوادگی اصلی آنان «ون روزنولت» بوده و بعدها به «روزنولت» تغییر یافت و اینکه یک شاخه یهودی دیگر – از نسل «سامونل» – به خون نسل بعدی روزولت وارد شد. به احتمال این اطلاعات برای متقدان فرانکلین روزولت هیجان‌انگیز بوده است و با اینکه بسیاری تمایل داشته‌اند آن را باور کنند، اثبات این اطلاعات چندان ممکن نیست.

با این حال، به عنوان منع مستقیم تر اطلاعات درباره میراث احتمالی یهود در خانواده روزولت – منبعی یهودی – می‌توان به شماره ۵ فوریه ۱۹۸۲ روزنامه لاندن جویش کرانیکل اشاره کرد که مقاله‌ای با عنوان «مادر بزرگ فرانکلین روزولت، یهودی بود» داشت. لذون هادار نویسنده مقاله، چنین می‌نویسد:

مادر بزرگ رئیس جمهور سابق آمریکا، فرانکلین دلانو روزولت یهودی بود، این مطلب هفته گذشته توسط آقای فیلیپ اسلوموویتز (سردبیر دیترویت جویش نیوز) گفته شد و نامه‌ای را فاش کرد که ۴۵ سال قبل خاخام دکتر استیون وایز (رئیس سابق کنگره جهانی یهود) برای او ارسال کرده بود.

خاخام وایز، در نامه‌اش ضیافت ناهاری را توصیف می‌کند که همسرش با خانم ایلینور

#### ۱۰۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

روزولت همسر رئیس جمهور (و دختر عمومی او) داشت. خانم روزولت در این ضیافت می‌گوید: «من و دختر عمو آلیس اغلب می‌گوییم مفرز متفکر خانواده روزولت از مادر یهودی مادریزرگ ما سرچشم‌گرفته» که نام او استرلوی بوده است.

در ادامه نامه آمده است که خانم روزولت [به خانم وایز] گفت: «هر وقت من یا دختر عمو آلیس از مادر یهودی مادریزرگمان صحبت می‌کنیم، مادر فرانکلین بسیار عصبانی می‌شود و می‌گوید شما که می‌دانید چنین چیزی نیست. چرا چنین حرفی می‌زنید؟» به گفته خاخام وایز، خانم روزولت به همسرش گفته است: «هیچ چیز در این باره نگویید. فکر می‌کنم بهتر است فعلًاً صدای آن را درنیاوریم.»

فرانکلین روزولت، که صدمین سالگرد تولدش امسال برگزار می‌شود، در نامه‌ای جداگانه به آقای اسلومووتیز نوشته بود، نیاکان او «شاید یهودی، کاتولیک یا پروتستان بوده‌اند»؛ خاخام وایز که به رئیس جمهور روزولت بسیار نزدیک بود، نامه او به آقای اسلومووتیز را «به شدت خصوصی و محترمانه» خواند.

آقای سردبیر تا هفته گذشته این نامه را محترمانه نگه داشت تا اینکه آن را در کابی (همراه با تعدادی از آثار خود) منتشر کرد. یکی از نکته‌های جالب این مسئله آن است که نازی‌ها روزولت را همچون یک یهودی به تصویر می‌کشیدند و او را «روزنفلد یهودی» می‌خواندند.

هرچند ممکن است نازی‌ها درست گفته باشند – ولی به احتمال اطلاعات آنها براساس اطلاعاتی نبوده که تنها خود خانواده روزولت داشته‌اند؛ در ضمن باید اشاره کرد که فرانکلین و ایلینور روزولت با اینکه به ظاهر یهودی تبار بودند، اما اظهارات‌های خصوصی ضدیهودی داشته‌اند. با وجود این هردو در جهان‌بینی یهودی به نماد تبدیل شدند. البته به نظر می‌رسد که این پدیده در آخرین سال‌های قرن بیست و اول قرن بیست و یکم محو شد. همان‌طور که امروز نویسنده‌گان تندرو یهودی معتقد‌اند فرانکلین روزولت، علی‌رغم جنگ جهانی خونینی که علیه هیتلر داشت «برای متوقف کردن هولوکاست به اندازه کافی تلاش نکرد.»

به یاد دارم سال‌ها قبل، در مجله آمریکن هریتج خواندم یک محقق به اطلاعاتی دست یافته که نشان‌دهنده نسب یهودی نیاکان مادری روزولت در خانواده دلانو است؛ نکته‌ای که با در نظر گرفتن اظهارهای ضدیهودی مادر روزولت، جالب به نظر می‌رسد. نگارنده خوشحال می‌شود اگر محققی بتواند این قطعه ارزشمند تاریخی را در آرشیوهای گسترده آمریکن هریتج بیابد. البته اگر به حفره حافظه ارولی سقوط نکرده باشد!

همیشه درباره اشخاص و خانواده‌های مهم، شایعه‌هایی در مورد «خون یهودی» آنها وجود خواهد داشت؛ ولی اسم‌هایی که در اینجا ارائه خواهد شد، بی‌تردد یهودی هستند و به آن افتخار می‌کنند. آنان طبقه نخبه ویژه‌ای در آمریکا تشکیل می‌دهند و صدرصد از ثروتمندترین خانواده‌های یهودی کنونی آمریکا هستند. البته این فهرست به هیچ وجه جامع و کامل نیست، ولی امیدوارم مرجعی ارزشمند باشد.

لطفاً توجه کنید هرجا مشخصاً ذکر نشده باشد، اطلاعات توصیفی که در علامت نقل قول می‌آید، نقل مستقیم از «شماره ویژه قدردانی ۱۹۹۷/۱۹۹۸» مجله اونیو است که خانواده‌های یهودی طبقه نخبه را معرفی می‌کند. بنابراین قدرتمندترین خانواده‌های یهودی آمریکا در اینجا معرفی می‌شوند. نام برخی از آنها را در گذشته شنیده‌اید و بسیاری را برای اولین بار می‌بینید. آنان به‌واقع «نخبگان جدید» هستند: کسانی که بر آمریکا - اورشلیم جدید - مسلط هستند....

ابس. میامی، فلوریدا. شهر بانک نشنال فلوریدا را در کترل دارند. اعضای این خانواده ثوناراد ابس و آلن ابس جوان هستند.

آلتم. نیویورک. فیلیپ و باربارا آلتم فارست الکتریک، یکی از شرکت‌های فرعی امکور و بزرگ‌ترین شرکت ساختمانی برقی جهان را در کترل دارند. فرزندان آنها مارک، جیل و گری هستند.

آنبرگ. فیلادلفیا. مدیر این خانواده مدت زیادی والتر آنبرگ (سفیر آمریکا در انگلستان در دوره ریچارد نیکسون) بود. امپراتوری انتشاراتی تریانگل. راهنمای تلویزیون و فیلادلفیا

## ۱۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

انکوایرر را چاپ کرد.

اریسون. میامی. تندور «تد» اریسون (متولد اسرائیل) خطوط دریایی کارناول را تأسیس کرد. میکن پسر تد اکنون امپراتوری خانوادگی را اداره می‌کند که شامل گشت‌های دریایی، هتل‌ها، استراحتگاه‌ها و تیم بسکتبال هیت میامی است. تد اریسون به اسرائیل بازگشت.

آرنو - ویلر. بوستون. جک ویلر، متولد روسیه در ساخت و ساز تجاری با بنیامین سویگ شریک شد و بیش از هفتاد میلیون فوت مربع به دست آورد. دختر و شوهرش جون و رابرت آرنو و فرزندشان دیوید اکنون امپراتوری را اداره می‌کنند. آنان پسری به نام نوح دارند.

بارنت. فورت ورث. تگزاس. مدیر هتل‌های هیلتون اسرائیل. سونیس بارنت و همسرش مادلین (ن. ک. براکمن) پسری به نام الیوت دارند که در توسعه مراکز خرید فعالیت دارد. این خانواده در عرصه معامله‌های املاک، نفت و دارو نیز فعال هستند. این خانواده مؤسسه بیوتکنولوژی دانشگاه نورث ایسترن را نیز پشتیبانی مالی می‌کنند.

بلفر. نیویورک. آرتور و راشل بلفر که پناه‌جویانی لهستانی بودند. آنان خانواده‌ای تأسیس کردند که اکنون توسط رابرت بلفر و دخترانش سلما روین و آنتیا سالتز اداره می‌شود. آرتور بلفر در حوزه نفت و گاز طبیعی فعالیت داشت که بعداً به شرکت بدنام انرون توسعه یافت. پسرش رابرت در کمیته اجرایی انرون بود، ولی از توجه رسانه‌ها گریخت.

بلز. ممفیس. شرکت‌های بلز و گروه هتل پیادی (ممفیس) بخشی از دارایی‌های خانواده است که با فیلیپ بلز (که به کار املاک و مدیریت سرگرم بود) تأسیس شد. پسرش جک بلز و همسرش مریلین امور خانواده را اداره می‌کنند. دخترشان جن (که با اندرو گروومن ازدواج کرد) به تدریج در عرصه مهاجرت یهودیان سوری فعال شده است.

بلزبرگ. کانادا، نیویورک، اسرائیل. سام بلزبرگ شرکت گیرالتر کپیال را اداره می‌کند. همسر: فرانسیس. دختر: وندی (سردیر روزنامه متنفذ یهودی فوروارد) همسر اشتراوش

زلینک رئیس بی‌ام‌جی رکورdz است. دختر: لیزا همسر ماتیو برونفمن است (ن.ک. برونفمن). این خانواده حامیان مالی اصلی مرکز سیمون ویزنال هستند. خاخام سابق آنها، ماروین هیر، کانادا را به مقصد لوس‌آنجلس ترک کرد، تا این مرکز را تأسیس کند.

بنارد - کاتلر. بوستون. تد بنارد - کاتلر همراه با شرکایش - شلرون ادلسون، اروین شافتز و دکتر جردن شاپیرو - گروه ایترفیس را اداره می‌کنند که مجری کامدکس، نمایشگاه تجاری بین‌المللی رایانه و صنایع مخابرات است. کامدکس در ۱۹۹۵ به شرکت ساقتبنک ژاپن فروخته شد. بنارد - کاتلر و شافتز اکنون GWC را اداره می‌کنند که تور نیوانگلند برگزار می‌کند. بنارد - کاتلر و همسرش جون، دو پسر به نام جوول و رابرت و دختری به نام الن کلماس دارند.

بارنهایم. نیویورک. لونارد بارنهایم (دلال سهام) درخشن اجتماعی خود را مدبیون همسرش الینور کریدل بارنهایم بود که در امور یهودیان نیویورک فعالیت داشت. پرانشان چارلز و لونارد راه مادرشان را ادامه می‌دهند.

بیتز وانگر. فیلادلفیا. ایزیدور بیتز وانگر مؤسس کالج میمونیدز، اولین کالج خاخام‌ها در سواحل آمریکا بود. پرسش فرانک یک شرکت بزرگ بین‌المللی املاک و مستغلات با ۲۰ دفتر در سراسر ایالات متحده و کانادا تأسیس کرد. در ژاپن و دیگر مناطق آسیا و اروپا نیز فعال هستند. فرانک جوان و جان بیتز وانگر در شرکت خانوادگی فعالیت دارند. پرسش رابرت دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم تربیتی دارت موثر را اداره می‌کند.

بلک. نیویورک. لون بلک مدیر سابق درکسل برنهم لامبرت و اکنون رئیس مشاوران آپلو الپی و مشاور لیون الپی (شرکت وابسته به آن) است. همسرش دبورا در امور یهودیان شهرت دارد.

بلامتین. بالتیمور. لوئیس بلاستین ابتدا فروشنده دوره‌گرد پارافین (کروسین) بود و سپس شرکت نفتی آمریکن (AMOCO) را تأسیس کرد. فرزند و وارث او، جاکوب، زمانی

## ۱۰۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

«رهبر تشریفاتی جامعه یهودیان آمریکا» خوانده می‌شد و در ابتدای شکل‌گیری سازمان ملل، بازیگری مهم بود. خواهران: فنی تالهایمر و روث روزنبرگ. دیگر اعضای خانواده عبارت‌اند از: دیوید هرشهرن، باربارا هرشهرن، ماری جین بلاستین، آرتور روزول، الیزابت روزول، جین بلاستین بورکو و سوزان بلاستین برلو.

بلک. نیویورک. الکساندر بلک شرکت دارویی بلک را تأسیس کرد که پلیدنت، نیتوں و سنسودین را تولید می‌کرد. فرزندش لثونارد و نوه‌هایش توماس و پگی دنیگر (همسر ریچارد دنیگر) در شرکت خانوادگی فعالیت دارند.

بلومبرگ. نیویورک. مایکل بلومبرگ که در سال ۲۰۰۱ شهردار نیویورک شد، فعالیت خود را در شرکت برادران سالومون آغاز کرد و بعدها یک امپراتوری چند رسانه‌ای برای تغذیه اطلاعاتی روزنامه‌ها و یک تلویزیون ماهواره‌ای مستقیم ۲۴ ساعته تأسیس کرد.

بلومتال. شارلوت، کارولینای شمالی. هرمن بلومتال شرکت رادیاتور اسپشالتی را اداره می‌کند که ۴۰۰۰ قطعه اتومبیل تولید می‌کند. او و همسرش آنیتا سه پسر به نام‌های آلن، فیلیپ و سامونل دارند که در فعالیت‌های شرکت و امور «انسان‌دوستانه» فعال هستند.

براکمن. فورت ورث. لون براکمن (بیان‌گذار خانواده) در تولیدات شیمیابی فعالیت داشت و سپس سیستم‌های تجاری - رایانه‌ای را تأسیس کرد که به طراحی برنامه برای کسب و کارهای کوچک می‌پرداخت. فرزندش مارشال با کمیته امور عمومی آمریکا - اسرائیل (ایپک) واشنگتن مرتبط است. دخترش وندی در اسرائیل زندگی می‌کند. مادلین (عضو خانواده) با خانواده بارنت از فورت ورث ازدواج کرده است (ن.ک. بارنت).

برامن. میامی. نورمن برامن کار خود را با تأسیس فروشگاه‌های کی استون دیسکاؤنٹ (در ۳۸ منطقه) در فیلadelفیا آغاز کرد. او و همسرش ارما در دوران بازنشستگی به میامی رفتند و زنجیره معامله‌های اتومبیل را اداره می‌کنند. او مالک سابق تیم فیلadelفیا ایکلز است. برود. لوس‌آنجلس. الی برود شرکت سان آمریکا را تأسیس کرد که ارانه کننده خدمات مالی است. یکی از مالکان ساکرامنتو کینگز و کلکسیونر مشهور هنرهای معاصر است.

بو تنویزر، نیویورک. بنیامین بو تنویزر یکی از شرکای امپراتوری بانکی کان - لوب بود و پس از جنگ جهانی دوم به عنوان دستیار کمیساریای عالی آمریکا در آلمان فعالیت می‌کرد. همسرش هلن از اعضای خانواده بانکدار برادران لمان بود. پسرشان لاورنس، از اعضای مؤسسه حقوقی روزنمن و کالین در نیویورک است. فرزند دیگر آنها پیتر در فیلادلفیا مدیر دبیرستان بود و با فعالیت‌های بنیادهای (غیریهودی) فورد و دانفورث ارتباط دارد. و در نهایت، پل (پسر دیگر) روانشناس و رمان‌نویس ساکن بلمونت ماساچوست است.

کاردین. ثروت جرومی کاردین (متولد اسرائیل) غول املاک و مستغلات، (همسر در گذشته شوشاانا کاردین) صعود وی را به عنوان اولین رئیس زن کنفرانس سران سازمان‌های یهودی اصلی آمریکا و مدیر «هواداران اسرائیل متحده» در جامعه یهودیان آمریکا میسر ساخت. دخترش نینا یکی از اولین زنانی است که به عنوان خاخام محافظه‌کار<sup>۱</sup> پذیرفته شده است. پسرش سندی کاردین مدیر بنیاد شوسترمن در تولسا ای اوکلاهما است.

کارت. ویکتور کارت به عنوان «متخصص بازگرداندن شرکت‌های بیمار به وضع عادی» مشهور است؛ ولی بیش از همه به ریاست یونایتدوی، سیتی او هوپ و اسرائیل بوندز شهرت دارد. همسرش آنдра در کمیسیون موسیقی کاونتری نیز فعالیت داشته است.

چنین. نیویورک. اروین و هنری چنین، دو برادر، در معامله‌های املاک نیویورک در اوایل قرن بیستم شهرت زیادی داشتند. فرزندان مارسی (پسر اروین) و همسرش لونا فیفرچنین (معاون ارشد رئیس کنگره یهود آمریکا) عبارت‌اند از: دو وکیل، جیمز چنین در اوکلند کالیفرنیا و ان گلیزر در لوس‌آنجلس. نانسی اشنایدر (دختر بعدی) در بوکاریتون فلوریدا سکونت دارد. پل چنین پسر اروین در آسپن کلورادو، محل فعالیت بنیاد خانوادگی، ساکن است. او در حاشیه، رستوران معروف پینون را اداره می‌کند.

کوهن. نیواورلئان. روزالی پالت کوهن، دختر لئون پالت (مؤسس یونیورسال فرنیچر)،

1. Conservative rabbi: خاخام‌های این فرقه، سنت و قوانین دین یهود را قابل تغییر و انطباق با فرهنگ غالب جامعه می‌دانند (م).

## ۱۱۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بازیگری مهم در جامعه یهودی قدرتمند کرست سیتی بوده است. کن. خانواده یهودی بزرگی در جنوب (از نسل ۱۳ فرزند اصلی هرمان کن) که ثروت خود را از طریق کن میلز، (بزرگترین تولید کننده جین در جهان) به دست آوردند. کوروین. لوس آنجلس. بروس سی. کوروین رئیس اتحادیه تئاترهای متروپلیتن است که مالک تئاترهای پاپ کورن است. حامیان مالی دانشگاه (محافظه کار) پیرین در مالیوی مجلل هستند.

کرون. شیکاگو. هنری کرون با جرایم سازمان یافته شیکاگو ارتباط نزدیکی داشت و در شرکت ماتریال سرویس (در عرصه ساختمان) امپراتوری املاک و مستغلات بزرگی تأسیس کرد. در ۱۹۵۹ این خانواده اختیار جنرال داینامیکس (پیمانکار بزرگ نظامی) را به دست آورد. خانواده کرون در تأمین مالی برنامه مخفیانه توسعه سلاح‌های اتمی اسرائیل کمک مهمی به حساب می‌آمدند. سرپرستی خانواده اکنون بر عهده پسرشان استر است. دن، پسر دیگر، تئاترهای کرون را اداره می‌کند.

کامبنگز. شیکاگو. ناتان کامینگز مجتمع تولیدی غذایی تأسیس کرد که محصولات مشهور «سارالی» را تولید می‌کند. سه فرزند و ده نوه‌اش بنیاد خانوادگی را اداره می‌کنند. دیویدسن. دیترویت. ویلیام دیویدسن تولیدی شیشه عمویش را به دست گرفت و به صنایع گاردین، (پنجمین تولید کننده بزرگ شیشه در جهان)، تبدیل کرد. مالک تیم دیترویت پیستونز. مؤسسه ویلیام دیویدسن (در حمایت مالی وی) در دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه میشیگان به مداخله اقتصادهای در حال توسعه اروپای شرقی پرداخته است.

دوچ. سانتامونیکا. کارل دوچ خدمات مدیریت و املاک خانواده را اداره می‌کند.

دورست. نیویورک. جوزف دورست و سه پسرش سیمور، دیوید و رویال و نوه‌هایش داگлас، رابت، جاناتان و جوشوا به ساخت و ساز در مناطق وسیعی از خیابان سوم و بخش غربی نیویورک پرداخته‌اند.

ایزner. لوس‌آنجلس. مایکل ایزner عامل ادغام کاپیتال سیتیز، مالک شبکه ABC و دارایی‌های دیگر بود. در ۱۹۸۴ شرکت والت دیزنی را تصاحب کرد. نوه یکی از بنیان‌گذاران شرکت آمریکن سیفتی ریزر.

اپل. کلیولند - سواحل بالم. هاینز اپلر (متولد آلمان) میلر - هول را خرید و آن را به ۴۲۰ فروشگاه پوشک زنان تبدیل کرد که در ۱۹۸۴ به شرکت فروشگاه‌های تپری فروخته شد. پرسش دیوید در واشنگتن دی.سی. ساکن است.

اورت. هنری و ادیث اورت - که «سرمایه‌گذاران موفق بخش خصوصی» شمرده می‌شوند - در فعالیت‌های متعدد انسان‌دوستانه یهودیان شرکت دارند. پرسشان دیوید در امور یهودیان نیز فعالیت دارد.

فینبرگ. شیکاگو. روبن فینبرگ رئیس بانک جانسون استیت شیکاگو است. فلدبیرگ. بوستون. سافر و استانلی فلدبیرگ، دو پسر عموم، بنیان‌گذار فروشگاه‌های تی‌جی‌ماکس (با بیش از ۵۰۰ دهانه) فروشگاه‌های هیت ارمیس (با ۵۰۰ دهانه) و کاتالوگ چادویک هستند.

فلدمن. دالاس. جاکوب «جیک» فلدمن کامرشال متالز (شرکت مهم مبادله‌های سهام نیویورک) را تأسیس کرد. رابت، پسر و وارث او، در جامعه یهودیان دالاس فعال بوده است.

فوراستین. وست پورت کانکیکات، سواحل نیوپورت کالیفرنیا، لوس‌آنجلس، شهر نیویورک. وارثان آرون فوراستین از امپراتوری پارچه مالدن میلز که ماده پولارتک را از بازیافت بطری‌های پلاستیکی تولید کرد. موشه، برادر آرون، چهره‌ای برجسته در یهودیت ارتودکس آمریکا بود. مورتی، پسر موشه، جامعه ارتودکس ونکوور کانادا را رهبری می‌کند. فیشر. نیویورک. این خانواده که توسط زاخاری و لاورنس فیشر تأسیس شد، در عرصه املاک و مستغلات نیویورک بسیار شهرت دارد.

## ۱۱۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ماکس فیشر. دیترویت. ماکس فیشر که در صنایع نفت و امور حزب جمهوری خواه بازیگری کلیدی است، روابط تجاری بلند مدتی با اسرائیل و سازمان امنیت اسرائیل دارد. زمانی نشان پلیس گزت (دسامبر ۱۹۷۴) او را یکی از «مردان اسرارآمیز» قدرتمندی خواند که به جرالد فورد سیاستمدار جمهوری خواه میشیگان (که بعدها رئیس جمهور آمریکا شد) می‌گفت: «چه زمانی چه کاری را انجام دهد». (نگارنده در «قضاؤت نهایی» بررسی توطه ترور کنی، رابطه فورد - فیشر - و روابط فیشر با سازمان امنیت اسرائیل - را در پرتو نقش فورد در کمیسیون وارن مطالعه کرده است، کمیسیونی که به ظاهر درباره قتل کنی «تحقیق» می‌کرد ولی در واقع رابطه مخفیانه اسرائیل با قتل رئیس جمهور را به خوبی پنهان کرد.) فرایدمن. میل ولی، کالیفرنیا. الینور فرایدمن - یکی از چندین وارث ثروت لوی اشتراوس - و شوهرش جاناتان کوهن بنیان‌گذاران صندوق اسرائیل نوین هستند که بنیادی «لیبرال» محسوب می‌شود و از فعالیت‌های چپ‌گرایانه در اسرائیل حمایت می‌کند. از جمله: حقوق زنان، تکثر گرایی دینی و روابط بهتر با مسیحیان و مسلمانان بومی فلسطین. گربر. شیکاگو. ماکس گربر شرکت تعمیرات لوله‌کشی گربر را تأسیس کرد که اکنون در اختیار دخترش هربت گربر لوئیس و فرزندان او آلن و ایلا است.

گبدویتز. شیکاگو. جرالد گبدویتز رئیس شرکت تولیدات مراقبت شخصی هلن کرتیس است. پسرش رونالد رئیس شرکت است که در ۱۹۹۶ توسط یونیلور خریداری شد. این خانواده مالک شرکت کانتینتال ماتریالز نیز هست که تجهیزات گرمایشی و سرمایشی تولید می‌کند.

گادچاوکس. نیواورلئان. وارثان شکر گادچاوکس (که زمانی بزرگ‌ترین تولید کننده شکر لوئیزیانا بود) و فروشگاه مشهور گادچاوکس در نیواورلئان. اعضای خانواده در سراسر ایالات متحده پراکنده‌اند.

گلد. لوس‌آنجلس. استنلی گلد رئیس املاک شمراک است که در سرمایه‌گذاری‌های متنوع مرتبط با وارثان دیسنی فعال است. او یک سرمایه‌گذار عمدۀ در صنایع کور (بزرگ‌ترین

شرکت صنعتی اسرائیل) است. فرزندان گلد چارلز و جنیفر هستند. گلداسمیت. نیویورک. چندین فرزند گریس، همسر هوراس گلداسمیت (دلال سهام)، یعنی جیمز، ویلیام و توماس اسلاؤتر بنیادی را اداره می‌کنند که به مدد سخاوت گلداسمیت تأسیس شد. ریچارد و رابرت منشل - پسر عموهایی که بانکدار گلدمان ساکز هستند - نیز در شرکت‌های خانوادگی فعالیت دارند.

گلدنبرگ. فیلادلفیا. وارثان فروشنده شیرینی و شکلات که فقط آدامس بادام زمینی گلدنبرگ تولید می‌کند. اعضای خانواده عبارتنداز کارل، اد و دیوید.

گاتشتاین. آلاسکا. بارنی گاتشتاین رئیس شرکت غذایی کار - گاتشتاین مستقر در انکوراژ که بزرگ‌ترین شرکت آلاسکاست و در کار سوپر مارکت، عمدۀ فروشی خواروبار، املاک و مستغلات فعالیت دارد. به عنوان معاون رئیس لابی اسرائیلی آیک و در کمیته دموکراتیک ملی فعال بوده است. پرسش رابرت در تبلیغ فعالیت‌های یهودی با پت رابرتسون، مسیحی اوانجلیست طرفدار اسرائیل، همکاری نزدیک داشته است.

گراس. اسکرانتون. پنسیلوانیا. آلکس گراس مرکز تخفیف ژریفت در کی‌استون سیتی کوچک را گرفت و بیش از ۲۷۰۰ داروخانه رایت‌اید در ۲۳ ایالت تأسیس کرد با شرکت‌های تابعه از جمله قطعات اتومبیل اتوپالاس، کنکورد کاستم کلینرز، کتاب‌های انکور و تولیدات بیولوژیک سرا - تک. رئیس دانشگاه عبری اسرائیل بود. فرزندانش مارتین و راجر هستند.

آلن گرینبرگ. نیویورک. آلن «ایس» گرینبرگ رئیس بیر استرنز بود و در فعالیت‌های متعدد یهودی دخالت داشته است.

موریس گرینبرگ. نیویورک. این غول بیمه که به «هنک» گرینبرگ شهرت دارد، گروه بین‌الملل آمریکن (AIG) را به دست آورد و در خاور دور فعالیت می‌کرد. در شورای متنفذ روابط خارجی نقشی بر جسته ایفا می‌کند. فرزندانش جفری، اوان، لاورنس «اسکات» و کاتلین هستند.

## ۱۱۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

گراس. نیویورک. جوزف گراس در اکشاف نفت و گاز در تگزاس، اوکلاهما و یومینگ فعالیت داشت و «گراس و شرکا» را تأسیس کرد که در خرید و ادغام شرکت‌های نفت و گاز فعال بود. کنْت لیپر (شهرِ دخترش اولن) وکیل و بانکدار سرمایه‌گذار و معاون مالی سابق شهردار نیویورک است. پسرش مارتین در مسابقات اسب‌دوانی فعالیت دارد.

گومبیک. میامی. ناتان گومبیک سازنده و مالک ۱۰۰۰۰ آپارتمان و ۵۰۰ خانه در میامی بود. او اولین سازنده آپارتمان‌های بلند در بهشت یهودیان بازنشسته بود. او از حامیان اصلی موزه یادبود هولوکاست آمریکا در دوران توسعه آن بود. پسرش جرومی در جامعه یهودیان ریچموند (ویرجینیا) فعالیت دارد.

هاس. اعضای این خانواده بسیار ثروتمند، وارثان دارایی‌های لوی - اشتراوس در صنعت پوشاک هستند. مجموع ثروت اعضای مختلف خانواده بدون تردید آنها را در بالاترین رتبه‌های تروتمندترین خانواده‌های کشور قرار می‌دهد.

هالپرن. سام هالپرن و برادرش آری - متولدین لهستان که به آمریکا مهاجرت کردند - در ساخت و ساز هتل‌های تاریخی اسرائیل فعالیت زیادی داشتند. به‌ظاهر خانواده هالپرن ثروت خود را در بازار سیاه اتحاد جهانی شوروی بدست آوردند و بعدها در صنعت ساخت و ساز ایالات متحده گسترش دارند.

هاستنفلد. نیویورک. رودآیلند. وارثان امپراتوری تولید اسباب‌بازی هاسبرو (تولید کننده آقای سیب‌زمینی و گی‌جو) بزرگ‌ترین شرکت اسباب‌بازی جهان. اعضای این خانواده آلن و هارولد هستند.

هاستن. ایندیانا پولیس، ایندیانا. هارت و مارک هاستن زنجیره‌ای از ۱۵۰۰ مرکز نقاوت را تشکیل دادند و در عرصه بانکداری و املاک و مستغلات از جمله شرکت دارایی‌های خانوادگی، شرکت هاستن بنکشرز، فعالیت دارند. هارت به جناح لیکود اسرائیل نزدیک است.

هچینگر / انگلند. واشنگتن دی. سی. از زنجیره فروشگاه‌های سخت‌افزار هچینگر در پایتخت کشور (که توسط جان هچینگر و راس هچینگر تأسیس شد) نشأت گرفته‌اند. ریچارد انگلند با خانواده هچینگر وصلت کرد. پسرش ریچارد در کمیته اجرایی امور عمومی آمریکا - اسرائیل (آیپک) کار کرده است.

گاسفیلد هلر. فاینا گاسفیلد هلر، بیوه جوزف هلر سرمایه‌گذار، شهرت خود را نه تنها مدیون سخاوت شوهر خویش است (که به فعالیت‌های یهودیان کمک می‌کند) بلکه مدیون خاطرات معروفی است که به عنوان یک اوکراینی «بازمانده هولوکاست» درباره آن سال‌ها نگاشته است.

هیمن. نیویورک. کانکتیکات. سام هیمن و همسرش رونی (فارغ‌التحصیلان بیل و هاروارد) ثروت خود را از راه همکاری سام با شرکت گف به دست آوردند که یک شرکت مهم تولید مواد ساختمانی است. سام در ۱۹۹۱ بخش شیمیایی را جدا کرد و اکنون یک شرکت تجارت عمومی به نام ایترنشنال اسپیشالتی پروداکتس است. خانم هیمن (ن.ک. فورشتاین) در دانشکده حقوق همکلاس هیلاری رودهام کلیتون بود.

هاچبرگ. نیویورک و شیکاگو. وارثان جوزف هاچبرگ که مدیر چیلدرنز بارگین‌تون آمریکا بود. پسرش لاری رئیس اسپرتمارت، زنجیره تولیدی کالاهای ورزشی است.

هافمن. دالاس، تگزاس. ادموند هافمن ثروت خود را به عنوان توزیع کننده اصلی (مستقر در دالاس) کوکاکولا در جنوب غرب تگزاس به دست آورد. پسرش ریچارد، فیزیکدانی مشهور در کلورادو است. پسرش رابرت یکی از بنیان‌گذاران مجله طنز نشنال لمپون بود.

جلسسون. نیویورک. مایکل، دانیل و بنیامین وارثان لو دویگ جسلسون هستند که مدیر عامل شرکت برادران فیلیپ شد. این شرکت یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهانی بیش از ۱۵۰ ماده خام از جمله فولاد، نفت خام، مواد شیمیایی و سیمان بود. این شرکت بعدها توسط شرکت برادران سالومون، تجارت‌خانه بانک بین‌الملل تصاحب شد.

## ۱۱۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

کاپلان. نیویورک. استنلی کاپلان اعجوبه «آموزشی» است و دوره‌های محبوب تمرینی آزمون SAT را توسعه داد که دانش‌آموزان دیبرستانی برای آمادگی آزمون ورودی کالج می‌گذرانند. استنلی می‌گوید دغدغه خاصی برای پرورش «رهبران» اجتماع‌های سیاه‌پوست و اسپانیولی دارد که - برای رهبران عامی سیاه‌پوست و اسپانیولی - به معنای پرورش شخصیت‌های سیاه‌پوست و اسپانیولی است و به نخبگان یهودی آمریکا احترام خواهند گذاشت.

ککست. نیویورک. گرشون ککست، مدیر شرکت ککست وشرکاست که در عرصه ارتباط‌های شرکتی و مالی فعالیت دارد. پسرش دیوید و همسرش کارول است.

کلینیکنستاین. نیویورک. وارثان دکتر پرسی کلینیکنستاین که مدیر جراحی بیمارستان عمومی سوم ارتش ایالات متحده بود، از جمله فردیک بانکدار سرمایه‌گذار و جان کلینیکنستاین.

کرافت. بوستون. رابرт کرافت که مالک نیوانگلند پاتریوتز است، ثروت خود را با تأسیس محصولات ایترنچنال فارست کسب کرد که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های خصوصی کاغذ و بسته‌بندی در کشور است.

کراویس. تولسا. ثروت این خانواده توسط ریموند کراویس انباشته شد. او مشاور نفت و گاز بود و جوزف کندی و بانک چیس (راکفلر) از جمله مشتریان او بودند. پسرانش هنری و جورج با پسر عمویشان جورج رابرتنز شریک شدند و با خرید یک جای سهام‌ها در دهه ۱۹۸۰ برای شرکت خود، کلبرگت کراویس رابرتنز و شرکا، ثروت و شهرت بین‌المللی به ارمغان آوردند. آنها ۳۶ شرکت از جمله RJR نیسکو را تصاحب کردند. گروه کلبرگ - کراویس در این دوره ارتباط نزدیکی با جمهوری خواهان داشت.

کریپکه. او ماها. درباره روابط مثبت نیز صحبت کنیم! میرکریپکه در او ماها ای نبراسکا خاخام بود و همسرش دوروثی، نویسنده کتاب‌های کودکان بود. همسر وارن بافت، میلیاردر افسانه‌ای (غیریهودی) ساکن او ماها، کتاب‌های خانم کریپکه را دوست داشت و این دو زن

باهم دوست شدند. در نتیجه خانواده کریپکه دعوت شدند که در شرکت برکشاير هاشاوی بافت «سرمایه‌گذار متوسط» بشوند و در نتیجه ثروتی جمع کردند. پسرشان پل استاد فلسفه دانشگاه بیل است.

لاودر، نیویورک. لئونارد و رونالد لاودر، وارثان دارایی‌های شرکت مواد آرایشی استی لاودر هستند. رونالد سفیر آمریکا در اتریش و مدیر صندوق ملی یهود بود و در ۱۹۸۹ تلاش کرد از طرف جمهوری خواهان شهردار نیویورک شود.

توماس اچ. لی، بوستون. توماس اچ. لی که خریدار یک جای سهام است، زمانی که شرکت نوشابه‌های غیرالکلی خود را به کواکر اوتز فروخت پول زیادی به جیب زد. اکنون مثل همه پسران خوب یهودی فعالیت‌های انسان‌دوستانه دارد.

لمان، اسکاکی، ایلینویز. این خانواده، که با خانواده آلمانی - یهودی که در نیویورک بانکداری بین‌المللی «جمع ما» را دارد متفاوت است، به سرپرستی کنت لمان - ثروت خود را از راه تجارت خانوادگی در شرکت فل - پرو به دست آورد که تولید کننده قطعات اتومبیل است. افتخار لمان این است که بی‌گاری نمی‌کشد. شرکت او مزایای فراوان و انواع بورس‌ها و هدایای مالی به کارمندانش می‌دهد.

لونتال و سیدمن، بوستون. ادوین سیدمن و آلن لونتال که در شرکت بیکن پرایوریز (بزرگ‌ترین تراست سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات ایالات متحده) شریک هستند، شرکت خود را در ۱۹۹۴ عمومی کردند و منافعشان را در مقیاس ملی توسعه بخشیدند. لونتال با فعالیت‌های سیاسی بیل کلیتون ارتباط نزدیکی داشته است.

لوین، جرالد لوین که بعدها مدیر عامل امپراتوری تایم وارنر (در کترل خانواده برونفمن) شد، ابتدا دستیار اشتراوس، رئیس یهودی کمیسیون انرژی اتمی بود. می‌توان شرط‌بندی کرد که لوین و اشتراوس در «کمک» به اسرائیل برای دستیابی به سلاح‌های اتمی نقش داشته‌اند! هرچند در نشريه‌های عمومی مدرکی در این زمینه وجود ندارد. امروز لوین یکی از اعضای

## ۱۱۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

شورای روابط خارجی است که از سوی راکفلر تأمین مالی می‌شود. (یک شخصیت رسانه‌ای مهم).

لوینسون. نیویورک. باربارا، بیوہ موریس لوینسون، با توزیع ثروت موریس به شخصیتی برجسته در جامعه یهودی تبدیل شده است. وی این ثروت را از راه مجتمع مواد غذایی و آرایشی انباشته بود که با نیسکو ادغام شد. موریس همچنین بنیان‌گذار مرکز مطالعات دموکراتیک بود که به عنوان اولین اتاق فکر شناخته شده است. پسرش آدام در تالاهاسی فلوریدا مستقر است، ولی در امور یهودیان سراسر کشور فعالیت دارد. پسرش جاشوا استاد دانشگاه عبری است. دخترش جودی همسر جان اوپن‌هایمر است.

لوی. دالاس. تگزاس. برادران اروین، میلتون و لستر لوی شرکت NCH را در اختیار دارند که در کار تولید و توزیع محصولات حفظ و نگهداری هتل‌ها، اداره‌های دولتی و شرکت‌های صنعتی است. چهار پسرشان نیز در این شرکت خانوادگی فعالیت دارند. لون لون. نیویورک. لون لون که رهبر نخبگان یهودی سفاردي آمریکاست (و در کتاب بزرگان استیفن بیرهنجام از او یاد شده است)، ثروت خود را به عنوان مدیر عامل شرکت زیرساخت‌های شهری کسب کرد؛ او در ساخت و مهندسی بسیاری از املاک برجسته شهر نیویورک نقش داشت. لوی همچنین رئیس کنفرانس سران سازمان‌های یهودی اصلی آمریکا نیز بود. فرزندانش مارک، میمی، جودی و جانت هستند. همسرش السی موسیقیدانی حرفه‌ای است.

لیبرت. نیویورک. آلبرت و فلیس لیبرت از راه کمک به کاهش وزن میلیون‌ها نفر توانستند میلیون‌ها دلار جمع کنند. آنها با شرکت با جین نیدک (خانه‌دار یهودی هیکل مندی) که گروه پشتیبانی رژیم غذایی را ابداع کرد) شرکت ویت واچرز ایترنشنال را تشکیل دادند و این مؤسسه موفق را در ۱۹۷۸ به شرکت هینز فودز فروختند. پس ان کیت و رندی.

لیست. نیویورک. آلبرت لیست در توزیع لوازم خانگی موقبیت یافت و سپس تغییر شاخه داد و شرکت هادسن کول را خریداری کرد و مجتمعی تشکیل داد که شامل زنجیره

تاتر RKO بود.

لوب، نیویورک. کارل موریس لوب از شرکت آمریکن متال میلیون‌ها دلار به دست آورد و سپس شرکت لوب رودز را تأسیس کرد (که اکنون شیارون لمان/آمریکن اکسپرس نام دارد). جان (پسر کارل) با دختر آرتور لمان (از تجارت‌خانه بانکی برادران لمان) ازدواج کرد. جان لوب دو پسر دارد: آرتور و جان پسر (که سفیر آمریکا در دانمارک بود) و دخترش آن با ادگار بروندمن ازدواج کرد و ادگار بروندمن پسر را به دنیا آورد. ازدواج درونی خانواده‌های ثروتمند یهودی نشان می‌دهد که چگونه نخبگان یهود ثروت خود را «درون طایفه» نگاه می‌دارند. اتفاقاً این خانواده لوب را نباید با خانواده لوب مالک امپراتوری بانکی کوهن لوب - که از ثروتمندان مهم یهود هستند - اشتباه گرفت.

لوونبرگ. سان فرانسیسکو. ویلیام لوونبرگ، بازمانده هولوکاست و رئیس شرکت لوونبرگ، در عرصه ساخت و ساز سان فرانسیسکو چهره‌ای برجسته است. پسرش دیوید نام خانواده و فعالیت در امور یهودیان را به دوش می‌کشد.

ماک. نیویورک. اچ. برت ماک ابتدا در کار تخریب ساختمان بود و مسئول عملیات‌های مهم محل احداث سازمان ملل، نمایشگاه جهانی نیویورک و پل تریبورو بود. شرکت ماک اکنون در کار توسعه املاک و مستغلات بسیار شهرت دارد. پسران او ارل، بیل، دیوید و فرد هستند.

مندل. کلیولند. مورتون، جک و جوزف مندل شرکت صنعتی پرمیر را تأسیس کردند که امروز در تولید محصولات نادر الکترونیک بازیگری عمده است. آنها پرمیر را با فارنل الکترونیکز - که شرکتی انگلیسی است - ادغام کردند تا پرمیر فارنل PLC را تشکیل دهند. مارکوس. دالاس. این خانواده مالک فروشگاه بزرگ و مشهور نایمان - مارکوس است. هرچند این شرکت در ۱۹۶۹ فروخته شد، استثنی مارکوس سال‌ها در هیئت مدیره آن باقی ماند. او همچنین رئیس اتحادیه خردفروشان آمریکا بود.

برنارد مارکوس. آتلانتا. امپراتوری وسایل خانگی هوم دیپو - که بزرگ‌ترین در کشور

## ۱۲۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

است - ابتکار برنارد مارکوس است و فرزندانش فرد، موریس و سوزان وارثان این دارایی هستند.

مرکین. نیویورک. هرمان مرکین شرکت بانکی سرمایه‌گذاری مرکین و شرکا را تأسیس کرد که پسرش سول و دامادش اندره منز نیز در آن فعالند. دخترش دافنه ستون‌نویس روزنامه نیویورک تایمز و رمان‌نویس بوده است.

میرهاف. بالتمور. هاروی میرهاف، غول ساخت و ساز و مراکز خرید، اولین رئیس موزه یادبود هولوکاست آمریکا در واشنگتن دی.سی. و همچنین رئیس یونایتد اوی بود. پسرش جوزف میرهاف دوم و دخترانش تری روینس‌اشتاين و زو هایرنیموس ( مجری معروف برنامه گفت‌وگوی رادیویی) در بالتمور چهره‌های مهمی هستند.

میرسان. دالاس. مورت میرسان شهرت خود را مدیون ارتباطش با راس پروت است و او را «دست راست» پروت می‌دانند که رئیس سیستم‌های الکترونیک داده و سپس مدیر عامل شرکت پروت سیستمز بود.

میلکن. نیویورک - لوس‌آنجلس. برادران بدنام میلکن - مایکل و لوول - در رسوایی‌های تجارت مالی دهه ۱۹۸۰ مشهور شدند. ولی با این حال همچنان در جامعه جهانی یهود چهره‌هایی مهم هستند و به خصوص مورد احترام «محافظه‌کارانی» هستند که دزدی و آبر - سرمایه‌داری به سبک میلکن را تحسین می‌کنند.

میلشتاین. نیویورک. ایرا میلشتاین یکی از شرکای مؤسسه حقوقی متند ویل گوتshall و منگر نیویورک است و در دانشکده مدیریت ییل و دانشکده حقوق دانشگاه نیویورک تدریس کرده است. او در کمیسیون‌های متعدد دولتی و «انجمن ملی مدیران شرکت‌ها» کار کرده است.

میلشتاین. نیویورک. شرکت سیرکل فلور که از سوی موریس میلشتاین تأسیس شده بود، سازنده طبقه‌های مرکز راکفلر و سازمان ملل بود؛ ولی سیمور و پل (فرزندان موریس) شرکت خانوادگی املاک میلشتاین را به بنگاه املاک و مستغلات مهمی تبدیل کردند که

مالک هتل‌ها، اداره‌ها و آپارتمان‌هast. آنها همچنین امپراتوری ایترنشال یونایتد برنز را یک دوره در کنترل داشتند و در ۱۹۸۶ بانک امیگرت سیوینگز را خریدند. هووارد و ادوارد (دیگر اعضای خانواده) شرکت داگلاس الیمان را در اختیار دارند که در کار مدیریت و دلالی ساختمان است و همچنین مالک شرکت تلویزیون کابلی لیرتی هستند.

موش. نیویورک. سیدنی موشر مدیری دارویی بود که در گشودن بازار آمریکا به روی محصولات اسرائیل نقشی مهم ایفا کرد. پرانش دیوید و دانیل دکتر هستند.

ناگل. لوس‌آنجلس. شرکت ساخت و ساز ناگل تأمین مالی امور جک و گیتا ناگل - بازماندگان هولوکاست - را بر عهده دارند. فرزندانشان رونی، دیوید و کارینا ساکن لوس‌آنجلس هستند. دخترشان استر در اینگل‌وود نیوجرسی زندگی می‌کند.

نش. نیویورک. جک نش همراه با شریک خود، لون لوی (ن.ک. لون لوی) بنیان‌گذار «شرکای ادیسه» (صندوق پولی خصوصی و بسیار موفق) بود. دامادش جورج رور سرمایه‌گذار است. هلن همسر وی مؤلف ماهر کتاب‌های آشپزی کاشر است.

نشر. دالاس. ریموند نشر، یکی دیگر از نخبگان یهودی حاکم بر تگزاس، توسعه دهنده مراکز خرید بود. نورث پارک مشهور یکی از موفقیت‌های وی است.

افیت. نیویورک. موریس افیت، مدیر سابق در شرکت برادران سالومون، بانک سرمایه‌گذاری خود به نام بانک افیت و شرکت مشاوره سرمایه‌گذاری خود به نام همراهان افیت را تأسیس کرد.

پرل. دالاس. دکتر استنلی پرل چشم‌پزشک ثروت خود را از راه مراکز معروف بین‌الملی پرل به دست آورد و از بزرگترین دلال‌های شیشه عینک هستند.

پک. نیویورک. استیفن و جودیت استرن پک معروف‌ترین نخبگان یهود هستند. استیفن رئیس هیئت مدیره بیمارستان معروف مانت سینای و جودیت رئیس هیئت مدیره اتحادیه یهود متحده است. عروس و پسرشان استفانی زیسن و امانوئل نیز در امور یهودیان نیویورک شهرت دارند.

## ۱۲۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

پرلمان. رونالد پرلمان که در فیلادلفیا به دنیا آمد، وارث صنایع بلمونت (کارخانه فلزسازی و شرکت مرکزی چندین مؤسسه دیگر در منطقه) بود. او اکنون از راه امپراتوری مکاندرو و فوربز بیش از ۴۴ شرکت را در اختیار دارد. برخی از مشهورترین دارایی‌های او عبارت است از: رولن، غول تولید مواد آرایشی، شرکت کلمن (که تجهیزات اردوگاهی تولید می‌کند)، بانک فدرال کالیفرنیا، و سیگار کانسالیدیت (که مارک‌های مختلف سیگار تولید می‌کند). پرسش استیون در امور تجاری خانواده فعالیت دارد.

پولک. شیکاگو. سام و سُل پولک فروشگاه‌های بزرگ برادران پولک را راه‌اندازی کردند که تا زمان تعطیل شدن در ۱۹۹۲ نقش مهمی در کلانشهر شیکاگو داشتند. با این حال این خانواده همچنان ثروتمند است. اعضای خانواده عبارت‌اند از: هووارد پولک (دلل سهام) رابرتا لویس و بروس باکمان (مدیر دفتر املاک و مستغلات).

پریتزکر. شیکاگو. بخشی از ثروت گسترده خانواده پریتزکر عبارت است از: هتل‌های هایات، شرکت سفرهای تفریحی رویال کارائیب، خطوط هوایی کانتینتال و برانیف، مجله مک کال، اختاپوس تفریحی تیکت مَسْتَر. نیکلاس، بنیان‌گذار خانواده، مهاجری اهل کیف (Kiev) بود که مؤسسه‌ای حقوقی تأسیس کرد تا با استفاده از آن به قدرت و ثروت دست یابد. پسرانش هری، جک و آبراهام و پسران آبراهام یعنی جی، رابرت و دانلد افراد «بزرگ» خانواده بوده‌اند. گروه مارمن (که به آنها تعلق دارد) «متخصص خرید و بازسازی شرکت‌های بیمار است».

راتنر. کلیولند، نیویورک. شرکت مواد باکی کلیولند (متعلق به خانواده راتنر) به «مؤسسه‌های فارست سیتی» (و اکنون شرکت‌های فارست سیتی راتنر) تبدیل شد که توسعه دهنده مهم املاک و مستغلات شهر خود و نیویورک هستند. آنها در بازسازی خیابان چهل و دوم شرکت داشتند. اعضای خانواده عبارت‌اند از: چارلز، جیمز، رونالد، آلبرت، لئونارد و ماکس که بنیان‌گذار اتاق بازرگانی آمریکا - اسرائیل بود. مارک راتنر پروفسور شیمی دانشگاه نورث‌وسترن است.

رِدامستون. نیویورک. سامنِر رِدامستون که ابتدا «روث استین» نام داشت، زنجیرهٔ تنازل‌های پدرش را به دست گرفت و آن را به حدود ۹۰۰ شعبهٔ گسترش داد. در ۱۹۸۷ خرید تمام سهام و یا کام را سازماندهی کرد که مؤسسهٔ رسانه‌ای - جهانی مهمی است و مؤسسه‌های استودیوهای پارامونت، بلاک باستر موویز، سیمون و شوستر، نیکلودن و MTV را در اختیار دارد. دخترش شری نقش روزافزونی در امپراتوری پدر ایفا می‌کند.

رزبیک. نیویورک. جک و پرل رزنیک و پسرشان برتون با خرید و نوسازی اداره‌ها توانستند در املاک و مستغلات نیویورک ثروت بسیاری به دست آورند. دخترشان ماریلین همسر استنلی کاتز است و در امور یهودیان آمریکا و اسرائیل فعالیت دارد.

ریفکایند. نیویورک. سیمون ریفکایند، وکیل مشهور و شریک مؤسسهٔ مهم و معروف پل، ویس، ریفکایند وارتون و گریسون، «مشاور» ژنرال دوایت آیزنهاور در موضوع‌های چون اسکان بازماندگان سرگردان هولوکاست و بازیگری مهم در رایزنی‌های تشکیل اسرائیل بود. پسرش رابرت، شریک مؤسسهٔ حقوقی مهم کراوات، سوئن و مور، رئیس کمیتهٔ یهودیان آمریکا بود.

رُز. نیویورک. دیوید رز، متولد اورشلیم، به نیویورک آمد و مؤسسهٔ املاک و مستغلات بزرگ و قدرتمندی به‌نام رز اسوشیتز تأسیس کرد که سازنده، مالک و یا مدیر املاک در نیویورک، واشنگتن دی.سی، بوستون، فلوریدا و کانکتیکات بوده است. پسرانش فردیک، دانیل و الیهو و نوه‌هایش آدام و جاناتان اکنون مسئول امور امپراتوری رز هستند.

رزنوالد. شیکاگو، نیواورلئان. جولیوس روزنوالد با تاصاحب شرکت سیدز و رویاک، غول تولید کاتالوگ، ثروتمند شد. با این حال پسرش لسینگ با حمایت جدی از جنبش‌های ضدصهیونیسم بسیاری از یهودیان آمریکا را ناراحت می‌کرد. دخترش ادیت که از حامیان مهم فعالیت‌های «حقوق مدنی» جنوب بود و در عمارتی مجلل در نیواورلئان همچون «تارا» در فیلم برباد رفته کار می‌کرد، با خانواده استرن ازدواج کرد. خانواده او مالک امپراتوری رسانه‌ای WDSU نیواورلئان و دوستان صمیمی کلی شاو بودند که به اتهام شراکت در ترور

## ۱۲۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

جان اف. کندی توسط جیم گریسون دادستان منطقه نیواورلئان تعقیب شد. (برای اطلاعات بیشتر درباره نقش عجیب خانواده استرن در امور مربوط به شاو و لی هاروی اسوالد متهم به قتل، ن.ک. به قضاوت نهایی از همین نگارنده، مایکل کالینز پایپر). این خانواده بسیار بزرگ است و همچنان در عرصه املاک، مستغلات و تلویزیون کابلی فعالیت دارد.

رودین. نیویورک. جک و لوئیس رودین و فرزندانشان، از جمله ویلیام و اریک، شرکت مدیریت رودین را در اختیار دارند که در زمینه ساختمان‌های مسکونی و اداره‌های نیویورک فعالیت دارد.

صفرا. نیویورک، مونته کارلو. هرچند ادموند صfra (یهودی متولد سوریه) سال‌ها قبل در آتش‌سوزی مرموزی در مونته کارلو کشته شد. (و تبعه‌کاران سازمان یافته یهودی روس متهم به دخالت در قتل وی بودند). تردیدی نیست که امپراتوری بانکی جهانی وی، با مرکزیت شرکت ریابلیک نیویورک و شرکت توسعه تجارت مستقر در سوئیس (که با آمریکن اکسپرس ادغام شد)، در دنیای تیره و تار سرمایه‌های بین‌المللی بسیار قدرتمند بود. امپراتوری خانوادگی اکنون در اختیار برادرانش جوزف و مویز و وارثان آنهاست.

ساول. نیویورک. جوزف ساول زنجیره مدبروکز را تأسیس کرد که با منفعت زیادی در ۱۹۸۴ فروخته شد. او اکنون ثروت خود را در فعالیت‌های گوناگون یهودیان (به خصوص در جهت منافع اسرائیل) به کار گرفته است.

ساندرز. بوستون. شرکت املاک و مستغلات ساندرز (متعلق به دانلد ساندرز) هتل پارک پلازای بوستون و همچنین مجموعه‌ای از املاک تجاری بی‌استیت را در اختیار دارد. دختران وی لیزا و پاملا به ظاهر وارثان ثروت او هستند. همسر ساندرز لی المن بازیگر است.

شوور. نیویورک. شرکت گاز و زغال‌سنگ و املاک و مستغلات نیویورک اساس ثروت این خانواده بود. یک عضو خانواده یعنی جیمز در کنگره بود. والتر مدیر سرمایه‌گذاری و مستندساز است. استیون متقد رسانه، امی روپرزشک است و ریچارد رئیس هیئت مدیره کالج عبری بود و حامی مالی کاوش‌های باستان‌شناسی فلسطین است.

شاتن اشتاین، کلومبوس، اوهایو. این امپراتوری خردۀ فروشی املاک و مستغلات در فعالیت‌هایی چون شرکت فروشگاه‌های شاتن اشتاین، فروشگاه‌های بزرگ والیوستی، لوازم خانگی والیوستی و پوشاك آمریکن ایگل شناخته شده است. جی شاتن اشتاین اکنون سرپرست امپراتوری خانوادگی است.

شوسترمن. تولسا، اوکلاهما. چارلز شوسترمن رئیس شرکت سرمایه‌گذاری سامسون (بزرگ‌ترین تولید کننده مستقل گاز) به مرکزیت اوکلاهماست. دخترش استیسی در تجارت خانوادگی فعال است. پسرش جی در کلرادو و پسر دیگرش هال در اسرائیل زندگی می‌کنند. سلبگ. آتلانتا. اس استیفن سلبگ، وارث بن مسل و توسعه دهنده املاک و مستغلات، از راه مؤسسه‌ای سلبگ در عرصه ساخت و ساز آتلانتا نقش مهمی دارد. دخترش میندی سلبگ شولبرگ در جامعه یهودی شهر بازیگری مهم به حساب می‌آید.

سیلوستاین. لری سیلوستاین، فرزند دلال املاک و مستغلات که به کار ساخت و ساز ساختمان‌های اداری بلند مرتبه وارد شد، اکنون بیش از همه به دریافت قراردادهای اجاره مرکز تجارت جهانی اندکی قبل از فاجعه یازده سپتامبر شهرت دارد. جزئیات این موضوع توسط کریستوفر بولین در هفته‌نامه خبری سراسری و محبوب «آمریکن فری پرس» (مستقر در واشنگتن دی.سی.) منعکس شده است. شایعه‌هایی درباره ارتباط سیلوستاین با سیا و جرایم سازمان یافته مدتی رواج داشت.

سبمون. ایندیانا پولیس. یکی از پنج امپراتوری بزرگ مرکز خرید کشور - در واقع دومین امپراتوری بزرگ - اساس ثروت برادران ملوین و هووارد سیمون است که ۶۲ پاساز و ۵۵ مرکز خرید ایجاد کردند. در ۱۹۹۶ با شرکت (غیریهودی) دبارتولو ریلتی ادغام شدند و دارایی‌های آنان بیشتر شد. مالکان مشترک مل از مالکان تیم بسکتبال پیسرز و تولید کننده فیلم‌های «مهمل» (trash) چون پورکی است. پسرش دیوید که در پرلا (شرکت سی اس فرست بوستون و وسرشتاین) بانک سرمایه‌گذاری داشت، اکنون در تجارت خانوادگی

## ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

فعالیت دارد؛ از جمله در پاساژ معروف آمریکا در مینیاپولیس که زمانی بزرگ‌ترین پاساژ آمریکا بود.

اسکربال. لوس‌آنجلس. جک اسکربال خاخام، توسعه دهنده املاک و مستغلات، و فیلم‌ساز بود – سه شغلی که به ظاهر مورد علاقه هر پسر خوب یهودی است. خانواده ژروتمند او در امور یهودیان کالیفرنیا فعالیت دارند.

سلیفکا. نیویورک. شرکت مدیریت آلن بی. سلیفکا/ هلسیون این خانواده را تأمین می‌کند تا همچنان در امور یهودیان نیویورک فعال بمانند.

چارلز. ای. اسمیت. واشنگتن دی.سی. فریب نام را نخورید. او یهودی است و یکی از بزرگ‌ترین توسعه دهنده‌گان املاک و مستغلات واشنگتن دی.سی. بود. رابت اسمیت و شوهر خواهرش رابت کوگود اکنون مدیران امپراتوری هستند که شامل مجتمع آپارتمانی کریستال سیتی در آرلینگتون ویرجینیا و اسکای لاین سیتی در ویرجینیاست.

ریچارد اسمیت. بوستون. زنجیره سینماهای جنرال سینما (مستقر در نیوانگلند) توسعه داده شد و نایمن – مارکوس (فروشگاه بزرگ دالاس) و نیز انتشارات هارکورت بریس (که اکنون هارکورت جنرال نام دارد) را در اختیار گرفت؛ جنرال سینما اکنون جی‌سی‌کوز نام دارد. رابت اسمیت، فرزند ریچارد، امور خانواده را بر عهده گرفته است. این خانواده «بسیار بی‌سروصدا» خوانده شده‌اند.

سونابند. بوستون. رابت، پل و استفانی سونابند مدیران شرکت هتل‌های بین‌المللی سونستا هستند. آنها صاحب ۱۹ ملک، از جمله در قاهره (مصر) هستند.

اسپرتوس. شیکاگو. تولید قاب عکس – در شرکت متال کرفت (و بعدها شرکت صنایع ایتر کرفت) ثروت این خانواده را به ارمغان آورد.

اسپلبرگ. لوس‌آنجلس. همه استیفن اسپلبرگ را می‌شناسند، فیلم‌ساز افسانه‌ای که سازنده فیلم‌های محبوب گوناگونی از جمله «فهرست شیندلر» است. شرکت اصلی او

دریمورکز اس. کی. جی. است. شرکت سرگرمی‌های امبلین بخشی دیگر از امپراتوری اسپلبرگ است.

ماری ان استاین، ایندیانا پولیس. ماری ان استاین، که وارث چندین بانک و تاجر است، او به فعالیت‌های لیبرالی اشتغال دارد تا جایی که رئیس صندوق اسرائیل نوین شد که به دنبال ارتقای «لیبرالیسم» در جامعه اسرائیل ایجاد شد. این صندوق، که نسبت به بومیان فلسطین ژستِ دوستانه دارد، صهیونیست‌های تندرو را به شدت خشمگین می‌کند (ن.ک.فرایدمان).

سام استاین. جکسونویل، فلوریدا. سام استاین فروشگاه استاینمارت را در می‌سی‌سی‌پی تأسیس کرد و پرسش جی ۱۵۰ فروشگاه زنجیره‌ای در ۲۱ ایالت ایجاد کرد که در فروش «کالاهای ارزان با کیفیت» تخصص دارند. سیتیا (همسر جی) معلم هنر است و در امور یهودیان جکسونویل فعالیت دارد.

استاینبرگ. نیویورک. ساول استاینبرگ با شرکت اجاره رایانه لیزکو ثروتمند شد و سپس از شرکت بیمه ریلاینس (که در ۱۹۶۸ خرید) استفاده زیادی برداشت. برادرش رابرت و شوهر خواهرش بروس ساکولوف در امور خانواده به شدت فعالند. دخترش اورا با جاناتان تیش از امپراتوری رسانه‌ای قدرتمند تیش ازدواج کرد (ن.ک. تیش). پرسش جاناتان مالک شرکت فاینشال دیتا است که مجله «ایندیوئیروال اینوستور» را منتشر می‌کند.

استاینهارت. نیویورک. مایکل استاینهارت غول / مدیر صندوق حمایتی، یک «دلبستگی» دارد و آن «استمرار یهود» است. به گفته مجله اونیو هرچند او «رسماً ملحد» است، ولی همچنان «یکی از بزرگ‌ترین حامیان فعالیت‌های اسرائیل و یهود در آمریکاست». او حامی مالی هفته‌نامه یهودی مت福德 فوروارد (مستقر در نیویورک) نیز هست.

امترن و لیندنباوم. نیویورک. لئونارد استرن، وارث دارایی‌های شرکت هارتز ماتین (عرضه کننده حیوانات خانگی)، مالک روزنامه «لیبرال» ویلچ ویس است و در سرمایه‌گذاری‌های گوناگون عرصه املاک و مستغلات نیز فعالیت دارد. پرسش امانوئل مدیر هتل بزرگ سوهو

## ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

است و با خانواده با نفوذ پک ازدواج کرده است (ن.ک.پک). ثروت نامادری لثونارد، گیتسی امیل لیندنباوم، نیز بر ثروت خانواده افزوده است.

استون. کلبولند. اروین، موریس و هاری استون، وارثان شرکت آمریکن گریتینگر (کارت پستال) بودند. شخصیت کارتونی «زیگی» یکی از آثار آنها در فرهنگ عامه است.

استونمن. بوستون. ساموئل استونمن معاون رئیس هیئت مدیره شرکت جنرال سینما بود. دختران او جین استین و الیزابت دکناتل هستند که بنیاد خانوادگی را اداره می‌کنند.

آرون اشتراوس. بالتیمور. ثروت خانواده از شرکت سراسری فروشگاه‌های ریلایل سرچشم می‌گرفت. آنها حامیان برجسته فعالیت‌های «خیرخواهانه» در منطقه بالتیمور هستند.

نافان و اسکار اشتراوس. نیویورک. وارثان شرکت فروشگاه‌های بزرگ آر اچ میسی و آبراهام و اشتراوس. اسکار اشتراوس دوم و اسکار اشتراوس سوم، اکنون شخصیت‌های کلیدی خانواده هستند.

اشتراوس. دالاس. رابرت اشتراوس، رهبر ملی سابق حزب دموکرات و سفیر آمریکا در روسیه، وکیلی قدرتمند و صاحب مؤسسه اکین، گامپ، اشتراوس، هاور و فلد است. رابرت اشتراوس (که فرزند تاجری بهنام چارلز بود) در رئیس جمهور شدن لیندون جانسون، نقش کلیدی داشت. آنت (همسر برادرش، تد) در گذشته شهردار دالاس بود.

استرلیتز. نورفولک، ویرجینیا. زنجیره لوازم خانگی هاینز (مستقر در ویرجینیا) منبع ثروت این خانواده است. ای جی استرلیتز مدیر عامل شرکت است.

سوییگ. سن فرانسیسکو. این خانواده مالک هتل فیرمونت در سان فرانسیسکو و دیگر املاک فیرمونت در سراسر کشور هستند. هتل پلازا از دارایی‌های ارزشمند آنهاست. بنجامین سوییگ و پسرش ملوین، اولین مرکز خرید را در ایالات متحده تأسیس کردند. بن شریک جک ویلر در کار املاک و مستغلات تجاری بود (ن.ک. آرنو - ویلر). برادر بن

(ریچارد) و پسران بن (کنت رابرت و استیون) همراه با ریچارد دینر (از خویشان سببی) در بنیاد خانوادگی فعالیت دارند.

سیمز. نیویورک. سی سیمز مدیر شرکت سیمز است که ۴۰ فروشگاه زنجیره‌ای فروشنده کالاهای مارک دار با تخفیف را دارد. پرسش رابرت و دخترش ماری را به تجارت خانوادگی وارد کرده است. ماری معاون رئیس کنگره یهود آمریکا بوده است. این خانواده در عرصه املاک و مستغلات نیز فعالیت دارند.

تاوبر. دیترویت. جول تاوبر ثروت خود را از راه تولید کسب کرد: از شرکت‌های کی فسنز و کی پلاستیکر (قطعات اتومبیل)، شرکت کیول (آهن قراضه) و شرکت کامپلکس تولینگ اند مولدینگ (قطعه‌های رایانه). پرسش برایان در تجارت خانواده فعالیت دارد. دخترش الن هورینگ مدیر مالی است. دختر دیگرش، جولی مک ماهون، برای کودکان فقیر فعالیت می‌کند.

تاوبمن. نیویورک. تاوبمن که توسعه دهنده مراکز خرید بزرگ سراسری است، معامله‌های تجاری اولیه‌ای با ماکس فیشر از دیترویت (ن.ک. ماکس فیشر) و روابط نزدیکی با لزلی وکسنر مالک فروشگاه‌های لیمیتد (ن.ک. وکسنر) داشته است. تاوبمن در خرید و فروش مزرعه اروین در کالیفرنیای جنوبی نقش داشت. تاوبمن حراجی سویای را خرید و در نهایت به دلیل دستکاری قیمت‌ها به یک سال زندان محکوم شد. نشریه «ونیتی فر» او اخراج ۲۰۰۲ گزارش داد که تاوبمن میان همسلوی‌هایش شخصیتی محبوب بود. پرانش ویلیام و رابرت در امپراتوری خانوادگی نقشی برجسته دارند.

تبش. نیویورک. لاورنس و پرستون تیش، حامیان برجسته اسرائیل، که امروز به داشتن امپراتوری رادیو - تلویزیونی (سی‌بی‌اس) شهرت دارند، از قدرتمندترین یهودیان آمریکا بودند، البته لاورنس به تازگی از دنیا رفت. شرکت‌های لووز، کن مالی، لریلارد و بولوا همه بخشی از امپراتوری تیش هستند. فرزندان لاورنس جیمز، دانیل، تام واندرو هستند و اندرو در کمیته اجرایی آپیک فعالیت دارد. پرستون، مالک تیم جایائز، رئیس کل پست ایالات متحده

## ۱۳۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بود. پسرش استیو فیلمساز و پسر دیگر کش جاناتان رئیس هتل‌های لووز است. تیشمن. نیویورک. اعضای این خانواده یعنی دیوید، نورمن، پل، لونیس و الکس در عرصه ساخت و ساز فعالیت دارند. بسیاری از اعضای خانواده در امور یهودیان فعالیت جدی دارند. نینا تیشمن الکساندر و شوهرش ریچارد الکساندر و بروس دایکر، دیگر وارت خانواده، از اعضای این خانواده هستند که در فعالیت‌های مختلفی شرکت دارند.

وَسِرْمَن. لو وَسِرْمَن (که در گذشته است) مدیر قدیمی مجتمع تفریحی ام‌سی‌ای - همراه با شریکش جولز استاین - حامی مشهور شدن رونالد ریگان (در سینما و سیاست) بود. او «پادشاه» هالیوود خوانده می‌شد.

وَبِل. نیویورک. ستفورد وَبِل، رئیس و مدیر عامل «گروه تراولرز»، یکی از ثروتمندترین غول‌های یهودی آمریکاست. پسرش مارک در گروه تراولرز مستقر است. دخترش جسیکا بیلیوویکر «صندوق‌های تضامنی» اسمیت بارنی را اداره می‌کند.

وِینِرْگ. بالتیمور، هاوایی. هاری وِینِرْگ در کار ترانزیت بالتیمور وارد شد و سپس به هاوایی رفت و در دهه ۱۹۵۰ - که سفرهای هاوایی به این جزایر به شدت افزایش یافت - در تجارت املاک و مستغلات به بازیگری کلیدی تبدیل شد.

وِینِر. نیویورک. والتر وِینِر، رئیس و مدیر عامل بانک ریپابلیک نشان نیویورک و شرکت ریپابلیک نیویورک - که ادموند سفرا آن را تأسیس کرده بود (ن.ک. سفرا) - یکی از بنیان‌گذاران کرونیش، لیب، وینر و هلمن بود. پرانتش جان و تام هستند.

وِکسِنر. نیویورک. کلمبوس، اوهایو. لزلی وکسنر مالک: لیمیتد، اکسپرس، لرنرز، ویکتوریا ز سیکرت، هنری بندل، ابرکرامبی اند فیچ، بث اند بادی ورکز، و لین براینت، است. دغدغه ویژه او پرورش رهبران آینده یهود است.

وِینِیک. نیویورک. الین وِینِیک، اولین مدیر و سرپرست زن اتحادیه هواداران اتحاد یهودیان بود. دخترش پنی گلدا اسمیت در آیک و ای‌دی‌ال شخصیتی برجسته است. ثروت وِینِیک از تولید کیف دستی حاصل شد.

ویتر، میلواکی، المر ویتر «منپاور» را تأسیس کرد، آرائنس اشتغال موقتی که در ۳۲ کشور ۱۰۰۰ دفتر دارد. او همچنین در توسعه تجارت بین ایالات متحده و اسرائیل نقش داشت و مدیر ملی کمیته یهودیان آمریکا بود.

ولفسون، نیویورک. جیمز ولفسون، که در استرالیا به دنیا آمد و به عنوان تاجر بانکدار در لندن آموخت دید، شریک اجرایی شرکت برادران سالومون در نیویورک شد. در ۱۹۹۵ به ریاست بانک جهانی - مرکز قدرت یک نفره یهود - منصوب شد.

ولفسان، میامی. شرکت نمایش ولفسان - میر به ومتکو تبدیل شد و پس از اینکه جایگاه خود را در دهه ۱۹۲۰ به عنوان پیشگام تصاویر متحرک و پخش تلویزیونی محکم کرد، در ۱۹۸۴ توسط کلبر، کراویس، رابرتز و شرکا خریده شد. شرکت‌های سرمایه‌گذاری ابتکار ولفسان و نووسترو بخشی از امپراتوری خانوادگی هستند. لوئیس سوم و میشل از اعضای این خانواده هستند. معروف‌ترین آنها لوئیس بدنام بود. او در رسوایی ناخوشایندی گرفتار شد که به دلیل پول گرفتن ویلیام داگلاس - قاضی سابق دادگاه عالی آمریکا از بنیاد خانوادگی ولفسان - رخ داد.

زبن، آتلانتا. متدل زبن و برادرش سام و پسرش اروین با استفاده از یک شرکت عرضه سرایدار، تولیدی زب را تأسیس کردند که در نهایت به صنایع خدمات ملی تبدیل شد و اکنون در اختیار اروین است. او مدیر انجمن ضدافترا بوده است.

زیل، تگزاس. موریس زیل یکی از بزرگ‌ترین زنجیره‌های جواهرات جهان را تأسیس کرد، ولی این شرکت در ۱۹۸۷ فروخته شد. دیوید، مارجوری، استنلی و جانت (وارثان او) در امور یهودیان فعالیت دارند. دو پسرش همچنان به تجارت جواهرات اشتغال دارند.

زارو، تولسا، اوکلامها. هنری و جک زارو در شرکت وسائل و لوله سونز به تولید ابزارها و قطعه‌های حفاری نفت اشتغال دارند.

زیلخا، خانواده زیلخا که در حقیقت یک خانواده یهودی «جهانی»‌اند، وارثان بانک بین‌المللی زیلخا هستند که بزرگ‌ترین بانک تجاری خصوصی - توجه کنید - در جهان عرب

## ۱۳۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بوده است! پس از تأسیس اسرائیل، این خانواده مستقر در بغداد (که به فرانسوی تکلم می‌کردند) به سمت غرب رفتند. ازرا رئیس خانواده است و پسرش الیاس و دخترانش دنا زیلخا کریسل و بنتنا لوئیس هستند. آنها در میان اندک نخبگان یهودی سفاردي آمریکا نقشی بر جسته دارند و در اسرائیل نیز فعالیت دارند. آنان به بازار تولید تسلیحات نیز وارد شده‌اند.

زیمرمن. بوستون. آتلانتا، پالم بیچ. هاریت مورس زیمرمن، دختر یک تولیدکننده کفش در بوستون و معاون رئیس آپیک بود و زمانی با غرور گفت: «کنگره آمریکا بزرگ‌ترین کمک جهان به اسرائیل است». پسرش رابرت در وستپورت کانکتیکات فعالیت دارد. دخترش کلیر مارکس و دامادش مارک اولیری نیز در امور یهودیان فعالیت زیادی دارند.

★ ★ ★

به این ترتیب، قدرتمندترین خانواده‌های یهودی آمریکا را مرور کردیم. همان‌طور که گفتیم، این فهرست به هیچ وجه کامل نیست. اسمی زیاد دیگری نیز وجود دارد که می‌توان به این فهرست اضافه کرد و معمولاً با «زاد و ولد کمتر» در مناطق و شهرهای کوچک‌تر کشور زندگی می‌کنند.

افزون بر این، تعداد روزافزونی از خانواده‌های یهودی خارجی ثروتمند و قدرتمند نیز - از اسرائیل، ایران، روسیه و دیگر مناطق - در حال تثیت جایگاه خود در سواحل آمریکا هستند.

هرچند ساده بود که - به سبک برخی آثار اغراق‌آمیز ساختگی با نگاه توطنه‌ای یا حتی به سبک مجله‌های فوربز و فورچون - بگوییم «۲۰۰۰» یا «۳۰۰۰» یا «۴۰۰۰» خانواده مشخص هستند، ولی این خلاف واقعیت بود.

آنچه در قالبی ساده و مبتنی بر منبعی بسیار «محترم» و همدلانه در اینجا گردآوری کردمايم، گزارشی کاملاً پذیرفته از قدرت و ثروت گسترده‌ای است که در دست افراد به نسبت محدودی متمرکز شده است؛ خانواده‌های اندکی که چهره و نام آنها به طور عمومی

برای مردم آمریکا (یا جهان) ناشناخته است.

ولی مطمئن باشید که آنها قدرتمند هستند و افراد پشت صحنه (و سیاستمداران) این دلالان قدرت را به خوبی می‌شناسند. همان‌طور که گفتیم، آنها می‌توانند سیاستمداران و رؤسای جمهور آمریکا را سرکار بیاورند و می‌توانند آنها را نابود کنند. آنان به واقع کسانی هستند که بر آمریکا - اورشلیم جدید - سلطه دارند. و اکنون، قبل از اینکه به بررسی دقیق آمار و اطلاعات جزئی درباره قدرت و ثروت عظیم نخبگان صهیونیست پردازیم، اجازه دهید اندکی به حاشیه رویم و یک تاجر بسیار مشهور آمریکایی را معرفی کنیم؛ او با اینکه (تا جایی که می‌دانیم) یهودی نیست، در واقع شهرت و ثروتش را مديون حمایت‌های مخفیانه برخی از قدرتمندترین خانواده‌های صهیونیست امروز ایالات متحده است. منظورمان دانلد ترامپ معروف است.

### چه کسی پشت سر ترامپ است؟ داستان عجیب «دانلد»

خیر، دانلد ترامپ یهودی نیست! اما بررسی سوابق این تاجر مشهور آمریکایی به درک شیوه‌های عجیب او برای دسترسی به قدرت و نفوذ کمک می‌کند؛ زیرا در حقیقت ستاره شدن ترامپ نتیجه مستقیم عملکردش به عنوان مأموری رنگین برای حامیان بسیار ثروتمند پشت صحنه بود. داستان این تاجر رنگین (و ستاره تلویزیونی کونی) که «دانلد» نام دارد، نشان می‌دهد که چگونه اشخاص و منافع مالی غیریهودی می‌توانند از راه حمایت یهود به اوج برسند.

البته همگان از فعالیت‌های ترامپ در صنعت قمار و ارتباط‌های گسترده صنعت قمار با جرایم سازمان یافته، اطلاع دارند. اما ماجرا بسیار پیچیده‌تر از این است. ترامپ در کتاب خاطرات خود «هنر معامله»، مغرورانه شرح می‌دهد که چگونه در ۱۹۸۷ با خرید ۹۳ درصد سهم آرا در شرکت قمار ریزورتز ایترنشنال اولین بار به کار کازینو وارد شد.

## ۱۳۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

آنچه ترامپ به خوانندگان خود نمی‌گوید، چیزی است که اندر و جورج در مجله اسپت لایت ۳۰ اکتبر ۱۹۷۸ (و در شماره قبلش ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸) گزارش داد: ریزورتز ایترنشنال توسط عوامل خانواده‌های راکفلر و روچیلد و « مجریان » آنها در سیا و سازمان اطلاعاتی وابسته به آن (یعنی موساد اسرائیل) تأسیس شده و کنترل می‌شد.

گزارش اسپت لایت بر فعالیت‌های ریزورتز ایترنشنال متمرکز بود و مروری جامع بود بر برنامه‌های « مشخص » قمارخانه‌ها که توسط عناصر قمارباز تبهکار اجرا می‌شد.

آنچه گزارش را حساس می‌کرد، طرح این نکته بود که کازینوهای غیرقانونی از طریق تبانی با سیاستمداران « محترم »، مقام‌های مجری قانون، سرمایه‌داران وال استریت که به قمارخانه‌ها وام می‌دادند و خود متصدیان مشهور قمارخانه‌ها اداره می‌شد.

افزون بر این جورج می‌گوید بسیاری از این کازینوها که توسط عوامل خلاف‌کاران اداره می‌شد، در شرکتی غیررسمی با جنایت‌کاران پشت صحنه بودند که برای پول‌شویی منافع عظیم مواد مخدر و قماربازی (که به عملیات‌های مخفیانه سیا و موساد تزریق می‌شد) به این دو سازمان اطلاعاتی متعدد کمک کرده بودند. در مقابل، سیا و موساد با استفاده از نفوذ خود از فعالیت‌های غیرقانونی قمارخانه‌ها « حمایت » می‌کردند و مانع از برخورد جدی مقام‌ها با این فساد می‌شدند.

دانلد ترامپ (رئیس جمهور آینده) کجا این تصویر است؟ برای یافتن پاسخ باید ریشه‌های مشکوک ریزورتز ایترنشنال را بررسی کنیم.

در واقع ریزورتز یک شرکت عامل سیا بود که در اوایل دهه ۱۹۵۰ توسط آلن دالس رئیس وقت سیا و توماس دیوی دوست نزدیک او و (سه دوره) فرماندار نیویورک (که عامل سیاسی جناح به اصطلاح « جمهوری خواه راکفلر » در حزب جمهوری خواه بود) تأسیس شد.

این شرکت عامل نامی بی‌آزار داشت: شرکت نقاشی ماری‌کارت، ولی در واقع فروشگاه‌های زنجیره‌ای نقاشی در سراسر کشور بود که برای فعالیت‌های پول‌شویی مخفیانه سیا طراحی

شده بود.

در ۵۹ - ۱۹۵۸ دیوبی و تعدادی از دوستانش به ظاهر دو میلیون دلار از بودجه سیا برداشت کردند تا بیشتر سهام شرکت کراسبی - میلر (به ریاست کراسبی، دوست دیوبی، که با ماری کارترا ادغام شده بود) را بخرند.

از جمله فعالیت‌های این شرکت جدید، پولشویی (برای سیا) برای مسلح کردن کوبایی‌هایی تبعیدی ضد کاسترو بود. شرکت همچنین کازینو و قمارخانه‌های پرمتفعتی در دریای کارائیب (که محل فعالیت جدی سیا در آن دوره بود) تأسیس کرده بود و در نقشه‌های (بسیار روشن و مستند) برآندازی فیدل کاسترو (که با تعطیل کردن قمارخانه‌های کوبا جنایتکاران را خشمگین کرده بود) با باند تبهکار لانسکی همکاری می‌کرد.

بنابراین عجیب نبود که در ۱۹۶۳ آشکار شد آلوین مالنیک دستیار ارشد میرلانسکی رئیس باند تبهکاران با فعالیت‌های شرکت نقاشی ماری کارترا، ارتباط نزدیک داشته است. تصور کنید چند آمریکایی قانون‌مدار که تولیدات نقاشی ماری کارترا را می‌خریده‌اند، متحیر شده‌اند وقتی فهمیدندن به تأمین مالی عملیات مشترک سیا و تبهکارانی کمک کرده‌اند که در پس چهره خندان نمادین یک «زن خانه‌دار آمریکایی» قرار داشت! یعنی چهره تخیلی «ماری کارترا» که تولیدات آن را زینت می‌داد.

در ۱۹۶۳ ماری کارترا بخش نقاشی خود را تأسیس کرد و در چندین سال بعد قمارخانه‌های خود را بویژه در باهاما، گسترش داد.

در ۶۸ - ۱۹۶۷ ماری کارترا رسماً به ریزورتز ایترنشنال تغییر نام داد و توسعه وسیع بین‌المللی خود را آغاز کرد. اسپت لایت گزارش داد چند سرمایه‌گذار اصلی بودجه و دارایی شرکت را فراهم کردند:

- میرلانسکی، «رئیس هیئت مدیره» و حامی مالی اصلی باند قماربازان تبهکار است. او روابط شخصی بسیاری با اسرائیل و موساد و نیز سیا و جامعه اطلاعاتی آمریکا داشت.
- دیوید راکفلر، سرپرست امپراتوری مالی راکفلر، که از ارتباط‌های بانکی جهانی و سیا

## ۱۳۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

و همچنین نفوذ خانوادگی خود برای کمک به فعالیت‌هایش استفاده می‌کرد.

- سرویس سرمایه‌گذاران فرامرزی (IOS) بزرگ‌ترین مجتمع با سرمایه شناور وقت جهان: که ۲/۵ میلیارد دلار دارایی داشت. رئیس اسمی IOS برنارد کورنفلد رنگین بود. با این حال، خود کورنفلد فقط عاملِ دو مدیر پشت‌صحنه بود:

(۱) تیبور روزنباوم، که نه تنها حامی مالی اصلی (مستقر در سوئیس) معامله‌های مخفی سلاح موساد بود، بلکه رئیس بانک اعتباری بین‌المللی ژنو (مرکز اصلی پول‌شویی باند لانسکی در اروپا) نیز بود.

(۲) بارون ادموند دو روچیلد از خانواده بانکدار اروپایی و شریک تجاری شخصی روزنباوم در فعالیت‌های گسترده روزنباوم که با همکاری موساد انجام می‌گرفت. یکی دیگر از سرمایه‌گذاران، ویلیام ملون هیچکاک، از وارثان دارایی خانواده ملون بود (از بزرگ‌ترین خانواده‌های سرمایه‌دار آمریکا که روابط نزدیک خود با سیا را سال‌ها حفظ کرده بودند).

این گروه بودند که ریزورتز ایترنشنال را تأمین کردند و از طریق یک برنامه وسیع روابط عمومی با کمک رسانه‌های آمریکا این افسانه را تبلیغ کردند که شرکت «جدید» کاملاً از قمار مبادر است. شرکت جدید برای تبلیغ این افسانه، مأموران سابق متعددی از اف‌بی‌آی و سیا و کلای وزارت دادگستری را (با حقوق بالا) استخدام کرد تا این تصور (خلاف واقعیت) را جا بیندازند که قمارخانه‌های ریزورتز ایترنشنال مستقل از باندها، و «خانوادگی» بودند.

ریزورتز ایترنشنال به سرعت گسترش یافت و به یکی از پرسودترین مؤسسه‌های قماربازی تبدیل شد و تا ۱۹۷۰ تبهکارانِ گرداننده کازینوها (همانگ با شرکای پشت صحنه خود) گسترش قمارخانه‌هایشان به ایالات متحده را آغاز کردند.

میرلانسکی (رئیس تبهکاران) درخواست کرد جلسه‌ای سطح بالا با حضور شخصیت‌های باند قمارباز در آکاپولکو نیومکزیکو تشکیل شود. این تبهکاران تفریحگاه بسیار نوچ

آتلانتیک سیتی را اولین هدف خود قرار دادند. (البته تبهکاران قبل از این نوادا را به عنوان اولین محل قمارخانه‌های قانونی در خاک آمریکا انتخاب کرده بودند).

پس از این جلسه، منابع ریزورتز ایترنشنال (به شکل آشکار و نهان) برای لابی مورد استفاده قرار گرفت و قماربازی در آتلانتیک سیتی قانونی شد. همین که مجلس نیوجرسی گاردن استیت را گشود، ریزورتز به آنجا نیز وارد شد!

در ۱۹۸۷ به دنبال مرگ جیمز کراسبی مأمور قدیمی سیا (رئیس صوری ریزورتز ایترنشنال)، دانلد ترامپ، جوان مستعد (غول املاک و مستغلات نیویورک) وارد بازی شد و سهم کراسبی در امپراتوری قمار را خرید.

ترامپ با شخصیت رنگارنگ خود و اصراری که بر نام‌گذاری هتل‌های مجلل، آپارتمان‌ها و دیگر شرکت‌های تجاری به اسم خود داشت، به سرعت به مارکی معروف تبدیل شد. ولی هرچند نام «ترامپ» در عنوان‌ها دیده می‌شد، نام شخصیت‌های اصلی پشت ریزورتز ایترنشنال از دید عموم پنهان ماند. با توجه به سوابق ریزورتز ایترنشنال، اگر ترامپ حمایت مخفیانه کسانی که او را خلق کردند را نداشت، بدون تردید نمی‌توانست ریاست این شرکت را به دست آورد.

سرانجام ترامپ در دوران معروف به «ورشکستگی» خویش نقش خود در ریزورتز ایترنشنال را از دست داد ولی همچنان بازیگری مهم در عرصه مالی و صنعت قمار است. هرچند ترامپ - شخصیت بر جسته آمریکایی - به ظاهر یهودی‌تبار نیست، ولی بی‌تردد به پشتیبانی نخبگان صهیونیست مدیون است؛ و این موضوع، مناسبات قدرت در آمریکا - اورشلیم جدید - را به خوبی نشان می‌دهد. اجازه دهید جلوتر برویم و به کسانی پردازیم که صدرصد نخبگان جدید آمریکا را تشکیل می‌دهند.



## فصل دوم

# قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز



## قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز: آمار و اطلاعاتِ محکم و موثق براساس منابع یهودی

یادداشت مقدماتی...

در صفحه‌های بعدی نقل قول‌های متنوعی ذکر شده است که تقریباً همه از نویسنده‌گان، محققان، خبرنگاران و دانشگاهیان یهودی‌اند. در چند موردی که این نقل قول‌ها از منابع یهودی نیست، اطلاعات ذکر شده از منابعی است که می‌توان آن را با مسامحه «طرفدار یهود» یا «طرفدار صهیونیسم» قلمداد کرد. هیچ‌یک از این منابع را نمی‌توان به هیچ شیوه، شکل یا صورتی (حتی توسط انجمن شکوهمند ضد افترا!) «ضدیهودی» قلمداد کرد.

تمامی نقل قول‌ها با پانویس ذکر شده و خلاصه‌نشده و مستقیم است، مگر آنکه به طور واضح با حذف به قرینه مشخص شده باشد. عنوان‌های پرنگی که پیش از نقل قول‌ها آمده است، واژه‌های خلاصه‌ای است که این مؤلف / ویراستار با هدف توصیفی انتخاب کرده و برای تقسیم‌بندی حوزه‌های گوناگون قدرت و تاثیر یهودیان و صهیونیست‌ها، در اینجا درباره آن بحث می‌شود. لطفاً توجه کنید که این عنوان‌های پرنگ، شامل نقل قول اصلی نیست و پژوهشگران و نویسنده‌گانی که این کتاب را به عنوان مرجع استفاده می‌کنند، باید

## ۱۴۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

نقل قول‌ها را به این صورت ذکر کنند.

ما معتقدیم مجموعه این نقل قول‌ها کوبنده‌ترین و روشنگرترین مجموعه‌ای است که تا کنون در دوران جدید (از کتاب‌های تازه چاپ شده) در این زمینه جمع‌آوری شده است. بی‌شک این مجموعه به فشرده‌ترین و کامل‌ترین صورت، نظری اجمالی بر قدرت و ثروت کسانی دارد که حکومت اوشلیم جدید را در دست دارند.

اگر به محل مربوطه مراجعه شود اطلاعات فراوانی در این موضوع قابل یافتن است، اما در صفحه‌های این کتاب تمامی آن اطلاعات به صورت فشرده در یک جا گرد آمده است. این کتاب مرجع مفیدی است برای کسانی که شهامت کاوش در یکی از بحث برانگیزترین موضوع‌های زمان ما را دارند: قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا.  
و اکنون آغاز می‌کنیم...

### سرمایه‌گذاران یهودی از دولت ریگان سود می‌برند.

اولین حوزه‌ای که یهودیان در دولت جمهوری خواه دهه ۱۹۸۰ اهمیت یافتند، حوزه سیاست‌های اقتصادی بود. هرچند یهودیان نقش مهمی در اردوگاه سیاسی لیبرال دارند، در دهه ۱۹۸۰ است که گروه کوچکی از بانکداران و سرمایه‌گذاران یهودی از متحدان مهم دولت ریگان می‌شوند و به نمایندگان کلیدی آن در برنامه‌های اقتصادی و مالی تبدیل می‌شوند. یهودیان بر گسترش وسیع نقدینگی (پول و اعتبار) نظارت داشتند، که به رونق اقتصادی و گسترش ارزش‌های برابری در دوره ریگان دامن می‌зд. دولت ریگان با ستایش مزیت‌های رقابت آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری بی‌قید و شرط بر سر کار آمده بود و قول داده بود از طریق کاهش مالیات‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، و محدود کردن مقررات پیچیده تجارت، رفاه ملی را دوباره به کشور بازگرداند. سرمایه‌گذاران یهودی در کمک به دولت برای تحقق وعده‌هایش نقش مهمی داشتند. در عوض دولت، برای مدتی از این سرمایه‌گذاران در برابر حمله دشمنان سیاسی و تجاری آنها حمایت کرد.

### «ازدواج مصلحتی»

دولت ریگان، در تحقیق سیاست‌هایش، در عمل خود را در اتحاد با گروهی کوچک، اما قدرتمند از بانکداران و سرمایه‌گذاران یهودی یافت. این گروه ابزارهای جدید مالی را ایجاد یا تکمیل کردند. این ابزارها با افزایش ذخیره اعتبار در دهه ۱۹۸۰ در خدمت منافع دولت بود و این امر به رونق بازار بزرگ سهام در آن دوران دامن زد.

برای مثال، سرمایه‌گذاران و تاجران یهودی با معجاز شمردن معامله‌های سهام که به شکل کامل در نفوذ آنان بود، ارقام شاخص سهام را تقویت کردند و میزان نقدینگی را در سیستم مالی به شدت افزایش دادند...

این سرمایه‌گذاران یهودی همچون ساول استینبرگ، ویکتور پوسنر، کارل ایکان، نلسون پلز، خانواده بلزبرگ، سرجیمز گلد اسمیت و دیگران، از جمله رهبرانی بودند که با بی‌رحمی سهام شرکت‌ها را تصاحب کردند.

از میان بازیگران اصلی عرصه تصاحب سهام شرکت‌ها، تنها دو نفر (تی. بون یکنر و کارل لیندنر که پایگاهش در سین سیناتی است) یهودی نبودند. دلالهای یهودی (که از میان آنها ایوان بوسکی از همه مشهورتر شد) از عاملان مهم و اصلی سهام‌ها شدند و راه را برای تصاحب سهام شرکت‌ها هموار کردند.

برای مثال یهودیان از پیشگامان برنامه‌ای تجاری بودند که به شرکت‌ها اجازه تولید درآمدهای اضافی در بودجه مقرر شان را می‌داد، تا بعدها برای اهداف تجاری دیگر استفاده گردد.

در دهه ۱۹۸۰، دولت ریگان و سرمایه‌گذاران یهودی یک ازدواج مصلحتی تمام عیار صورت دادند. دغدغه دولت، بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه اعضای سطح بالایش بود، حتی اگر این امر به زیان کارگران و مدیران شرکت‌هایی تمام می‌شد که شرکت‌هایشان منحل یا از عرصه تجارت کنار گذاشته می‌شدند. در این میان سرمایه‌گذاران یهودی با فرصتی بی‌سابقه روبه‌رو شدند تا با حمایت دولت فدرال، ثروت و قدرت کسب کنند.

### سرمایه‌گذاران یهودی و اوراق قرضه پر ریسک

يهودیان، به عنوان غریبه‌هایی که در حاشیه صنایع بانکداری و اوراق بهادر قرار داشتند، توانستند فرصت‌های جدیدی را که آزادسازی مالی و جو راحت دوران ریگان فراهم کرده بود، بهتر ببینند و استفاده کنند. در حالی که بانک‌های سرمایه‌گذاری سُتّی به مشتریانی که در گیر ادعام‌ها و تملک‌ها بودند، مشاوره و کمک مالی می‌کردند، تازه به دوران رسیده‌های یهودی مایل بودند در چنین تصاحب‌هایی شرکت کنند. یهودیان نوکیسه، فرصت‌هایی باور نکردنی یافتند که در اوراق قرضه پر ریسک بود و از سوی شرکت‌های معتبر تحفیر می‌شد. یهودیان از هنر واسطه‌گری همراه با ریسک بهره برداشت و این حوزه دیگری بود که مورد بی‌اعتنایی طبقه آنگلوساکسون‌های پروتستان وال استریت قرار گرفت. تازه‌واردان یهودی و برخی از متحдан غیریهودی آنها این امکان را دیدند که با استفاده از اوراق قرضه پر ریسک، به تأمین مالی تلاش‌های بی‌رحمانه خود برای تصاحب سهام شرکت‌ها بپردازنند.

سرمایه‌گذاران یهودی در تلاش‌هایشان از حمایت و پشتیبانی دولت ریگان برخوردار بودند. دولت، نظر سرمایه‌گذاران را جلب و از آنها در مقابل مخالفت‌های کنگره حمایت کرد.

### «تقریباً تمام متخصصان تصاحب سهام و حامیان آنها، یهودی بودند.»

فعالیت‌های سرمایه‌گذاران یهودی، به خصوص نقش آنها در موج تصاحب سهام شرکت‌ها که بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ صورت گرفت و نزدیک به یک چهارم شرکت‌هایی که در فهرست فورچون ۵۰۰ بودند، ناپدید شدند، انتقادهای شدیدی را برانگیخت....

بسیاری از مخالفان ریگان در حزب جمهوری‌خواه و رسانه‌های لیبرال می‌دانستند که اتحاد غیررسمی میان دولت و سرمایه‌گذاران یهودی است که پول و اعتبار کافی را برای پیشبرد توسعه‌طلبی اقتصادی، علی‌رغم کمبود بودجه فراهم کرده است؛ زیرا در غیر این صورت کمبود بودجه باعث می‌شد دسترسی شرکت‌های خصوصی به سرمایه کاهش یابد...

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۴۵

در ظاهر این امر بر مجموعه‌های اجرایی سراسر کشور پوشیده نماند که تقریباً تمام متخصصان تصاحب سهام و حامیان آنها یهودی بودند.

### «بدوی‌هایی سوار بر جت»

يهودیان سوریه، که در بروکلین نیویورک جمع شده‌اند، در صنعت پوشاک ورزشی بویژه شلوارهای جین آبی مانند جورداک و جیتانو، نیز به عنوان قدرت اول ظاهر شده‌اند. این یهودیان تازه‌وارد از بسیاری جهت‌ها یادآور کار تجارت یهودی فرامیتی هستند. که در جامعه‌ای دائمأ تحت محاصره، همانند بدوي‌هایی سوار بر جت در جهان سفر می‌کنند و به غیر از روابطی که با خویشاوندان نزدیک خود دارند، به مسائل دیگر توجه چندانی ندارند.

### حرکت به سوی کالیفرنیا

... جمعیت یهودیان هم در لسانگلس بزرگ و هم در کالیفرنیا، که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بیش از دو برابر رسید، همچنان از نظر قدرت و اندازه رشد می‌کند و یهودیان قسمت‌های دیگر ایالات متحده و نیز یهودیان ایرانی، اسرائیلی و روسی را به سوی خود جذب می‌کند. تا سال ۱۹۹۰ به جمعیت یهودیان لسانگلس (که در سال ۱۹۲۰ نسبت به شهر بوفالوی نیویورک، ساکنان یهودی کمتری داشت) بیش از ۱۵۰ هزار نفر افزوده شده و به حدود ۶۰۰ هزار نفر رسیده و پس از نیویورک به دومین مرکز بزرگ آوارگان یهودی تبدیل شده است.

### رسانه‌ها: «نفوذی نامتناسب»

اگرچه یهودیان، برخلاف نظر ضدیهودی‌ها، رسانه‌ها و دنیای هنر را در کنترل خود ندارند، اما آشکارا در عرصه سینما، چاپ، تبلیغات و تئاتر نفوذی نامتناسب دارند. براساس یک سرشماری در دهه ۱۹۷۰، یک چهارم چهره‌های مطرح رسانه‌ها یهودی بودند و این نسبت بیش از ده برابر درصد کل جمعیت آنهاست.

### «قدرت واقعی هالیوود»

قدرت یهودیان در هالیوود دیگر نه بر صاحبان استودیوها بلکه بر نمایندگان گوناگون، تهیه کنندگان مستقل و نویسنده‌گانی متتمرکز شده است که به گونه‌ای فزاینده صنعت سینما را در اختیار خود می‌گیرند. از این میان می‌توان به کسانی همچون آرنون میلچان، مایکل اویتز و دیوید گفن اشاره کرد؛ فرد آخر از نمایندگان سابق (استعداد یابی) و تهیه کننده پردرآمدی بوده است که در سال ۱۹۹۰ فوربز از او به عنوان «ثروتمندترین مرد هالیوود» یاد کرد. مهارت‌های سنتی یهودیان در فروش، بازاریابی و ترکیب «عناصر» مورد نیاز برای افزایش تولید، همچنان مؤثر است... مارگو برنای، از نمایندگان تجاری اتحادیه صنفی که خانواده‌اش ابتدا در دهه ۱۹۳۰ از منطقه قدیمی یهودی‌نشین لس‌آنجلس غربی رابطه خود را با هالیوود آغاز کردند، می‌گوید:

«در این شهرک، قدرت واقعی در دست نماینده‌ها و تهیه کننده‌های است، نه در دست استودیوها. در گذشته استودیوها مالک افراد مستعد بودند؛ در حال حاضر افراد مستعد مالک استودیوها هستند. اینجا همان جایی است که یهودی‌ها هستند، جایی که خلاقیت، استعداد، زرق و برق، و قدرت هست. در این تجارت، اساس کار بر توانایی ذهنی شماست. اینجا محدودیت‌های شرکت‌های بزرگ را ندارد، فضایی است که یهودیان برای به دست آوردن آن، پرورش یافته‌اند.»

### هجوم تازه مهاجران یهودی

... جامعه یهودیان آمریکا، علی‌رغم پیش‌بینی‌های مکرر درباره اضمحلال جمعیتی یهودیان، همچنان گسترش می‌یابد. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ (با وجود افزایش ازدواج‌های فامیلی و کاهش میزان تولد) جمعیت رسمی یهودیان آمریکا ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافت. این رشد ناچیز جمعیت تا حدی به دلیل مهاجرت‌های گسترده آوارگان یهودی ایران و آفریقای جنوبی است. با این همه، مهم‌ترین عامل در این میان، مهاجرت یهودیان از اتحاد جماهیر

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۴۷

شوروی است که بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر است؛ چنانچه از سال ۱۹۹۱، ۱۰۰ هزار نفر دیگر نیز ویزا گرفته‌اند و متظر نوبت ورود به آمریکا هستند.

دلایل متفاوتی در پس این امر وجود دارد که چرا یهودیان ترجیح می‌دهند، برخلاف نفرت از تبعید، مهاجرت کنند. برای برخی از آنان تنها دلیل این کار حضور خویشاوندان در ایالات متحده بوده است که در آن بزرگ‌ترین جامعه یهودیان روسی ساکن شده است. عامل دیگر به طور مشخص، اقتصادی است؛ آمریکا، که یهودیان در میان قومیت‌های عمدۀ آن ثروتمندین قومیت هستند، نسبت به کشور کوچک اسرائیل فرصت‌های بسیار بهتری برای یهودیان عموماً تحصیل کرده‌ای که از شوروی آمده‌اند، فراهم می‌کند.

بی‌شک آنها بی که به آمریکا آمده‌اند، علی‌رغم مشکلات معمول سازگاری با محیط، به نسبت عملکرد خوبی داشته‌اند. براساس یک بررسی ملی، یک خانواده یهودی روسی [در آمریکا] به‌طور متوسط سالانه بیش از یک خانواده آمریکایی درآمد دارد.

### اسرانیلی‌ها «سرزمین شیر و عسل» جدیدی یافته‌اند.

با توجه به موقیت یهودیان در آمریکا، تعداد بسیار کمی از یهودیان آمریکا به خارج از ایالات متحده مهاجرت کرده‌اند. با وجود این، سنت بادیه‌نشین‌های یهودی در دیگر اعضای قبیله، و عجیب است که در میان اسرائیلی‌ها، همچنان زنده است.

در حدود ۸۰۰ هزار اسرائیلی (که در کشوری کوچک، به نسبت فقیر و جنگ زده‌اند) به جای آنکه فرزندان سرزمینی باشند که مورد ستایش صهیونیست‌های سابق بود، در جستجوی فرصت‌های بهتر از اسرائیل خارج شده‌اند. در بعضی سال‌ها، بیویژه پیش از مهاجرت گسترش یهودیان روسیه، شمار کسانی که از اسرائیل خارج می‌شدند، بیش از شمار مهاجران وارد شده به آن کشور بود.

اگرچه آنها در کشورهای دوردستی همچون فنلاند و سنتکاپور حضور دارند، محل سکونت دلخواه آنان ایالات متحده بوده است، که در حدود نیم میلیون یهودی در اجتماع‌های

## ■ ۱۴۸ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

اصلی آن در نیویورک و لس‌آنجلس متمرکز شده‌اند.

در مقایسه، شمار کل مهاجرت یهودیان از آمریکا به اسرائیل، در طول چهار دهه پس از سال ۱۹۴۸ از ۶۰ هزار نفر بیشتر نیست؛ و این تعداد نصف شمار اسرائیلی‌هایی است که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۷ تقاضای قانونی مهاجرت رسمی به آمریکا داشته‌اند.

### دره سیلیکون: ارض موعود جدید

... اکنون «اسرائیلی‌های سرگردان» در میان کارگران فنی و دیگر حوزه‌های حرفه‌ای رتبه‌هایی ممتاز کسب کرده‌اند. مهندسان به تنها ۲۰ درصد از میزان کل را شامل می‌شوند، که در این میان به طور تخمینی ۱۳ هزار نفر به عنوان دانشمند، مهندس و دیگر مشاغل تنها در صنایع فوق پیشرفته کالیفرنیا فعالیت می‌کنند. این تعداد تقریباً برابر یک سوم نیروی کار فنی تولید شده اسرائیل است.

### سرمایه‌گذاری یهودیان: «یک طعم بین‌المللی»

هر چند هیچ مدرکی دال بر توطئه بین‌المللی بانکداران یهودی وجود ندارد، برخی از یهودیان در امور بانکداری با یکدیگر تبانی کرده‌اند. بازی پول برای یهودیان، جاذبه‌ای دارد که به گفته بعضی برابر است با جاذبه‌ای که رابطه جنسی برای فرانسویان، غذا برای چینی‌ها، و قدرت برای سیاستمداران دارد. از زمان آواره شدن جوامع یهودی تاکنون، دغدغه‌های مالی آنها همیشه یک طعم بین‌المللی داشته است. اما برخی یهودیان در عرصه بانکداری بین‌المللی از حدود اخلاق و قانون تجاوز کرده‌اند.

### هنر: «طعمی به شدت یهودی»

... هنر یهودی؟ تا چندی پیش چنین عبارتی تناقض‌آمیز به نظر می‌رسید. در ۹۹/۹ درصد تجارب یهودیان هیچ هنر بر جسته‌ای وجود نداشت. هنر عامیانه و هنرهای تزیینی وجود داشت، اما کارِ جدی به معنای غربی آن وجود نداشت. امروزه اوضاع بسیار تغییر کرده

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۴۹

است و یهودیان در تمام بخش‌های جهان هنر حضور دارند: به عنوان هنرمند، دلآل، مجموعه‌دار، متقد، موزه‌دار، مشاور و پشتیبان. در واقع، صحنه هنر معاصر، طعمی به شدت یهودی دارد. در برخی محافل، به این نوع افراد اهل زد و بند مافیای یهود گفته می‌شود، زیرا آنان قدرت، اعتبار و بیش از همه، پول را در اختیار دارند.

همچون خانواده کاپو، قدرت به شیوه‌ای ماهرانه توزیع می‌شود: هنرمندانی که سال‌ها در گمنامی زندگی کرده‌اند یک شبه معروف می‌شوند؛ و هنرمندان معروف آنقدر سریع زیر تیغ گیوتین می‌روند که متوجه نمی‌شوند سرشان را از دست داده‌اند.

### «پسرهم...»

... در ایالات متحده تقریباً ۳۰ هزار پزشک یهودی وجود دارد. این تعداد در حدود چهارده درصد از کل پزشکانی است که به‌شکل آزاد کار می‌کنند.

از پانصد هزار وکیل، به طور تخمینی بیش از بیست درصد آنها یهودی‌اند، یعنی نزدیک به ده برابر آنچه می‌توان انتظار داشت! در سال ۱۹۳۹ تقریباً بیش از نصف وکلای شاغل در نیویورک، یهودی بودند. اکنون این نسبت بزرگ‌تر نیز شده است: شاید از هر پنج وکیل سه نفر یهودی‌اند!

آخرین سرشماری کانون وکلای شهر نیویورک نشان می‌دهد که شصت درصد از ۲۵ هزار وکیل این شهر یهودی، هجده درصد کاتولیک و هجده درصد پروتستان هستند. بیشتر وکلای یهودی (حدود هفتاد درصد آنها) اصالتاً از اروپای شرقی هستند.

اکنون ۱۵ درصد از ۷۴۰ هزار وکیل ایالات متحده یهودی‌اند. این تعداد وکیل یهودی به نسبت هفت برابر سهم یهودیان در کل جمعیت است. در محافل نخبگان حقوقی، این تمرکز جلوه بارزتری می‌یابد. چهل درصد اعضای شرکت‌های حقوقی پرنفوذ نیویورک و واشنگتن یهودی هستند. از هر نه کرسی دادگاه عالی، یهودیان دو کرسی را در اختیار دارند (۲۲ درصد).

## ۱۵۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

براساس برآورد انجمن پزشکان آمریکا، اکنون ۶۸۴ هزار پزشک در ایالات متحده فعالیت دارند. تعداد پزشکان یهودی بیش از ۱۰۰ هزار، یا ۱۵ درصد است. همانند وکلا، این تعداد هفت برابر بیشتر از سهم یهودیان در جمعیت سراسری است. نه درصد در خواستهای پذیرش دانشکده‌های پزشکی در سال ۱۹۸۸ از سوی یهودیان بوده است. دست کم ۲۰ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تراز اول آمریکا، با بیش از ۲۵ درصد در دانشکده‌های پزشکی مشهور و ۳۸ درصد در دانشکده‌های حقوق مشابه، یهودی‌اند. این ارقام در دانشگاه هاروارد بالاتر می‌روند: نیمی از اعضای هیئت علمی آن یهودی‌اند. امروزه ۲۰ درصد پزشکان و وکلای کشور یهودی هستند.

### شهرنشینان...

پیش از جنگ جهانی دوم، بیشتر یهودیان در اروپا زندگی می‌کردند و تعداد آنها دو برابر تعداد یهودیان ساکن آمریکا بود. پس از هولوکاست، تعداد یهودیانی که در آمریکا زندگی می‌کردند دو برابر یهودیان اروپا شد. از  $14/4$  میلیون یهودی ...، ۵ میلیون و ۹۰۰ هزار یا چهل و یک درصد آنها در آمریکا به سر می‌برند. یهودیان  $2/7$ % جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند.... تقریباً  $60$ % یهودیان آمریکا در شمال شرقی این کشور زندگی می‌کنند، گرچه به نظر می‌رسد سهم نسبی این منطقه، به تازگی کاهش یافته است. منطقه مرکزی شمال  $11/9$ %، منطقه جنوب  $15/8$ % و منطقه غربی  $14/3$ % از جمعیت یهودیان را دربرگرفته است. با توجه به میانگین کشوری، یهودیان در منطقه شمال شرقی تراکم بیشتری دارند. در منطقه مرکزی شمال و جنوب تراکم آنها کمتر است و در غرب کشور تراکم جمعیتی آنها تاحدودی متوسط است. به عبارت دیگر، یهودیت یک دین شهری، یا به نحو فزاینده حومه‌ای، است. بیش از  $77$ % جمعیت یهودیان در چهارده شهر بزرگ یا مراکز تجمع حومه‌ای زندگی می‌کنند. بقیه یهودیان آمریکا (تقریباً همه) در شهرها یا شهرستان‌ها زندگی می‌کنند. نسبت یهودیان روستایی بسیار ناچیز است.

### «تحصیلکرده‌ترین‌ها»

در دوران پس از جنگ، یهودیان آمریکا میان تمامی گروه‌های عمدۀ مذهبی یا قومی آمریکا به تحصیل کرده‌ترین گروه تبدیل شدند. براساس پژوهش پدر روحانی آندره ام. گریلی در کتاب قومیت، انشعاب، و نابرابری (۱۹۷۶)، تا پیش از اواسط دهۀ ۱۹۷۰ هر یهودی به‌طور میانگین چهارده سال مشغول تحصیل بوده است. این میزان از پیروان کلیسا‌ی اسقفی آمریکا - که بالاترین جایگاه اجتماعی را دارد - نیم سال بیشتر بود. در حالی که کمتر از نصف آمریکایی‌ها وارد دانشگاه می‌شدند، بیش از ۸۰ درصد یهودیان به دانشگاه می‌رفتند و چنانکه از آمارهای دانشگاه هاروارد، پرینستون و ییل برمی‌آمد، میزان حضور یهودیان در دانشگاه‌های تراز اول بیشتر از دیگر آمریکایی‌ها بوده است. برای مثال، در سال ۱۹۷۱، ۱۷ درصد دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی را یهودیان تشکیل می‌دادند.

### استادان یهودی از استادان غیریهودی «بسیار جلوترند»

در سال ۱۹۴۰، تنها ۲ درصد استادان دانشگاه‌های آمریکا یهودی بودند. این رقم تا پیش از دهۀ ۱۹۷۰ به ۱۰ درصد می‌رسد. حضور یهودیان در دانشگاه‌ها در دوران پس از جنگ، به غیر از میزان بالای آن از جنبه‌های دیگر نیز قابل توجه است. دانشگاهیان یهودی در رشته‌هایی گرد هم می‌آمدند که از لحاظ نظری، دشوارترین رشته‌ها بود (رشته‌هایی که بر استدلال نظری و انتزاعی تأکید داشت) و در مشهورترین و معتربرترین مؤسسه‌ها تدریس می‌شد.

حضور آنها در رشته‌های مردم‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، ریاضیات، فیزیک و جامعه‌شناسی بیش از حد معمول، و در رشته‌های کشاورزی، علوم تربیتی، اقتصاد خانواده، روزنامه‌نگاری، کتابداری، پرستاری و تربیت‌بدنی کمتر از حد معمول بود.

تعداد یهودیان در رشته مهندسی برق، نظری‌ترین شاخۀ مهندسی، از تعداد آنها در مهندسی مکانیک، عمران، یا شیمی بیشتر بوده است. پزشکی، حرفه‌ای است که از نظر

## ۱۵۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

اجتماعی جایگاه بالای دارد و یهودیان به شکل غیرمنتظره‌ای در رشته‌های بیوشیمی، باکتری‌شناسی، فیزیولوژی، روان‌شناسی و دیگر رشته‌های مرتبط با پزشکی، حضور داشته‌اند. اورت کارل لاد پسر و سیمور مارتین لیپست در سال ۱۹۷۵ (بر اساس تمامی معیارهای ممکن) نوشتند دانشگاهیان یهودی «از همتایان غیریهودی خود بسیار جلوترند» در این زمان، یک پنجم اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تراز اول و یک چهارم اعضای هیئت علمی جامعه دانشگاه‌های شرق آمریکا (آیوی لیگ) یهودی بودند. نسبت آنها در میان استادان زیر سی و پنج سال دانشگاه‌های شرق آمریکا و هیئت علمی دانشکده‌های تراز اول پزشکی و حقوق حتی بیش از این بوده است. در سال ۱۹۶۸، ۳۸٪ اعضای هیئت علمی دانشکده‌های تراز اول حقوق، یهودی بودند.

یک چهارم ثروتمندترین آمریکایی‌ها و ۳۰٪ تمام میلیاردرها، یهودی‌اند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، مجله فوربز در گزارش سالانه خود چهارصد نفر ثروتمند اصلی آمریکا را معرفی کرد. اگر به دقت بر مبنای درصد آنها از جمعیت سراسری حساب کنیم، تعداد یهودیان در این فهرست می‌باشد ۱۲ نفر باشد. حال آنکه تعداد آنها بیش از یک صد نفر بود. یهودیان که کمتر از ۳ درصد مردم آمریکا را تشکیل می‌دادند، بیش از یک چهارم ثروتمندترین آمریکایی‌ها هستند. میزان حضور آنها در این فهرست نه برابر بیش از حد متوسط بود. در مقابل، گروه‌های قومی که تعدادشان بسیار بیش از یهودیان بود (ایتالیایی‌ها، اسپانیولی‌ها، سیاهپستان، و اروپای شرقی‌ها) نمایندگان کمتری در فهرست داشتند. هرچه میزان دارایی‌ها بالاتر می‌رود، تعداد یهودیان بیشتر می‌شود. بیش از ۳۰ درصد میلیاردرها ای‌آمریکا، یهودی بودند. در کانادا نیز همین پدیده مشهود است: سه خانواده‌ای که از نظر تجاری برجسته‌ترین موقعیت را داشتند، همگی یهودی بودند (خانواده بلزبرگ در ونکوور، خانواده برونفمن در مونترآل و خانواده ریچمن در تورنتو).

حتی این امکان هست که مجله فوربز تعداد یهودیان فوق‌پولدار آمریکا را کمتر حساب

کرده باشد؛ زیرا بسیاری از آنها در معامله‌های املاک ثروتمند شده‌اند، یعنی حوزه‌ای که تخمين درآمد در آن از دیگر حوزه‌ها دشوارتر و پنهان کردن ثروت، آسان‌تر است.

در شماره [۲۲ جولای] سال ۱۹۸۶ مجله فاینشال ورلد، فهرست جالب‌تری منتشر شد.

در این فهرست به ترتیب نام یک صد نفر از مدیران وال استریت (بانکداران، مدیران مالی، دلال‌ها، متخصصان خرید سهام، بورس‌بازها، تاجران کالا، و کارگزاران سهام) که در سال ۱۹۸۵ دست‌کم ۳ میلیون دلار به دست آورده بودند، آمده بود. این فهرست با ایوان بوسکی آغاز می‌شود، که به ظاهر ۱۰۰ میلیون دلار درآمد داشته است... درآمدهای بوسکی در برابر ۵۰۰ میلیون دلاری که مایکل میلکن در سال بعد به دست آورد، اندک بود... میلکن و بوسکی، و نیز نیمی از کسانی که فاینشال ورلد از آنها نام می‌برد، یهودی بودند. جورج سوروس (۹۳/۵ میلیون دلار)، آشر ادلمن (۲۵ میلیون دلار)، مورتون دیویس (۲۵ میلیون دلار)، و مایکل اشتینهارت (۲۰ میلیون دلار) پر درآمدترین یهودیان وال استریت بودند.

### معامله املاک، منبع اصلی ثروت یهودیان

یهودیان در زمینه‌های گوناگون ثروتمند شده‌اند. راسل بری، خرس اسباب‌بازی (تدی) تولید می‌کرد، پل کالما نوویتز صاحب کارخانه‌های آبجوسازی بود و آرتو ساکلر مجله‌های پزشکی منتشر می‌کرد.

با این همه، در حوزه معامله املاک، استعداد تجارت یهودیان نسبت به حوزه‌های دیگر بازتر بوده است. شاید نیمی از یهودیانی که نامشان در فهرست فوربز آمده، ثروت خود را از معامله املاک، بهخصوص در شهر نیویورک، به دست آورده‌اند.

جاکوب ای. ریس در کتاب نیمة دیگر چگونه زندگی می‌کند (۱۸۹۰) نوشته است: «یهودیان به محض اینکه پول کافی برای بیانه پسانداز کنند، به سمت معامله‌های ملکی می‌دونند تا قرارداد بینندند.»

به جز چند مزاحم غیریهودی... موفق‌ترین فعالان حوزه املاک و مستغلات نیویورک،

## ۱۵۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

يهودی بودند. در این میان لاورنس و پرستون تیش، لونارد استرن، ساموئل لهفراک، و سول گلدمان قابل ذکرند.

در شهرهای دیگر، یهودیان قدرتمند دیگری در معامله‌های املاک فعالیت داشتند: جدی مور در هیوستون، ای. آلفرد توبمن در دیترویت، والتر شورنستین در سان فرانسیسکو، گیلفورد گلیزر در لس‌آنجلس، ملوین و هربرت سیمون در ایندیاناپولیس، مونته و آلفرد گلدمان در اوکلاهما سیتی، فرانک مورگان و شرمن دریسان در کانزاس سیتی، مورتیمر زوکرمن و هارولد براون در بوستون، استفان ماس در میامی، هری وینبرگ در بالتیمور، نیل بلوم و جاد مالکین در شیکاگو، و چارلز ای. اسمیت در واشنگتن.

### میلیاردرهای معامله‌های املاک

در فهرست «فوربز ۴۰۰» سال ۱۹۹۹، ۲۳ درصد افراد یهودی بودند، و از آن میان، ۲۰ درصدشان ثروت خود را در معامله‌های املاک کسب کرده بودند. ... اعضای یهودی فهرست فوربز ۴۰۰ سال ۱۹۹۹ که از معامله‌های املاک ثروتمند شده‌اند، عبارت‌اند از:

- رابرت پریتزکر ۵/۵ میلیارد دلار
- توماس پریتزکر ۵/۵ میلیارد دلار
- ماروین دیویس ۳/۵ میلیارد دلار
- دانلد برن ۳/۲ میلیارد دلار
- لونارد استرن ۲/۴ میلیارد دلار
- رابرت تیش ۲/۳ میلیارد دلار
- لاورنس تیش ۲/۱ میلیارد دلار
- ساموئل له فراک ۲ میلیارد دلار
- سام زل ۱/۸ میلیارد دلار
- خانواده فیشر ۱/۳ میلیارد دلار

- خانواده دارست ۱۳۳ میلیارد دلار

- مورتیمر زوکرمن ۱/۲ میلیارد دلار

- کارل برگ ۹۵۰ میلیارد دلار

- آلفرد توبین ۸۶۰ میلیارد دلار

- شلدون سولو ۸۰۰ میلیارد دلار

- گیلفورد گلیزر ۷۰۰ میلیارد دلار

### بیش از ۱۱٪ «نخبگان آمریکا» یهودی‌اند:

تا قبل از دهه ۱۹۸۰، یهودیان از نظر درآمد و تحصیلات، در سطوح بالای جامعه آمریکا قرار داشتند و به مراتب قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رسیده بودند. از دهه ۱۹۶۰ به بعد، یهودیان ریاست بخش‌های مهمی از دولت فدرال، از جمله سیستم بانکی فدرال و وزارت کار، بازرگانی، امور خارجه، و دارایی را در دست داشته‌اند... نظام اجتماعی آمریکا آنقدر باز بود که یهودیان بتوانند به نخبگان آمریکا بپیوندند.

براساس تحلیل ریچارد دی. آلا و گون مور جامعه‌شناس از یافته‌های مطالعات رهبری آمریکا<sup>۱</sup> بیش از ۱۱ درصد نخبگان آمریکا یهودی بودند ... واشنگتن دی.سی. نمونه‌ای خاص بود. توسعه دولت فدرال پس از جنگ، منجر به افزایش جمعیت یهودیان واشنگتن (پایتخت آمریکا) از کمتر از بیست هزار نفر در ۱۹۴۵ به شصت و پنج هزار نفر (طی چهار دهه) شد.

### یهودیان مافیا را «خلق کردند».

به طور کلی یهودیان (و نه ایتالیایی‌ها) آنچه بعدها مافیا نامیده شد را خلق کردند. در دهه ۱۹۲۰ ایتالیایی‌ها به تدریج در صنعت جرایم سازمان یافته نیویورک جایگزین یهودیان

1. the American leadership study

## ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

شدند... یهودیان در تجارت قمار نیز شهرت داشتند و در دهه ۱۹۴۰ لاس و گاس را آباد کردند.

## «خشونت و سکس» تلویزیونی «با حمایت یهودیان»

محتوای فیلم‌های هالیوود و تلویزیون‌های حمایت شده از سوی یهودیان، در دهه ۱۹۸۰ تفاوت عمدۀ‌ای با بافت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی داشت که یهودیان متنفذ نسل قبل در عرصه فیلم و رادیو - تلویزیون ترویج می‌کردند.

آن زمان محدودیت‌های اخلاقی ناشی از جریان اصلی فرهنگ پروتستان، در عمل کنار گذاشته می‌شد. آنها با تقاضای بازار هماهنگ شده بودند و در فیلم‌ها و تلویزیون، خشونت و سکس مرتب به تصویر کشیده می‌شد.

اکنون بیشتر تاجران یهودی برنامه‌ساز، تحصیلات بسیار بهتری نسبت به پیشینیان خود دارند، اما تولیداتی که عرضه می‌کنند معمولاً از نظر محتوا زنده‌تر است، هرچند با عالی‌ترین مهارت فنی قابل تصور ارائه می‌شود.

## «نقش غالب» یهودیان در «فرهنگ چپ جدید»

دانشگاهیان و دیگر روشنفکران یهودی در ساختن فرهنگ چپ جدید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ نقشی غالب داشتند. در بعضی موارد، برای مثال نوشته‌های مؤثر امانوئل والرشتاين (جامعه‌شناس تاریخ) نظریه [فرهنگ] چپ جدید فقط نسخه‌ای ملایم از جریان اصلی مارکسیسم - لینینیسم است. در بیشتر موارد این نظریه، ترکیبی از مارکسیسم فرهنگی تخیلی بنجامین، آدورنو و مکتب فرانکفورت دهه ۱۹۳۰ با جنبه افراطی‌تر سنت فرویدی، بود. هربرت مارکوزه رهبر این جریان بود. مارکوزه محصول مکتب فرانکفورت و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از اساتید محبوب دانشگاه براندیس (در حمایت یهودیان) به شمار می‌آمد.

### جنبیش فمینیسم

رهبری جنبش بسیار موفق فمینیسم آمریکا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نیز در دست یهودیان بود. زنان یهودی در نخستین جنبش فمینیسم آمریکا در سه دهه نخست قرن بیستم، نقشی نداشتند. اما این بار اوضاع متفاوت بود. گلوریا استینم و بتی فریدان - که شاید برجسته‌ترین شخصیت‌های جنبش زنان باشند - یهودی بودند. الیزابت فاکس - جنووس، نظریه‌پرداز تأثیرگذار فمینیست، نیمه یهودی بود. اریکا جانگ، نویسنده پرفروش‌ترین رمان تاریخ - که به بیست و هفت زبان ترجمه شده و جنسیت زنانه را ستایش می‌کند - یک زن یهودی / نیویورکی از طبقه متوسط بالای جامعه بود.

### یهودیان وال استریت «از حدود قانون تخطی می‌کنند»

سرمایه‌گذاران و بانکداران یهودی در کسب و کار داغ و پرمخاطره وال استریت دهه ۱۹۸۰ نقش اصلی و شاید مسلط را بازی کردند. در دهه ۱۹۸۰ در «جشن غارت‌گران» آن‌طور که در یک گزارش مطبوعاتی پرفروش از این معامله‌ها آمده است، یهودیان حضور کامل داشتند؛ با این حال وقتی مایکل توماس (رمان‌نویس غیریهودی) حضور یهودیان در کسب و کار پرمخاطره وال استریت را مضمون اصلی یکی از رمان‌هایش قرارداد، در بررسی کتاب نیویورک تایمز به یهود ستیزی محکوم شد. [در دهه ۱۹۸۰] هنر برخی از میلیاردرهای یهودی در تخطی از حدود قانون و در عین حال مصون ماندن از آن، با کمک و کلای یهودی گران قیمت نیویورک و مطبوعات مطیع چشمگیر بود.

### تجارت ورزش حرفه‌ای

میلیاردرهای یهودی در دهه ۱۹۹۰ نشان دادند با خریدن تیم‌های ورزشی حرفه‌ای که تاکنون در مالکیت انحصاری انگلوساکسون‌های سفیدپوست و ثروتمندان ایرلندی بود، به اوج قدرت اجتماعی و اهمیت فرهنگی رسیده‌اند. تا سال ۱۹۹۳ تیم فوتبال جایتس نیویورک -

## ۱۵۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

که پرافتخارترین نام در ورزش حرفه‌ای است - دو تیم فوتبال دیگر در لیگ ملی و دو تیم از تیم‌امیدهای بیس بال لیگ اصلی، در دست یهودیان بود. یکی از این مالکان یهودی نزد مالکان دیگر آنقدر اهمیت یافت که نقشه اخراج عضو کمیسیون بیس بال را کشید و خود به عنوان عضو وقت کمیسیون جای او را گرفت و نماینده مالکان در کمیته کنگره شد. در دهه ۱۹۳۰ یهودیان آمریکا فکر می‌کردند با پرورش چند قهرمان مشتزنی در مسیر موفقیت قرار دارند. اما یهودیان دیگر مجبور نبودند بدنهای عرق کرده‌شان را نشان بدهند؛ آنها مالک تیم‌ها شده بودند.

### قدرت مطبوعات

قبل از روی کار آمدن هیتلر، یهودیان برلین و وین نقش مهمی در انتشارات داشتند. تا سال ۱۹۵۰ خانواده‌های یهودی دو روزنامه از سه روزنامه تأثیرگذار ایالات متحده، یعنی نیویورک تایمز و واشنگتن پست را تصاحب کرده بودند. افزون بر این دو خانواده به‌طور مستقیم در فعالیت‌های روزمره روزنامه و اعمال سیاست‌های محتواهی خود نقش داشتند.

### قدرت کلام

این امر واقعیت دارد که میزان حضور یهودیان در صنعت رسانه‌ها بسیار بیشتر از نسبت آنها از کل جمعیت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که هر چند یهودیان اندکی بیش از ۵ درصد کارکنان مطبوعات سراسر کشور را تشکیل می‌دهند (یعنی تقریباً برابر سهم آنان از کل جمعیت)، یک چهارم یا بیش از یک چهارم نویسنده‌گان، سردبیران، و تهیه‌کنندگان «رسانه‌های تراز اول» آمریکا، از جمله بخش‌های خبری هفته‌نامه‌های خبری مهم و چهار روزنامه اصلی (نیویورک تایمز، لس‌آنجلس تایمز، واشنگتن پست و وال استریت ژورنال) را تشکیل می‌دهند.

شمار یهودیان در دنیای ابرشرکت‌های رسانه‌ای که به سرعت توسعه می‌یابد، بیشتر

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۵۹

است. براساس مقاله «قدرتمداران جدید» شماره اکتبر ۱۹۹۴ مجله ونیتی فر<sup>۱</sup> که به معرفی چهره‌های اصلی نخبگان رسانه‌ای جدید پرداخت، حدود نیمی از بیست و چهار مالک عمدۀ یهودی بودند. از دیدگاه سردبیران این مجله، آنها نخبگان به واقع قدرتمند آمریکا هستند. «ازنان و مردانی در صنایع سرگرمی، ارتباطات و رایانه که بلندپروازی‌ها و نفوذشان آمریکا را به اولین ابرقدرت واقعی عصر اطلاعات مبدل کرده‌اند.»

در چند بخش کلیدی رسانه‌ها، بویژه در میان مدیران استودیوهای هالیوود، یهودیان از نظر تعداد چنان غالب‌اند که اگر این صنعت را زیر نفوذ یهودیان بدانیم، از حیث آماری چندان به خطا نرفته ایم.

یوجین فیشر، مدیر روابط کاتولیک‌ها و یهودیان در کنفرانس ملی اسقف‌های کاتولیک و از راسخ‌ترین مدافعان جامعه یهودیان در محافل مذهبی مسیحیان، می‌گوید: «اگر یهودیان قدرت داشته باشند، قدرت کلام و قدرت مقاله‌نویسی دارند، یهودیان افکار عمومی را می‌سازند. جامعه یهودیان جامعه‌ای بسیار باسواند است و حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. اگر شما بتوانید افکار عمومی را شکل بدهید، می‌توانید رویدادها را بسازید.»

### قدرت رسانه‌ای یعنی نفوذ سیاسی

با وجود یهود ستیزی شدیدی که در نظریه‌های توطئه یهودیان پنهان شده است، موضوع نفوذ یهودیان در رسانه‌ها لزوماً به خودی خود یهود ستیزانه نیست. همان طور که نیل گیلر مورخ در عنوان فرعی کتابش، «اپراتوری خودشان»، در سال ۱۹۸۸ می‌آورد، واقعیت تلخ این است که «یهودیان، هالیوود را اختراع کردند.»

دوربین فیلمبرداری را غیریهودیان اختراع کردند، اما کارخانه رؤیاسازی هالیوود را چند سرمایه‌گذار مهاجر یهودی به وجود آوردن. آنها توانایی بالقوه سینما به عنوان ابزار داستان سرایی را دریافتند و برای گسترش آن در سراسر کشور ساختن استودیوها، شرکت‌های

---

1. variety fair

## ۱۶۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

توزیع و سالن‌های سینما را آغاز کردند. این چند نفر... یک کنجکاوی فنی را به صنعتی چند میلیارد دلاری تبدیل کردند. یک نسل بعد، چند سرمایه‌گذار یهودی جوان با فرستنده رادیویی، میکروفون و دوربین تلویزیونی، کار مشابهی انجام دادند....

هالیوود در پایان قرن بیستم چنان صنعتی است که آشکارا رنگ و بوی قومی دارد. تقریباً تمام مدیران ارشد استودیوهای اصلی، یهودی هستند. نویسندهان، تهیه‌کنندهان و به میزان کمتری کارگردانان به شکل نامتناسبی یهودی‌اند. (یک بررسی جدید نشان می‌دهد ۵۹ درصد از فیلم‌های پرفروش، تولید یهودیان بوده است.)

مجموع نفوذ این تعداد یهودی در یکی از پرسودترین و مهم‌ترین صنایع آمریکا، قدرت سیاسی گسترهای در اختیار یهودیان هالیوود قرار می‌دهد... اما در حدی بسیار وسیع‌تر، می‌توان این سخن را درباره صنایع دیگری گفت که یهودیان در آنها مرکز شده‌اند: وال استریت، معامله‌های املاک نیویورک، یا صنعت پوشک. در هر یک از این صنایع، یهودیان بلوک مهمی تشکیل داده‌اند (اقلیتی قدرتمند در وال استریت، اکثریت‌هایی در عرصه پوشک و معامله‌های املاک تجاری) و نفوذ خود را به حضوری آشکار در صحنه سیاسی تبدیل کرده‌اند.

### «مرفه‌تر» از بیشتر گروه‌های دیگر

... اگر این تصور رایج از یهودیان به عنوان گروهی که همگی ثروتمندند اشتباه باشد، به هر حال آنها به طور متوسط از اعضای بیشتر گروه‌های قومی و مذهبی دیگر مرفه‌تر هستند. برای مثال، در سال ۱۹۸۴ از هر شش خانواده یهودی آمریکایی کمتر از یک خانواده درآمد زیر ۲۰ هزار دلار داشت؛ حال آنکه در میان سفیدپوستان غیر اسپانیولی از هر دو خانواده یک خانواده این چنین بود. در انتهای دیگر هر مدرآمد، ۴۱ درصد از خانوارهای یهودی درآمدی معادل ۵۰ هزار دلار یا بیشتر داشتند، یعنی چهار برابر نسبتی که در میان سفیدپوستان غیر اسپانیولی وجود داشت. یکی از دلایل این تفاوت این است که یهودیان از آمریکایی‌های

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۶۱

دیگر، تحصیلات بهتری داشته‌اند. از هر پنج مرد یهودی سه نفر تحصیلات دانشگاهی دارند (تقریباً سه برابر نسبتی که در میان سفیدپوستان غیر اسپانیولی وجود دارد). و از هر سه نفر یک نفر مدرک فارغ‌التحصیلی یا تخصص دارد. (سه و نیم برابر نسبتی که در جمعیت سراسری وجود دارد).

تا حدودی این تفاوت‌ها در میان زنان یهودی و غیریهودی وجود دارد: زنان یهودی دو برابر بیشتر از زنان غیریهودی مدرک دانشگاهی دارند و چهار برابر بیشتر مدرک بالاتر از لیسانس یا تخصص دارند.

افزون بر این، امروزه تقریباً تمامی جوانان یهودی در دانشگاه‌ها حضور دارند. در یک نظرخواهی ملی در سال ۱۹۸۰ از دانش‌آموزان دختر و پسر دیبرستانی، ۸۳ درصد از دانش‌آموزان یهودی قصد داشتند به دانشگاه بروند و نیمی از آنان می‌خواستند به دانشکده‌های تحصیلات تكمیلی یا تخصصی بروند. در میان دانشجویان سفیدپوست غیریهودی، نیمی از آنان قصد داشتند به دانشگاه بروند و کمتر از یک چهارم می‌خواستند به دانشکده‌های تحصیلات تكمیلی یا تخصصی بروند. این تفاوت هم کیفی و هم کمی است. یهودیان افزون بر تحصیلات بیشتر، آموزش و پرورش بهتری نیز دارند... از دهه ۱۹۵۰ یا ۱۹۶۰ تاکنون، یعنی هنگامی که جامعه دانشگاه‌های شرق آمریکا سیاست‌های خود را تغییر دادند و براساس معیارهای شایسته سالاری دانشجویان را پذیرفتند، یهودیان در حدود یک سوم دانشجویان دوره لیسانس و همین میزان را در رشته‌های حقوق و پژوهشی تشکیل دادند.

### نخبگان آمریکا چه کسانی هستند؟

براساس پژوهشی درباره پیشینه قومی و نژادی افرادی که در ویرایش ۷۵ - ۱۹۷۴ کتاب در آمریکا کمی چه کاره است نامشان آمده است، حضور یهودیان در این فهرست دو و نیم برابر اعضای جمعیت سراسری بوده است. افزون بر این، تعداد یهودیان به نسبت جمعیتشان، بیش از دو برابر افراد انگلیسی تبار (گروهی که زمانی غالب نخبگان آمریکا بودند) بوده

## ۱۶۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

است. تغییر صورت گرفته در نیم قرن گذشته، چشمگیر است: در ۲۵ - ۱۹۲۴، میزان حضور افراد انگلیسی تبار در این فهرست تقریباً دو و نیم برابر یهودیان آمریکا بود... در ۷۲ - ۱۹۷۱ در بررسی گروه بسیار کوچک‌تری از اشخاص پیشو و در هشت حوزه کاری، جامعه شناسان ریچارد دی. آلا و گون مور متوجه شدند که تمرکز یهودیان حتی بیشتر شده است. از ۵۴۵ نفری که مورد مطالعه قرار گرفتند، ۱۱۳ درصد یهودی بودند، یعنی چهار برابر نسبتی که در جمعیت سراسری دارند... این پدیده محدود به ایالات متحده نیست. یهودیان در حدود ۱ درصد جمعیت بریتانیای کبیر را تشکیل می‌دهند؛ اما ۶ تا ۱۰ درصد نخبگان بریتانیایی یهودی‌اند. در استرالیا که ۰/۵ درصد از جمعیت سراسری یهودی‌اند، یهودیان ۵ درصد نخبگان را تشکیل می‌دهند...

میزان حضور یهودیان در میان سرمایه‌گذاران موفق به شکل چشمگیری بیشتر از میزان حضور آنها در میان مدیران ارشد شرکت‌هast: حدود ۲۳ درصد کسانی که نامشان در فهرست ۱۹۸۴ فوربز از چهارصد ثروتمند آمریکا آمده است، یهودی بودند.... نسبت دقیق حضور آنها در هر سال تغییر می‌کند.

در ۱۹۸۲، نخستین سالی که فوربز ۴۰۰ منتشر شد، ۱۰۵ نفر از ۴۰۰ نفر، ۲۶ درصد آنها، یهودی بودند. در سال ۱۹۸۳، هنگامی که رونق ناگهانی بازار سهام تعدادی از تازهواردها را به این فهرست پرتاب کرد، شمار یهودیان به ۹۸ نفر (۲۵ درصد) و در سال ۱۹۸۴ به ۹۳ نفر (۲۳ درصد) کاهش یافت.

### نخبگان دانشگاهی آمریکا

نسبت دقیق نخبگان یهودی هرچه باشد (با توجه به اینکه محافل نخبگان با هم پیوند دارد) شکی نیست که یهودیان نقش بزرگی در حیات فکری آمریکا ایفا می‌کنند. برای مثال، در ۱۹۷۵ یهودیان ۱۰ درصد اعضای هیئت علمی و ۲۰ درصد استادان دانشگاه‌های تراز اول را تشکیل می‌دادند. تا حدودی نیمی از استادان یهودی (در مقایسه با ۲۴ درصد استادان کلیساي

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۶۳

اسقفی و ۱۷ درصد استادان کاتولیک) در بهترین دانشگاه‌ها تدریس می‌کردند. همچنین استادان یهودی بسیار بیشتر از همتایان غیریهودی خود در نشریه‌های علمی، مقاله چاپ می‌کنند. از این‌رو، یهودیان، آنها بی که بیست مقاله یا بیشتر چاپ کرده‌اند، ۲۴ درصد از نخبگان دانشگاهی را تشکیل می‌دهند.

### «استادان دانشگاه‌های تراز اول»

موج استادان یهودی دانشگاه پدیده‌ای به نسبت جدید است. در ۱۹۴۰، تنها ۲ درصد از استادان آمریکایی یهودی بودند. تا ۱۹۷۰ تعداد آنها پنج برابر شد و به ۱۰ درصد رسید. سهمیه‌های محدود کننده در نیمة اول قرن پایان یافته بود و نسل جدید یهودیان به تعداد بیشتر در حال تحصیل بودند. تا پیش از دهه ۹۰، یهودیان ۳۵ درصد از استادان دانشگاه‌های تراز اول را تشکیل می‌دادند و در حال حاضر در هر مؤسسه تراز اولی، از جمله: هاروارد، بیل، پنسیلوانیا، کلمبیا، پرینستون، ام.آی.تی. و دانشگاه شیکاگو، یک یهودی به عنوان مدیر فعالیت می‌کند.

### استادان یهودی دستمزد بهتری دارند.

از آنجا که یهودیان در مجموع در مؤسسه‌های معتبرتری کار می‌کنند و شغل خود را در دانشکده‌های تخصصی حقوق، پزشکی، علوم و بازرگانی انتخاب می‌کنند، دستمزد آنها خیلی بیشتر از استادان معمولی است.

تصمیم‌گیری کلیدی در اخبار تلویزیون؛ نزدیک به یک سوم «نخبگان رسانه‌ای» به طور کلی، شغل روزنامه‌نگاری که زمانی شغل ناخوشایندی محسوب می‌شد، هم اینک به حرفة‌ای محترم، از نظر فکری جذاب و با درآمد به نسبت خوب تبدیل شده است و نقش یهودیان در آن به شکلی فزاینده افزایش می‌یابد.

برای مثال در ۱۹۸۲ یهودیان اندکی کمتر از ۶ درصد کل کارکنان مطبوعات کشور و ۲۵

## ۱۶۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

تا ۳۰ درصد «نخبگان رسانه‌ای» را تشکیل می‌دادند؛ به عبارتی کسانی که در نیویورک تایمز، واشنگتن پست، و وال استریت ژورنال بودند و در مجله‌های تایم، نیوزویک، و یو.اس. نیوز آند ولد ریپورت؛ و در بخش‌های خبری ABC، NBC، CBS و رادیو و تلویزیون عمومی کار می‌کردند. (یک بررسی در سال ۱۹۷۱ سهم یهودیان از نخبگان رسانه‌ای را ۲۵ درصد تعیین کرد). اگر موقعیت‌های کلیدی تصمیم‌گیری را ملاحظه کنیم، نقش یهودیان برجسته‌تر می‌شود.

### پرنفوذ در مدیریت اخبار تلویزیون

یهودیان در مدیریت اخبار تلویزیون نیز پرنفوذ هستند، اگرچه این موضوع چندان معروف نیست. طبیعی است که خبرنگاران شبکه‌ها، از جمله خبرنگاران یهودی نیز هستند که نامشان بر سر زبانهاست...

با وجود این، بیشترین تمرکز یهودیان در سطح تهیه‌کنندگی است، و این تهیه‌کنندگان هستند که تصمیم می‌گیرند چه خبرهایی، به چه مدتی، و به چه ترتیبی پخش شود. در ۱۹۸۲، پیش از تغییر وظایف، تهیه‌کنندگان اجرایی هر سه برنامه خبری عصرگاهی و همچنین تهیه‌کنندگان اجرایی برنامه ثصت دقیقه‌ای CBS و برنامه ۲۰/۲۰ ABC یهودی بودند. یهودیان به شکل مشابهی در سطوح «تهیه کننده ارشد» و «تهیه کننده پخش» و همچنین مدیریت ارشد، نقش برجسته‌ای دارند.

### کتاب‌های نوشته شده توسط یهودیان یا درباره آنها

[بخش بررسی کتاب روزنامه واشنگتن پست در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۲] سرشار از کتاب‌های نوشته شده توسط یهودیان یا درباره آنهاست: درباره ورزش و تجربه یهودیان آمریکا؛ زندگی‌نامه‌ای از بیل گراهام، نجات یافتن گان هولوکاست و گردانندگان مهمن راک اند رول؛ داستان یک خانواده اعیان نیویورکی که مبتلا به یهودستیزی است؛ تصویر گروهی یک زن آفریقای

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۶۵

جنوبی از مجموعه دوستان یهودی‌اش؛ کتاب زوجی یهودی درباره سرمایه‌گذاری‌های خارجی در آمریکا، که به بررسی تعهداتی گوناگون و نفوذ خارجی‌ها می‌پردازد؛ مباحث مشابه درباره ادغام؛ و کتاب یک مؤلف یهودی درباره سیاست در تحصیلات عالی، که به بحث چند فرهنگی گرایی از منظر ادغام یهودیان در جامعه آمریکا می‌پردازد.

### مقاله‌نویسان و مفسران طرفدار اسرائیل

اریک آترمن، نویسنده یهودی - آمریکایی، در MSNBC.COM در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۰۳ نوشتۀ جالبی درباره کثرت نظرهای طرفدار اسرائیل داشت که از سوی مقاله‌نویسان و مفسران در رسانه‌های آمریکا ابراز می‌شود. البته همه این افراد یهودی نیستند، اما (در بیشتر موارد) برای رسانه‌هایی کار می‌کنند که در بسیاری از موارد یا کاملاً در تصاحب منافع مالی یهودیان هستند و یا به شدت متأثر از جامعه یهودیان هستند.

در ادامه، فهرست ارائه شده توسط آترمن می‌آید، اگرچه فهرست بسیار کوچک‌تری از مقاله‌نویسان دیگری که از اسرائیل انتقاد می‌کنند (از جمله اشخاص معروفی چون پت بیوکانن) در آن گنجانده نشده است.

خواهشمندم توجه کنید که مطالب توصیفی / مقدماتی که پیش از فهرست اسامی آمده است، شامل اصطلاحات آترمن است، هر چند نام آن دسته از مقاله‌نویسانی که معلوم نیست یهودی باشند، با حروف ایتالیک مشخص کرده‌ایم. توضیحات اضافی خودمان را در قلب آورده‌ایم، بنابراین مطالب اضافه شده دقیقاً مشخص است.

مقالات‌نویسان و مفسرانی که همواره بدون قید و شرط از اسرائیل حمایت می‌کنند:

- جورج ویل، واشنگتن پست، نیوزویک و خبرگزاری ABC

- ویلیام سفایر، نیویورک تایمز

- ای. ام رزنال، نیویورک دیلی نیوز، در گذشته سر ویراستار و بعدها مقاله‌نویس نیویورک تایمز شد.

## ۱۶۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- چارلز کروتامر، واشنگتن پست، PBS تایم، و ویکلی استاندارد، سابقاً در نیوپیابلیک
- مایکل کلی، واشنگتن پست، ماهنامه آتلانتیک، نشنال ژورنال، و MSNBC.COM سابقاً در نیوپیابلیک و نیویورکر [ویراستار، در جنگ عراق کشته شد].
- لالی وی ماوث، واشنگتن پست، نیوزویک [یادداشت: خانم وی ماوث نیمه یهودی است. وی دختر کاترین میر (متوفی)، رئیس شرکت واشنگتن پست است. شوهر غیریهودی (و به ظاهر ضدیهودی) او، فیلیپ گراهام (متوفی) است - ویراستار.]
- مارتین پرتز، نیوپیابلیک
- دانیل پایپس، نیویورک پست [یادداشت: به ظاهر مدعی است که یهودی نیست، اما بسیاری از منابع خلاف آن را می‌گویند - ویراستار.]
- آندریا پیسر، نیویورک پست
- دیک موریس، نیوپیابلیک
- لاورنس کاپلان، نیوپیابلیک
- ویلیام بنت، CNN
- ویلیام کریستول، واشنگتن پست، ویکلی استاندارد، فاکس نیوز، در خبرگزاری ABC بود.
- رابرت کاگان، واشنگتن پست و ویکلی استاندارد
- مورتیمر زوکرمن، یو اس نیوز اند ورلد ریپورت [زوکرمن به تازگی به عنوان رئیس کنفرانس سران سازمان‌های اصلی یهودیان آمریکا فعالیت داشت - ویراستار.]
- دیوید گلرنتر، ویکلی استاندارد
- جان پادهورتز، نیویورک پست و ویکلی استاندارد
- مونا چارن، واشنگتن تایمز
- مورتون کندراک، رول کال، فاکس نیوز، سابقاً در مک لاین گروپ، نیوپیابلیک و PBS

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۶۷

- فرد بارنز، ویکلی استاندارد، فاکس نیوز، سابقًا در نیوریپابلیک، مک لافین گروب، و  
بالتمور سان
- سید زیون، نیویورک پست، نیویورک دیلی نیوز
- یوسی کلین هالوی، نیو ریپابلیک
- نورمن پادهورتز، مجله کامتری
- جونا گلدبرگ، نشنال ریویو
- لورا اینگراهام، CNN، سابقًا در اخبار CBS و MSNBC
- جف جاکوبای، بوستون گلوب
- ریچ لوری، نشنال ریویو
- اندره سالیوان، نیوریپابلیک
- ست لیپسکی، وال استریت ژورنال و نیویورک سان، در نشریه یهودی فوروارد بود.
- ایروینگ کریستول، ریپابلیک ایترست، نشنال ایترست و صفحه مقاله‌های وال استریت  
ژورنال
- آلن کینر، WorldNetDaily.com
- بریت هیوم، فاکس نیوز
- جان لنو، یواس نیوز اند ورلد ریپورت
- رابرت بارتلی، صفحه مقاله‌های وال استریت ژورنال
- جان فاند، وال استریت ژورنال، اپنیون ژورنال، سابقًا در صفحه مقاله‌های وال استریت  
ژورنال [اصل و نسب قومی نامعلوم - ویراستار.]
- پکی نونان، صفحه مقاله‌های وال استریت ژورنال
- بن واتنبرگ، واشنگتن تایمز، رادیو و تلویزیون عمومی
- تونی اسنر، واشنگتن تایمز و فاکس نیوز
- لارنس کادلو، نشنال ریویو و CNBC

## ۱۶۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- آلن درشوویتس، بوستون هرالد، واشنگتن تایمز

- دیوید هوروویتز، frontpage.com

- جاکوب هیلبران، لس‌آنجلس تایمز

- توماس ساول، واشنگتن تایمز

- فرانک گافنی سپر، واشنگتن تایمز [یادداشت: اصل و نسب قومی گافنی مشخص نیست. هرچند براساس شایعه‌ها او در یک خانواده مسیحی متولد شد، اما بعدها یهودی شد. ویراستار.]

- امت تایرل، آمریکن اسپکتیور و نیویورک سان

- کال توماس، واشنگتن تایمز

- الیور نورث، واشنگتن تایمز و فاکس نیوز، سابقًا در MSNBC

- مایکل لدین، جوئیش ورلد ریویو

- ویلیام اف. باکلی، نشنال ریویو [یادداشت: اگر چه باکلی کاتولیک است، اما نیاکان کاتولیک او، به اعتقاد رایج، از سمت پدر اسکاتلندي - ایرلندی او نیستند، بلکه از سمت مادر او هستند. با وجود اینکه مادر باکلی در یک خانواده کاتولیک آلمانی مستقر در نیواورلئان به نام استینز به دنبأ آمده بود، والتر تروهان (مقاله‌نویس متوفی شیکاگو تریبیون) به دوستان نزدیکش می‌گفت فکر می‌کند خانواده استینز، مانند بسیاری از خانواده‌های یهودی نیواورلئان در قرن هجدهم و نوزدهم، در اصل یهودی بوده‌اند و سپس به مذهب کاتولیک روی آورده‌اند. شاید این نخستین بار باشد که افشاگری تروهان به چاپ رسیده است. در هر صورت، علی‌رغم آنچه در مورد نیاکان او گفته شده، ما به دلیل مصلحت، او را «غیریهودی» می‌شمریم - ویراستار.]

- بیل آریلی، فاکس نیوز

- پل گرینبرگ، آرکانزاس دموکراتیک - گزت

- ال. برنت بوزل، واشنگتن تایمز

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۶۹

- تاد لیندبرگ، واشنگتن تایمز
- مایکل بارون، یواس نیوز اند ورلد رپورت و مک لافلین گروپ
- آن کولتر، هیومن ایوننس
- لیندا چاوز، کری ایترز سیندیکیت [یادداشت: با اینکه خانم چاوز در خانواده‌ای کاتولیک بزرگ شد، شوهر او یهودی است و براساس شایعه‌ها، خود او نیز به یهودیت روی آورده است - ویراستار.]
- کتی بانگ، مجله ریزن [یادداشت: پیشینه قومی خانم یانگ برای ویراستاری مشخص نیست - ویراستار.]
- یوری دان، نیویورک پست
- دکتر لورا شلسینگر، مجری رادیو
- راش لیمباف، مجری رادیو
- نشریه‌هایی که به دلیل مالکیت یا مدیریت، همواره از اسرائیل حمایت می‌کنند:
- نیوریپابلیک (مالکان: مارتین پرتز، مایکل استین هارت، راجر هرتاگ)
- کامتری (مالک: کمیته یهودیان آمریکا)
- یو اس نیوز اند ورلد رپورت (مالک: مورتیمر زوکرمن)
- نیویورک دیلی نیوز (مالک: مورتیمر زوکرمن)
- نیویورک پست (مالک: روپرت مرداک) [یادداشت: دست کم تعدادی از نیاکان مرداک یهودی بودند - ویراستار.]
- ویکلی استاندارد (مالک: روپرت مرداک)
- صفحه مقاله‌های وال استریت ژورنال (مالک: پیتر کان)  
[یادداشت: آلتمن ماهنامه آتلانتیک را در این فهرست قرار داده است. اما از وقتی که این مجله از سوی مورتیمر زوکرمن (طرفدار سرسپرده اسرائیل) به فروش رسید، به نظر می‌رسد که موضع افراطی آن در حمایت از اسرائیل تعديل شده است - ویراستار.]

## ۱۷۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

مقالات‌نویسانی که هم از اسرائیل و هم از فلسطینی‌ها انتقاد می‌کنند، اما خود را حامی اسرائیل می‌دانند و در نهایت، امنیت اسرائیل را به حقوق فلسطینی‌ها ترجیح می‌دهند:

- توماس فریدمن، نیویورک تایمز

- ریچارد کوهن، واشنگتن پست و نیویورک دیلی نیوز

- آویشای مارگولیت، نیویورک ریویو او بوکس

- دیوید رمنیک، نیویورکر

- اریک آلتمن، نیشن و MSNBC.com

- هیئت تحریریه نیویورک تایمز

- هیئت تحریریه واشنگتن پست

بی‌تردید فهرست‌های آلتمن بسیار آموزنده است و بدون هیچ شک و شباهی نشان می‌دهد که - در گزارش رسانه‌ها از مسئله خاورمیانه - نوعی حمایت از یهودیان و اسرائیل وجود دارد. نام‌هایی که در فهرست‌های آلتمن آمده است، تقریباً «کل سرسبد» رسانه‌های تراز اول آمریکا هستند. هر کس بگوید گزارش‌گران رسانه‌های تراز اول از اسرائیل جانبداری نمی‌کنند، موضعی تبلیغاتی دارد که پذیرفتنی نیست.

به هیچ وجه تمام افرادی که نامشان در فهرست‌های آلتمن آمده است، یهودی نیستند. بنابراین، نمی‌توان گفت « فقط مقاله‌نویسان یهودی طرفدار اسرائیل‌اند ». در واقع، نویسنده‌گان غیریهودی بسیاری هستند که مطیع و طرفدار اسرائیل بهشمار می‌آیند. واقعیت این است که این رفتار خیلی به نفع کارشان تمام شده است؛ و البته این موضوع شاید به خوبی نشان دهد چرا آدم‌های باهوش و متعادل به مسئله اسرائیل که می‌رسند، ناگهان عقل سليم خود را کاملاً از دست می‌دهند. در یک کلام، حمایت از اسرائیل کار پرمنفعتی است اگرچه پیامدهای آن بیشتر به ضرر آمریکاست!

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۷۱

تأثیر جولیبرمن (در انتخابات سال ۲۰۰۰)، پول یهودیان در انتخابات، «پنهان از مردم» هیچ کس به درستی نمی‌داند چه مقدار از پول حزب دموکرات از سوی کمک کنندگان یهودی تأمین می‌شود (کمیته ملی دموکرات (DNC) می‌گوید: «ما اصلاً چنین آماری نداریم!») اما تخمين‌هایی که منابع آگاه می‌زنند - و هیچ یک از آنها مایل نیست به طور مدون و رسمی سخن بگوید - از ۳۰ درصد آغاز می‌شود و بالاتر می‌رود.

به گفته مرکز سیاست پاسخگو، براساس گزارش‌های منتشر شده از سوی هیئت انتخاباتی فدرال [در آگوست ۲۰۰۰] یهودیان بیش از یک سوم بزرگ‌ترین افراد اعانه دهنده DNC (۱۰۰ هزار دلار و بالاتر) را تشکیل می‌دهند...

اگر شواهد اولیه را باور کنیم، این امکان هست که DNC ۵ تا ۳۰ میلیون دلار (تا ۷۵ درصد بیش از آنچه یهودیان در دوره‌های انتخاباتی پیشین داده‌اند) بالاتر از هدف پیش‌بینی شده جمع‌آوری اعانه (به میزان دست‌کم ۱۳۰ میلیون دلار) دریافت کرده باشد. ۳۰ میلیون دلار اضافی می‌توانست با کل مبلغی که دموکرات‌ها در تابستان [سال ۲۰۰۰] برای تبلیغات خرج کردند، برابری کند.

در رقابت فشده‌ای که جمهوری‌خواهان از نظر مالی اندکی برتری دارند، پول اضافی دموکرات‌ها می‌توانست تغییری در اوضاع بددهد، تغییری بیشتر از چشمگیرترین تغییر در مواضع رأی دهنده‌گان یهودی...

امری که اهمیت بالقوه بیشتری دارد این است که چگونه گزینش سناتور کانکتیکات باعث می‌شود جمع کنندگان اعانه برای منافع یهودیان، به جمع کنندگان اعانه برای منافع گور-لیبرمن تبدیل شوند... آیا تلاش‌های مالی چشمگیر یهودیان در حمایت از نامزدهای انتخاباتی دموکرات‌ها منجر به تغییری خواهد شد؟ نه آن طور که پت بیوکانن تصور می‌کند. اعانه دهنده‌گان یهودی گور و لیبرمن سعی نمی‌کنند تا نامزدهای انتخاباتی را مديون «منافع یهودیان» کنند؛ حال این منافع هرچه باشد. آنها در بسیاری مسائل درباره شیوه عملکرد با هم اختلاف نظر دارند، و حمایت آنها بیش از آنکه یک سرمایه‌گذاری برای آینده باشد،

حرکتی برای افتخار قومی آنها است. اما به هر حال این بخشش‌ها بر انتخابات تأثیرگذار خواهد بود.

و بدین ترتیب، در یک پانویس عجیب تاریخی، مهم‌ترین تأثیر انتخاباتی گزینش جو لیبرمن شاید تا حد بسیاری از مردم پنهان بماند؛ مردمی که به ظاهر تمامی جزئیات نامزدی او ذهن آنها را به خود مشغول کرده است.

### مخفي نگه داشتن ثروت یهودیان

ماکس گلتمن، شخصیت مرجعی که در نشان ریویو می‌نویسد، در کتاب، مواجهه، فاش می‌کند: «اکنون دیگر این راز بر ملا شده است که در سال ۱۹۵۷ کمیته یهودیان آمریکا از اداره آمارگیری واشنگتن درخواست کرد درباره میزان درآمد گروه‌ها در سرشماری ۱۹۶۰ سوالی مطرح نکند، تا مبادا سطح بالتبه بالای درآمد اقلیت یهودی منجر به خشونت‌های ضدیهودی بشود و اداره آمارگیری اطاعت کرد.»

### ثروتمندترین گروه قومی

اگرچه [یهودیان] ۲/۵۴ درصد جمعیت سراسری هستند، اما نزدیک به ۵ درصد درآمد ملی را کسب می‌کنند. در مجموع یهودیان حدود ۷ درصد طبقه متوسط و بالای جامعه را تشکیل می‌دهند. در ۱۹۷۲، از میان ۲ میلیون خانواده یهودی تقریباً ۹۰۰ هزار خانواده از طبقه‌های متوسط و بالای جامعه بودند؛ در حالی که از میان ۵۳ میلیون خانواده آمریکایی فقط ۱۳/۵ میلیون خانواده در این سطح قرار می‌گرفتند. براساس نوشته جرالد کرفتز [در کتاب یهودیان و پول]، ۴۳ درصد از کل یهودیان درآمدی بیش از ۱۶ هزار دلار داشتند، حال آنکه فقط ۲۵/۵ درصد از کل آمریکایی‌ها چنین بودند.

در حالی که تنها اندکی کمتر از ۵ درصد جمعیت یهودیان در خانواده‌های میلیونر هستند، یهودیان به شکل متغیر ۲۳ تا ۲۶ درصد از ۴۰۰ ثروتمند اول آمریکا را بین ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵ - و شاید میزان بیشتری از جمعیت میلیونر مالیات دهنده را، که در سال ۱۹۸۰ معادل

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۷۳

۵۷۴۳۴۲ نفر تخمین زده شد - تشکیل می‌دادند.

بی‌شک به طور متوسط، یهودیان آمریکا ثروتمندترین گروه قومی یا مذهبی کشور هستند. براساس گزارش مرکز جمعیت‌شناسی آمریکا در ژوئن ۱۹۸۴، درآمد متوسط سالانه یک خانوار یهودی ۲۲۳۰۰ دلار است؛ حال آنکه برای خانواده‌های پیرو کلیسا اسقفی این رقم ۲۱۷۰۰ دلار است.

پیروان کلیسا پرسیتری ۲۰۵۰۰ دلار دریافت می‌کردند، افرادی که وابستگی مذهبی نداشتند ۱۷۶۰۰ دلار می‌گرفتند، درآمد کاتولیک‌ها ۱۷۴۰۰ دلار بود. متديست‌ها ۱۷۰۰۰ دلار و پروتستان‌های لوثری به طور متوسط ۱۶۳۰۰ دلار درآمد داشتند. بنیاد گرایان سفیدپوست و باپتیست‌های جنوبی حقوق ناچیزی حدود ۱۴۰۰۰ دلار داشتند. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۶۰ تاکنون درآمد یهودیان بیشتر از پیروان کلیسا اسقفی و پرسیتری‌ها (مصادیق اصلی انگلوساکسون‌های پروتستان سفیدپوست) بوده است ... یهودیان ثروتمند و مدرن آمریکا دیگر یک گروه نخبه مطرود نیستند و به طور کامل هم سطح همتایان مسیحی خود قرار گرفته‌اند.

### فهرستی از نخبگان مشهور یهودی...

آنچه در بی‌می‌آید فهرستی است از یهودیان ثروتمند آمریکا، منابع ثروت آنها و ثروت تخمینی آنها (به دلار سال ۱۹۸۶) که توسط لنی برنر، نویسنده یهودی - آمریکایی، تهیه شده است و تاحدی براساس فهرست مشهور فوربز ۴۰۰ از ثروتمندترین آمریکایی‌هاست. فهرست روزآمدتر (براساس ارقام سال ۲۰۰۴) در صفحه‌های بعد خواهد آمد. اما این فهرست نیز در جای خود آموزنده است:

لنوارد آبرامسون

شرکت مراقبت‌های پزشکی آمریکا

۱۴۰ میلیون دلار

۱۷۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

چارلز، هربرت و هربرت ای. آلن

بازار بورس و معامله‌های املاک

۵۴۹ میلیون دلار

والتر آنبرگ

تی وی گاید، انتشارات

۸۵۰ میلیون دلار

انید آنبرگ هاپت

۱۸۰ میلیون دلار

استر آنبرگ سیمون

۱۸۰ میلیون دلار

جانت آنبرگ هوکر

۱۸۰ میلیون دلار

لیتا آنبرگ هیزن

۱۸۰ میلیون دلار

اولین آنبرگ هال

۱۸۰ میلیون دلار

ادمند آنسین

شرکت تلویزیونی سان‌بیم

۲۰۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۷۵

تد اریسون

گشت‌های کارناوال، معامله‌های املاک، کازینو

۳۰۰ میلیون دلار

روبرت آرنو، جک و آلن ویلر

۴۵۰ میلیون دلار در معامله‌های املاک سهم دارند.

آرتور بلفر

نفت پرو، معامله‌های املاک نیویورک

۴۷۵ میلیون دلار

خانواده بلز از ممفیس، تنسی

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

چارلز بنسون

معامله‌های املاک

۲۰۰ میلیون دلار

خانواده بلاستین

۸۵۰ میلیون دلار

پل بلک و ویلیام بلک

انتشارات

۳۰۰ میلیون دلار

۱۷۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

نیل بلوم

معامله‌های املاک / شیکاگو

۳۰۰ میلیون دلار

جاد مالکین

معامله‌های املاک / شیکاگو

۳۰۰ میلیون دلار

ایوان بوسکی

۱۵۰ میلیون دلار

دانلد برن

معامله‌های املاک

۵۲۵ میلیون دلار

ادگار برونفمن

۶۶۵ میلیون دلار

ادوارد و شرمن کوهن

معامله‌های املاک و ساخت و ساز

۳۳۰ میلیون دلار

سیمور کوهن

۵۵۰ میلیون دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۷۷

هنری و لستر کراون

۱/۱ میلیارد دلار

مورتون داوید و ویتنر

(مشهور به موتون داویس)

دلالی دی. اج. بلر

۲۰۰ میلیون دلار

لثونارد داویس

شرکت بیمه کولونیال پن گروپ

۲۳۰ میلیون دلار

ماروین داویس

شرکت نفت داویس

براساس فهرست فوربز در ۱۹۸۵

«هنوز یک میلیارد ر است.»

سی. داگلاس دیلون

۱۵۰ میلیون دلار

ریچارد دینر

خویشاوند خانواده سویگ

(معامله‌های املاک سان فرانسیسکو)

کل ثروت خانوادگی: ۴۵۰ میلیون دلار

۱۷۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

شرمن دریس زان و فرانک مورگان

معامله‌های املاک کانزاس سیتی

بانک‌ها، مراکز خرید

۳۰۰ میلیون دلار

دیوید ری و سیمور دارست

معامله‌های املاک

۵۵۰ میلیون دلار

جین انگلهارت

بیوہ «پادشاه پلاتین»

۳۶۵ میلیون دلار

هارولد فارب

معامله‌های املاک هوستون

۱۵۰ میلیون دلار

لاری و زاخاری فیشر

معامله‌های املاک نیویورک

۶۰۰ میلیون دلار

ماکس فیشر

منافع نفتی و پتروشیمی

آمریکا و اسرائیل

۲۲۵ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۷۹

میشل فریبورگ

۲۰٪ تجارت غلات جهان را در اختیار دارد.

۷۰۰ میلیون دلار

آفراد و مونته گلدمان

معامله‌های املاک؛

پدرسن سبد خرید را ابداع کرد.

۴۰۰ میلیون دلار

سُل گلدمان

در گذشته بزرگ‌ترین مالک خانه‌های نیویورک بود.

۴۵۰ میلیون دلار

کاترین گراهام

امپراتوری انتشارات واشنگتن پست

۳۵۰ میلیون دلار

پنکوس گرین و مارک ریچ

تاجران کالا

هریک ۲۰۰ میلیون دلار

خانواده هاس

وراث امپراتوری لوی استراس

۷۷۵ میلیون دلار

۱۸۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

آرماند هامر

۱۵۰ میلیون دلار

لثون هس

نفت هس

۳۶۰ میلیون دلار

خانواده هورویتز

معامله‌های املاک فلوریدا، تلویزیون کابلی

۲۵۰ میلیون دلار

پتر کالیکو

معامله‌های املاک

۳۷۵ میلیون دلار

پل کالما نوویتز

مشروبات فالستاف و پابست

۲۵۰ میلیون دلار

هووارد کاسکل

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

ادوین ماریون کافمن

ماریون لابس، اعضای خانواده سلطنتی کانزای سیتی

۱۹۰ میلیون دلار

جورج کوزمتسکی  
تلداین و سرمایه‌گذاری‌های دیگر  
۱۷۵ میلیون دلار

کارل و جورج لاندگر  
کارخانه‌های کاغذسازی  
۲۵۰ میلیون دلار

لثونارد و رونالد لادر  
وراث لوازم آرایشی استی لادر  
۷۰۰ میلیون دلار

نورمان لیر  
تهیه کننده تلویزیون  
۱۷۵ میلیون دلار

سام له فراک  
بزرگ‌ترین آپارتمان‌دار آمریکا  
۸۰۰ میلیون دلار لثون لوین

لثون لوین  
فروشگاه‌های فامیلی دلار  
۳۱۵ میلیون دلار

۱۸۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

لنونارد لیتوین

معامله‌های املاک

۲۰۰ میلیون دلار

جان لوپ

شرسون لمان / آمریکن اکسپرس

۱۵۰ میلیون دلار

رابرت لوری

معامله‌های املاک؛ تیم بیسبال نیویورک جایتس

۲۰۰ میلیون دلار

خانواده مک

احداث و تخریب ساختمان

۲۵۰ میلیون دلار

جک، جوزف و مورتون مندل

شرکت صنعتی پریمیر

۲۶۰ میلیون دلار

لنونارد مارکس

معامله‌های املاک

۳۰۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۸۳

برنارد مندیک

معامله‌های املاک

۱۸۰ میلیون دلار

دومنیک دو منیل

دختر کنراد شلامبرگر

۲۰۰ میلیون دلار

سی سیمز

پوشک ارزان قیمت

۲۱۰ میلیون دلار

چپل و سیمور میلستین

معامله‌های املاک

۲۷۵ میلیون دلار

استفان ماس

معامله‌های املاک

۲۰۰ میلیون دلار

سی نیوهاوس

امپراتوری رسانه‌ای

۲/۲ میلیارد دلار

۱۸۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

رابرت آینک

معامله‌های املاک

۲۰۰ میلیون دلار

ماکس پالوسکی

صنایع رایانه

۲۰۰ میلیون دلار

خانواده ویلیام بالی

CBS تلویزیون

۲۹۰ میلیون دلار

جک پارکر

معامله‌های املاک، تولیدات پوشاب

۳۰۰ میلیون دلار

میلتون پتری

مراکز خرید، فروشگاه‌های پتری

۵۸۵ میلیون دلار

ویکتور پوسنر

کارخانه شارون استیل، نشانال کن

۲۵۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۸۵

سُل پرایس

بازاریاب و تاجر

۲۰۰ میلیون دلار خانواده پریتزکر

خانواده پولیترز

سنت لوئیس پست دیسپاچ

۴۷۵ میلیون دلار

خانواده رسنیک

مله‌های املاک، ساختمان ساز

۲۵۰ میلیون دلار

مثلوم ریکلیس

شرکت رپید آمریکن

۱۵۰ میلیون دلار

خانواده رِز

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

خانواده رِزِنوالد

دارایی سیرز اند رو باک

۳۰۰ میلیون دلار

۱۸۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

هتل‌های هایات (Hyatt)

۱/۵ میلیارد دلار

جک و لوئیس رودین

معاملات املاک

۷۰۰ میلیون دلار

آرتور ساکلر

انتشارات پزشکی، تبلیغات

۱۷۵ میلیون دلار

خانواده شیتزر

فولاد، کشتی رانی، معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

خانواده شپیرو

قیف، فنجان و کالای کاغذی یک بار مصرف

۳۵۰ میلیون دلار

(به اشتراک در میان ۷۰ عضو خانواده)

پتر شارپ

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۸۷

لنوnard شوان

يو - هال

۳۰۰ میلیون دلار

لاورنس سیلورستین

ریاست - هیئت معامله‌های املاک نیویورک

۱۸۰ میلیون دلار

هربرت و ملوین سیمون

مراکز خرید

۳۸۵ میلیون دلار در مجموع

نورتون سیمون

کارخانه‌دار

۲۰۰ میلیون دلار

شلدو سولو

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

استنلی استال

معامله‌های املاک

۲۵۰ میلیون دلار

۱۸۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ری استارک

سینما

۱۵۰ میلیون دلار

سال استینبرگ

سرمايه‌گذار / شركت يمه ريلاينس

۴۰۰ میلیون دلار

لثونارد استرن

غذاي حيوانات هارتز مونتين

۵۵۰ میلیون دلار

خانواده استون

شركت استون کانتینر

۲۰۰ میلیون دلار

خانواده سولز برگر

امپراتوري رسانه‌ای نیویورک تایمز

۴۵۰ میلیون دلار

خانواده سویگ

معامله‌های املاک

۳۰۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۸۹

سیدنی تپر

شرکت فرست چارتر فاینتشال

۳۰۰ میلیون دلار

لازلو تابر

معاملات املاک

(بزرگ‌ترین ملک دولت ایالات متحده)

۳۰۰ میلیون دلار

ای. آفرد تابمن

معامله‌های املاک، fast food

۶۰۰ میلیون دلار

لاورنس و پرستون تیش

شرکت لووس، CBS، بولوا واچز

ثروت مشترک: ۱/۷ میلیارد دلار

لو واسمن

آزانس استعدادیابی MCA

۲۲۰ میلیون دلار

خانواده ویلر

معامله‌های املاک

۲۴۰ میلیون دلار

۱۹۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

هری وینبرگ

معامله‌های املاک، اوراق بهادر و شرکت اتوبرس رانی

۵۵ میلیون دلار

لزلی وکسنر

صاحب ۲۵۰۰ فروشگاه پوشاک ویژه

ثروت خانوادگی ۱ میلیارد دلار

لورنس وین

معامله‌های املاک

۱۵ میلیون دلار

خانواده ویرنز

معامله‌های املاک و توزیع مشروبات الکلی

تیم شیکاگو بلک هاکس و تیم بولز

۳۵ میلیون دلار

خانواده ولفسون

سالن‌های سینما و ایستگاه‌های تلویزیونی

۲۴ میلیون دلار

خانواده ویلیام زیف

انتشارات زیف - دیویس

۶۵ میلیون دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۹۱

ازرا خدوری زیلخا

بانک سرمایه‌گذاری، سلاح *colt*

۱۵۰ میلیون دلار

ویلیام زیرمن

فروشگاه‌های حراجی پیک اند سیو

۱۵۰ میلیون

مورتیمر زوکرمن

معامله‌های املاک و انتشارات،

یو.اس. نیوز اند ورلد رپورت

نیویورک دیلی نیوز

۲۰۰ میلیون دلار

همان طور که اشاره کردیم، بدیهی است که این افراد و دارایی‌شان مدام در حال تغییر هستند و در صفحه‌های بعد نگاه روزآمدتری (با توجه به فهرست فوربز ۴۰۰ سال ۲۰۰۴) به نخبگان صهیونیستی خواهیم داشت. این فهرست شامل ثروتمندترین آمریکایی‌ها - و در واقع ثروتمندترین افراد جهان است. آنچه در فهرست فوربز ۴۰۰ گنجانده نشده، نام خانواده‌ها و افرادی است که در رتبه‌بندی پایین‌تر از ۴۰۰ نام برتر قرار می‌کیرند؛ باید به این نکته اشاره کرد که چنین فهرستی (برای مثال از ۱۰۰۰ ثروتمند برتر) کاملاً گویا خواهد بود. از آنجا که در فهرست فوربز نام‌ها فقط به ترتیب الفبایی آمده‌اند و نه به ترتیب میزان ثروت، به سختی می‌توان در نظر اول تعیین کرد چقدر یهودیان (ایرلندی‌ها و یا ایتالیایی‌ها) در این فهرست برتری دارند. رتبه‌بندی‌های فهرست فوربز بسیار روشنگر است و تردیدی باقی نمی‌گذارد که امروزه خانواده‌های صهیونیست آمریکا به ثروتی گسترده دست یافته‌اند.

## ۱۹۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ما درباره «جرائم مرتبط با نفرت» و «افزایش یهودستیزی» و جنایت‌های وحشتناک گذشته بر ضد یهودیان بسیار می‌شنویم و به ظاهر رسانه‌هایی که این چیزها را می‌گویند، علاقه‌ای ندارند بلکه یهودیان آمریکا به ثروت‌هایی دست یافته‌اند که در مخیله بسیاری از مردم نمی‌گنجد. ولی باید ادامه بدھیم....

### اعتقادات رهبران یهودی...

مهم‌ترین پژوهش درباره رهبران فعال یهودی جوان، اثر پروفسور جاناتان ووچر، با عنوان «یهودیت مدنی رهبران اجتماعات» در کتاب سال یهودیان آمریکا (۱۹۸۱) است. وی به بررسی ۳۰۹ شرکت کننده پرداخت که از طبقه بالا و متوسط جامعه بودند و در برنامه‌های تقویت رهبری «هواداران اتحاد یهودیان» و اتحادیه‌های جمعی، فعالیت داشتند. براساس اظهارات این استاد دانشگاه:

... «نزدیک به ۶۵ درصد قبول ندارند که ارزش‌های دین یهود اساساً مشابه ارزش‌های دیگر ادیان است، و بیش از سه چهارم برای یهودیان مسئولیتی «ویژه» قائل هستند تا در راه عدالت جهانی تلاش کنند....

نزدیک به ۶۰ درصد... نقش یهودیان را در تمدن جدید بیشتر از تمامی مردمان دیگر می‌دانند... ۷۰ درصد مدعی‌اند که گوش دادن به «هاتیکواه» (سرود ملی اسرائیل) نسبت به «پرچم پرستاره» (سرود ملی آمریکا) احساسات آنها را بیشتر بر می‌انگیزد... بیشتر آنان با این نظر مخالف‌اند که یک یهودی آمریکایی باید در درجه اول به ایالات متحده وفادار باشد.

همچنین در حالی که به جز چند نفر، تمامی آنها، از آمریکایی بودن خشنود هستند، تنها ۵۴ درصد به شدت این گونه‌اند، در مقایسه با ۸۶ درصدی که از یهودی بودن خود به شدت خشنودند... ۶۳ درصد... به صراحت تأیید می‌کنند که یهودیان قوم برگزیده‌اند (و تنها ۱۸ درصد در عمل با این موضوع مخالف هستند).»

### نفوذ سیاسی یهودیان فراتر از تعداد آنهاست

... همان‌طور که ویل ماسلو، مشاور کل کنگره یهودیان آمریکا [در کاب ساختار و کارکرد جامعه یهودیان آمریکا] نوشت، وقتی یهودیان ثروتمندترین گروه کشور هستند، تنها می‌توان انتظار داشت که:

«در صد یهودیانی ... که به عنوان سیاست‌گذار و جمع‌کننده اعانه در امور حزبی وارد می‌شوند، به احتمال از تمام دیگر گروه‌های نژادی، مذهبی و قومی بیشتر است. بنابراین یهودیان در حیات سیاسی کشور اهمیت و اعتباری بسیار فراتر از نسبتشان از جمعیت سراسری دارند.»

### یهودیان در سنای ایالات متحده:

باربارا باکسر (دموکرات - کالیفرنیا)

راس فینگلر (دموکرات - ویسکانسین)

هرب کوهل (دموکرات - ویسکانسین)

کارل لوین (دموکرات - میشیگان)

آrlen اسپکتر (جمهوریخواه - پنسیلوانیا)

جو لیرمن (دموکرات - کانکتیکات)

نورم کولمن (جمهوریخواه - مینه سوتا)

دایان فینستین (دموکرات - کالیفرنیا)

فرانک لوتنبرگ (دموکرات - نیوجرسی)

چارلز شومر (دموکرات - نیویورک)

رُن وايدن (دموکرات - اورگون)

### یهودیان در مجلس نمایندگان ایالات متحده:

گری آکرمن (دموکرات - نیویورک)

## ۱۹۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

هوارد برمن (دموکرات - کالیفرنیا)

بن کاردین (دموکرات - مریلند)

رام امانوئل (دموکرات - ایلینویز)

باب فیلنر (دموکرات - کالیفرنیا)

تام لانتوس (دموکرات - کالیفرنیا)

نیتا لوی (دموکرات - نیویورک)

استیو راتمن (دموکرات - نیوجرسی)

ژان چاکوفسکی (دموکرات - ایلینویز)

دبی واسمن چالز (دموکرات - فلوریدا)

براد شرمن (دموکرات - کالیفرنیا)

آنونی وینر (دموکرات - نیویورک)

شلی برکلی (دموکرات - نوادا)

اریک کانتور (جمهوریخواه - ویرجینیا)

سوزان دیویس (دموکرات - کالیفرنیا)

الیوت انگل (دموکرات - نیویورک)

بارنی فرانک (دموکرات - ماساچوست)

استیو اسرائیل (دموکرات - نیویورک)

ساندر لوین (دموکرات - میشیگان)

جرولد نادر (دموکرات - نیویورک)

برنی ساندرز (مستقل - ورمانت)

آدام شیف (دموکرات - کالیفرنیا)

آلیسون شوارتز (دموکرات - پنسیلوانیا)

هنری واکسمان (دموکرات - کالیفرنیا)

رابرت وکسلر (دموکرات - فلوریدا)

**آرایی به میزان تقریبی دو برابر جمعیت**

يهودیان ۱۰/۶ درصد جمعیت ایالت نیویورک را تشکیل می‌دهند. آنها با ۱۰۰ هزار نفر در ناحیه برگن و ۹۵ هزار نفر در ناحیه اسکس، ۵/۹ درصد جمعیت نیوجرسی را تشکیل می‌دهند. يهودیان ۴/۸ درصد جمعیت منطقه کلمبیا را تشکیل می‌دهند. آنها با ۲۲۵ هزار نفر فقط در شهر میامی، ۴/۷ درصد جمعیت فلوریدا را تشکیل می‌دهند. با ۱۰۰ هزار نفر در نواحی مونت گامری و پرینس جورجس، ۴/۶ درصد جمعیت مریلند؛ و با ۱۷۰ هزار نفر در بوستون، ۴/۳ درصد جمعیت بالتمور را تشکیل می‌دهند.

شاید يهودیان تنها ۳/۲ درصد اهالی کالیفرنیا را تشکیل بدهند، اما ۵۰۰۸۷۰ یهودی در ناحیه لس‌آنجلس هستند و ۷۵ هزار یهودی تقریباً ۱۰ درصد جمعیت سان فرانسیسکو را تشکیل می‌دهند. در فیلادلفیا (پایتخت ایالت پنسیلوانیا) ۲۹۵ هزار یهودی و در شهر بزرگ‌تر شیکاگو ۲۵۳ هزار یهودی زندگی می‌کنند.

از آنجا که يهودیان تحصیلکرده‌ترین طبقه رأی دهنگان هستند، نسبت شرکت آنها در انتخابات بیشتر از تمامی گروه‌های قومی و مذهبی دیگر است. نو و دو درصد کل يهودیان در انتخابات سراسری رأی می‌دهند، در حالی که تنها ۵۴ درصد کل جمعیت در انتخابات سراسری رأی می‌دهند. شاید تنها ۱۰/۶ درصد جمعیت ایالت نیویورک، یهودی باشند، اما ۱۶ تا ۲۰ درصد رأی دهنگان را تشکیل می‌دهند. نکته مهم‌تر اینکه در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات ایالت نیویورک، در آوریل ۱۹۸۴ که بیش از ۴۱ درصد آرای موندال از يهودیان بود، سی درصد کل رأی دهنگان یهودی بودند. آنها در انتخابات شهرداری‌ها، نزدیک به ۵۰ درصد رأی دهنگان انتخابات مقدماتی حزب دموکرات را تشکیل می‌دهند.

**يهودیان بر قدرت رأی دهی خود می‌افزايند.**

هرچند يهودیان اقلیت کوچکی را تشکیل می‌دهند، اما از حق رأی خود استفاده می‌کنند و

## ۱۹۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بدین ترتیب بر قدرت رأی دهی خود می‌افزایند. حدود ۸۰ درصد یهودیان واجد شرایط ایالات متحده برای رأی دهی ثبت‌نام کرده‌اند، حال آنکه این رقم در میان کل بزرگ‌سالانی که به سن رأی رسیده‌اند، ۵۰ درصد است. افزون بر این، احتمال شرکت یهودیان ثبت‌نام کرده در رأی‌گیری دو برابر است. این دو عامل در مجموع قدرت رأی دهی یهودیان را سه برابر می‌کند. افزون بر این، ۹۱ درصد یهودیان تنها در نه ایالت زندگی می‌کنند، و این موضوع آنان را به جبهه سیاسی مهمی، به خصوص در سطح ملی، تبدیل می‌کند. این نه ایالت ۲۰۲ رأی از ۵۳۵ رأی مجمع انتخاب کنندگان را به خود اختصاص می‌دهند. از این رو، جمعیت یهودیان می‌تواند در هریک از انتخابات تنگاتنگ ریاست جمهوری، رأی تعیین کننده‌ای داشته باشد.

### تمرکز جمعیت یهودیان و درصد آنها از کل رأی دهنندگان

ایالت‌ها	درصد یهودیان	درصد از کل رأی دهنندگان
نیویورک	۹٪	۱۸/۳
نیوجرسی	۵/۵	۹/۹
فلوریدا	۴/۷	۸/۲
ماساچوست	۴/۵	۸/۳
مریلند	۴/۳	۸/۱
کانتیکات	۳/۰	۶/۲
کالیفرنیا	۳/۰	۶/۲
پنسیلوانیا	۲/۷	۴/۹
ایلینویز	۲/۳	۳/۹

### کمیته‌های سیاسی فعال یهودیان (PACs)

آنچه ذکر می‌شود، فهرست کاملی نیست، اما تصویری روشنگر از کمیته‌های سیاسی فعال (PACs) به عنوان بخشی از حوزه نفوذ یهودیان در آمریکای امروز ارائه می‌دهد. تاحدودی نام تمام آنها کاملاً بی‌خطر است و ماهیت یهودی یا طرفدار اسرائیل آنان را نشان نمی‌دهد.

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۹۷

در واقع، بیشتر (یا شاید تمام) این کمیته‌ها به دنبال انتخاب نامزدهای طرفدار اسرائیل هستند و مجموع نفوذ آنها انباشت حیرت‌انگیز قدرت سیاسی و مالی را نشان می‌دهد.

با اینکه بیان این فهرست طولانی و به ظاهر کم اهمیت در ابتدا هدر دادن صفحه‌های کتاب به نظر می‌رسد، اما به یاد داشته باشید این کمیته‌ها (که چنین گسترده در سراسر آمریکا پایگاه دارند) مدت‌هاست همکاری دارند تا نامزدهای مورد نظرشان انتخاب شوند. البته همه آنها می‌گویند «مستقل» از یکدیگرند، اما آنها گفتند و ماهم باور کردیم!

پک سراسری (واشنگتن، دی‌سی)

کمیته عمل مشترک در امور سیاسی (ایلینویز)

کمیته عمل سیاسی سازمان یافته شهروندان (کالیفرنیا)

کمیته حزبی دزرت (آریزونا)

پک دلور ولی (پنسیلوانیا)

پک بیست و چهارمین بخش کنگره کالیفرنیا

پک هادسون ولی (نیویورک)

کمیته پایتخت تگزاس

پک است میدوود (نیویورک)

بال پک (ایلینویز)

پک کانکتیکات

پک شهر (ایلینویز)

پک ساحل طلایی (فلوریدا)

کمیته انتخابی ناحیه آرینچ (کالیفرنیا)

شهروندان خلیج جنوب برای حکومت شرافتمدانه (کالیفرنیا)

آیس پک (نیویورک)

تو پک (ایلینویز)

#### ■ ۱۹۸ اور شلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

پک لانگ آیلند (نیو یورک)

کمیته عمل دولت (تگزاس)

یک ناحیہ کنگز (نویورک)

یک اشن، استیت (رُود آیلند)

کمیته تنسی های دولت بهتر

کمیته امنیتکاری‌ها برابر کنگره بهتر (ایلینویز)

کمیته اهالی کارولینای جنوبی، برای دولت انتخابی،

یک سیلو ر استیت (نوادا)

کمیتہ انسجام دولت (تگز اسر)

بچہ یک (ویسکانسین)

### کمیته حزبی، فلوریدای جنوبی

سافولک پک (نیو یورک)

## یک آمریکایی های جوان (کالیفرنیا)

پک سیاتل (ایالت واشنگٹن)

کمیته یو دجه یر ای آزادی (واشنگتن، دی سی)

چاپک (میسوری)

## کمیته سیاسی، مدیریت احداث والترز (کلورادو)

گاردن پک (نیوجرسی)

پک نیوجرسی شمالی (نیوجرسی)

## کمیته آمریکایان برای شهروندی بهتر (نیویورک)

ای جو پک (آپوا)

پک ناحیہ جنوبی تگزاس

پک شمال شرقی پنسیلوانیا

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۱۹۹

هریتیچ پک (ماساقوست)

چپک / سازمان غیرانتفاعی ایلینویز

کمیته می‌سی‌سی‌بی، برای دولت پاسخگو

کمیته کنگره فلوریدا

کمیته سنت لوئیزینی‌ها برای دولت بهتر

پک میزگرد (نیویورک)

کمیته سان فرانسیسکویی‌ها برای حکومت شرافتمدانه

کمیته آمریکایی‌ها برای حکومت شرافتمدانه (آلاباما)

کمیته عمل سراسری (فلوریدا)

کمیته سیاسی زنان هالیوود

پک مید - منهتن

کمیته شهروندان مراقب منافع ملی (ایلینویز)

کمیته سیاسی شهروندان ذینفع آریزونا

مو پک (میشیگان)

گاردن استیت پک (نیوجرسی)

پاسیفیک پک (کالیفرنیا)

کمیته عمل کنگره ماساقوست

کمیته عمل کنگره تگزاس

پک چند موضوعه (ایلینویز)

پک لوئیزیانا برای امنیت آمریکا

پک سراسری زنان طرفدار اسرائیل (واشنگتن، دی‌سی)

کمیته شهروندان جورجیا برای حکومت شرافتمدانه

کمیته ۱۸ (کلورادو)

۲۰۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

کمیته شیکاگویی‌ها برای تقویت کنگره (ایلینویز)

پک جامعه سن دیگو (کالیفرنیا)

هارتلند پک (واشنگتن، دی‌سی)

پک تی اکس (تگزاس)

کمیته دفاع از میراث خود (ایلینویز)

پک سنت لوئیس

کانون حکومت شرافتمدانه ناحیه ساکرامنتو

کمیته دین و تساهل (واشنگتن، دی‌سی)

پک شرکت آدلر گروپ (فلوریدا)

کمیته حکومت شرافتمدانه آر آر دی آند بی (واشنگتن دی‌سی)

بی پک (فلوریدا)

کانون شهروندان بیدار مریلند

کمیته مبارزه برای آمریکا (نیوجرسی)

پک پنج شهر (نیویورک)

کپ پک (واشنگتن، دی‌سی)

پک لور وستچستر (نیویورک)

کمیته آزادی اکنون (کالیفرنیا)

کمیته عمل سیاسی جنوب غربی (نیو مکزیکو)

کمیته ساحل بارباری (کالیفرنیا)

پک ایالتی (نیویورک)

پک پنسیلوانیا

ویلامت پک (اورگون)

سوث - بروک پک (نیویورک)

### پک بسیج (نیویورک)

باورگردنی نیست که حتی این فهرست هم کامل نیست! اما به یقین این فهرست نمونه گویایی است که نشان می‌دهد چگونه صهیونیست‌ها با زیرکی کمیته‌ها (پک‌های) خود را زیر عناوین بی‌خطر، پنهان کرده‌اند. پک‌ها می‌آیند و می‌روند، اما پک‌هایی که گرایش یهودی دارند از پایدارترین پک‌ها بوده‌اند. نکته شگفت‌آور اینکه چنین سازمان‌های پرنفوذ سیاسی‌ای در عمل پس از رسایی و اترگیت در دوره‌ای که جو «اصلاحات» حاکم بود، پدیدار شدند.

از نفوذ فزاینده پک‌ها در می‌یابیم که نتیجه «اصلاحات» پس از واترگیت نهادینه شدن قدرت سیاسی یهودیان در صحنه آمریکا بود به شکلی که شاید پیش از آن هرگز ایجاد نشده بود.

### مهاجران اسرائیلی و جرایم سازمان یافته

بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۹، ۹۶۵۰۴ شهروند اسرائیلی به عنوان مهاجران قانونی در آمریکا پذیرفته شده‌اند. به طور تخمینی حدود ۲۳ هزار نفر مهاجر غیرقانونی هستند. یهودیان متولد اسرائیل از سال ۱۹۶۶ تاکنون اکثربت، و از سال ۱۹۷۸ تاکنون حدود ۷۵ درصد این تعداد را تشکیل داده‌اند. جریان مهاجرت هرساله حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است. هم اکنون حدود ۲ درصد از یهودیان آمریکا سابقاً اسرائیلی بوده‌اند.

سه چهارم آنان در نیویورک، نیوجرسی، ایلینویز یا کالیفرنیا زندگی می‌کنند و اغلب در نواحی تجمع یهودیان ساکن هستند. بیش از ۷۰ درصد آنان افراد متخصص و کارمندان اداری هستند، اما حدود ۵ درصد در مشاغل خدماتی، به خصوص راننده تاکسی و گاهی صاحب آژانس هستند.

در معرض دید بودن این مشاغل، موجب شده است تا عموم مردم تصور کنند بیشتر مهاجران از طبقه‌های پایین هستند. با این همه، یک عامل باعث بدینی شدید درباره یهودیان

## ۲۰۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

شده است. در ۲۹ آوریل ۱۹۸۴ روزنامه اورشلیم پست گزارش داد بنابر ارزیابی کمیته قضایی سنا ایالات متحده «تقریباً ۱۰۰۰ نفر، در صدها فعالیت تبهکارانه سازمان یافته» شرکت دارند. فعالیت‌های آنان در نیویورک، کالیفرنیا و دیگر مناطق روبه افزایش است و شامل: «تخلفات بیمه، اسکناس تقلبی، کلاهبرداری، اخاذی، معامله مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و آدمکشی» می‌شود... این اسرائیلی‌ها به شدت در کار واردات و توزیع مواد مخدر، بویژه کوکائین و هروئین فعال هستند.

### يهودیان و حزب کمونیست ایالات متحده

در این زمینه آمار دقیقی وجود ندارد، اما بی‌شک نسبت یهودیان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا از تمامی جوامع قومی دیگر بیشتر بوده است. می‌توان با اطمینان تخمین زد که از اوآخر دهه ۱۹۳۰ تا اواسط دهه ۱۹۴۰، ۴۰ تا ۵۰ درصد اعضای این حزب یهودی بوده‌اند.

### زنان یهودی، پیش‌پیش زنان غیریهودی

یک بررسی در سال ۱۹۹۰ نشان داد ۷۸ درصد مردان یهودی بیست و پنج ساله به بالا تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، در حالی که تنها ۴۲ درصد تمام مردان سفیدپوست چنین بوده‌اند. ۶۵ درصد مردان یهودی در مقابل ۵۷ درصد تمام مردان سفیدپوست، از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودند. ۳۲ درصد (از یهودیان) در مقابل ۱۱ درصد تمام مردان سفیدپوست، کارهای دانشگاهی می‌کردند. زنان یهودی نیز از نظر تحصیلات از غیریهودیان بسیار جلوتر بوده‌اند و ۶۰ درصد آنان در دانشگاه حضور یافته‌اند، در حالی که ۳۴ درصد تمام زنان سفیدپوست چنین کرده‌اند. شاید این موضوع نشان دهد که چرا تعداد بسیاری از زنان یهودی، پیشگامان جنبش فمنیسم بودند... براساس شماره آوریل ۱۹۹۹ مجله بیوگرافی، ۵۰ درصد از «زن قدرتمند اول» یا یهودی بودند یا پدر و مادر یهودی داشتند.

### باشگاه مخفی میلیاردرهای یهودی

ماه می ۱۹۹۸، مجله وال استریت ژورنال گزارشی داشت از «باشگاه مخفی و به نسبت سازمان یافته بیست تن از ثروتمندترین و پرنفوذترین تاجران یهودی آمریکا» به نام «گروه مکا» یا «گروه بررسی». لسلی وکسنر، رئیس شرکت لیمیتد، و چارلز برونفمن، از رؤسای شرکت سیگرام، این گروه را در ۱۹۹۱ پایه‌گذاری کردند.

اعضای این گروه سالانه دوبار به مدت دو روز در چند سمینار درباره انسان‌دوستی و یهودیان شرکت می‌کنند. این گروه در مواجهه با پیر شدن نسل مهاجر، خاطره رو به فراموشی هولوکاست و نرخ بالای ازدواج‌های فامیلی، تلاش دارند که هم فعالیت‌های انسان‌دوستانه و هم هویت یهودی را زنده نگه دارند. این جامعه که از افراد بسیار ثروتمند تشکیل شده است به اعضاش کمک می‌کند تا برای نیل به اهداف شخصی خود، همکاری کنند و از موفقیت‌ها و مشکلات یکدیگر باخبر شوند. نشست‌های شبکه‌ای در ادیان دیگر نیز وجود دارد، اما در آنها تعداد ناچیزی از تاجران تراز اول حضور دارند. اعضای گروه مگا زندگی بی‌سر و صدایی دارند، زیرا نمی‌خواهند در رقابت با مؤسسه‌های مسلط یهودی، قرار بگیرند. آنها پروژه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کنند که به گمانشان موجب تغییر در اوضاع می‌شود. برای مثال: حمایت از مدارس روزانه یهودیان، یا برنامه‌هایی مثل «پروژه حق طبیعی» که هر یهودی جوانی را که در این سیاره به دنیا آمده باشد، در صورت تمایل خودش، به اسرائیل می‌فرستد. اعضای این گروه عبارت است از: استیون اسپلبرگ از شرکت دریم ورکز (Dreamworks) لاورنس تیش، رئیس شرکت لووس (Lowes) ماروین لندر غول، شیرینی‌پزی، لئونارد آبرامسون، مؤسس مراقبت‌های بهداشتی ایالات متحده و لستر کرون، سرمایه‌گذار و یکی از صاحبان تیم شیکاگو بولز.

### «نرخ خود اشتغالی دو برابر»

در مجموع، نرخ خود اشتغالی یهودیان آمریکا دوبرابر دیگر گروه‌های قومی ایالات متحده است. این نسبت شبیه نسبتی است که در بریتانیای کبیر و اروپا وجود دارد. تنها ۴ درصد

## ۲۰۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

مهاجران لانوسی و پورتوريکویی سرمایه‌گذار و کارآفرین هستند. مهاجران کره‌ای و اسرائیلی، با میزان ۳۰ درصد، در صدر قرار دارند. این جریان سرمایه‌گذاری برای موفقیت یهودیان بسیار مهم است؛ زیرا ۸۰ درصد میلیونرهاي آمریکا خودساخته هستند و ثروتشان را از راه ارث به دست نیاورده‌اند.

### يهوديان وال استريت

فهرست کوتاهی از یهودیان فعال و مشهور وال استریت:

- جورج سوروس - سرمایه‌گذار ارز، کالا و سهام در جهان.
- کارل ایکاهن - سرمایه‌گذار و دلال سهام، صاحب شرکت‌های USX، TWA، شرکت هواپیمایی کانتیننتال، شرکت آرجی آر نیسکو.
- لاورنس تیش - سرمایه‌گذار و دلال سهام، صاحب سینما و هتل‌های لووس (Lowes)، شرکت CBS یادداشت: [این شرکت اکنون منحل شده است].
- باری دیلر - رئیس شبکه‌های یواس‌ای، صاحب شبکه خرید منزل و شرکت تیکت مستر.
- مایکل بلومبرگ - مؤسس و صاحب خبرگزاری مالی بلومبرگ الپی [اوی اکنون شهردار نیویورک است].
- رُن پرلمان - کارشناس خرید سهام، صاحب شرکت رولون، مک اندر و اند فوریز و شرکت‌های دیگر.
- ستفورد ویل - از رؤسای سیتی گروپ، صاحب گروه سالومون، اسمیت بارنی و مسافران.
- آبی کوهن - استراتژیست بسیار پر طرفدار، شرکت گلدمان ساچس گروپ.
- آلن گرینزپن - رئیس شرکت فدرال رزرو، نرخ‌های سود بانکی آمریکا را تعیین می‌کند.
- آلن «ایس» گرینبرگ - رئیس شرکت بیر استرنز.

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۰۵

- استفان شوارزمن - مؤسس بلک استون گروپ و شرکت سرمایه‌گذاری بانکی.
- هاروی گلوب - رئیس آمریکن اکسپرس.
- سول استینبرگ - رئیس شرکت ریلاینس، سرمایه‌گذار.
- آشر ادلمن - نویسنده مقاله‌های مالی تأثیرگذار در نشریه بارونز.
- لوئیس راکیسر - مجری شوخ طبع برنامه «هفتة وال استریت» در شبکه PBS (رادیو - تلویزیون عمومی)

### «اربابان» اینترنت؟

در جولای ۱۹۹۸ فوربز درباره اینترنت در یکی از مقاله‌ها با عنوان «اربابان جهان نو» اشاره کرده است که: چهارده رهبر با هم در گسترش ناگهانی اینترنت نقش داشته‌اند. تحقیقات نشان داد از این میان ۴ نفر (۳۰ درصد) یهودی بوده‌اند.

### خواهران پرمهر یهودی

نمونه بارز سخنرانی صادقانه یهودیان، دکتر روث وستیمر (با نام دوشیزگی کارولا روث سیگل) است... آیا دکتر روث تنها کسی است که [نصیحت‌های خواهرانه و جنسی] به مردم آمریکا عرضه می‌کند؟ به هیچ وجه. دکتر جویس برادرز و دکتر لورا شلسینگر در رادیو و تلویزیون و آن لاندرز (استر پولین فریدمن لدرر) و خواهر دوقلوی او آیگل «آبی عزیز» ون بارن (پولین استر فریدمن فیلیپس) در نشریه‌ها، همه از این راه کسب درآمد می‌کنند.

### تأثیری وسیع و دائمه‌دار

يهودیان مؤسس هالیوود و استودیوهای بزرگ و ویژه آن بوده‌اند. حضور یهودیان در سینما، بیش از یک موفقیت است؛ این موضوع پایه و اساس تأثیر نامتناسبی است که یهودیان در شکل دادن به فرهنگ عامه آمریکا داشته‌اند. این تأثیر به فیلم‌های سینمایی ختم نمی‌شود، زیرا صنعت فیلم‌سازی در عمل صنعت تلویزیون را پدید آورد.

## ۲۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

دوران استودیوهای بزرگ سپری شده است، اما تأثیر یهودیان در هالیوود همچنان باقی است. استیون اسپیلبرگ، دیوید جفن و جفری کاتزنبیرگ، صاحبان شرکت دریم ورکز (Dreamworks) با هم ۵ میلیارد دلار برای پشتیبانی خود دارند. سامنر رداستون، که از راه شرکت وایاکام (Viacom) صاحب شرکت پارامونت پیکچرز است، زمانی در صد بزرگی از کلمبیا پیکچرز و فاکس قرن بیستم را در تصرف داشت.

مایکل ایسنر، استودیوی دیزنی را مدیریت می‌کند که در دوران والت به طرز شگفت‌آوری یهودیان را نپذیرفت. شرکت سیگرام ادگار برونفمن صاحب استودیوهای جهانی است. مایکل اوتیز مدیر برنامه چهره‌های مشهور است...

افزون بر رؤسای شرکت‌ها، تعداد زیادی از مردم یهود در صنعت تفریح و سرگرمی شرکت دارند. این امر بخشی از یک طرح بزرگ نیست، اما وقتی یک گروه قومی در یک صنعت خاص، موقتی و نقش مهمی را کسب کند که یهودیان در سینما داشته‌اند، آنگاه نفوذ، رابطه‌ها و قدرت آن گروه، تأثیر وسیع و دامنه‌داری خواهد داشت و دیگر هنرپیشگان، نویسنده‌گان، تدوین‌گرها، تکنیسین‌ها، کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌گان یهودی دنباله‌رو آنان می‌شوند...

## يهودیان و اخبار؛ «جامعه‌ای یکپارچه»

نفوذ یهودیان در تلویزیون نیز مانند نفوذشان در سینما آشکار است. در میزهای خبری تلویزیون، یهودیان مقابله دوربین حضور قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. آنان به عنوان خبرنگار، درباره اعتقادهای دینی و فرهنگی خود در گزارش‌هایشان بحث نمی‌کنند، اما قدرتشان چشمگیر است. زیرا بر جهانی‌ترین ما به عنوان مردم آمریکا تأثیر می‌گذارند و به افکار ما شکل می‌دهند... تهیه کننده‌گان اخبار تلویزیونی حتی از گزارشگران نیز تأثیرگذارتر هستند؛ زیرا آنها تصمیم می‌گیرند که چه خبرهایی، به چه ترتیبی و به چه مدتی پخش شود. تعداد نامتناسبی از این افراد نیز یهودی هستند....

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۰۷

در یک دوره در دهه ۱۹۸۰، تهیه کنندگان اجرایی هر سه برنامه خبری عصر گاهی یهودی بودند. همان‌طور که در کتاب قدرت یهودیان [نوشته جی. جی. گلدبرگ، نقل شده در جایی دیگر - ویراستار] اشاره شده است: یهودیان «۵٪» کارکنان مطبوعات کثور را تشکیل می‌دهند (تقریباً برابر با سهم آنان از جمعیت سراسری)، یک چهارم نویسنده‌گان، سردبیران و تهیه‌کنندگان رسانه‌های تراز اول آمریکا، از جمله بخش خبر شبکه‌ها، هفته‌نامه‌های خبری مهم و چهار روزنامه اصلی یهودی هستند.

درصد بسیار بالای یهودیان در تلویزیون، چندین نسل ادامه داشته است، شاید به این دلیل که جامعه‌ای به نسبت کوچک و یکپارچه هستند. در یک نظرسنجی از رهبران خلاق تلویزیون، ۵۹ درصد گفتند که با اعتقادات یهودی پرورش یافته‌اند، در حالی که ۳۸ درصد هنوز خود را یهودی می‌دانستند.

### دو خانه، مسافت زیاد، شام در رستوران

بررسی سال ۱۹۹۳ مشترکین مجله اکسپونت، هفته‌نامه یهودیان فیلادلفیا، تصویر روشنی از ثروت یهودیان و همچنین مخارج آنان ارائه کرد. چنین بررسی‌هایی، به عمد غیرعلمی است، اما نتایج آن نشان می‌دهد که یهودیان [از نظر مالی] محافظه‌کار هستند. البته برای چیزهایی که برایشان ارزش داشته باشد، پول خرج می‌کنند:

- ۲۶/۱ درصد دوچانه داشتند.

- ۳۴/۷ درصد در دوازده ماه گذشته، به خارج از ایالات متحده سفر کرده بودند.

- ۴۹/۲ درصد در سی روز گذشته، ده بار یا بیشتر در رستوران شام خورده بودند.

- ۲۱ درصد عضو یک باشگاه سلامتی بودند.

### کسانی که می‌توانند کتاب بخزنند.

یهودیان خریداران اصلی کتاب‌های با جلد ضخیم هستند. آنها «۵۰ تا ۷۵ درصد فروش غیرسازمانی کتاب‌های پرحجم آمریکا را به خود اختصاص می‌دهند». حتی ۲۵ درصد هم

## ۲۰۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

سهم بسیار نامتناسبی از کل فروش کتاب است. کتاب‌های پر حجم، نسخه‌های گران‌تری است که پیش از کتاب‌های جلد نازک (که ارزان‌تر است) وارد بازار می‌شود و برای ناشران بیشترین سود را به همراه دارد. از این‌رو، خریداران یهودی آمریکایی برای صنعت نشر، بسیار مهم هستند.

### خرید کتاب‌های پر حجم

خواندن‌گران یهودی	میالگین سراسری	تعداد
%۷۰	%۱۹	خرید یک کتاب در ۱۲ ماه گذشته
%۳۹	%۱۳	۱ - کتاب
%۹	%۳	۶ - کتاب
%۱۷	%۳	۱۰ - کتاب یا بیشتر

### اسناد مالکیت و سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاران یهودی	میالگین سراسری	ارزش اسناد مالکیت
%۳۷	%۲۷	مالک سند (به هر ارزشی)
%۱۲	%۲/۱	۵۰ هزار تا ۹۹۹۹۹ دلار
%۳۸	%۱/۸	۱۰۰ هزار دلار یا بیشتر
%۲۴	نامعلوم	۱۰۰ هزار تا ۴۹۹۹۹ دلار
%۷	نامعلوم	۵۰۰ هزار تا ۹۹۹۹۹ دلار
%۷	نامعلوم	۱ میلیون دلار یا بیشتر

### یهودیان در فوربز ۴۰۰

ذکر نام تمام تاجران موفق یهودی آمریکا، اکنون غیرممکن است. اما یکی از ملاک‌های واضح موقیت، قرار گرفتن در فهرست فوربز ۴۰۰ است. لازمه قرار گرفتن در این فهرست (در اکتبر ۱۹۹۹) داشتن سرمایه خالص حداقل ۶۲۵ میلیون دلار بود. اشخاص یهودی ۲۳ درصد کل فهرست، ۳۶ درصد پنجاه نفر نخست و ۲۴ درصد میلیاردرها را تشکیل می‌دادند.

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۰۹

یعنی یازده، هجده و دوازده برابر درصد نسبی آنان از جمعیت سراسری آمریکا. این درصدها در فوربز ۴۰۰ با گذشت زمان ثابت مانده است، هرچند بازیگران هرساله تغییر می‌کنند. بررسی فهرست سال ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ توسط دیگران، ارقام مشابهی را نشان می‌دهد.

### يهودیان در فهرست فوربز ۴۰۰ (سال ۲۰۰۴)

آنچه ذکر می‌شود فهرستی از یهودیان آمریکاست که نامشان در فهرست فوربز ۴۰۰ (ثروتمندترین آمریکایی‌ها) در سال ۲۰۰۴ آمده است. شاید این فهرست کامل نباشد. زیرا همان‌طور که استیون سیلییگر نویسنده یهودی - آمریکایی درباره‌این فهرست‌ها یادآور شده است، به احتمال پاتزده نفر دیگر هم بوده‌اند که می‌شد در این فهرست بیانند؛ اما سابقه یهودی خود را محترمانه حفظ کرده‌اند.

(در انتهای فهرست اولیه، فهرست کوچکی است از افرادی که نامشان در فوربز ۴۰۰ سال ۲۰۰۴ آمده است و پیشینه قومی آنان نامعلوم یا مبهم است، ولی به احتمال، یهودی هستند).

برای نمونه، وارثان ثروت شرکت مارس کندي و امپراتوری هتل پریتزکر، چندین میلیارد دلار را در میان خود تقسیم کرده‌اند و در زمرة ثروتمندترین گروه‌های خانوادگی سراسر کره زمین، شده‌اند.

عددی که پس از نام هر فرد آمده است، جایگاه او را در فهرست فوربز ۴۰۰ نشان می‌دهد. البته باید توجه داشت که شاید چند نفر جایگاه یکسانی داشته باشند، و این به معنی آن است که اغلب در عمل بیش از ۴۰۰ نام در فهرست فوربز وجود دارد.

مایکل دل (۹)

شرکت رایانه‌ای دل

۱۴/۲ میلیارد دلار

۲۱۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

لاری الیسون (۱۰)

شرکت اوراکل (نرم‌افزار اینترنتی)

۱۳۷ میلیارد دلار

فورست ادوارد مارس پسر (۱۷)

شرکت کندی

۱۰ میلیارد دلار

ژاکلین مارس (۱۷)

شرکت کندی

۱۰ میلیارد دلار

جان فرانکلین مارس (۱۷)

شرکت کندی

۱۰ میلیارد دلار

سامنر رداستون (۲۰)

شرکت وایاکام، شرکت نشنال امیوزمتس

۸/۱ میلیارد دلار

کارل ایکان (۲۱)

سرمایه‌گذاری، خرید سهام

۷/۶ میلیارد دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۱۱

جورج سوروس (۲۴)

سرمایه‌گذاری، تجارت

۷/۲ میلیارد دلار

سی نیوهاوس (۲۵)

انتشارات ادونس

۷ میلیارد دلار

دانلد نیوهاوس (۲۵)

انتشارات ادونس

۷ میلیارد دلار

کیت روپرت مرداک (۲۷)

شرکت نیوز

۶/۹ میلیارد دلار

الی بروود (۲۸)

شرکت بیمه، معامله‌های املاک

۶ میلیارد دلار

ماروین دیویس (۳۰)

معامله‌های املاک، شرکت نفت

۵/۸ میلیارد دلار

۲۱۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

میکی آریسون (۳۳)

شرکت سیاحتی کارنیوال کروز لاینز

۵۸۳ میلیارد دلار

مایکل بلومبرگ (۳۴)

خبرگزاری بلومبرگ

۵ میلیارد دلار

دیوید جفن (۳۷)

شرکت دریم ورکز

۴/۴ میلیارد دلار

دانلد برн (۳۸)

معامله‌های املاک کالیفرنیا

۴۳ میلیارد دلار

جف بزووس (۳۸)

شرکت آمازون

۴۳ میلیارد دلار

رونالد پرلمن (۴۰)

لوازم آرایشی رولون، سرمایه‌گذاری و کارخانه سیگار

۴/۲ میلیارد دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۱۳

سرگشی برین (۴۳)

گوگل

۴ میلیارد دلار

لاری پچ (۴۳)

گوگل

۴ میلیارد دلار

خانواده لستر کرون (۵۳)

شرکت جنرال دینامیکس

۳/۶ میلیارد دلار

لئونارد لادر (۵۵)

لوازم آرایشی استی لادر

۳/۲ میلیارد دلار

موریس گرینبرگ (۵۹)

شرکت بیمه

۳/۱ میلیارد دلار

شلدون آدلسون (۶۰)

نمایشگاه‌های رایانه‌ای، کازینو

۳ میلیارد دلار

۲۱۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

پرستون تیش (۶۰)

شرکت لووس؛ تلویزیون CBS

۳ میلیارد دلار

لزلی وکسنر (۶۵)

شرکت لیمیتد برندز

۲/۹ میلیارد دلار

ویلیام دیویدسن (۶۸)

صنایع گاردین (تولید شیشه)

۲/۸ میلیارد دلار

رلف لارن (۷۲)

پوشاک، مُد

۲/۷ میلیارد دلار

استیون اسپلیبرگ (۷۴)

سینما

۲/۶ میلیارد دلار

لنووارد استرن (۷۹)

شرکت هارتز مونتین

۲/۵ میلیارد دلار

ادگار بروتفمن پدر (۷۹)

شرکت سیگرام، تایم - وارنر و ...

۲/۵ میلیارد دلار

سام زل (۸۷)

معامله‌های املاک و سرمایه‌گذاری

۲/۴ میلیارد دلار

رونالد برکل (۹۲)

سوپر مارکت و سرمایه‌گذاری

۲/۳ میلیارد دلار

لئونا هلمسلی (۹۷)

معامله‌های املاک نیویورک

۲/۲ میلیارد دلار

هیم سابان (۹۷)

تلوزیون

۲/۲ میلیارد دلار

رونالد لادر (۱۰۲)

لوازم آرایشی استی لادر

۲/۱ میلیارد دلار

۲۱۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

لنوور آنبرگ (۱۰۶)

تی‌وی گاید، انتشارات تریانگل

۲ میلیارد دلار

بروس کاونر (۱۰۶)

شرکت کاکسون، سرمایه‌گذاری

۲ میلیارد دلار

برنارد مارکوس (۱۰۶)

شرکت هوم دیپات

۲ میلیارد دلار

استفان ای. کوهن (۱۰۶)

بانک سرمایه‌گذاری

۲ میلیارد دلار

میچل ریلز (۱۱۸)

شرکت داناهر

۱/۹ میلیارد دلار

استیون ریلز (۱۱۸)

شرکت داناهر

۱/۹ میلیارد دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۱۷

لزلی گوندا (۱۱۸)

شرکت مالی ایترنشنال لیس

۱/۹ میلیارد دلار

اس. دانیل آراهام (۱۲۴)

شرکت تغذیه‌ای اسلیم - فست دایت

۱/۸ میلیارد دلار

توماس جی. پریتزکر (۱۴۲)

هتل، سرمایه‌گذاری

۱/۷ میلیارد دلار

استنلی دراکن ملیر (۱۴۲)

سرمایه هج

۱/۷ میلیارد دلار

تام تی. گورس (۱۴۲)

خرید با سرمایه استقراضی

۱/۷ میلیارد دلار

ادوارد اس. لمپرت (۱۴۲)

سرمایه‌گذاری

۱/۷ میلیارد دلار

۲۱۸ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

پنی پریتزکر (۱۵۲)

هتل، سرمایه‌گذاری

۱/۶ میلیارد دلار

ملوین سیمون (۱۵۲)

معامله‌های املاک

۱/۶ میلیارد دلار

پیتر بی. لوئیس (۱۵۲)

شرکت پروگرسیو (بیمه اتمیل)

۱/۶ میلیارد دلار

مورتیمر زوکرمن (۱۵۲)

نشریه یو.اس. نیوز اند ورلد ریپورت و معامله‌های املاک

۱/۶ میلیارد دلار

سیدنی فرانک (۱۵۲)

تولید مشروب

۱/۶ میلیارد دلار

هنری ساموئلی (۱۶۵)

شرکت بروڈکام

۱/۵ میلیارد دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۱۹

آنتونی پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

دانیل پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

جیمز پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

جی رابرت پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

جین پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

جان ای. پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

■ ۲۲۰ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

کارن پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

لیندا پریتزکر (۱۶۵)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۵ میلیارد دلار

مایکل کراسنی (۱۶۵)

شرکت CDW

۱/۵ میلیارد دلار

هنری کراویس (۱۶۵)

خرید با سرمایه استقراضی

۱/۵ میلیارد دلار

جورج آر. رابرتс (۱۶۵)

خرید با سرمایه استقراضی

۱/۵ میلیارد دلار

لوئیس گوندا (۱۶۵)

شرکت مالی ایترنشنال لیس

۱/۵ میلیارد دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۲۱

دِرک زیف (۱۶۵)

انتشارات زیف دیویس (فروخته شده)

۱/۵ میلیارد دلار

دانیل زیف (۱۶۵)

انتشارات زیف دیویس (فروخته شده)

۱/۵ میلیارد دلار

جان جی. فیشر (۱۶۵)

شرکت گپ (پوشک)

۱/۵ میلیارد دلار

رابرت جی. فیشر (۱۶۵)

شرکت گپ (پوشک)

۱/۵ میلیارد دلار

ویلما استین تیش (۱۶۵)

شبکه CBS

۱/۵ میلیارد دلار

سانفورد ویل (۲۰۳)

شرکت سیتی گروپ (تراولرز گروپ)

۱/۴ میلیارد دلار

۲۲۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

آلفرد مان (۲۰۳)

مخترع و تاجر

۱/۴ میلیارد دلار

ارنست اس. رادی (۲۱۵)

سرمایه‌گذاری

۱/۳ میلیارد دلار

آلک گورس (۲۱۵)

خرید با سرمایه استقراضی

۱/۳ میلیارد دلار

باری دیبلر (۲۱۵)

شبکه‌های USA، شرکت تیکت مَستر

۱/۳ میلیارد دلار

مارک کوبان (۲۱۵)

Broadcast.com

۱/۳ میلیارد دلار

استفان وین (۲۱۵)

کازینو

۱/۳ میلیارد دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۲۳

نیکولاوس پریتزکر دوم (۲۳۴)

هتل و سرمایه‌گذاری

۱/۲ میلیارد دلار

آلن گری (۲۳۴)

شرکت کیبل ویژن (cablevision)

۱/۲ میلیارد دلار

نورما لرنر (۲۳۴)

وارث دارایی شرکت MBNA (کارت اعتباری)

۱/۲ میلیارد دلار

راندولف لرنر (۲۳۴)

وارث دارایی شرکت MBNA (کارت اعتباری)

۱/۲ میلیارد دلار

نانسی لرنر بک (۲۳۴)

وارث دارایی شرکت MBNA (کارت اعتباری)

۱/۲ میلیارد دلار

آرتور بلانک (۲۳۴)

شرکت هوم دیپات

۱/۲ میلیارد دلار

۲۲۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

توماس لی (۲۳۴)

خرید با سرمایه استقراضی

۱/۲ میلیارد دلار

مارک ریچ (۲۶۰)

تاجر کالا

۱/۱ میلیارد دلار

پنکوس گرین (۲۶۰)

تاجر کالا

۱/۱ میلیارد دلار

کارل برگ (۲۶۰)

معاملات املاک سیلیکون ولی

۱/۱ میلیارد دلار

هربرت سیگل (۲۸۰)

تلوزیون

۱/۱ میلیارد دلار

دانلد فیشر (۲۸۰)

شرکت گپ (پوشاک)

۱/۱ میلیارد دلار

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۲۵

دوریس فیشر (۲۶۰)

شرکت گپ (پوشک)

۱/۱ میلیارد دلار

مایکل میلکن (۲۷۸)

سرمایه‌گذاری

۱ میلیارد دلار

جرمی موریس جاکوبز پدر (۲۷۸)

امتیاز تیم‌های ورزشی

۱ میلیارد دلار

دیوید گاتسمان (۲۷۸)

سرمایه‌گذاری

۱ میلیارد دلار

نلسون پلتز (۲۷۸)

نوشابه استنالپ، خرید با سرمایه استقراضی

۱ میلیارد دلار

مایکل میلکن (۲۷۸)

شرکت دریکسل برنهم لمبرت، تجارت

۱ میلیارد دلار

۲۲۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ویلیام اس. فیشر (۲۷۸)

شرکت گپ (پوشاك)

۱ میلیارد دلار

جروم کولبرگ پسر (۲۷۸)

شرکت کولبرگ و کراویس اند رابرتس

۱ میلیارد دلار

آندریاس بچتوالشین (۲۷۸)

گوگل

۱ میلیارد دلار

نیل گری بلوم (۲۷۸)

معامله‌های املاک

۱ میلیارد دلار

مالکوم گلیزر (۲۷۸)

مراکز خرید

۱ میلیارد دلار

ماروین جی. هرب (۲۷۸)

بطری‌سازی (نوشابه‌های غیرالکلی)

۱ میلیارد دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۲۷

مایکل اف. پرایس (۲۷۸)

سرمایه‌گذاری

۱ میلیارد دلار

آرتور جی. راک (۳۱۵)

سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز

۱ میلیارد دلار

برنارد ای. اشر (۳۲۴)

بانکداری و سرمایه‌گذاری

۹۶۰ میلیون دلار

ایروین جاکوبس (۳۳۴)

شرکت کوالکام (مخابرات)

۹۳۰ میلیون دلار

هربرت ساندلر (۳۳۷)

بانکداری

۹۲۰ میلیون دلار

ماریون آ. ساندلر (۳۳۷)

بانکداری

۹۲۰ میلیون دلار

■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

آفراد تابمن (۳۴۰)

مراکز خرید

۹۰۰ میلیون دلار

گیلفورد گلیزر (۳۴۰)

معامله‌های املاک و مراکز خرید

۹۰۰ میلیون دلار

فیلیپ فراست (۳۵۲)

شرکت ایواکس

۸۵۰ میلیون دلار

لنون لوین

و خانواده (۳۶۱)

۸۴۰ میلیون دلار

پل باری فایرمن (۳۶۲)

شرکت ریبوک

۸۳۰ میلیون دلار

جري لنفست (۳۶۹)

ارتباط‌های کابلی

۸۰۰ میلیون دلار

فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۲۹

رابرت فریدلند (۳۶۹)

استخراج معدن

۸۰۰ میلیون دلار

نورمن هاسکو (۳۶۹)

سرمایه‌گذاری

۸۰۰ میلیون دلار

لول میلکن (۳۶۹)

سرمایه‌گذاری

۸۰۰ میلیون دلار

مارک بی. ناتانسون (۳۶۹)

تلوزیون کابلی، سرمایه‌گذاری

۸۰۰ میلیون دلار

ماکس مارتین فیشر (۳۸۳)

شرکت نفت ماراتن

۷۷۵ میلیون دلار

هارولد هانیکمن (۳۸۳)

بطری سازی پیسی

۷۷۵ میلیون دلار

۲۳۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ویلیام لوین (۳۸۹)

سیستم‌های فضای باز (تابلو آگهی شهری)

۷۵۰ میلیون دلار

والتر شورنستین (۳۸۹)

معامله‌های املاک سان فرانسیسکو

۷۵۰ میلیون دلار

استفان ال. بینگ و خانواده (۳۸۹)

ارث

۷۵۰ میلیون دلار

چک نش (۳۸۹)

سرمایه‌گذاری

۷۵۰ میلیون دلار

استفان شوارزمن (۳۸۹)

سرمایه‌گذاری

۷۵۰ میلیون دلار

آنچه در ادامه می‌آید، نام تعدادی از افرادی است که در فهرست فوربز ۴۰۰ سال ۲۰۰۴ آمده‌اند و پیشینه قومی آنان مشخص نیست، اما شاید یهودی باشند. مانند فهرست بالا، عددی که پس از نام افراد در پرانتز آمده است، رتبه آنها در فهرست است.

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۳۱

چارلز ارجن (۲۳)

شرکت اکو استار

۷/۳ میلیارد دلار

جورج جوزف (۲۷۸)

شرکت بیمه

۱ میلیارد دلار

کارل پولند (۹۲)

بانکداری

۲/۳ میلیارد دلار

فیلیپ رافین (۲۱۵)

کازینو، معاملات املاک

۱/۳ میلیارد دلار

گری مگنس (۳۴۹)

ارث

۸۷۵ میلیارد دلار

ویلیام اچ. گراس (۲۷۸)

اوراق قرضه

۱ میلیارد دلار

## ۲۳۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

فیلیپ اچ. نایت (۲۲)

شرکت نایک

۷/۴ میلیارد دلار

ویلبر ال. راس پدر (۲۷۸)

خرید با سرمایه استقراضی

۱ میلیارد دلار

اریک اشمیت (۱۶۵)

گوگل

۱/۵ میلیارد دلار

## آمریکا: بزرگترین موفقیت...

بزرگترین موفقیت در آمریکا به دست آمده است. یهودیان که تنها اندکی بیش از ۲/۵ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند، در تمامی حوزه‌هایی که اجازه وارد شدن داشته‌اند، به موفقیت‌های شگفت‌آور و نامتناسبی دست یافته‌اند... در صدمین سالگرد «دولت یهودی» [کتاب تنوور هرتزل] یک دولت یهودی پدید آمده که در آن دو یهودی [میکی کاتور و سر لون بریتان] به نمایندگی از دو جبهه تجاری (آمریکا و اتحادیه اروپا) در مذاکره‌های تجاری حضور دارند. همچنین دو نفر دیگر به عنوان وزیر کشور [مایکل هووارد] و وزیر امور خارجه [مالکوم ریفکایند] این کشور [انگلستان] فعالیت دارند، جایی که انگلیس زمانی گفته بود یهودیان باید همیشه یک ملت مجزا باقی بمانند و کارلیسل (Carlyle) امیدوار بود آنان به فلسطین رانده شوند.

یهودیت فرهنگ غرب را فرا گرفته است.

هر چند جمعیت یهودیان کشورهای غربی با کاهش شدید یا حتی زوال کامل مواجه شده

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۳۳

است، اما مسئله‌ای که زمانی شکایت دشمنان آنها را برانگیخت به واقعیت پیوسته است: یهودیت، فرهنگ غرب را فرا گرفته است.

فرهنگ عامه آمریکا (غیر از فرهنگ سیاه‌پوستان)، در قرن بیستم از هالیوود تا برادوی، از موسیقی شو تا طنز نیشدار، یهودی بوده است.

سرانجام به پایان مطالعه منابع یهودی و طرفدار صهیونیسم و تفسیر آنان (همراه با ارقام و اطلاعات فراوان و قطعی) درباره قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا می‌رسیم. لازم است چیز دیگری هم بگوییم، مطالبی که در اینجا به اختصار گرد آورده‌ایم، منظور ما را آشکار و واضح بیان نمی‌کند؟!

آیا هنوز تردیدی هست که یهودیان آمریکا قدرت عظیمی دارند و (برخلاف چیزی که رسانه‌ها اغلب به ما می‌گویند) این سخن «ترویج افسانه‌ها و شایعه‌های کهنه ضدیهودی» نیست؟ یهودیان افتخارهای زیادی دارند و در نشیوه‌های خود کاملاً آزادند که جایگاه ویژه‌شان در ایالات متحده را اعلام کنند و اطلاعات این کتاب، مهر تأییدی است بر جایگاه ویژه‌ای که به دست آورده‌اند.

### قضايا نهایی

چنان که در تاریخ ثبت شده است قدرت یهودیان در آمریکای امروز بیشتر از قدرت یهودیان هر کشوری در هر زمانی است.

پروفسور نورمن کانتور به شکل خلاصه قدرت گسترده یهودیان در آمریکای امروز را بیان کرده است. وی در کتاب بحث‌برانگیز «زنجهیره مقدس» که به دلیل صراحت، انتقادهای وسیعی از آن شد، می‌نویسد:

يهودیان در چهار دهه پس از ۱۹۴۰ وارد جامعه آمریکا شدند و در حومه شهرها ساکن شدند. آنها به محیط‌های دانشگاهی و دژهای ممتاز حرفه‌های تخصصی نفوذ کردند و وارد دنیای تجارت، سیاست و دولت شدند و بخش‌های مهم رسانه‌ها را در اختیار گرفتند. یهودیان

## ۲۳۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

به نسبت پنج یا شش برابر در حرفه‌های تخصصی حضور یافتند.

در ۱۹۹۴ یهودیان تنها سه درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دادند، اما تأثیر آنها برابر قومی بود که بیست درصد جمعیت (سراسری) را شامل شود. یهودیان در طول تاریخ هرگز به این حد از قدرت، ثروت و اهمیت دست نیافته‌اند. نه در اسپانیای مسلمان، نه در اوایل قرن بیستم آلمان و نه در خود اسرائیل به چنین اهمیتی نرسیده‌اند. زیرا در آن کشور کوچک، امکان دستیابی به این حد از ثروت و قدرت در مقیاس جهانی وجود ندارد.

کاتور در خاتمه می‌گوید: «مورگان‌ها، راکفلرها، هریمان‌ها، روزولت‌ها، کندی‌ها و غول‌های ادوار گذشته توسط یهودیانی جایگزین شدند که به موفقیت کامل رسیده‌اند....» همان طور که ملاحظه کردید، نظرهای یک استاد دانشگاه یهودی نیز واقعیت ارقام و اطلاعاتی که در صفحه‌های این کتاب آمده است را نشان نمی‌دهد: نخبگان یهودی از نخبگان قدیمی آمریکا پیشی گرفته‌اند و اکنون واقعاً بر آمریکا - اورشلیم جدید - حکومت می‌کنند.

### فیلسوفان صهیونیست امروز: «آمریکا اورشلیم جدید است.»

شاید در این تردید باشد که رهبران جامعه صهیونیست‌های آمریکا اکنون به ایالات متحده به عنوان اورشلیم جدید می‌نگرند، از این رو ضروری است ابتدا این نکته مهم انکار نشدنی را در نظر بگیریم:

امروز صهیونیست‌ها آشکارا اعلام می‌کنند که متقدان اسرائیل نه تنها ضدیهودی و ضداسرائیلی هستند، بلکه ضدمسیحی و ضدآمریکایی نیز هستند، و عقاید ضد اسرائیلی در واقع پایه و اساس ضد آمریکایی گری<sup>۱</sup> است و ضد آمریکایی گری نیز از عقاید ضداسرائیلی، ضدیهودی و ضدمسیحی قابل تفکیک نیست.

جان کلام اینکه آمریکا در واقع «اورشلیم جدید است» و آمریکا و اسرائیل یکی هستند.

---

1. anti-americanism

چنین نظری در بالاترین سطوح جنبش صهیونیسم، پرورده می‌شود و حتی هم اکنون در گفتمان عمومی آمریکا وارد شده است. بنابراین، تنها می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تمام این مطالب مهر تأییدی است بر نظریه‌ای که در این کتاب، بیان شده است.

این موضوع که «ضدآمریکایی گری» شکلی از مخالفت با اسرائیل است تا حدی درست است، زیرا بیشتر مردم جهان که نگران امپریالیسم جدید آمریکا هستند، به خوبی می‌دانند که این سیاست به واقع «آمریکایی گری» نیست، بلکه در عمل محصول قدرت‌های یهودی و سیاست‌گذاران آنها در مناصب بالاست که می‌خواهند بر آمریکا حکومت کنند، به خصوص در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش.

مثل همیشه یهودیان توانایی زیادی در تحریف واقعیت نشان می‌دهند تا بتوانند آن را با جهان‌بینی خاص خود هماهنگ کنند. مردم سراسر جهان «ضدآمریکایی» نیستند (به این معنا که آنها با مردم آمریکا مشکلی ندارند). در واقع، مردم سراسر جهان در تمام طبقه‌های جامعه، اغلب از خود آمریکایی‌ها بهتر می‌دانند که چه کسانی بر آمریکا حکومت می‌کنند؛ به نظر می‌رسد آنها نسبت به آمریکایی‌ها احساس ترحم می‌کنند که چرا اجازه داده‌اند اقلیت صهیونیست‌ها چنین بی‌رحمانه بر آنها تسلط پیدا کنند. از این رو «ضدآمریکایی گری» به معنایی که صهیونیست‌ها می‌خواهند باور کنیم، وجود ندارد.

همچنین باید به این نکته توجه کرد که مردم جهان با اصول دموکراسی و آزادی (هرقدر هم که این مفاهیم غیردقیق باشد) هیچ مشکلی ندارند. این نظر که بقیه کشورهای جهان «به استنای اسرائیل» به گونه‌ای «ضدآمریکایی» هستند، افسانه‌ای مخرب و خطرناک است که از سوی صهیونیست‌ها تبلیغ شده است تا آمریکایی‌ها را علیه هر کسی در جهان - که جرأت می‌کند قدرت صهیونیست‌های آمریکا را زیر سؤال برد - برانگیزاند.

از این رو، مفهوم «ضدآمریکایی گری» تا حد زیادی ساخته صهیونیست‌هاست. به دنبال حمله‌های تروریستی یازده سپتامبر و دوره‌ای که منجر به تجاوز کاملاً غیر عاقلانه آمریکا به عراق (با رهبری صهیونیست‌ها) در بهار ۲۰۰۳ شد، رسانه‌های تحت کنترل صهیونیست‌های

## ۲۳۶ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

آمریکا، شروع به جار و جنجال درباره «ضدآمریکایی‌گری» کردند. این حرکت پیامد نیاز فوری به برانگیختن یک «جنگ علیه تروریسم» در سطح جهانی (و به ظاهر بی‌پایان) بود که به گفته رئیس جمهور بوش و کارگزاران صهیونیستش، نبرد برای نابودی عراق از اجزاء ضروری آن بود.

در نتیجه دروغ‌ها و زبان تحریک‌آمیز دولت بوش و به همراه آن تحریف‌ها و اطلاعات نادرستی که در رسانه‌ها وجود داشت، آمریکایی‌های شرافتمند، صادق، محترم و میهن‌دوست، باور کردند که صدام حسین رهبر عراق در حمله‌های تروریستی یازده سپتامبر نقش داشته است و به این ترتیب جنگ علیه عراق توجیه شد. در پشتیبانی جنگ عراق، تبلیغات‌چی‌های صهیونیست و رسانه‌ها به شکل گسترده این پیام را در آمریکا ترویج کردند که «تمام جهان بر ضد ما بر ضد ماست» یا، به بیان دقیق‌تر، آن‌طور که رسانه‌ها می‌گفتند: «تمام جهان بر ضد ما آمریکایی‌های شرافتمند و دوستان شرافتمند ما، اسرائیلی‌ها (تنها متحد دموکراتیک ما در خاورمیانه و تنها متحد واقعی، راسخ و قابل اعتماد ما در سراسر کره زمین) هستند.»

به آمریکایی‌ها چنین تلقین می‌شد که «ضدآمریکایی‌گری» گسترش یافته است، با این هدف که آنها بر «ضد» کسانی قرار گیرند که از جنگ علیه صدام حمایت نمی‌کردند، جنگی که صهیونیست‌ها از آمریکایی‌ها می‌خواستند به نفع آنها انجام بدهند. به یک معنا، جنگ عراق ابزاری برای این سنجش بود که چه کسی حامی برنامه بزرگ‌تر و گسترده‌تر صهیونیست‌ها بود و چه کسی نبود؟

موضوع «ضدآمریکایی‌گری» هم اکنون توسط رسانه‌های صهیونیستی وارد مباحث عمومی شده است و اکنون صهیونیست‌ها «ضدآمریکایی‌گری» را در حکم مخالفت با منافع اسرائیل و یهودیان و حتی خود مسیحیت قرار داده‌اند و این موضوع به واقع شگفت‌انگیز است.

پذیرفتن یک چنین مبارزة گسترده تاریخی و جغرافیایی با پیامدهای آشکار و وسیع جهانی برای عموم مردم آمریکا دشوار است و این دقیقاً همان چیزی است که یکی از مطرح‌ترین «روشنفکران» صهیونیست در مقاله‌ای گستاخانه در شماره ژانویه ۲۰۰۵ مجله

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۳۷

کامتری (نشریه پر طمطران ولی واقع‌بین و صادق کمیته یهودیان آمریکا) اظهار کرد. دیوید گلرنتر، استاد دانشگاه ییل، در مقاله‌ای با عنوان «آمریکایی‌گری و دشمنان آن» می‌گوید: «آمریکایی‌گری» (دست کم آن‌طور که گلرنتر و دوستان صهیونیست‌هاش آن را تعریف می‌کنند) نسخه جدیدی از تفکر محافظه‌کارانه صهیونیست‌هاست که ریشه در کتاب مقدس دارد. به گفته او، بی‌شک آمریکا، اسرائیل جدید، اورشلیم جدید و در واقع جزیی از خود دولت اسرائیل است.

پیش از آنکه به بررسی جزئیات مقاله حیرت‌انگیز گلرنتر بپردازیم، باید بفهمیم این مقاله در چه محیطی پدید آمده تا اهمیت این نظریه را، دست کم در محافل با نفوذ و مؤثر آمریکا، یعنی محافل نخبگان صهیونیست، درک کنیم.

نظرهای گلرنتر در مجله کامتری ذکر شد. مجله‌ای که سال‌ها نورمن پاد هورتز (از نو محافظه‌کاران که «در گذشته تروتسکیست» بود) سردبیری آن را بر عهده داشت و هنوز هم قدرت پشت صحنه این نشریه است. این موضوع نکته‌های بسیاری را نشان می‌دهد. مجله کامتری، که به عنوان یکی از مهم‌ترین رسانه‌های مؤثر در هدایت سیاست خارجی دولت بوش شناخته می‌شود، بی‌شک یکی از اصلی‌ترین و سرسخت‌ترین طرفداران صهیونیسم در آمریکا و سراسر جهان است.

با آنکه گلرنتر یک متخصص رایانه است، اما نظرهای سیاسی او مرتب با بوق و کرنا در نیویورک تایمز و واشنگتن پست، و نشریه‌های طرفدار سرسخت اسرائیل، همچون نیورپاپلیک، نشان ریوبو و نشریه خانگی روپرت مرداک میلیاردر صهیونیست، یعنی ویکلی استاندارد، چاپ می‌شود. نشریه اخیر، از سوی ویلیام کریستول اداره می‌شود که شاید در حال حاضر مهم‌ترین مدیر تبلیغات رسانه‌ای و استراتژیست امور دولتی دیدگاه به اصطلاح «نو محافظه‌کار» است.

از این رو، باید سخنان گلرنتر را به دقت بررسی کرد، زیرا او جزیی از شبکه کریستول است و اختیار تام دارد که در مجله کامتری چنین نظرهای تحریک کننده‌ای منتشر کند.

امروزه گلنتر یکی از مبلغان صهیونیسم است و نوشه‌هایش مخاطبان گسترده‌ای دارد. بنابراین، با فهم نظرهای «نو محافظه‌کارانی» چون گلنتر، به فضای فکری جنبش افراطی صهیونیست‌ها در ایالات متحده و اسرائیل و سراسر جهان بی‌می‌بریم. زیرا بهترین تعریف از نو محافظه‌کاری شاید این باشد که اکنون با نفوذترین جریانِ دنیا چندوجه‌ی صهیونیسم است.

تاریخچه نو محافظه‌کاران (که در کتاب قبلی این مؤلف، کشیشان بزرگ‌تر جنگ، به تفصیل آمده است) از حوصله این بحث خارج است، اما توجه به این نکته ضروری است که ایروینگ کریستول، پدر ویلیام کریستول، به «پدر خوانده» جنبش نو محافظه‌کاری مشهور است و خودش، به عنوان یک کمونیست افراطی طرفدار تروتسکی، یکی از «روشنفکران نیویورک» بود – کانونی که در واقع خود را «خانواده» می‌نامید – و در زمانی که کامتری به یکی از قدرتمندترین رسانه‌های لابی اسرائیل تبدیل می‌شد، به عنوان مشاور پادهور تر فعالیت می‌کرد.

امروز، کریستول‌ها و پادهور تر – در کنار کسانی همچون گلنتر – از قدرت‌های پشتیبان برنامه جهانی دولت بوش هستند. آنها با سیاست‌گذاران کلیدی دولت همچون پل ولفوویتز، معاون وزیر دفاع، متحدند و همکاری صمیمانه‌ای با متحдан هم فکرشان در گروه‌های افراطی اسرائیل دارند. تمام این مطالب به بحث ما مربوط است، زیرا در دوران ریاست جمهوری بوش، ادغام مؤثر آمریکا با دولت اسرائیل هرچه بیشتر آشکار شده است، اتحادی که در تاریخ آمریکا بی‌سابقه است.

پس هیچ عجیب نیست که ناتان شارانسکی یکی از مغزهای متفکر تنظیم کننده دومین سخنرانی جنجالی افتتاحیه‌ای بوش بود. او یکی از رهبران صریح بلوک افراطی اسرائیل است که با نو محافظه‌کاران آمریکا همکاری نزدیک دارد. در کنار ویلیام کریستول و دیگر نو محافظه‌کاران آمریکایی، شارانسکی در واقع به دعوت بوش از کاخ سفید دیدار کرد و در تنظیم سخنرانی رئیس جمهور نقش داشت.

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۳۹

بوش در آن سخنرانی بر تعهدش به اصول انقلاب جهانی - در چارچوبی به عنوان جستجوی «دموکراسی» - تأکیدی دوباره کرد و گفت این انقلاب مبنای فلسفه متغیر نو محافظه‌کارانِ سابق طرفدار تروتسکی است که پدر خوانده «محافظه‌کاری دلسوزانه» دولت بوش هستند. در مجموع برنامه بوش (به عبارت دقیق‌تر، برنامه دستیاران صهیونیستی بوش) چیزی بیش از نسخه جدیدی از بلشویسم کهنه بین‌المللی نیست که توسط لنوں تروتسکی طرح شد.

همان طور که می‌بینیم، تروتسکیست‌های امروزی - یعنی رهبران کنونی صهیونیسم - بسیار واقع‌بین و فرصت‌طلب هستند. از این رو مکانیسم حکومت جهانی خود را به ابزار تازه‌ای مجهز کرده و آن را با نیازهای ویژه قرن بیست و یکم هماهنگ کرده‌اند تا جایی که یک گاوچران نومسیحی هفت تیرکش با اعتقادهای مسیحایی و لهجه تگزاسی را، به عنوان نخستین سخنگوی عمومی خود انتخاب کرده‌اند. در واقع او نیز آین جدیدی خلق کرده است!

بوش پسر در دومین سخنرانی افتتاحیه اعلام کرد: «حیاتی‌ترین منافع آمریکا و عمیق‌ترین اعتقادهای ما اکنون یکی است... پیش بردن این آرمان‌ها، همان رسالتی است که کشور ما را ایجاد کرد... این موضوع اکنون شرط ضروری امنیت کشور و نیاز دوران ماست.»

این وضعیت بدین معنا است که جنگ آینده در سطح کلان - جنگ جهانی - چیزی بیش از گسترش مخاطرات امپریالیستی عراق نیست، با هدف دربرگرفتن تمام اهدافی که شاید در مسیر تحقق نظم نوین جهانی (رؤیای قدیمی رهبران بین‌المللی صهیونیسم) قرار گرفته باشند. اکنون آنها آمریکا را در دست دارند. بنابراین قدرتمندترین کشوری که می‌توان از منابع (و مردمش) برای رسیدن به این آرزو استفاده کرد، در اختیار آنها قرار دارد.

تصادفی نیست که مجله تایم - هفته نامه برونقمن‌ها، خانواده سلطنتی صهیونیست‌های آمریکا - جرج دبلیو بوش را، در زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری، یک «انقلابی آمریکایی» نامید. شاید بوش آمریکایی باشد، اما انقلابی که او رهبری می‌کند، آمریکایی نیست.

## ۲۴۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

بنیان‌گذاران آن رهبران صهیونیسم بین‌المللی هستند. بوش شاید پادشاه باشد، اما توطنه گران صهیونیست نایبان او به شمار می‌روند.

برنامه بوش، برنامه صهیونیسم است و موضوع گسترش دموکراسی در جهان بخش جدانشدنی طرح جدید و رو به گسترش صهیونیست‌ها برای تغییر جهان با زور اسلحه آمریکاست.

اکنون می‌توانیم به مقاله دیوید گلنتر در مجله کامتری باز گردیم، زیرا این مقاله تا حد زیادی مکمل فلسفی نظرهای شارانسکی است که بر حسب وظیفه، توسط بوش مشتاقانه تکرار شد؛ همچنین بخشی از برنامه به نسبت آشکاری است که اکنون برای تأکید و پیشبرد امپراتوری جهانی توسط دولت بوش اجرا می‌شود.

با اینکه مقاله گلنتر پیش از ایجاد عمومی سخنرانی افتتاحیه بوش منتشر شد - البته این سخنرانی قبلًا توسط همکاران صهیونیست گلنتر به شکل مخفیانه سرهم‌بندی شده بود - گلنتر مدعی است دیدگاه امروزی شارانسکی - بوش از نظر تاریخی، در دوران پدران بنیان‌گذار پورتمن و مهاجر آمریکا ریشه دارد.

با توجه با این نکته که «پورتمن‌ها خود را افراد برگزیده خداوند می‌دانستند که در ارض موعود جدید خداوند یعنی اسرائیل جدید زندگی می‌کنند» گلنتر مدعی است «متفکران بسیاری معتقدند آمریکایی‌گری توسط پورتمن‌ها به وجود آمده یا رابطه نزدیک و درهم تنیده‌ای با آنان دارد». وی در ادامه اشاره می‌کند: «سامونل هانتینگتون یکی از مهم‌ترین اندیشمندانی است که در کتاب ویژه‌اش درباره هویت آمریکا (به نام ما که هستیم؟) چنین چیزی گفته است.»

هنگامی که گلنتر درباره آمریکایی‌گری و دموکراسی موعظه می‌کند، نقل قول از هانتینگتون (عضو قدیمی شورای روابط خارجی) طنزآمیز به نظر می‌رسد؛ زیرا چنانکه از کتاب قبلی هانتینگتون «بحران دموکراسی» (چاپ شده توسط کمیسیون سه جانبه با بودجه راکفلر) بر می‌آید، در آمریکا دموکراسی بیش از اندازه است و نیاز به سرکوب دارد. دوباره باید گفت

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۴۱

- از نظر نخبگان - «دموکراسی» و آزادی فقط برای کسانی است که مورد توجه آنها هستند. هاتینگون به تازگی به عنوان سخنگوی مبارزه‌ای قاطعانه و سطح بالا برای جلوگیری از ورود بعضی گروه‌های مهاجر - یعنی مسلمانان و کاتولیک‌های اسپانیایی - به آمریکا ظاهر شده است. این مبارزه اساساً با نام «جنگ علیه تروریسم و یهودستیزی» صورت می‌گیرد، زیرا نخبگان یهودی به این نتیجه رسیده‌اند که مهاجران کاتولیک نیز مانند مسلمانان به قدرت یهودیان سوء‌ظن دارند و به راحتی قابل کنترل نیستند.

در هر صورت، گلنتر می‌گوید پیوریتیسم برگزیده هاتینگون پایه و اساس واقعی آمریکاست. او می‌نویسد:

پیوریتیسم فقط الهام‌بخش یا تأثیرگذار بر آمریکایی‌گری نبود، بلکه به آمریکایی‌گری تبدیل شد... نمی‌توان کشیشان مهاجر و مبلغ (نخستین گروه مهاجران انگلیسی به آمریکا) یا پیوریتن‌ها را درست درک کرد؛ مگر اینکه تورات و تاریخ کلاسیک یهود را شناخت؛ شناخت خود یهودیت نیز کمک می‌کند... نخستین مبلغان آمریکایی‌گری حتی مسیحیت [تأکید از گلنتر] خود را به گونه‌ای تعریف می‌کردند که مانند یهودیت به نظر رسد.

بد نیست به این نکته هم اشاره کنیم که گلنتر می‌گوید، پیوریتیسم به معنای کلاسیک آمریکایی آن، آنقدر تغییر کرد که بسیاری از گروه‌های پیوریتن به یکتاپرستی روی آوردنند. حال، شکفت‌آور این است که تعداد اندکی از مسیحیان - از جمله حامیان بنیادگرای اسرائیل - مسیحیان یکتاپرست را حتی جزء مسیحیان محسوب نمی‌کنند. (این پرسش دیگری است برای وقت دیگر و کسان دیگری تا درباره آن بحث کنند).

گلنتر در عمل به این موضوع اشاره دارد که (دست‌کم از دیدگاه صهیونیسم) شکل امروزی «پیوریتیسم» زیربنای «آمریکایی‌گری» به هیچ وجه مسیحی نیست. البته این سخن نیز تعجب بسیاری از طرفداران مسیحی اسرائیل را بر می‌انگیزد که معتقدند آمریکا کشوری مسیحی است و سهم خود را در تحقق به اصطلاح وعده‌های خداوند به مردمان یهودی ایفا می‌کند.

## ۲۴۲ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

ارزیابی و برداشت گلرنتر از کتاب مقدس این است که آمریکایی‌ها به طور ویژه «رسالتی الهی به تمام بشریت» دارند و می‌توان نتیجه گرفت: «هر انسانی در هر کجا حق آزادی، برابری و دموکراسی دارد.» (اینکه گلرنتر از کدام کتاب مقدس حرف می‌زند، سؤال خوبی است؛ اما از حوصله بحث ما خارج است.)

گلرنتر تلویحاً می‌گوید (به تعبیر خودش): «متکلمان آمریکایی‌گری»<sup>۱</sup> می‌دانستند که آزادی، برابری و دموکراسی فقط نظرهای فلسفی نیست، بلکه «کلام خداوند» است؛ و نتیجه می‌گیرد که پیامد چنین دیدگاهی «شور و اشتیاقی است که آمریکایی‌ها در اعتقاد به آین خود دارند». به گفته گلرنتر در این آین «آمریکایی‌ها، یکه و تنها در جهان، مصروف که آزادی، برابری و دموکراسی نه تنها حق فرانسه و اسپانیا، بلکه حق افغانستان و عراق نیز هست.»

در اینجا گلرنتر موضوع مورد نظرش را سرهم بندی می‌کند که صهیونیسم جزء جدایی‌ناپذیر چیزی است که او «آمریکایی‌گری» می‌نامد:

«با خلاصه کردن آین آمریکایی‌گری در آزادی، برابری و دموکراسی برای همه تنها نیمی از داستان را گفته‌ایم. نیم دیگر داستان همان ارض موعود، مردمان برگزیده و رسالت جهانی از جانب خدادست. این بخش از آمریکایی‌گری، نسخه آمریکایی صهیونیسم توراتی است: یعنی صهیونیسم آمریکایی.»

گلرنتر با این ادعا که «آمریکایی‌گری» «صهیونیسم آمریکایی» است و آمریکا هم یک «ارض موعود» صهیونیستی است که با دولت اسرائیل و خود صهیونیسم یهودی ستی یکی است، تلویحاً می‌گوید اسرائیل و آمریکا هر دو دولت یهودی هستند. او حتی پا را از این هم فراتر می‌گذارد:

«نقش اسرائیل قدیم (و صهیونیسم قدیم) در آمریکایی‌گری قابل محاسبه نیست. من هیچ مورخ یا متفکر جدیدی را نمی‌شناسم که... درباره این واقعیت شگفت، عدالت را

---

1. theologians of Americanism

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۴۳

رعايت کرده باشد. به نظر می‌رسد که آنها سخن ویلیام لکی، مورخ برجسته ایرلندی قرن نوزدهم را فراموش کرده‌اند: که «سیمان یهود به بنیان‌های دموکراسی آمریکا استحکام بخشیده است.» من گمان می‌کنم حتی لکی نیز این واقعیت را به طور کامل تفهمیده بود. تا وقتی این واقعیت را تفهمیم نمی‌توانیم آمریکایی گری - یا ضدآمریکایی گری - را به درستی بشناسیم.»

در یک کلام، گلنتر تصدیق می‌کند «ضدآمریکایی گری» چیزی بیشتر (یا کمتر) از مخالفت با تعالیم صهیونیسم نیست و به گفته او نقشی قابل ملاحظه به عنوان «سیمانی» است که «به بنیان‌های دموکراسی آمریکا استحکام بخشیده است». گلنتر در ادامه مقاله نظریه عجیب و غریب‌ش را در حوزه عملکرد سیاست خارجی آمریکا به کار می‌گیرد. او با همان حال و هوای سخن واشنگتن‌پست در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۵ مبنی بر اینکه دیدگاه

جهانی رئیس جمهور بوش «بیشتر ویلسونی است تا محافظه‌کار»، می‌گوید:

«[وودرو] ویلسون در کانون آمریکاگرایی قدیم (کلاسیک) ایستاده است. هیچ رئیس جمهوری روشن‌تر از او با زیان کتاب مقدس و رسالت الهی سخن نگفته است... در دوران ریاست جمهوری ویلسون، آمریکایی گری تحولی اساسی یافت. آمریکایی گری همیشه با ایده رسالت الهی همراه بود. اما این رسالت چه بود؟ تا زمان بسته شدن مرز در دهه پایانی قرن نوزدهم، این رسالت مهاجرت و آباد کردن قاره (آمریکا) بود. با بسته شدن مرز، این رسالت به «آمریکایی گری برای تمام جهان» تبدیل شد.»

براساس مقاله گلنتر، رئیس جمهورهای بعدی مانند فرانکلین دی. روزولت و هری اس تروممن، به نفع آمریکایی گری جنگ به راه انداختند. جنگ روزولت علیه اروپای (تا حدودی متحد)، به اتفاق ژاپن، جنگی برای نابود کردن بزرگ‌ترین تهدید علیه قدرت صهیونیسم در سرتاسر تاریخ جهان بود. البته تروممن جنگ سرد علیه سوری را آغاز کرد که اکنون می‌دانیم مکانیسم دیگری برای سودجویی جهانی بود. چون وقتی جوانان آمریکایی در کره و سپس در ویتنام می‌مردند، شرکت‌های بین‌المللی بانکداری - که بسیاری از آنها

## ۲۴۴ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

يهودی بودند، و برخی نبودند – تازمانی که به نفعشان بود، از شوروی حمایت می‌کردند. با این همه، گلنتر می‌گوید رونالد ریگان بود که با نقل انجیل متی با همان حال و هوای جان ویتروپ (روحانی پپوریتن) که از «شهری درخشان بر فراز تپه» سخن می‌گفت، این «آمریکایی‌گری» را تأیید کرد. گلنتر مدعی است ریگان با «استفاده از این واژه‌ها، آمریکایی جدید را به دیدگاه مسیحی انسانی – دیدگاه پپوریتن – متصل کرد؛ دیدگاهی که (در نهایت) دیدگاه تورات و مردمان یهودی بود و این کشور را به وجود آورد.» به گفته گلنتر: «اینکه اکنون آمریکایی‌گری جانشین پپوریتیسم شده است، برای [فهم] ضدآمریکایی‌گری ضروری است.»

با توجه به گرایش صهیونیستی گلنتر، مخالفت اخیر اروپا با طرح‌های جهانی – که توسط قانون‌گذاران نومحافظه‌کار دولت بوش پیش برده می‌شد – تجلی امروزین چیزی است که سابقه‌ای طولانی دارد:

«در قرن هجدهم، ضدآمریکایی‌ها محافظه‌کار، سلطنت‌طلب و ضدپپوریتن بودند... در قرن نوزدهم، نخبگان اروپا به شکل فزاینده‌ای با مسیحیت دشمن شدند و این امر به ناگزیر موجب دشمنی با آمریکا شد.»

گلنتر سپس با حرکتی سریع به اینجا می‌رسد:

... «در دوران جدید، ضدآمریکایی‌گری پیوند نزدیکی با ضدمسیحی‌گری و ضدیهودی‌گری دارد. [تأکید از گلنتر است.]»

اینها همه فضای فکری نخبگان یهودی و کسانی را منعکس می‌کند که با عنوان طرح بزرگ پیشبرد انقلاب دموکراتیک (نامشخص) جهانی، سیاست خارجی آمریکا را دیگه می‌کنند. این امر چیزی بیش از نظم نوین جهانی نیست که نسل‌های گوناگون آمریکایی‌های وطن‌پرست اصیل، درباره آن هشدار دادند؛ زیرا این طرح، اساسی‌ترین تعریف «ضدآمریکایی‌گری» است.

آمریکایی‌های واقعی – و دوستان خوب و فراوان آن در سراسر جهان که به حق نگران

## فصل دوم - قدرت صهیونیست‌ها در آمریکای امروز ■ ۲۴۵

افزایش قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا هستند - اگر آثار چنین اندیشه‌هایی را دست کم بگیرند، اشتباه کرده‌اند؛ موافق یا مخالف، این فلسفه نخبگان صهیونیست است، حال هر قدر هم که غیراخلاقی و شیطانی باشد.

آخرین هدف طرح بزرگ صهیونیست‌ها، برپایی امپراتوری جهانی خواهد بود که از سوی آمریکا، اورشلیم جدید، اداره می‌شود. در حالی که اورشلیم «واقعی» در سرزمین اشغالی فلسطین می‌تواند به عنوان پایتخت معنوی صهیونیسم بین‌الملل عمل کند. آمریکا، پول، مهمات، مردان و زنان جوانی فراهم می‌کند که می‌جنگند و می‌میرند تا جهان را برای ثروت و برتری صهیونیست‌ها امن کنند. و تمام اینها با عنوان «آمریکایی‌گری» - که اکنون نقاب بزرگ یهود است - صورت می‌گیرد.

بنابراین تز مطرح شده در اورشلیم جدید - اینکه صهیونیست‌ها، مدعی آمریکا به عنوان اورشلیم جدید خود شده‌اند - یک «تئوری توطئه ضدیهودی» و حشتاک و مملو از نفرت نیست. در واقع، به گفته خود صهیونیست‌ها، این مفهوم که آمریکا اورشلیم جدید است دقیقاً اساس صهیونیسم قرن بیست و یکم است. پس این نتیجه‌گیری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

پرسش باقی می‌ماند این است که آمریکایی‌ها - و بقیه مردم جهان، در این باره می‌خواهند چه کنند؟

آیا آمریکا چیزی بیش از «اورشلیم جدید» است؟ شاید به واقع ... بابل جدید است.



## چند نکتهٔ پایانی...

### موج آینده

این کتاب در حالی به پایان می‌رسد که از یک موضوع اطمینان داریم: مطالبی که در این کتاب گرد آمده است بی‌شک کامل‌تر و مفصل‌تر از تمام کارهایی است که درباره این موضوع به چاپ رسیده، موضوعی که شاید تحریک‌آمیزترین موضوع بحث در سراسر جهان باشد. صدها میلیون نفر در سراسر کره زمین مقاعد شده‌اند که آمریکا در عمل «اورشلیم جدید» و مرکز قدرت جهان صهیونیسم است. بی‌هیچ شک و شباه، آمریکا مصدق «سرزمین شیر و عسل» شده است؛ سرزمینی که - خوب یا بد (به عقیده بسیاری «بد») - کشور کوچک اسرائیل را به عنوان جواهر تاج صهیونیسم کاملاً تحت الشعاع خود قرار داده است و نمی‌توان این موضوع را انکار کرد.

همان طور که در حمله کفرآمیز، غیراخلاقی و غیرضروری آمریکا علیه عراق نمایان شد (با ویرانی‌ها و خرابی‌های وسیع پس از آن، از جمله مرگ یهوده بیش از ۱۰۰۰ آمریکایی، صرف نظر از کشتار هزاران نفر دیگر) به اعتراف چندین مورخ یهودی و یکی از بانفوذترین روزنامه‌های اسرائیل، قدرت صهیونیسم در آمریکا به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

البته کسانی هم هستند که می‌گویند قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا پیامد طبیعی «بازار آزاد» و بیانگر اوج شکوفایی دموکراسی آمریکاست. اما افراد بسیاری، چنین نظری ندارند.

ترور جان اف. کندی به راستی نقطه عطفی در نظام آمریکا و در واقع جهان بود. اگرچه قدرت صهیونیست‌ها مدت‌ها در واشینگتن و سراسر آمریکا نفوذ داشت، اما دولت اسرائیل در سال ۱۹۶۳ تقریباً تازه متولد شده بود. به هر حال، رئیس‌جمهور کندی که در مقابل درخواست‌های لابی صهیونیسم - بویژه تمایل آنها برای کمک به اسرائیل، به منظور تبدیل شدن به نیروگاه سلاح‌های هسته‌ای - به سختی ایستادگی می‌کرد، بهای کارش را با جانش پرداخت. این اتفاق صحنه را برای تجدید ساختار اساسی سیاست آمریکا در مورد اسرائیل آماده کرد و جهان عرب نیز به نقش لابی اسرائیل در واشینگتن قدرت تازه‌ای بخشید. این نفوذ از آن زمان تاکنون به سرعت رشد کرده است.

گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جهان عرب و مسلمان، واکنش مستقیمی بوده است به افزایش سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل - چیزی که جان اف. کندی سعی در جلوگیری از آن داشت و هیچ اغراق نیست که بگوییم اگر جان اف کندی می‌توانست مانع دستیابی اسرائیل به سلاح‌های هسته‌ای شود، به احتمال آمریکا هرگز درگیر فاجعه عراق نمی‌شد. فاجعه‌ای که نتیجه تصمیم صهیونیست‌ها بود که نگذارند صدام حسین برای مقابله با آنها تسلیحات هسته‌ای بسازد. تراژدی عراق نسل‌ها در خاطر آمریکا و مردم آن خواهد ماند.

در حالی که لابی صهیونیستی آمریکا استوار باقی می‌ماند و منافع مشتری خارجی خود - دولت اسرائیل - را حفظ می‌کند، خانواده‌ها و بلوک‌های قدرت صهیونیستی در خاک آمریکا ثروت و قدرت عظیمی به دست آورده‌اند که بدون تردید ایالات متحده را به اورشلیم جدید تبدیل کرده است.

داستان پنهانی مبارزة پشت پرده جان اف. کندی با اسرائیل چیزی است که باید برای همگان آشکار شود تا آمریکایی‌ها - و بقیه مردم جهان - بفهمند چگونه و چرا صهیونیسم این چنین بر زندگی آمریکایی‌ها مسلط شده است؟

صهیونیسم تسلط یافته است. زیرا در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ رئیس جمهور آمریکا که قدرت آنان را زیر سؤال برد بود، در اقدامی علنى و زشت (در جنایتی که تا به امروز بى مجازات مانده) به قتل رسید. اکنون ما با واقعیتی مواجه شده‌ایم که پیامد جنایت دلاس بوده است. باید به این وضعیت نگاه کنیم و بیندیشیم که چه چیز پیش روی آمریکا و جهان قرار گرفته است؟

اگر به دیگر کشورهای جهان امروز نظری بیفکنیم، درمی‌یابیم که مبارزه علیه صهیونیسم - همان‌طور که در آمریکا شاهدیم - «راز بزرگ» ناگفته این دوران است. البته در بعضی کشورها این مبارزه تا حد زیادی در حال علنى شدن است...

در نیمکره غربی، در ونزوئلا شاهد یک انقلابی مردمی هستیم که «هوگو چاوز» (شادمانه) در برابر توطنه‌های صهیونیسم بین‌المللی ایستاده است. به هیچ وجه تصادفی نبود که در مراسمی چاوز با غور کنار صدام حسین حاکم وقت عراق ایستاد و اعلام کرد که او و صدام هردو مورد مخالف «ریاکاران» هستند. چاوز به درستی می‌دانست چه می‌گوید. اکنون نیز تصادفی نیست که چاوز به شکل فزاینده‌ای هدف حملة رسانه‌های صهیونیستی واقع شده است.

در آسیا، ماهاتیر محمد (رئیس جمهور سابق مالزی) با اشاره علنى به قدرت عظیم صهیونیسم بین‌المللی، جهان را شگفت زده کرد. رسانه‌ها بی‌رحمانه او را به باد انتقاد گرفتند، البته همه می‌دانستند که حرف‌های او بسیار درست است. به همین خاطر است که ماهاتیر محمد، نه تنها در جهان اسلام بلکه در تمام کشورهایی که انسان‌های آزاد اندیش از حقیقت نمی‌ترسند، بسیار محبوب است.

در روسیه پس از فروپاشی، تعدادی میلیارد یهودی - معروف به «آلیگارش‌ها» - در حال تلاش برای به دست گرفتن اقتصاد روسیه هستند و از سوی رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین با چالش مواجه شده‌اند. او با تحریک این نیروهای قدرتمند، آینده خود را به خطرا انداخته است. نیازی به گفتن نیست که رسانه‌های تحت کنترل صهیونیسم در غرب، از

اقدام‌های پوتین علیه الیگارش‌ها استقبال نکردند. رسانه‌ها از پوتین بدگویی می‌کنند و او را عامل بازگشت به دوره تزارها یا دوره مخوف استالین می‌دانند که – در روزهای آخر حکومت خود – با نفوذ صهیونیست‌ها در روسیه مقابله کرد و از این‌رو باعث مرگ نابهنه‌نگام خویش شد.

(اطلاعات مربوط به قتل استالین در سال ۲۰۰۴ توسط جاناتان برنت و ولادیمیر ناموف در کتاب آخرین جنایت استالین قاطعانه و مستند آمده است. این کتاب، آنچه بیش از ۵۰ سال در نشریه‌های یهودی به شکل گسترده و نه‌چندان زیرکانه مورد اشاره و در واقع فخرفروشی، قرار گرفته بود، تأیید می‌کند.)

اینکه آیا پوتین از حمله بی‌امان صهیونیست‌ها نجات خواهد یافت یا نه؟ پرسشی است که پاسخ آن نقش مهمی در تعیین مسیر آینده روسیه و جهان خواهد داشت. چرا که صهیونیست‌ها هیچ تردیدی در به راه انداختن یک «جنگ سرد» جدید بین آمریکا و روسیه ندارند، تا از این راه پوتین را رام کنند و ادامه نفوذ صهیونیست‌ها در روسیه را تضمین کنند.

مبارزه علیه قدرت و نفوذ بیش از حد صهیونیست‌ها و پامدهای مخرب آن همواره بخشی از تاریخ بوده است و امروز در ایالات متحده این مبارزه به خوبی می‌تواند به مسئله سال‌های آینده تبدیل شود... یا، دست‌کم، باید چنین شود.

آیا این موضوع برای نظام آمریکا واقعاً حیاتی است که تعدادی خانواده میلیارد، انحصار رسانه‌های آمریکا را در کنترل کامل داشته باشند؟ آیا سی و دانلد نیوهاوس آسیبی می‌بینند که قوانین ضد انحصار در مورد آنها اجرا شود و مالکیت وسیع روزنامه‌های سراسر آمریکا از آنها گرفته شود؟ آیا سی و دانلد نمی‌توانند فقط به داشتن یک روزنامه و یک مجله – یا حتی چند روزنامه و مجله – راضی شوند؟

چندین تن از متقدان رسانه آمریکایی در مورد تمرکز فزاینده مالکیت رسانه‌ها زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند؛ اما تاکنون تعداد کمی از افراد مستقل (از جمله یک عضو یهودی کنگره، یعنی برنی ساندرز از ایالت ورمونت) جرأت کرده‌اند این مسئله را به‌شکل جدی

مطرح کنند.

آیا وقت آن نرسیده است که هشدارهای هونی بی. لانگ، سناتور محبوب لوئیزیانا را به یاد بیاوریم که خواستار توزیع مجدد ثروت شد؟ همان‌طور که تحلیل‌گرانی همچون کوین فیلیپس و دیگران، متذکر شده‌اند، شکاف میان ثروتمندان و فقرای کشور، به‌شکل تصاعدی رشد می‌کند و طبقه متوسط نیز با گذشت زمان فقیر و فقیرتر می‌شود. زمان آن نرسیده است که دارایی‌های عظیم انباشته شده را متلاشی کنیم و متوجه کسانی بشویم که فرانکلین دی. روزولت آنها را «تبهکاران آبرثروتمند» نامید؟

آیا سه وارث دارایی عظیم شکلات‌سازی مارس - که در مجموع ۳۰ میلیارد دلار ارزش دارد - به واقع خسارتنی می‌بینند اگر مجبور شوند همه چیز را از دست بدهند؟ به استثنای مبلغ ناچیزی حدود ۱۰۰ میلیون دلار؟! البته می‌توان همین پرسش را در مورد برخی از ثروتمندان غیریهودی آمریکا نیز مطرح کرد.

تصور کنید چه کارهایی می‌توان برای بهبود امور وطنمنان آمریکا انجام داد، اگر فقط تعدادی از این توده‌های انباشته ثروت دوباره تقسیم شود، زندگی همه مردم آمریکا بهتر می‌شود. هیچ کودکی گرسنه نمی‌ماند. هیچ پدر و مادری برای فرستادن فرزندانشان به دانشگاه به زحمت نمی‌افتدند. می‌شد بیماری‌ها و اعتیاد را در برنامه‌ای ملی با بودجه کافی و امکاناتی بی‌سابقه برطرف کرد. هیچ اجتماع و گروهی از خدمات بهداشتی مناسب محروم نمی‌ماند. سالمندان هرگز غذای سگ نمی‌خورند تا برای خرید داروهای ضروری خود پول پسانداز کنند. آسایشگاه‌های سالمندان دیگر مکان‌های ناخوشایندی نبود که بزرگترها به آنجا فرستاده شوند تا در فقر و نکبت بمیرند. پل‌ها و بزرگراه‌ها و راه‌آهن‌های در حال نابودی، تعمیر می‌شد.

فهرست کارهایی که می‌توانیم با ثروت گرفته شده از ابرپولدارها انجام دهیم، بسی‌پایان است. تخیلتان را به کار بیندازید. سپس به این موضوع فکر کنید که آمریکا - به عنوان یک کشور - می‌توانست به مردمان سراسر جهان کمک کند.

اینها اکنون فقط یک رؤیاست. در واقع، نخبگان صهیونیست و متحدان آنها در سطوح بالای طبقه حاکم آمریکا به سختی در تلاشند که استمرار سلطه خود را تضمین و دارایی‌های خود را حفظ کنند. آنها از انواع و اقسام قوانین استفاده می‌کنند تا نارضایتی مردم آمریکا را سرکوب کنند.

مؤسسه قوانین به اصطلاح «جرائم تبلیغ نفرت» که در واقع طرح‌هایی برای مقابله با انتقادهای واردہ به نفوذ یهودیان در سیاست‌گذاری آمریکا است، در کنار اقدام‌های محدود کننده آزادی مانند به اصطلاح «قانون وطن‌پرستی» و قوانین دیگر، جزء جدائشدنی برنامه درازمدت سرکوب نارضایتی و برقراری طرح «کنترل افکار» است که یک هدف و تنها یک هدف دارد: استمرار سلطه صهیونیسم بر آمریکا.

در حالی که نشانه‌هایی وجود دارد که عناصر عالی‌رتبه آمریکا - افرادی در درون سازمان‌های پرنفوذ سیاست‌گذاری، همچون: سیا، افبی‌آی، وزارت امور خارجه، آژانس امنیت ملی و خود ارتش - از این بابت نگران و آشتفته‌اند که نفوذ صهیونیسم و یهود در سیاست آمریکا خطری برای آمریکا و جایگاه آن در جهان است، این واقعیت همچنان به قوت خود باقی است که کنترل و نفوذ صهیونیست‌ها بر انحصار رسانه‌های آمریکا عاملی است که نقش مهمی در شکل‌گیری فضای فکری آمریکایی‌ها دارد.

در موقعیت کنونی - با تأسف - بسیار بعید به نظر می‌رسد که مردم آمریکا به زودی به پا خیزند و رئیس جمهور و کنگره‌ای انتخاب کنند که در برابر قدرت صهیونیسم و نمایندگان آن بایستد!

اگر آمریکایی‌ها با تعداد فراوان - در مکان‌های متعدد در سرتاسر ایسн سرزمین پهناور مشتاق‌اند که برخیزند و علنی اعتراض کنند و از مقام‌ها حمایت کنند، به احتمال مقام‌های عالی‌رتبه‌ای که پرسش‌های جدی درباره قدرت صهیونیست‌ها دارند نیز بیش از پیش تمایل خواهند داشت تا به پا خیزند و از سوی خود آشکارا اعتراض کنند.

در یک کلام، ما می‌توانیم « انقلاب از بالا»<sup>۱</sup> داشته باشیم، زیرا اکنون انقلاب از پایین بسیار نامحتمل است. اولین انقلاب آمریکا محصول روش‌فکران، سران ارتش و تاجران ناراضی بود و انقلاب بعدی آمریکا نیز ناگزیر از همان مبادی آغاز خواهد شد.

به همین دلیل است که توده مردم آمریکا باید هشیار باشند. آنها باید حمایت از افراد مستقل و رسانه‌های آزاد را ادامه بدهند و در زمان مناسب، در پشتیبانی از مقام‌های عالی رتبه‌ای متحد شوند که سرانجام جرأت کرده‌اند بگویند: «من واقعاً عصبانی هستم و دیگر نمی‌خواهم ساكت بمانم.»

موج آینده به سرعت به سمت سواحل آمریکا می‌آید و تمام جهان در حال تماشاست. این موج با غرش پرطینی که تاکنون در تاریخ شنیده نشده است، از راه می‌رسد و سرانجام، آمریکایی‌ها آشکارا و جسورانه با اطمینان اعلام می‌کنند که کشور ما اورشلیم جدید، برای همه مردم است، نه فقط برای محدودی نخبه خودپرست و قومیت‌گرا. زمانی که این اتفاق بیفتد، تنها آن زمان، می‌توانیم آسوده‌خاطر باشیم که آمریکا (و جهان) در مسیر صحیح رستگاری خواهد بود، نه مسیری که حاکمان یهودی ما را به سفر در آن مجبور کنند... مسیر نابودی.

«مایکل کالبینز پایپر»

### List of the Names

- 24<sup>th</sup> congressional District of California PAC
- ABC
- Abercrombie & Fitch
- Abess
- Abraham & Straus
- Abraham, S. Daniel
- Abramson, Leonard
- Ackerman, Gary
- Adelson, Sheldon
- Adler Group, Inc. PAC
- Advance Publication
- AG PAC
- Akin, Gump, Strauss, Hauer & Feld
- Alba, Richard D.
- Alexander, Nina Tishman
- Alexander, Richard
- Allen, Herbert Anthony
- Allure
- Alterman, Eric
- Altheim
- Amazon
- Amblin Entertainment
- American City Business Journals
- American Civil Liberties Union (ACLU)
- American Eagle Outfitters
- American Express
- American Free Press
- American Friends of the Israel Museum
- American Greetings (card) Corporation
- American Heritage
- American International Group (AIG)
- American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)
- American Jewish Committee

- American Jewish Congress
- American Jewish Year Book
- American Leadership Study
- American Medical Association
- American Metal Co.
- American Oil Company (AMOCO)
- American Retail Federation
- American Safety Razor Co.
- American Spectator
- Americanism
- American-Israel Chamber of Commerce
- Americans for a Better Congress
- Americans for Better Citizenship
- Americans for Good Government
- Angleton, James
- Ann Arbor News
- Annenberg
- Ansin, Edmund
- Anti-Defamation League (ADL)
- Apollo Advisors LP
- Architectural Digest
- Arendt, Hannah
- Arison
- Arison, Mickey
- Arison, Ted
- Arizona Politically Interested Citizens
- Arkansas Democrat-Gazette
- Armand
- Arnow-Weiler
- Atlantic Monthly
- Auto Palace
- Avenue
- Bachmann, Bruce
- Badger PAC

- Balpac
- Baltimore Sun
- Banque De Credit Internationale of Geneva
- Banque Zilkha
- Barbary Coast
- Barnes, Fred
- Barnes Review
- Barnett
- Barnett Institute of Biotechnology
- Barone, Michael
- Barr, William
- Barron
- Bartley, Robert
- Baruch, Bernard M.
- Bason, George
- Bath and Body Works
- Baypac
- Beacon Properties
- Bear Stearns
- Bechtolsheim, Andreas
- Beker, Avi
- Belco Petroleum Corp.
- Belfer
- Belmont Industries
- Belz
- Belz Enterprises
- Belz family
- Belzberg
- Benard-cutler
- Benenson, Charles
- Ben-Menashe, Ari
- Bennett, William
- Berg, Carl
- Berkley, Shelley

- Berman, Howard
- Bernay, Margo
- Bernheim
- Berrie, Russell
- Bezos, Jeff
- Bilderberg group
- Bing, Stephan L.
- Binswanger
- Biography
- Birmingham News
- Birmingham, Stephen
- Birthright Project
- Black
- Blackstone Group
- Blaustein
- Block
- Block Drugs
- Blockbuster Video
- Bloomberg
- Bloomberg News Service
- Bloomfield, Louis
- Bluhm, Neil Gary
- Blumenthal
- BMG Records
- B'nai B'rith
- Boesky
- Boesky, Ivan
- Bolles, Don
- Bolshevism
- Bon Apetit
- Bonds
- Boston Globe
- Boston Herald
- Boxer, Barbara

- Bozell, L. Brent
- Brachman
- Braman
- Brandeis University
- Bren, Donald
- Brenner, Lenni
- Brent, Jonathan
- Brian, Earl
- Bride's
- Brin, Sergey
- Brittan, Sir Leon
- Broad
- Broad , Eli
- Broadcom
- Bronfman
- Brooks Fashion
- Brooks, Jack
- Brothers, Joyce
- Brown, Harold
- Bua, Nicholas
- Buchanan, Pat
- Buchwald, Art
- Buckeye Material Company
- Buckley, William F.
- Buffet's Berkshire Hathaway
- Bulls
- Bulova
- Bureau of the Census
- Burkle, Ronald
- Burns and Summit
- Burns, Arnold
- Buttenwieser
- Cablevision
- Cadillac Fairview Corporation

- California Federal Bank
- Campaign for America
- Campbell Soup
- CAN Financial
- Candy
- Cantor, Eric
- Cantor, Norman
- Cap PAC
- Capital Cities
- Capital of Texas Committee
- Capone, Al
- Cardin
- Cardin, Ben
- Carlyle
- Carnival
- Carnival Cruise Lines
- Carr-Gottstein Foods
- Carroll, Tim
- Carter
- Carto, Willis A.
- Casolaro, Danny
- Castro, Fidel
- Caxton Corp.
- CBS
- CDW Corp.
- Center for Democratic Studies
- Center for Public Integrity
- Center for Responsive Politics
- Chadwick
- Chafetz, Irwin
- Chaipac
- Chanin
- Charen, Mona
- Charles Allen and Company

۲۶۰ ■ اورشلیم جدید «قدرت صهیونیست‌ها در آمریکا»

- Charles, Herbert & Herbert A. Allen
- Chase Bank
- Chavez, Hugo
- Chavez, Linda
- Chicago Black Hawks
- Chicago Tribune
- Chicagoans for a Better Congress
- Children's Bargaintown USA.
- Chipac/an Illinois Not for Profit Organization
- CIA
- Circle Floor Company
- Citigroup
- Citizens Concerned for the National Interest
- Citizens Organized Political Action Committee
- City National Bank
- City of Hope
- City PAC
- Clifford, Clark
- CNN
- Cohen
- Cohen, Jonathan
- Cohen, Richard
- Cohn
- Cohn, Roy
- Coleman Co.
- Coleman, Norm
- Colgate-Palmolive
- Colonial Penn Group insurance
- Columbia Pictures
- Columbia University
- Comdex
- Commentary
- Commercial Metals
- Committee for 18

- Common Cause
- Communist Party
- Complex Tooling & Molding
- Computerized Business Systems
- Concord Custom Cleaners
- Conde Nast Traveler
- Cone
- Cone Mills
- Conference of Presidents of Major American Jewish Organizations
- Confrontation
- Congressional Action Committee of Texas
- Connecticut Good Government PAC
- Consolidated Cigar
- Continental Airlines
- Continental and Braniff Airlines
- Continental Materials Corporation
- Cooke, Jack Kent
- Comfeld, Bernard
- Corwin
- Costello, Frank
- Coulter, Ann
- Council on Foreign Relations
- Country Music Commission
- Cowles Media Co.
- Cravath, Swaine & Moore
- Creators Syndicate
- Credit Mobilier
- Crichton, Jack
- Crosby, James
- Crosby-Miller Corporation
- Crown
- Crystal City
- CS First Boston and Wasserstein
- Cuban, Mark

- Cummings
- Cut-rate clothing
- D.H. Blair brokerage
- Dan, Uri
- Danaher Corp.
- Danziger, Peggy
- Davidowitz, Morton
- Davidson
- Davidson, William
- Davis, Deborah
- Davis, Morton
- Davis, Susan
- De Menil, Dominique
- DeBartolo Realty Corp.
- Deknatel, Elizabeth
- Delaware Valley PAC
- Dell Computer
- Dell, Michael
- Democratic National Committee
- Democratic Party
- Democratic primary
- Dershowitz, Alan
- Desert Caucus
- Details
- Detroit Jewish News
- Detroit Pistons
- Deutsch
- Dewey, Thomas E.
- DG Cos.
- Dickstein, Shapiro and Morin
- Diker, Bruce
- Diller, Barry
- Dillon, C. Douglas
- Dinner, Richard

- DNC
- Douglas Elliman
- Douglas, William O.
- Dreamworks
- Dreiseszun, Sherman
- Drexel Burnham Lambert
- Druckenmiller, Stanley
- Du Pont
- Dulles, Allen
- Duncannon Record
- Durst
- East Midwood PAC
- EchoStar
- Edelman, Asher
- Eisenberg, Dennis
- Eisenhower, Dwight
- Eisner
- Eisner, Michael
- Eitan, Rafael
- Elections Committee of the County of Orange
- Electronic Data Systems
- Ellison, Larry
- Emanuel, Rahm
- EMCOR
- Emigrant Savings Bank
- Empire Trust
- Emprise Corp.
- Encore Books
- Engel, Eliot
- Engelhard
- Enron
- Eppler
- Ergen, Charles
- Ernest W. Hahn Company

- Estee Lauder (cosmetics)
- Everett
- Exponent
- Express
- Fairmont Hotel
- Falstaff
- Farb, Harold
- Fastow, Andrew
- FBI
- Federal Election Commission
- Federal Reserve System
- Feinberg
- Feingold, Russ
- Feinstein, Dianne
- Feith, Douglas
- Feldberg
- Feldman
- Fel-Pro Incorporated
- Feuerstein
- Filner, Bob
- Financial Data
- Financial World
- Fireman, Paul Barry
- First Charter Financial Corporation
- Fisher
- Fisher Max
- Fisher, Eugene
- Fisher, Max Martin
- Five Towns PAC
- Fleaux, Robert
- Flint Times
- Florida Congressional Committee
- For Integrity in Government
- Forbes 400

- Forest City Enterprises
- Forest City Ratner Companies
- Forest Electric
- Fortune magazine
- Forward (newspaper)
- Fowler, Robert
- Fox News
- Fox-Genovese, Elizabeth
- Frank, Barney
- Frank, Sidney
- Frankfurt School
- Freedom Now
- Freidan, Betty
- Fribourg, Michel
- Fricker, Mark
- Friedland, Robert
- Friedman
- Friedman Lederer, Esther Pauline
- Friedman Phillips, Pauline Esther
- Friedman, Thomas
- Friedsam, Michael
- Frost, Phillip
- Fund for Freedom
- Fund, John
- Gabler, Neal
- GAF Corporation
- Gaffney, Frank
- Gainesville (Fla.) Sun
- Gap
- Garden PAC
- Garden State
- Garden State PAC
- Garment, Leonard
- Garrison, Jim

- Gazette
- Geffen, David
- Gelernter, David
- Gelman, Max
- General Cinema
- General Dynamics
- General Homes Consolidated Cos. Inc.
- George, Andrew St.
- Georgia Citizens for Good Government
- Gerber
- Gerber Plumbing Fixtures Company
- Gerry, Alan
- Gibralter Capital Corporation
- Gidwitz
- Ginsberg, Benjamin
- Gitano
- Glamour
- Glazer, Guilford
- Glazer, Malcolm
- Godchaux
- Gold
- Gold Coast PAC
- Goldberg
- Goldberg, Jonah
- Goldenberg
- Goldenberg Peanut Chew
- Goldman, Shalom
- Goldman, Sol
- Goldsmith
- Goldsmith, Penny
- Goldsmith, Sir James
- Golub, Harvey
- Gonda, Leslie
- Google

- Gores, Alec
- Gores, Tom T.
- Gottesman, David
- Gottstein
- Gourmet
- Government Action Committee
- GQ
- Graham, Bill
- Grand Rapids Press
- Grass
- Gratz, Helen
- Greeley, Father Andrew M.
- Green, Pincus
- Greenbaum, Gus
- Greenberg Alan
- Greenberg Maurice
- Greenberg, Paul
- Greenspan, Alan
- Gross, Nahum
- Gross, William H.
- Groveman, Andrew
- Gruss
- Gruss & Company
- Guardian Industries
- Guggenheim
- Gumenick
- GWV International
- Ha'aretz
- Haas
- Hadar, Leon
- Halcyon/Alan B. Slifka Management Company
- Halevi, Yossi Klein
- Halpern
- Hamilton

- Harcourt Brace Publishing
- Harman, Jane
- Harper's
- Harriman
- Hartz Mountain (pet supplies)
- Harvard University
- Hasbro
- Hascoe, Norman
- Hassenfeld
- Hasten
- Hasten Bancshares, Inc.
- Hatikvah
- Haynes
- Heartland PAC
- Hebrew Union College
- Hebrew University
- Hechinger/England
- Heilbrun, Jacob
- Heinz foods
- Helene Curtis
- Heller Gottesfeld
- Helmsley, Leona
- Henry Bendel
- Hensley, Jim
- Herald –American (Syracuse)
- Herb, Marvin J.
- Heritage PAC
- Hertog, Roger
- Herzl, Theodore
- Hess
- Hess Oil
- Heyman
- Hieronimus, Zoh
- Hilton Hotels

- Hirschhorn, David
- Hit or Miss stores
- Hitchcock, William Mellon
- Hochberg
- Hoffman
- Hollywood Women's Political Committee
- Home Depot
- Honickman, Harold
- Horowitz, David
- Horvitz
- Houston's Holocaust Museum
- Howard, Michael
- Hudson Coal Company
- Hudson Valley PAC
- Human Events
- Hume, Brit
- Huntington, Samuel
- Hyatt hotels
- Icahn, Carl
- Icepac
- Individual Investor magazine
- Inglis
- Ingraham, Laura
- INSLAW
- Intercraft Industries Corporation
- Interface Group
- International Forest-Products
- International Herald-Tribune
- International Lease Finance
- International Specialty Products
- Investors Overseas Service (IOS)
- Israel Bonds
- Israel, Steve
- Ivax Corp.

- Ivy League
- Jacobs
- Jacobs, Irwin
- Jacobs, Jeremy Maurice
- Jacoby, Jeff
- Jefferson State Bank
- Jersey Journal (Jersey City)
- Jesselson
- Jewish National Fund
- Jewish Power
- Jewish World Review
- Johnson, Paul
- Joint Action Committee for Political Affairs
- Jong, Erica
- Jordache
- Joseph, George
- Jules Stein
- Juniata Sentinel
- Kagan, Robert
- Kalamazoo Gazette
- Kalikow, Peter
- Kalmanovitz, Paul
- Kann, Peter
- Kantor, Mickey
- Kaplan
- Kaplan, Lawrence
- Kaskel, Howard
- Katz, Stanley
- Katzenberg, Jeffrey
- Kauffman, Edwin Marion
- Kekst
- Kekst and Company
- Kellogg
- Kelly, Michael

- Kennedy
- Key Fasteners
- Key Plastics
- Keyes, Allan
- Keystone Discount Stores
- Keywell Corporation
- KFSM-TV, Fort Smith, Kan.
- Kings County PAC
- Kissinger, Henry
- Klingenstein
- Klotz, John
- Knight, Philip H.
- Kogod, Robert
- Kohl, Herb
- Kohlberg Kravis Roberts & Company
- Kondracke, Morton
- Koor Industries
- Kosher cookbooks
- Kovner, Bruce
- Kozmetsky, George
- KPRC-TV, Houston
- Kraft
- Kraft Foods
- Krasny, Michael
- Krauthammer, Charles
- Kravis
- Kravis, Henry
- Krefetz, Gerald
- Kripke
- Kristol, Irving
- Kristol, William
- Kronish, Lieb, Weiner & Hellman
- KSAT-TV, San Antonio
- Kudlow, Lawrence

- Kuhn-Loeb (banking empire)
- Kumnick, Barry
- Ladd, Everett Carl
- Lakeland (Fla.) Lender
- Lampert, Edward S.
- Landau, Eli
- Landegger
- Landers, Ann
- Lane Bryant
- Lansky, Meyer
- Lantos, Tom
- Lauder
- Lauren, Ralph
- Lautenberg, Frank
- Lay, Kenneth and Linda
- Lazare, Bernard
- Lazare, Daniel
- Leasco
- Lecky, William
- Ledeen, Michael
- Lee Thomas H.
- LeFrak, Samuel
- LEGI-SLATE Inc.
- Lehman
- LEKEM
- Lender
- Lender, Marvin
- Lenfest, Gerry
- Leo, John
- Leon Levy
- Lerner
- Lerner Beck, Nancy
- Lerners
- Leventhal & Sidman

- Levin
- Levin, Carl
- Levin, Sander
- Levine, Leon
- Levine, William
- Levinson
- Levy
- Lewis, Charles
- Lewis, Peter B.
- Lewis, Roberta
- Lexington (N.C.) Dispatch
- Liberty Cable Television Company
- Liberty Lobby
- Lieberman
- Lieberman, Joe
- Limbaugh, Rush
- Limited
- Limited stores
- Lindberg, Todd
- Lindenbaum, Ghity Amiel
- Lindner, Carl
- Lion Advisor, LP
- Lipper, Kenneth
- Lippert
- Lipset, Seymour Martin
- Lipsky, Seth
- Liquor
- List
- Litwin, Leonard
- Loeb
- Loeb Rhoades
- Loew
- London Jewish Chronicle
- Long Island PAC

- Long, Huey P.
- Lonillard
- Los Angeles Times
- Los Angeles Times-Washington Post News Service
- Louisianans for American Security PAC
- Lowenberg
- Lowenberg Corporation
- Lower Westchester PAC
- Lowey, Nita
- Lowry, Rich
- Luciano, Charles "Lucky"
- Lundberg, Ferdinand
- Lurie, Robert
- MacAndrew & Forbes
- Mack
- Mademoiselle
- Magness, Gary
- Maimonides College
- Malden Mills (textile empire)
- Malkin, Judd
- Mall of America
- Malnik, Alvin
- Mandel
- Mann, Alfred
- Manpower
- Marathon Oil
- Marcus
- Marcus Bernard
- Marcuse, Herbert
- Margolit, Avishai
- Marley, Kemper
- Marmon Group
- Mars Candy
- Mars, Forrest Edward

- Marx
- Marx, Claire
- Mary Carter Paint Company
- Maryland Association for Concerned Citizens
- Maslow, Will
- Massachusetts Congressional Campaign Committee
- Massell, Ben
- Masters of the New Universe
- Material Service Corp.
- MBNA
- MCA
- McCain, John
- McCall's magazine
- McCarthy, Joseph R.
- McCloy, John
- McLaughlin Group
- McMahon, Julie
- Mega Group
- Mendik, Bernard
- Menschel
- Merkin
- Merkin & Co.
- Messick, Hank
- Metalcraft Corporation
- Metropolitan Theatres Corporation
- Meyer-Graham
- Meyerhoff
- Meyerson
- Miami Heat
- Mid-Manhattan PAC
- Milchan, Arnon
- Milken
- Milken, Michael
- Miller-Whol

- Millstein
- Milstein
- Milstein Properties
- Mississippi Press (Pascagoula)
- Mississippi Press Register (Pascagoula)
- Mississippians for Responsive Government
- MIT
- Mobile Press
- Mobile Press Register
- Mobile Register
- Mobilization PAC
- Moore, Gwen
- Moore, Jerry
- Mopac
- Morgan
- Morgan, Frank
- Morris, Dick
- Mossad
- Mt. Sinai Hospital
- Muhammed, Mahathir
- Multi-Issue PAC
- Murdoch, Rupert
- Musher
- Muss, Stephen
- Nabisco
- Nadler, Jerrold
- Nagel
- Nagel Construction Company
- Nash
- Nasher
- Nathanson, Marc B.
- National Action Committee
- National Association of Corporate Directors
- National Bipartisan PAC

۲۷۷ ■ چند نکتہ پایانی ...

- National Can
- National Conference of Catholic Bishops
- National Interest
- National Journal
- National Lampoon
- National PAC
- National Police Gazette
- National Review
- National Security Agency
- National Service Industries
- Naumov, Vladimir
- NBC
- NCH Corp.
- Neiman-Marcus
- Nesher
- New Babylon
- New England Patriots
- New Israel Fund
- New Jerusalem
- New Orleans Times-Picayune
- New Republic
- New World Order
- New York Daily News
- New York magazine
- New York Post
- New York Review of Books
- New York Sun
- New York Times
- New York Times News Service
- New Yorker
- Newhouse
- News –Sun (Perry County)
- Newsweek
- Nickelodean and MTV

- Nidetch, Jean
- Nieman –Marcus Department Store
- Nike
- Noonan, Peggy
- North, Oliver
- Northeast Penn PAC
- Northern New Jersey PAC
- NorthPark
- Northwestern University
- Norton Simon
- Novecentro Corporation
- O'Leary, Mark
- O'Reilly, Bill
- Ober, Richard
- Ocala (Fla.) Star-Banner
- Ocean State PAC
- Odyssey Partners
- Office of Special Investigations (OSI)
- Offit
- Offit Associates
- Offitbank
- Olnick, Robert
- Operation Mockingbird
- Oppenheimer, John
- Oracle Corp.
- Oregonian
- Orr, Ben
- Osher, Bernard A.
- Oswald, Lee Harvey
- Ovitz, Michael
- Pabst beers
- Pacers basketball team
- Pacific PAC
- Page, Larry

- Palevsky, Max
- Paley, William
- Parade magazine (the famous Sunday supplement)
- Paramount Pictures
- Paramount Studios
- Park Plaza hotel
- Parker, Jack
- Patriot Act
- Patriot -News (Harrisburg)
- Paul, Weiss, Rifkind Wharton & Garrison
- Peabody Hotel (Memphis) Group
- Pearle
- Pearle Vision Centers
- Peck
- Peltz, Nelson
- Pennsylvania PAC
- Pepperdine University
- Perelman
- Perelman, Ron
- Peretz, Martin
- Perle, Richard
- Permindex Corporation
- Perot Systems Corporation
- Perot, Ross
- Perry County Times
- Petrie Stores Corporation
- Petrie, Milton
- Peyser, Andrea
- Philadelphia Eagles
- Philadelphia Inquirer
- Philipp Brothers firm
- Phillips, Kevin
- Pickens, T. Boone
- Pic-n-Save

- Pipes, Daniel
- Pizzo, Stephen
- Plain –Dealer (Cleveland)
- Plaza Hotel
- Podhoretz, John
- Podhoretz, Norman
- Pohlad, Carl
- political action committees (PAC)
- Polk
- Polk Brothers department stores
- Polk, Howard
- Pollard, Jonathan
- Posner, Gerald
- Posner, Victor
- Post-Newsweek Cable
- Poultry, kosher
- Premier Farnell PLC
- Price, Michael F.
- Price, Sol
- Princeton University
- Pritzker
- Progressive Corp.
- PROMIS
- Public Broadcasting System
- Public Interest
- Pulitzer
- Puritanism
- Putin, Vladimir
- Quaker Oats
- Qualcomm
- R R D and B Good Government Committee
- R.H. Macy
- Radiator Speciality Company
- Radio host

- Rady, Ernest S.
- Rales
- Random House Publishing
- Rapid American Corporation
- Ratiner, Leigh
- Ratner
- Reason Magazine
- Redstone
- Reebok
- Reichmann
- Rein, Stephanie
- Reliable Stores Corporation
- Reliance Insurance
- Religion and Tolerance Committee
- Remnick, David
- Republic National Bank
- Republic New York Corporation
- Resnick
- Resorts International
- Revlon
- Rich
- Rich, Marc
- Richardson, Elliot
- Riconosciuto, Michael
- Rifkind
- Rifkind, Malcolm
- Riis, Jacob A.
- Riklis, Meshulum
- Rite Aid Pharmacies
- RJR Nabisco
- RKO
- Robert Arnow, Jack & Alan Weiler
- Roberts, George R.
- Robertson, Pat

- Robinson, Aubrey
- Rock, Arthur J.
- Rockefeller
- Rohr., George
- Roll Call
- Roosevelt, Franklin D.
- Rose
- Rose Associates
- Rosenbaum, Tibor
- Rosenberg, Ruth
- Rosenman & Colin
- Rosenthal, A.M.
- Rosenwald
- Ross, Wilbur L.
- Roswell, Arthur
- Rothman, Steve
- Rothschild
- Roundtable PAC
- Royal Caribbean Cruise Lines
- Ruben
- Rubenstein, Terry
- Ruby, Jack
- Rudin
- Rudin Management
- Ruffin, Phillip
- Rukeyser, louis
- Saban, Haim
- Sackler
- Sackler, Arthur
- Sacramento Area Good Government Association
- Sacramento Kings
- Safire, William
- Safra
- Saginaw News

- Salomon Brothers, Inc.
- Saltz, Anita
- Sam Stein
- Samson Investment Company
- Samueli, Henry
- San Diego Community PAC
- San Franciscans for Good Government
- Sanders, Bernie
- Sandler, Herbert
- Santa Barbara News-Press
- Sara Lee
- Saul
- Saunders
- Saunders Real Estate Corp.
- Schakowsky, Jan
- Scheuer
- Schiff Mortimer
- Schiff, Adam
- Schindler's List
- Schlessinger, Laura
- Schlitz Brewing
- Schmidt, Eric
- Schnitzer
- Schocken Books
- Schottenstein
- Schottenstein Stores Corporation
- Schumer, Charles
- Schusterman
- Schusterman Foundation
- Schwartz, Allyson
- Schwarzman, Stephen
- Schwarzschild, Henry
- Seagrams Company
- Sears & Roebuck

- Seattle PAC
- Selig
- Sera-Tec Biologicals
- Shamrock Holdings
- Sharansky, Natan
- Sharon Steel
- Sharp, Peter
- Shaw, Clay
- Shearon Lehman
- Shearson Lehman
- Sherman, Brad
- Shoen, Leonard
- Shorenstein, Walter
- Siegel, Benjamin "Bugsy"
- Siegel, Herbert
- Siegel, Karola Ruth
- Silbiger, Steven
- Silicon Valley
- Silver State PAC
- Silverstein
- Silverstein, Lawrence
- Simon
- Simon & Schuster
- Simon Wiesenthal Center
- SKG
- Skirball
- Skyline City
- Slaughter, Thomas
- Slifka
- Slim-Fast Diet
- Slomovitz, Philip
- Smith Barney Mutual Funds
- Smith Richard
- Smith, Charles E.

- Snapple
- Snow, Tony
- Snyder, Daniel
- SoHo Grand Hotel
- Sokoloff, Bruce
- Solow, Sheldon
- Sonesta International Hotels Corporation
- Sonnabend
- Sooner Pipe
- Soros, George
- Sotheby
- South Bay Citizens for Good Government
- South Carolinians for Representative Government
- South Florida Caucus
- South Texas Area PAC
- South-Brook PAC
- Southwest Political Action Caucus
- Sowell, Thomas
- Spartanburg Herald-Journal
- Specter, Arlen
- Spertus
- Spielberg
- Spiro, Ian Stuart
- Sportmart
- Spotlight
- Spy magazine
- St. Louis PAC
- St. Louis Post Dispatch
- St. Louisans for Better Government
- Stahl, Stanley
- Star -Ledger (Newark)
- Stark, Ray
- State Pac
- Stein, Jane

- Stein, Mary Ann
- Steinberg
- Steinberg, Saul
- Steinem, Gloria
- Steiner
- Steinhardt
- Steinhardt, Michael
- Steinmart store
- Stern & Lindenbaum
- Stern, Leonard
- Stern, Malcolm H.
- Stone
- Stone Container Co.
- Stoneman
- Straus Aaron
- Straus Nathan & Oscar
- Strauss
- Strauss, Levi
- Strelitz
- Study Group
- Suffolk PAC
- Sullivan, Andrew
- Sulzberger
- SunAmerica, Inc.
- Sunbeam TV Corp.
- Supply Corporation
- Swank-Fowler company
- Swig
- Swig, Benjamin
- Syms
- Syms Corp.
- T.J. Maxx stores
- Taper, Sydney
- Tauber

- Tauber, Laszlo
- Taubman
- Taubman, Alfred
- Teel, S. Martin
- Teledyne
- Tennesseans for Better Government
- Texas Pacific Oil
- Thalheimer, Fanny
- Thanks to Scandinavia
- The Limited
- Third General Hospital of the United States Army
- Thomas, Cal
- Thomas, Evan
- Thomas, Michael
- Thompson, Thomas L.
- Thornburgh, Dick
- Ticketmaster
- Time
- Time Warner
- Times (Bay City)
- Times (Trenton)
- Times-Picayune newspaper
- Tisch
- Tisch, Laurence
- Tisch, Preston
- Tishman
- To Protect Our Heritage
- Topac
- Torrio, Johnny
- Trade Development
- Transamerica Publishing and News Service
- Travelers Group
- Triangle Publications
- Trizec Corp.

- Trohan, Walter
- Trotsky, Leon
- Trump, Donald
- Tuscaloosa (Ala.) News
- TV Guide
- TWA
- Twentieth Century Fox
- Tx PAC
- Tyrell, Emmett
- U.S. Health Care Systems, Inc.
- U.S. Holocaust Memorial Museum (in Washington)
- U.S. News and World Report
- U.S. Senate Judiciary Committee
- U-Haul
- Ullman, Liv
- Unilever
- United Bands
- United Jewish Appeal
- United Jewish Appeal-Federation
- United Way
- Universal Furniture
- Universal Studios
- University of Chicago
- Urban Substructures, Inc.
- USX
- Value City Department Stores
- Value City Furniture
- Van-Buren
- Vanity Fair
- Verjudung
- Viacom, Inc.
- Victoria's Secret
- Village Voice newspaper
- Vivendi Corporation

- **Vogue**
- **Von Hoffman, Nicholas**
- **Wall Street**
- **Wall Street Journal**
- **Wallerstein, Immanuel**
- **Walt Disney Company**
- **Walters Construction Management Political Committee**
- **Warburg**
- **Warren Commission**
- **Warrington Products**
- **Washington Post**
- **Washington Post National Weekly Edition**
- **Washington Times**
- **WASP**
- **Wasserman**
- **Wasserman Schulz, Debbie**
- **Watches, Bulova**
- **Watergate**
- **Wattenberg, Ben**
- **Waxman**
- **Waxman, Henry**
- **WDIV-TV, Detroit**
- **WDSU**
- **Webb, Robin**
- **Weekly Standard**
- **Weight Watchers International**
- **Weil Gotshal & Menges**
- **Weiler**
- **Weiler, Jack**
- **Weill**
- **Weill, Sanford**
- **Weinberg**
- **Weinberg, Harry**
- **Weiner**

- Weiner, Anthony
- Weiss, Philip
- Weizmann Institute of Science
- Westheimer, Ruth
- Wexler, Robert
- Wexner
- Weymouth, Lally
- WFSB, Hartford, Conn.
- WHNT-TV, Huntsville, Ala.
- Who's Who in America
- Wien, Lawrence
- Willamette PAC
- Will, George
- William Davidson Institute
- Williams, Edward Bennett
- Wilson, Woodrow
- Winik
- Winter
- Winthrop, John
- Wirtz
- Wise, Steven
- WJXT-TV, Jacksonville, Fla.
- WNEP-TV, Scranton, Pa.
- Wolfensohn
- Wolfowitz, Paul
- Wolfson
- Wolfson Initiative Corporation
- Wolfson-Meyer Theater Company
- Women's pro-Israel National PAC
- Wometco
- Woocher, Jonathan
- World Jewish Congress
- World Trade Center
- WPLG-TV, Miami

۲۹۱ ■ چند نکته پایانی ...

- WQAD-TV, Moline, Ill.
- WQEWS (AM), N.Y.
- WQXR (FM), N.Y.
- WREG-TV, Memphis, Tenn.
- WTKR-TV, Norfolk, Va.
- Wyden, Ron
- Wynn, Stephen
- Yale University
- Yeshiva University
- Young Americans PAC
- Young, Cathy
- Zaban
- Zale
- Zarrow
- Zell, Sam
- Zep Manufacturing
- Ziff Davis Publishing
- Ziff, Dirk
- Ziff, William
- Ziggy
- Zilkha
- Zimmerman
- Zion, Sid
- Zionism
- Zuckerman, Mortimer

